

دانش خانواده و معیشت

جمع‌آوردن نویسندگان



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سایت و انجمن علمی تخصصی مهندسی شیمی

SUTCHE.COM & COMMUNITY.SUTCHE.COM



دانشجوی گرامی

برای شرکت در قرعه کشی، فقط سریال هولوگرام روی جلد کتاب را
به شماره «۳۰۰۰۸۵۸۵» پیامک فرمایید.
جوایز قرعه کشی شامل کمک هزینه عمره، عتبات و... می باشد. برای
دریافت جایزه ارائه کتاب با مهر فروشنده الزامی است.

سرشناسه:	آیت‌اللهی، زهرا، ۱۳۳۹ -
عنوان و نام پدیدآور:	دانش خانواده و جمعیت / جمعی از نویسندگان؛ تدوین نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی.
مشخصات نشر:	قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری:	۲۴۸ ص.
فروست:	مجموعه اخلاق اسلامی؛ ۳۶
شابک:	978-964-531-583-0
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
یادداشت:	زهرا آیت‌اللهی، امیرحسین بانکی‌پورفرد، شیما سادات حسینی، محمود حکمت‌نیا، مونس سیاح، محمدجواد محمودی، بتول نامجو
موضوع:	خانواده‌ها
موضوع:	تنظیم خانواده
موضوع:	جمعیت‌شناسی
موضوع:	خانواده‌ها - جنبه‌های مذهبی - اسلام
شناسه افزوده:	نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
شناسه افزوده:	دانشگاه معارف اسلامی، معاونت پژوهشی.
شناسه افزوده:	نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف.
رده‌بندی کنگره:	HQ ۷۴۳/۵۲ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی:	۳۰۶/۸۵
شماره کتاب‌شناسی ملی:	۳۳۶۹۲۸۹

استاد محترم و دانشجوی عزیز

خواهشمند است با ارائه دیدگاه‌های خود ما را در رفع نواقص و ارتقای کتاب یاری بخشید.

شماره تلفکس واحد ارزیابی علمی: ۳۷۷۴۹۹۱۹ - ۰۲۵

صندوق پستی: ۶۱۷۳ - ۳۷۱۵۵

پست الکترونیکی: arzyabi@maaref.ac.ir

دانش خانواده و جمعیت

نویسندگان:

زهرا آیت‌اللهی

دکتر امیرحسین بانکی پورفرد

شیما سادات حسینی

دکتر محمود حکمت‌نیا

دکتر مونس سیاح

دکتر محمدجواد محمودی

دکتر بتول نامجو

بাহمکاری: گروه مطالعات زنان و خانواده پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی



مجموعه اخلاق

۳۶

دانش خانواده و جمعیت

نویسندگان: زهرا آیت‌اللهی، امیرحسین بانکی‌پورفرد، شیماسادات حسینی، محمود حکمت‌نیا، مونس سیاح، محمدجواد محمودی و بتول نامجو

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

حروفچین: اعظم یزدلی

ویراستار: مرضیه کرمی

صفحه‌آرا: سعید نائینی

طراح جلد: سید علی روحانی

ناشر: دفتر نشر معارف

نوبت چاپ: بیست و پنجم، بهار ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰۰۰ نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

شابک: ۰ - ۵۸۳ - ۵۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

کلیه حقوق محفوظ است

مراکز پخش:

مدیریت پخش دفتر نشر معارف: قم، خیابان شهدا، کوچه ۳۲، شماره ۳، تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۰۰۰۴

■ قم: ۳۷۷۳۵۴۵۱-۰۲۵ ■ تهران: ۸۸۹۱۱۲۱۲-۰۲۱ ■ مشهد: ۳۲۲۲۰۱۱۹-۰۵۱

■ شیراز: ۳۲۳۴۴۶۱۵-۰۷۱ ■ کرمانشاه: ۳۷۲۳۸۴۱۱-۰۸۳ ■ کرمان: ۳۲۲۳۱۴۶۶-۰۳۴ ■ رشت: ۳۳۳۲۰۶۹۷-۰۱۳

■ تبریز: ۳۵۵۷۶۰۰۰-۰۴۱ ■ کرج: ۳۴۴۳۵۲۹۰-۰۲۶ ■ شهرکرد: ۳۲۲۴۳۲۲۲-۰۳۸ ■ قزوین: ۳۳۳۶۲۸۰۶-۰۲۸

■ ساری: ۳۳۲۵۳۰۲۰-۰۱۱ ■ ارومیه: ۳۲۳۵۴۵۲۲-۰۴۴ ■ اراک: ۳۲۲۲۹۰۳۸-۰۸۶ ■ اصفهان: ۷۷۵۵۱۶۳-۰۹۱

■ اردبیل: ۳۳۲۶۰۳۱۴-۰۴۵ ■ ایلام: ۷۷۵۵۱۸۸-۰۹۱ ■ گرگان: ۷۷۵۵۱۷۲-۰۹۱ ■ بیرجند: ۳۲۴۲۰۰۷۸-۰۵۶

نشانی الکترونیکی: E-mail: info@ketabroom.ir؛ پایگاه اینترنتی: www.ketabroom.ir

سخن آغازین

بنیاد خانواده به‌عنوان یک واحد اجتماعی کوچک جایگاه رفیع و پر منزلتی در رشد و توسعه مادی و معنوی هر جامعه‌ای دارد و در متون دینی نیز بدان توجه ویژه‌ای شده است تا جایی که پیامبر اکرم هیچ بنایی را در اسلام محبوب‌تر از خانواده نزد خود نمی‌داند.

«دانش خانواده و جمعیت» عنوان دو واحد درسی است که مهم‌ترین مباحث مرتبط با خانواده را در عرصه‌های اخلاقی، حقوقی، اقتصادی و روان‌شناختی مورد توجه قرار داده است. دانشگاه معارف اسلامی براساس تجربه خود در تدوین کتاب *اخلاق خانواده* و اهداف مشترکی که در سرفصل‌های ارائه شده از سوی وزارت علوم و وزارت بهداشت در درس «دانش خانواده و جمعیت» پیش‌بینی شده، اقدام به تألیف کتاب پیش‌رو نموده است. این مجموعه شامل گزیده‌ای از دانش‌های شناختی، مهارتی و رفتاری است که می‌تواند جوانان را در فراگیری مهارت‌ها و آمادگی‌های قبل از ازدواج و نیز نحوه مدیریت عاطفی، اخلاقی و رفتاری پس از ازدواج یاری رساند.

در این کتاب ضمن تبیین مهارت‌های ارتباطی لازم بین اعضای خانواده، مسائلی همچون آگاهی‌های حقوقی، دانش‌ها و مهارت‌های ضروری در اقتصاد خانواده و شیوه حل مشکلات و آسیب‌های خانواده نیز مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

این اثر که اولین گام در ارائه متن آموزشی «دانش خانواده و جمعیت» است، به کوشش اساتید محترم آقایان دکتر امیرحسین بانکی‌پورفرد، دکتر محمود حکمت‌نیا و دکتر محمدجواد محمودی و خانم‌ها زهرا آیت‌اللهی، شیما سادات حسینی، دکتر مونس سیاح و دکتر بتول نامجو و نیز

با استفاده از ایده‌های آقایان دکتر محمود گلزاری، حسین بستان و محمدرضا سالاری‌فر تدوین شده است.

دانشگاه معارف اسلامی ضمن سپاس از نویسندگان محترم به‌ویژه سرکار خانم زهرا آیت‌اللهی که بدون تلاش ایشان اثر حاضر به نتیجه نمی‌رسید، از همه عزیزانی که زمینه شکل‌گیری این اثر را فراهم نمودند، قدردانی می‌نماید. همچنین از مدیر محترم گروه اخلاق اسلامی، آقای محمدجواد فلاح که ضمن داوری این اثر، پیشنهادهایی برای ارتقای آن ارائه کردند، سپاسگزاری می‌شود. از کارشناس گروه جناب آقای مهدی فدایی و مدیر امور پژوهشی آقای سید سعید روحانی و همکاران ایشان که در انتشار به‌هنگام این اثر نقش مؤثری داشتند نیز قدردانی می‌شود.

امید است اساتید و دانشجویان محترم با ارائه پیشنهادها و دیدگاه‌های خویش، ما را در رفع کاستی‌های این اثر یاری رسانند.

معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی

فهرست مطالب

مقدمه ۱۵

فصل اول: تشکیل خانواده

(۶۴-۱۷)

اهداف درس	۱۹
نیازهای اساسی انسان	۱۹
آسیب‌های قبل از ازدواج	۲۱
یک. روابط آزاد با جنس مخالف و پیامدهای آن	۲۱
دو. دوستی با جنس مخالف و پیامدهای آن	۲۶
خویشترداری و مدیریت آسیب‌های قبل از ازدواج	۳۱
تشکیل خانواده و کارکردهای آن	۴۱
یک. اهمیت و ضرورت ازدواج	۴۱
دو. کارکردهای ازدواج	۴۲
انتخاب همسر شایسته	۴۴
یک. معیارهای همسرگزینی	۴۴
۱. همتایی و همانندی	۴۴
۲. خوش اخلاقی	۴۵
۳. تقوا	۴۵
۴. سلامت	۴۵
دو. مهارت‌های انتخاب همسر شایسته	۴۶
۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی	۴۶

۴۶	۲. راه‌های شناخت فرد مناسب برای ازدواج
۴۶	۳. سؤالاتی برای شناخت بیشتر
۴۹	تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف
۴۹	یک. اشتغال به تحصیل
۵۰	دو. سطح تحصیلات
۵۱	سه. مسائل اقتصادی
۵۲	چهار. خدمت سربازی
۵۲	پنج. طلاق پدر و مادر
۵۳	شش. اعتیاد والدین یا سوء سابقه آنان
۵۳	هفت. سن ازدواج
۵۳	نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس
۵۴	هشت. بیماری والدین
۵۴	نه. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری
۵۵	ده. باورهای اشتباه
۵۶	یازده. اختلاف نظرهای سیاسی
۵۷	دوازده. تفاوت فرهنگی
۵۷	سیزده. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست
۵۷	چهارده. مخالفت والدین
۵۸	پانزده. سراغ نداشتن فرد مناسب
۵۸	شانزده. ازدواج فامیلی
۵۹	هفده. ازدواج با سرپرست خانواده
۵۹	هجده. معلولیت
۶۰	نوزده. تعداد جمعیت اعضای خانواده
۶۱	نمودار مطالب فصل
۶۳	پرسش
۶۳	منابعی جهت مطالعه بیشتر

فصل دوم: حقوق، مسئولیت و تعالی خانواده

(۶۵ - ۹۸)

۶۷	اهداف درس
۶۷	اصول و مبانی الگوی اسلامی خانواده
۶۸	یک. اصول ناظر بر روابط اعضای خانواده
۶۸	۱. اصل مکمل بودن
۶۸	۲. اصل تعاون

۶۹	۳. اصل مودت
۶۹	۴. اصل معاشرت به معروف
۷۰	۵. اصل تناسب حق و مسئولیت
۷۰	دو. اصول ناظر به ماهیت جمعی خانواده
۷۰	۱. اصل قداست
۷۱	۲. اصل استحکام
۷۱	۳. اصل وحدت
۷۲	۴. اصل مراعات حریم خصوصی
۷۲	۵. اصل رعایت مصالح کودک
۷۳	۶. اصل حمایت
۷۳	حقوق و تکالیف اعضای خانواده
۷۳	یک. حقوق و مسئولیت‌های مالی زوجین
۷۴	۱. آزادی اقتصادی و مالی در خانواده
۷۴	۲. آزادی اقتصادی و مالی در بیرون خانواده
۷۶	دو. حقوق و مسئولیت‌های مالی مردان در خانواده
۷۶	یک. نفقه
۷۹	دو. مهریه
۸۲	سه. ارث زن و شوهر
۸۳	حقوق و مسئولیت‌های غیرمالی زوجین در خانواده
۸۳	یک. حقوق و مسئولیت‌های مشترک
۸۳	۱. حسن معاشرت
۸۶	۲. اسکان مشترک
۸۶	۳. وفاداری
۸۸	۴. مشارکت و همکاری در امور خانواده
۸۸	۵. حضانت و تربیت فرزندان
۸۹	دو. حقوق و مسئولیت‌های اختصاصی مردان
۸۹	۱. مدیریت خانواده
۹۰	۲. تمکین زوجه
۹۱	۳. ولایت بر فرزندان
۹۱	رشد فضایل اخلاقی و معنوی در خانواده
۹۳	یک. توجه به حضور خداوند در زندگی
۹۳	دو. شناخت معصومین <small>علیهم‌السلام</small> و عمل به سیره آنان
۹۴	سه. شناخت رذایل و فضایل اخلاقی
۹۶	نمودار مطالب فصل

- ۹۷..... پرسش
- ۹۷..... منابعی جهت مطالعه بیشتر.

فصل سوم: تحکیم خانواده

(۹۹ - ۱۳۶)

- ۱۰۱..... اهداف درس
- ۱۰۱..... عوامل استحکام خانواده
- ۱۰۱..... یک. دین‌داری
- ۱۰۵..... دو. همدلی
- ۱۰۷..... سه. ارضای نیازهای جنسی
- ۱۰۹..... نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر
- ۱۰۹..... چهار. مدیریت اقتصادی خانواده
- ۱۱۰..... پنج. محبت به اعضای خانواده
- ۱۱۱..... شش. مشخص و متعادل نمودن انتظاراتها
- ۱۱۲..... هفت. مشورت و کسب توافق در خانواده
- ۱۱۲..... هشت. رازداری
- ۱۱۳..... نه. عفو و گذشت
- ۱۱۳..... مهارت‌های تحکیم خانواده
- ۱۱۳..... یک. اظهار محبت
- ۱۱۴..... دو. ارتباط کلامی مناسب
- ۱۱۶..... سه. روابط زناشویی مطلوب
- ۱۱۶..... چهار. مهارت کسب درآمد و مدیریت مصرف
- ۱۱۶..... یک. کسب درآمد
- ۱۱۶..... ۱. مسائل مربوط به اشتغال مردان
- ۱۱۸..... ۲. مسائل مربوط به اشتغال زنان
- ۱۲۰..... دو. مدیریت مصرف
- ۱۲۲..... تقویت کارکردهای خانواده
- ۱۲۲..... یک. رعایت حدود مرزها در خانواده
- ۱۲۳..... دو. تأمین نیازهای عاطفی همسران، فرزندان و والدین
- ۱۲۴..... سه. فرزندآوری
- ۱۲۵..... چهار. تقویت نقش تربیتی خانواده
- ۱۲۶..... نقش اعضای خانواده
- ۱۲۶..... یک. زن و شوهر
- ۱۲۸..... دو. والدین و فرزندان
- ۱۳۰..... سه. بستگان

۱۳۴.....	نمودار مطالب فصل.....
۱۳۵.....	پرسش.....
۱۳۶.....	منابعی جهت مطالعه بیشتر.....

فصل چهارم: ایمن‌سازی خانواده

(۱۳۷ - ۱۷۸)

۱۳۹.....	اهداف درس.....
۱۳۹.....	نگاهی اجمالی به مسائل و مشکلات خانواده معاصر.....
۱۴۱.....	یک. افزایش سن ازدواج و مجردزیستی.....
۱۴۲.....	دو. افزایش اختلاف‌های خانوادگی.....
۱۴۲.....	سه. ضعف در کارآمدی خانواده‌ها.....
۱۴۳.....	عوامل تضعیف خانواده.....
۱۴۳.....	یک. عوامل شناختی.....
۱۴۳.....	۱. فقدان اطلاعات موردنیاز.....
۱۴۳.....	۲. انحرافات شناختی.....
۱۴۵.....	۳. ضعف سواد رسانه‌ای.....
۱۴۷.....	۴. بدگمانی و سوءظن به همسر.....
۱۴۷.....	دو. عوامل رفتاری.....
۱۴۸.....	۱. خودبرتری‌بینی.....
۱۴۸.....	۲. ارتباط کلامی نامناسب.....
۱۴۹.....	۳. عدم ارضای نیازهای جنسی.....
۱۴۹.....	۴. برنامه اقتصادی نامناسب.....
۱۵۰.....	۵. اعتیاد.....
۱۵۱.....	راه‌های ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها.....
۱۵۱.....	یک. آموزش همسران.....
۱۵۲.....	دو. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی.....
۱۵۲.....	سه. پرهیز از بدگمانی و سوءظن.....
۱۵۴.....	چهار. مواجهه صحیح با عیوب همسر.....
۱۵۶.....	پنج. مدیریت خشم و غضب.....
۱۵۸.....	شش. کسب مهارت حل مسئله.....
۱۶۰.....	فروپاشی خانواده.....
۱۶۰.....	یک. فسخ نکاح.....
۱۶۱.....	دو. طلاق.....

سه. عوامل طلاق.....	۱۶۴
۱. عوامل جهانی طلاق.....	۱۶۴
۲. علل طلاق در ایران.....	۱۶۵
چهار. پیامدهای طلاق.....	۱۶۶
۱. پیامدهای فردی.....	۱۶۷
۲. پیامدهای خانوادگی.....	۱۶۷
۳. پیامدهای اجتماعی.....	۱۶۹
پنج. راهکارهای کاهش طلاق.....	۱۶۹
شش. ترمیم خانواده‌های آسیب‌دیده از طلاق.....	۱۷۳
۱. تقویت فضایل اخلاقی.....	۱۷۳
۲. پذیرش موقعیت جدید.....	۱۷۴
۳. تقویت پیوندهای اجتماعی.....	۱۷۴
۴. توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق.....	۱۷۵
۵. تقویت نقش پدر پس از طلاق.....	۱۷۵
۶. ازدواج مجدد.....	۱۷۶
نمودار مطالب فصل.....	۱۷۷
پرسش.....	۱۷۸
منابعی جهت مطالعه بیشتر.....	۱۷۸

فصل پنجم: فرزندآوری و فرزندپروری

(۲۰۶ - ۱۷۹)

اهداف درس.....	۱۸۱
اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام.....	۱۸۱
آثار و فواید فرزندآوری.....	۱۸۵
یک. آثار و فواید جسمانی.....	۱۸۵
دو. آثار و فواید روحی - روان‌شناختی.....	۱۸۶
۱. احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن.....	۱۸۶
۲. عامل نشاط و سلامت روانی والدین.....	۱۸۶
۳. امید به آینده.....	۱۸۸
۴. رشد شخصیت.....	۱۸۸
۵. حس مفید بودن و ارزشمندی.....	۱۸۹
سه. آثار و فواید خانوادگی.....	۱۸۹
۱. استحکام خانواده.....	۱۸۹

۱۹۰	۲. پویایی خانواده.....
۱۹۰	۳. گسترش تعاملات و ارتباطات.....
۱۹۱	آسیب‌های تک‌فرزندی.....
۱۹۱	یک. آسیب والدین.....
۱۹۲	دو. آسیب فرزند.....
۱۹۴	اخلاق و آداب بارداری و تربیت فرزند.....
۱۹۴	یک. آداب دوران بارداری، زایمان و نوزادی.....
۱۹۴	۱. قبل از بارداری.....
۱۹۴	۲. حین انعقاد نطفه.....
۱۹۵	۳. دوران بارداری.....
۱۹۷	۴. مرحله زایمان.....
۱۹۸	۵. دوران نوزادی.....
۱۹۹	دو. اصول تربیت فرزند.....
۱۹۹	۱. اصل تدریج و توجه به مراحل تربیت فرزند.....
۱۹۹	۲. هماهنگی والدین در تربیت فرزند.....
۲۰۰	۳. اصل محبت.....
۲۰۱	۴. اصل احترام و تکریم.....
۲۰۱	۵. توجه به تفاوت‌های فردی.....
۲۰۲	۶. اصل اعتدال.....
۲۰۳	۷. اصل مدارا.....
۲۰۴	نمودار مطالب فصل.....
۲۰۵	پرسش.....
۲۰۵	منابعی جهت مطالعه بیشتر.....

فصل ششم: جمعیت

(۲۳۶ - ۲۰۷)

۲۰۹	اهداف درس.....
۲۰۹	تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی.....
۲۱۰	مراحل انتقالی جمعیت در جهان.....
۲۱۳	آمار نرخ باروری در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۰.....
۲۱۳	سیاست‌های جمعیتی با رویکرد ارتقای نرخ باروری.....
۲۲۱	جمعیت ایران.....
۲۲۱	یک. سیر تحولات جمعیت در ایران.....
۲۲۴	دو. عوارض تحولات جمعیت در ایران.....

۲۲۸.....	ناباروری.....
۲۲۸.....	یک. علل ناباروری.....
۲۲۸.....	دو. عوامل مؤثر بر ناباروری.....
۲۲۸.....	۱. تأثیر تغذیه ناسالم بر ناباروری.....
۲۲۹.....	۲. تأثیر مواد فریز شده بر ناباروری.....
۲۳۰.....	۳. تأثیر شرایط روحی و روانی بر ناباروری.....
۲۳۰.....	۴. تأثیر نوع لباس بر ناباروری.....
۲۳۰.....	۵. تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر ناباروری.....
۲۳۰.....	۶. تأثیر تکنولوژی بر ناباروری.....
۲۳۱.....	۷. تأثیر موادمخدر و مشروبات الکلی بر ناباروری.....
۲۳۲.....	۸. تأثیر مصرف سیگار بر ناباروری.....
۲۳۲.....	۹. تأثیر آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی بر ناباروری.....
۲۳۳.....	۱۰. تأثیر روش‌های پیشگیری از حاملگی بر ناباروری.....
۲۳۴.....	۱۱. تأثیر سن بر ناباروری.....
۲۳۴.....	سه. درمان ناباروری.....
۲۳۶.....	نمودار مطالب فصل.....
۲۳۶.....	پرسش.....

کتابنامه

(۲۳۷ - ۲۴۸)

مقدمه

براساس مصوبه شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی در اسفند ماه ۱۳۹۱، دو واحد درس عمومی اجباری دانش خانواده و جمعیت جایگزین درس جمعیت و تنظیم خانواده و از نیمسال اول سال تحصیلی ۹۳ - ۱۳۹۲ در دانشگاه‌ها ارائه گردید. هدف از این درس، آشنایی دانشجویان با مبانی و آموزه‌های بنیادین خانواده و مهارت‌های تشکیل، تحکیم و تعالی این نهاد و همچنین تسهیل ازدواج جوانان ذکر شده است. براساس این مصوبه، اهداف رفتاری این درس عبارتند از اینکه:

دانشجویان بتوانند مفاهیم بنیادین خانواده را براساس آموزه‌های دینی بیان کنند، با معیارهای انتخاب همسر آشنا شوند، مهارت‌های مورد نیاز در تشکیل خانواده و نحوه رفتار با همسر و سایر خویشاوندان را به دست آورند، با مفاهیم بنیادین مباحث جمعیت آشنا شوند و با فوائد فرزندآوری و آسیب‌های کاهش جمعیت در سطح ملی و پیامدهای تک‌فرزندی در ابعاد فردی و خانوادگی آشنا شوند.

از این رو کتاب حاضر برای تأمین منبع این دو واحد درسی و براساس سرفصل‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی تدوین گردید. در تألیف این کتاب، اساتید بزرگوار دکتر امیرحسین بانکی‌پورفرد در تألیف فصل اول، زهرا آیت‌اللهی در تألیف فصل دوم و چهارم، دکتر محمود حکمت‌نیا و شیماسادات حسینی در تألیف فصل سوم، دکتر محمدجواد محمودی، دکتر مونس سیاح و دکتر بتول نامجو در تألیف فصل پنجم نقش اساسی داشته‌اند. در نگارش

فصل اول از ایده‌های آقای دکتر محمود گلزاری و در فصل‌های دوم و سوم از نکات سودمند آقایان حسین بستان و محمدرضا سالاری فر استفاده بسیاری شده است.

گروه نویسندگان، تلاش معاونت پژوهشی دانشگاه معارف اسلامی به‌ویژه معاون محترم پژوهشی، جناب آقای دکتر غلامحسین گرامی و مدیر گروه اخلاق اسلامی، جناب آقای دکتر محمدجواد فلاح را ارج می‌نهد. همچنین از تلاش خانم‌ها زهرا رحیمی‌یگانه و فاطمه قاسم‌پور که در تدوین کتاب همکاری فراوانی داشته‌اند و نیز خانم‌ها سمیرا بیاتی که پیگیر اجرای کار و مرضیه کرمی که ویراستاری کتاب را برعهده داشته‌اند، قدردانی می‌گردد.

امید است این کتاب، دانشجویان گرامی را به اهداف موردنظر در تصویب این درس رهنمون شود.

گروه نویسندگان

فصل اول:

تشکیل خانواده

اهداف درس

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:
۱. جایگاه خانواده در برآوردن نیازهای اساسی انسان را برشمارند.
 ۲. آسیب‌های قبل از ازدواج را شناخته و راه‌حل آنها را بشناسند.
 ۳. با پیامدهای مثبت ازدواج آشنا شوند.
 ۴. با مهم‌ترین معیارهای همسرگزینی آشنا گردند.
 ۵. برخی موانع ازدواج و چگونگی مواجهه با آن را بشناسند.

نیازهای اساسی انسان

نیازهای انسان او را به حرکت و تکاپو و زندگی سوق می‌دهد. این نیازها در طبقه‌بندی‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ برخی نیازهای زیستی است که می‌توان آنها را اولین طیف از نیازهای انسان در آغاز حرکت در این عالم دانست؛ نیازهایی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و غیره. یک طیف هم نیازهای اجتماعی انسان است مانند نیاز به محبت، عاطفه، اجتماع، دوستی و ... انسان از آغاز حیات تا پایان آن، نیازهای متعدد و متفاوتی را در خود می‌یابد که مهم‌ترین این نیازها در دوران بلوغ خود را نشان می‌دهد.^۱

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نیازهایی که شخص بیش از پیش در خود احساس می‌کند نیاز به همراهی از جنس مخالف است تا بتواند به او آرامش عاطفی و روحی بخشیده و نیازهای

۱. بنگرید به: شرفی، تا فصل گل شدن؛ نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان، ص ۱۴۵.

همه جانبه او حتی امنیت و پناهگاه بودن و حس محبت و ایثار او را پاسخ دهد در این شرایط است که باید این نیازها به شکل صحیح مدیریت شود از جمله مهم‌ترین این نیازها نیاز عاطفی و جنسی است که بدان می‌پردازیم: ^۱ نیاز جنسی به همجنس‌های با هم محترماً توضیح دهید

یک. نیاز عاطفی: هر فردی، هم به ارتباط و تعامل با دیگران نیازمند است و هم به محبت کردن و مورد محبت واقع شدن.^۱ مزلو، روان‌شناس انسان‌گرا، در بیان سلسله نیازهای انسان، سومین نیاز اساسی وی را تعلق‌پذیری و محبت می‌داند که از طریق رابطه صمیمی با یک دوست، محبوب، همسر یا از طریق روابط اجتماعی در گروه برآورده می‌شود.^۲ موری^۳ نیز در مجموعه نیازهای بیست‌گانه انسان، نیاز به پیوندجویی و همکاری نزدیک و لذت‌بخش او را با فردی که به وی شباهت داشته باشد یا او را دوست بدارد، یادآور می‌شود.^۴

نیاز عاطفی به جنس مخالف در جوانی به اوج خود می‌رسد. در آموزه‌های دینی، برآورده شدن نیاز عاطفی و تأمین آرامش در چارچوب ازدواج توصیه و مجاز شمرده شده است.^۵

دو. نیاز جنسی: یکی از مهم‌ترین نیازهای زیستی، ارضای غریزه جنسی است. مزلو نیاز فیزیولوژیک را اولین نیاز ضروری انسان برمی‌شمارد که شامل نیاز به غذا، آب و ارضای غریزه جنسی می‌باشد.^۶

این نکته قابل توجه است که آنچه می‌تواند به چنین نیازهای اساسی و تکوینی در وجود انسان پاسخ گوید ازدواج است. اگر مسیر این نیازها به ازدواج ختم نشود و پایگاه خانواده محمل پاسخ به آنها نباشد، بزرگ‌ترین آسیب‌ها و مشکلات متوجه دختران و پسران جوان شده که تا آخر عمر ممکن است دامن آنها را گرفته و جبران آن به سختی و در برخی موارد ناممکن خواهد بود. از این جهت به برخی از آسیب‌هایی که قبل از ازدواج

۱. احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۲۸.

۲. پی‌شولتز و شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۴۹.

3. Henry Murry.

۴. همان، ص ۲۳۲.

۵. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ (روم ۳۰: ۲۱) و از نشانه‌های او این است که همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد.

۶. پی‌شولتز و شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۴۸.

اتفاق می‌افتد اشاره می‌کنیم و پس از آن مسئله ازدواج، اهمیت و کارکردهای آن را مورد توجه قرار خواهیم داد.

آسیب‌های قبل از ازدواج

از آنجا که گزینه جنسی بسیار قوی است و بسیاری از امور ذهنی، عاطفی، روانی و رفتاری انسان را درگیر خود می‌کند، همواره انسان‌ها و حتی مکاتب بشری برای سامان دادن آن دست به گزینش راه‌هایی می‌زنند که برای انسان خسارت و نابسامانی را به ارمغان می‌آورد که از جمله این پیشنهادها و راهکارها «روابط آزاد با جنس مخالف» و «دوستی با جنس مخالف» است. در این قسمت به این دو آسیب که نتایج تلخ‌تری را برای فرد و جامعه به دنبال دارد می‌پردازیم:

یک. روابط آزاد با جنس مخالف و پیامدهای آن

این روابط به معنای رفتار جنسی براساس میل و اراده خود فرد و رضایت طرف مقابل است و به‌جز رضایت دختر و پسر، محدودیت دیگری را نمی‌پذیرد. از این‌رو روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج بین طرفین پذیرفته می‌شود؛ حال آنکه ادیان و بسیاری از اندیشمندان، پاسخ به نیاز جنسی را فقط در قالب ازدواج جایز می‌شمارند. آگاهی نسبت به پیامدها و آسیب‌های چنین روابطی به مهارت‌های فرد در مدیریت شرایط مدد می‌رساند، این پیامدها از این قبیل است:

۱. افسارگسیختگی امیال جنسی: زیاده‌روی در ارضای گزینه جنسی نه تنها باعث ارضای کامل نمی‌شود، آسیب‌زا هم خواهد بود. گزینه جنسی مانند میل به آب و غذا و خواب نیست؛ چراکه آزاد گذاشتن این گزینه باعث شعله‌ورتر شدن آن می‌شود؛ همان‌گونه که غالب میل‌های روحی انسان، مانند تمایل به مقام، مال و علم از این قبیل است.

به تعبیر شهید مطهری: «در این مورد، هرچه عرضه بیشتر گردد، هوس و میل به تنوع افزایش می‌یابد.»^۱ از آنجا که هیچ دلی از هوس سیر نمی‌شود، تقاضای نامحدود، خواه‌ناخواه انجام‌نشده است و همیشه نوعی احساس محرومیت و دست نیافتن به آرزوها با آن همراه است

۱. مطهری، مسئله حجاب، ص ۱۱۳.

که این به اختلالات روحی و بیماری‌های روانی می‌انجامد و نمونه‌های آن امروزه در دنیای غرب بسیار به چشم می‌خورد.^۱

۲. احساس گناه: تخلف از هنجارهای اجتماعی و شکستن حریم و مرزهای خانواده که در ارتباط آزاد اتفاق می‌افتد، احساس گناه را در پی خواهد داشت که آن نیز پیامدهای روان‌شناختی، مانند خودسرزنی، احساس حقارت، در پیش گرفتن انزوا و دوری از روابط اجتماعی را به دنبال دارد.^۲

۳. محرومیت از ارزش‌های والای وجودی: انسان علاوه بر ارضای نیازهای فیزیولوژیک، باید درصدد ارضای نیازهای وجودی خود (نیاز به امنیت، تعلق‌پذیری، احترام و ...) باشد تا بتواند به اهداف والای انسانی دست یابد.

راجرز^۳ و مزلو، هدف والای انسانی را «خودشکوفایی» می‌دانند^۴ و آلپورت^۵ تبدیل شدن به انسان کامل و پخته را غایت اصلی برمی‌شمارد.^۶

فروروم نیز تحقق بخشیدن به استعدادها و قابلیت‌ها را هدف نهایی می‌داند.^۷ رسیدن به این اهداف مهم انسانی در گرو ارضای همه نیازهای انسانی به نحو مطلوب آن است. گاه برای رسیدن به این مهم باید نیازهای فیزیولوژیک محدود گردد؛ چراکه ارتباط آزاد و توجه افراطی به نیازهای فیزیولوژیک - از جمله نیازهای جنسی - انسان را از رسیدن به اهداف والا بازمی‌دارد.

از همین‌رو فروروم می‌گفت: «هرچه انسان‌ها در طول تاریخ، آزادی بیشتری به دست آوردند، بیشتر احساس تنهایی و انزوا کردند».^۸

۴. بروز ناهنجاری‌های اجتماعی: آزادی‌های جنسی، عامل مهمی برای بروز ناهنجاری‌های

۱. همان، ص ۸۷ - ۸۴.

۲. سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۲۱.

3. Carl Ragers.

۴. پی‌شولتز و شولتز، نظریه‌های شخصیت، ص ۳۸۸ - ۳۶۵.

5. Gordon Allport.

۶. همان، ص ۳۰۰.

۷. همان، ص ۲۲۱.

۸. همان.

اجتماعی و جرم و جنایت است. الکسیس کارل^۱ می‌گوید:

تمایلات جنسی، ارباب و فرمانروای بی‌چون و چرای افراد است. تاریخ ملت‌ها مانند تاریخ خانواده‌ها اغلب به چگونگی هوس‌های جنسی آنها بستگی داشته و تعداد زیادی از مردان، ثروت و شرف خود را در راه غنای جنسی از دست داده‌اند.^۲

۵. آسیب رساندن به زنان: بیشترین آسیب‌های ارتباط آزاد متوجه زنان است. خانم جینا لمبروزو^۳

می‌گوید:

اینکه گفته شود غرائز جنسی آزاد گذاشته شود و هر کس که مشتاق لذت و هوس‌رانی است، در پیروی از امیال خویش افسارگسیخته گردد، اگرچه در ظاهر مطلوب است، ولی برای زنان آسیب‌زا است؛ چراکه زنان دل‌خواه و فریبده به‌آسانی قادر بر نصاحت شوهر دیگران می‌شوند و زنان پارسا ساکن در دست دادن همسران خود می‌گردند و سرانجام در این عالم، بین زنان پارسا و نهنکار فرقی نباشد. ارتباط آزاد، سعادت ناچیزی نصیب زنان مردمنما می‌نماید و در عوض، آنهایی که دارای حس مادری و ارزش‌های بلند اجتماعی هستند، از پس رفته و نابود می‌گردند. سزاوار نیست زنانی که در خور تحسین‌اند، به‌حیاطر عده‌ای محدود فدا شوند. قوانین معمول ملل جهان نیز همین است که نباید مصالح اکثریت، فدای لذات قلیلی شود. تردیدی نیست که بهترین راه‌حل همان راهی است که پیشینیان انتخاب نموده‌اند؛ یعنی زناشویی.^۴

۶. بروز آسیب‌های عاطفی: ارضای نیازهای عاطفی باید کنترل شده و قانون‌مدار باشد.

تعاملات عاطفی آزاد زن و مرد، آسیب‌های فردی و اجتماعی فراوانی را به‌دنبال دارد. ایور موریش،^۵ جامعه‌شناس غربی، درباره لزوم قانون‌مندی در اعتماد و عواطف می‌گوید:

جامعه باید اظهار عواطف را به سامان درآورد و هر فرد بفهمد که مهار خود و قبول مسئولیت در قبال حالات عاطفی چقدر اهمیت دارد.^۶

1. Alexis Carrel.

۲. همان، ص ۲۲۹.

3. Gina Lombroso.

۴. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۱۵ - ۱۱۳.

5. Murysh.

۶. موریش، درآمدی در جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ص ۴۲.

هرگاه ارتباط آزاد که معمولاً ناپایدار و بدون چارچوب معین است، صورت می‌گیرد، هر کدام از طرفین می‌توانند بدون در نظر گرفتن احساسات دیگری، به این روابط پایان دهند که این می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد. از این رو می^۱ معتقد است عشق مراحلی دارد؛ از جمله میل روانی، که از طریق پیوند با فردی عزیز به وجود می‌آید. هر دو همسر در اثر وحدت و رابطه بادوام، شادی و شغف را تجربه می‌کنند؛ چراکه انسان نمی‌تواند بدون میل به وحدت باقی بماند.^۲ نتیجه اینکه، همان‌گونه که خانم لمبروزو تأکید دارد:

مرد در دنیای عشق، امیدوار است که قلب زن برای نخستین بار به روی او گشوده شده و اولین کسی باشد که در آستانه او راه می‌یابد و زن آرزومند است آخرین کسی باشد که در قلب مرد رسوخ کرده و در آن پناهگاه نیاز، برای همیشه جای گیرد.^۳

که این امر با ارتباط آزاد کاملاً منافات دارد.

۷. ظهور تنش‌های روانی: ارتباط آزاد با جنس مخالف، گاه به وابستگی عاطفی دختر و پسر می‌انجامد. پس از مدتی که وابستگی‌ها شکل گرفت، امکان جدایی از نظر روانی، بسیار سخت و مشکل‌آفرین می‌شود و در چنین مواقعی، جوانان به افسردگی شدید دچار می‌شوند؛ چون از طرفی در بسیاری از موارد، هر دو طرف یا یکی از آنها خواهان استمرار این ارتباط دوستانه هستند و از طرف دیگر، امکان ازدواج به دلیل ویژگی‌های شخصی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی وجود ندارد. از این رو دچار تنش می‌شوند و در یک بن‌بست سخت گرفتار می‌آیند.^۴ به علاوه، این وابستگی عاطفی در بسیاری از موارد، آفت بزرگی برای تمرکز حواس می‌شود؛ به گونه‌ای که ذهن را درگیر خود می‌کند و مطالعه و توجه در کلاس و تمرکز در هنگام کار را بسیار دشوار می‌سازد.^۵

1. Mey.

۲. فیست، نظریه‌های شخصیت، ص ۶۴۰.

۳. لمبروزو، روان‌شناسی زن، ص ۱۲۰.

۴. احمدی، روابط دختر و پسر، ص ۳۱.

۵. همان، ص ۳۱.

۸. بروز آسیب‌های معنوی: روابط آزاد زن و مرد از مصادیق شهوت‌رانی شمرده می‌شوند و برخی از روایات بر دوری گزیدن از شهوت‌رانی تأکید کرده‌اند. براساس این روایات، شهوت، دل را از محبت خدا خالی می‌کند،^۱ قاتل انسان، گذرگاه شیطان، سرسخت‌ترین دشمنان، فاسدکننده دین^۲ و بیمارکننده عقل است، افسوس در قیامت را به‌دنبال دارد^۳ و ترک آن، بهشت را ضمانت می‌کند.^۴ کسی که عقل او بر شهوتش غلبه کند، برتر از ملائکه می‌گردد و کسی که شهوت او بر عقلش غلبه کند، از چهارپایان پست‌تر خواهد شد.^۵

۹. فراوانی ازدواج‌های ناپایدار: روابط دختر و پسر اغلب براساس جاذبه‌های ظاهری شکل می‌گیرد و شرط اساسی یک ازدواج موفق، یعنی رعایت کفویت بین طرفین در آنها لحاظ نمی‌شود. در نتیجه، میزان موفقیت کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، ارتباط عاطفی دو جنس به وابستگی ختم می‌گردد و نقص‌ها دیده نمی‌شود. پیامبر اکرم (ص) در روایت مشهوری فرموده است: «دوست داشتن هر چیزی، انسان را کور و کر می‌کند.»^۶ وقتی هیجان‌ات فروکش کند، نقص‌ها نمایان شده، به کاهش رضایت‌مندی زناشویی و اختلافات خانوادگی می‌انجامد.

از این‌رو دوست داشتن به‌تنهایی برای شکل‌گیری یک ازدواج موفق کافی نیست؛ بلکه لحاظ کردن مشابهت‌ها و هم‌سطح بودن طرفین، شرطی ضروری است.^۷ به همین دلیل، طبق برخی از تحقیقات صورت گرفته در آمریکا، از هر صد ازدواج عشقی، نود و سه مورد آن با شکست دردناک مواجه شده است و در فرانسه، عمر متوسط هر ازدواج عشقی، سه ماه و نیم است.^۸

۱. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۲. همان، ص ۳۴۳.

۳. همان، ص ۳۴۷ - ۳۴۶.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۵۱.

۵. همان، ص ۲۱۰.

۶. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۸۰.

۷. سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۰.

۸. کی‌نیا، مبانی جرم‌شناسی، ج ۲، ص ۸۰۸.

۱۰. کاهش ازدواج: ارتباط آزاد با جنس مخالف، سبب کاهش ازدواج در جامعه نیز خواهد شد؛ زیرا براساس منطق مبادله، هنگامی که افراد به راحتی و با صرف هزینه اندک، امکان نیل به اهداف موردنظر خویش را به صورت پیاپی داشته باشند و بتوانند از این طریق خود را ارضا کنند، انگیزه زیادی برای جایگزینی شیوه‌های همراه با مسئولیت همچون ازدواج نخواهند داشت. از سوی دیگر، بسیاری از ازدواج‌های صحیح و سالم در اثر این گونه روابط آزاد در خانواده، کم‌کم متلاشی می‌شوند؛ چراکه ادامه چنین وضعی با توجه به جاذبه روابط بین دو جنس، زمینه مساعدی را برای بروز تنش، اختلاف، سوءمعاشرت، خیانت و طلاق پدید می‌آورد.^۱

۱۱. کاهش لذت جنسی: گرچه ارتباط آزاد، عطش روانی - جنسی را روزافزون می‌کند، استمرار این وضعیت و تجربه مکرر محرک‌های جنسی، آستانه تحریک حسی را بالا برده، لذت جنسی واقعی را به مرور کاهش می‌دهد. از بین رفتن لذت جنسی، آثار مخربی را در روابط بین همسران ایجاد می‌کند و زمینه ناسازگاری را فراهم می‌آورد.^۲ در آموزه‌های دینی، روی آوردن به فحشا به منزله زایل کننده لذت جنسی معرفی شده است. پیامبر ﷺ می‌فرماید: «خود را به زنا آلوده نکنید که خداوند لذت همسران را از درون شما می‌زداید».^۳

علاوه بر موارد فوق، خشونت‌های جنسی بر ضد زنان، بارداری‌های ناخواسته، سقط جنین، افزایش خانواده‌های تک‌والدینی و گسترش بیماری‌های مقاربتی (مثل ایدز)، از دیگر پیامدهای روابط آزاد با جنس مخالف است.^۴

دو. دوستی با جنس مخالف^۵ و پیامدهای آن

ارتباط با جنس مخالف با دوستی آغاز می‌شود و می‌تواند کوتاه‌مدت یا درازمدت باشد و در سطوح مختلف انجام گیرد. گرایش دختران و پسران به دوستی با جنس مخالف در آغاز

۱. بستان و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ص ۲۲۲.

۲. رجیبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، ص ۱۴۲.

۳. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۸.

۴. بنگرید به: زارعی توپخانه، «روابط آزاد زن و مرد از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی»، ماهنامه معرفت، ص ۹۶ - ۸۶.

۵. برای مطالعه تفصیلی این موضوع بنگرید به: گلزاری، ارتباط آگاهانه با جنس مخالف.

نوجوانی و به علت بیداری غرائز و شدت حالات هیجانی آغاز می‌شود. داشتن دوست، اعتماد به نفس را تأیید و تقویت می‌کند و نیازهای عاطفی و احساسی را تا اندازه‌ای تأمین می‌کند. برخی از پسران، داشتن دوست دختر را نوعی محبوبیت، قدرت اجتماعی و موفقیت برای خود می‌شمارند و در شرایطی که توانایی تشکیل خانواده از طریق ازدواج را ندارند، عده‌ای از آنان، نیازهای جنسی و عاطفی خود را از طریق دوستی‌های افراطی برطرف می‌نمایند. در مقابل، برخی از دختران ارتباط با پسران را نوعی جذابیت برای خود تلقی می‌کنند و تصورشان این است که این دوستی‌ها به ازدواج منتهی می‌شود.

هرچند برخی روان‌شناسان غربی برای دوستی با جنس مخالف فوایدی را برشمرده‌اند، بسیاری از آنان در کتاب‌ها و مقاله‌هایی که درباره خانواده، رفتار جنسی، روان‌شناسی زن، پرخاشگری و بروز حسادت نگاشته‌اند، پیامدهای ناگوار زیر را نیز ذکر کرده‌اند:

- پنهان کردن و تحریف هویت.
- بروز حسادت.
- افزایش خشونت در قرارهای عاشقانه.
- گرایش به الکل.
- گرایش به سوءمصرف مواد مخدر.
- افزایش تصادف‌های رانندگی.
- تشدید درگیری‌های خانوادگی.
- تجاوزهای جنسی به افراد آشنا (تجاوز در قرارهای عاشقانه).
- ارتکاب بزهکاری و خلاف‌های رفتاری.
- برقراری رابطه‌های جنسی پیشرفته.
- ابتلا به بیماری‌های مقاربتی مانند ایدز.
- بارداری‌های ناخواسته.
- اجبار به ازدواج زود هنگام.
- ابتلا به اختلالات هیجانی و عاطفی.

کازمارک و بک لند، در سال ۱۹۹۱ در مقاله‌ای با عنوان «سوگ محرومیت: گسسته شدن

پیوند عاشقانه یک نوجوان» که در شماره ۲۶ مجله *نوجوانی* به چاپ رسید، با استناد به چند بررسی علمی نشان دادند که وقتی رابطه عاطفی دو نفر قطع می‌شود، هر دو دچار حالاتی شبیه داغ‌دیدگی و سوگ می‌شوند که شدت این مسئله برای دختران بیشتر است. افت تحصیلی، بروز مشکلات جسمی، بی‌توجهی به لباس و ظاهر، کنار کشیدن از مسئولیت‌های شغلی و خانوادگی، تنها ماندن در اتاق خود، گوش دادن به موسیقی‌های غم‌انگیز و هم‌زمان اشتغال ذهنی به فرد سابق، از بارزترین نمونه‌های واکنش به جدایی است.

بلسک و باس،^۱ در سال ۱۹۹۴ با بررسی ۱۲۱ دانش‌آموز دبیرستانی دریافتند کسانی که مدت زیادی با یک یا چند نفر از جنس مخالف پیوند عاطفی برقرار می‌کنند، دچار کاهش عزت نفس می‌شوند.^۲ تحقیقات جونیر و اودری^۳ در سال ۲۰۰۰ نیز نشان داد که علائم افسردگی در دختران و پسرانی که درگیر رابطه‌های عاشقانه هستند، افزایش می‌یابد.^۴

ابی. ال فروث،^۵ در سال ۲۰۰۷ از پایان‌نامه دکترای خود در رشته روان‌شناسی با عنوان «قرار عاشقانه و سلامت روان نوجوانان» در یکی از دانشگاه‌های آمریکا دفاع کرد. او با مطالعه طولی روی ۱۳۱۶ نوجوان دختر و پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله نشان داد که داشتن رابطه عاطفی و عاشقانه با جنس مخالف، اعتماد به نفس را کاهش و افسردگی را افزایش می‌دهد. نوجوانان در زمان دوستی بیشتر دچار این دو ناراحتی روانی می‌شوند. البته دختران بیش از پسران افسردگی را تجربه می‌کنند و پسران هم بیش از دختران با کاهش سطح اعتماد به نفس روبه‌رو می‌شوند. همچنین تحقیقی دیگر نشان داد که در یک نمونه مختلط دختر و پسر، ۵۹ درصد دختران قربانی خشونت فیزیکی و ۹۶ درصد قربانی خشونت روانی شده‌اند و ۱۵ درصد نیز اجبار برای انجام عمل جنسی را تجربه کرده‌اند.^۶

1. Bleske, A. L. & Buss, D. M.

2. Bleske, A. L. & Buss, D. M., "can men and women be just fri-ends?", *Personal relationships*, No. 7, p. 131-151.

3. Jonior & Odir.

4. Joyner, k., & udry, J.R. "you don't bring me any thing but down: Adolescent romance and depression", *Journal of health and So-cial Behavior*, No. 41, p. 369-391.

5. Ebi. L. froth.

۶ جزل و دیگران، ۱۹۹۶، به نقل از: جیمز، ۲۰۰۰.

هازنبذ،^۱ از قرار ملاقات گذاشتن انتقاد کرده است؛ چراکه پیامد آن ایجاد روابط سطحی است. قرار ملاقات گذاشتن‌های چندگانه (قرار با تعداد زیادی از افراد در یک زمان) به دلیل سطوح پائین درگیری در روابط، موجب پایان یافتن آنها می‌شود و به همین دلیل، از تحول روابط هیجانی معنادار جلوگیری می‌کند. او معتقد است این زنجیره به تعارض در روابط عشقی و ناپایداری در ازدواج می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای دوستی با جنس مخالف، وادار شدن ناخواسته و اجباری به برقراری رابطه جنسی است. این پدیده که صحنه به‌ظاهر دلپذیر و صمیمانه دوستی را به عرصه آسیب‌رسان فشار و دشمنی تبدیل می‌کند، یکی از بارزترین گونه‌های خشونت در جامعه مدرن معاصر است.

تا پیش از سال ۱۹۸۰ تصور می‌شد که تجاوز همیشه از سوی بیگانه‌ای منحرف صورت می‌گیرد که ناگهان به زنی حمله می‌نماید و با خشونت، نیاز جنسی خود را که پیامد ناکامی است، برطرف می‌کند؛ اما از آن زمان به بعد، مطابق برخی پژوهش‌ها در آمریکا و اروپا اعلام شد که در جامعه، نوع دیگری از تجاوز رایج است که تجاوزگر و قربانی، یکدیگر را به‌خوبی می‌شناسند و مدت‌ها با هم پیوند دوستی دارند. از آن تاریخ، اصطلاح «تجاوز در قرار عاشقانه»^۲ یا عبارت جامع‌تر و فراگیرتر «تجاوز آشنا»^۳ بر سر زبان‌ها افتاد و به مقاله‌ها و کتاب‌های علمی آن کشورها راه پیدا کرد.

امروزه پژوهشگران به‌سختی می‌پذیرند که تجاوزهای جنسی و ازجمله تجاوز آشنایان به‌علت ناکامی جنسی یا شرور بودن متجاوزان باشد؛ زیرا معلوم شده است که بیشتر مرتکبان این کار نه محرومیت جنسی دارند و نه از افراد دیگر خلاف‌کارتر هستند. پسران خوب و نجیب و قابل اعتماد نیز در موقعیت‌های خاص قرارهای عاشقانه، از نظر شهوانی تحریک می‌شوند و دوست جنس مخالف خود را به تماس‌های جنسی وادار می‌کنند.

مهم‌ترین این موقعیت‌ها ناشی از: مصرف الکل، استفاده از مواد مخدر، دیدن فیلم‌های

James, W. H., Wst, c., Deters, k. E., & Armih, E. *Youth da-ting violence. Adolescence*, No. 35, p. 454-465.

1. Hozenbeds.
2. Date rape.
3. Date acquaintance.

جنسی، قرار گرفتن در مکان خلوت و پوشش نامناسب دختر یا حرکات تحریک‌کننده او هستند. علاوه بر اینها، طول کشیدن مدت دوستی و تبدیل شدن رابطه اتفاقی ابتدایی به رابطه‌ای پایدار و نیز سوءتعبیرهای ارتباطی و برداشت نادرستی که دو طرف از رفتارهای غیر کلامی یکدیگر دارند نیز می‌تواند موجب بروز خشونت و تجاوز در روابط عاشقانه شود.

در کشور ایران به دلیل فضای مذهبی و اخلاقی جامعه، میزان دوستی با جنس مخالف کم است و به دلیل محدودیت‌های خانوادگی و اجتماعی، روابط دو جنس در این دوستی‌ها معمولاً چندان پیشرفته نیست؛ هرچند بررسی‌ها نشان می‌دهد در موارد معدودی از این دوستی‌ها آسیب‌هایی جدی متوجه هر دو یا یکی از آنها شده است. برای نمونه، در سال ۱۳۸۰ در نمونه‌ای دقیق و جامعه آماری تصادفی از بین دختران و پسران دبیرستانی در چهار شهرستان، دو هزار دانش‌آموز به سه پرسش‌نامه درباره «رابطه با جنس مخالف»، «سلامت روان» و «عمل به باورهای دینی» پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل نتایج نشان داد نوجوانانی که با جنس مخالف دوستی و ارتباط دارند، به طور معناداری نسبت به نوجوانان بدون ارتباط، دارای نشانه‌های اضطراب، افسردگی و بیماری‌های روان‌تنی بیشتری هستند و میزان دین‌داری آنها پایین‌تر است.

در سال ۱۳۸۲، از جمعیت ۶۲ هزار نفری دانش‌آموزان دختر و پسر یک شهرستان دیگر، ۳ هزار و ۲۰۰ نفر به عنوان گروه نمونه به روش تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌هایی با محتوای وضعیت ارتباط با جنس مخالف، سلامت روان، آسیب‌های روانی اجتماعی (گرایش به خودکشی، فرار و ...)، رضایت از جنسیت، رضایت از ظاهر و روابط خانوادگی و عمل به باورهای دینی پاسخ دادند. در این تحقیق جامع، دانش‌آموزان از نظر وضعیت ارتباط با جنس مخالف چهار گروه بودند:

- کسانی که در زمان انجام پژوهش با جنس مخالف ارتباط داشتند.
- نوجوانانی که در آن زمان، ارتباط‌های پیشین خود را قطع کرده بودند.
- دختران و پسرانی که به یک نفر از جنس مخالف علاقه داشتند؛ اما آن فرد از آن علاقه آگاه نبود.
- کسانی که نه در گذشته و نه در حال، چه یک‌طرفه و چه دوطرفه، ارتباطی با جنس مخالف نداشتند.

مجریان این نظرسنجی، «ارتباط» را به دل‌بستگی عاطفی، همراه با تماس‌های پنهانی و دور از چشم خانواده تعریف کرده بودند.

نتایج تحقیق نشان داد که گروه اول، از نظر آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی، تنش‌های روحی و ضعف اعتقادات و اعمال دینی، بدتر و پائین‌تر از بقیه بودند. گروه دوم از نظر آسیب اجتماعی و ضعف دین‌داری در رتبه دوم قرار داشتند. گروه سوم از نظر اخلاقی و دینی وضعیت خوبی داشتند؛ اما از نظر روانی از نشانه‌های افسردگی رنج می‌بردند. در مقابل، گروه چهارم از همه جهات، یعنی سلامت روان، سلامت اخلاق و پابندی به باورهای دینی در رتبه بالاتری قرار داشتند.

خلاصه آنکه، دوستی با جنس مخالف هرچند در زمان ارتباط، شور و هیجانی عاطفی و غریزی به فرد می‌بخشد، از آنجا که پنهانی، غیرقانونی و برخلاف اخلاق صورت می‌گیرد، در همان دوره عاشقی موجب افزایش تنش‌های روانی، حواس‌پرتی و هنجارشکنی می‌شود، انگیزه‌های پیشرفت تحصیلی، میزان دین‌داری و رضایت خانوادگی را کاهش می‌دهد و حساسیت به ظاهر و اندام و نیز بدبینی و حسادت به طرف مقابل را دامن می‌زند و مصیبت‌بارتر آنکه، هنگام گسسته شدن رابطه، جوان دل‌داده را به وادی احساس بی‌ارزشی، تنهایی، خودکشی و مصرف موادمخدر می‌کشاند.^۱

خوب‌ستن‌داری و مدیریت آسیب‌های قبل از ازدواج

اسلام برای لزوم رفتار جنسی متناسب با شأن شریف انسانی و جلوگیری از ارتباطات جنسی آزاد، قوانینی را تعیین کرده تا مقدمه رشد و کمال فرد و جامعه باشد. این قوانین عبارتند از:

یک. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اگر حیا نبود ... از هیچ‌یک از کارهای زشت دوری نمی‌شد ... اگر مردم حیا نداشتند، از فحشا پرهیز نمی‌کردند.^۲

دو. ایجاد نگرش منفی به پیروی از غرائز حیوانی؛ حضرت علی علیه السلام فرمود:

۱. بنگرید به: گلزاری، ارتباط آگاهانه با جنس مخالف، ص ۴۰ - ۳۱.

۲. ... الحیاء فلولا ... لم یتنكب القبیح فی شیء من الأشیاء ... و لم یعف عن فاحشه. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۱)

ابتدای شهوت‌ها طرب و شادی است و آخر آن رنج و دشواری.^۱

پیامبر اکرم (ص) نیز فرمود:

از سه چیز بر امت اسلام می‌ترسم: ... و نیز شهوات جنسی.^۲

سه. ایجاد نگرش منفی به دل‌بستگی شدید به نامحرم و توصیه به وارستگی در صورت وجود این دل‌بستگی؛ حضرت علی (ع) فرمود:

هر که عاشق شود، چشم بصیرت او کور می‌گردد و قلبش بیمار می‌شود.^۳

چهار. سفارش به تقوای چشم و گوش و زبان و لمس؛ چراکه بسیاری از خطاهای جنسی از این حواس آغاز می‌شود. گاه چشم می‌بیند و دل اسیر می‌شود، گوش می‌شنود و نیازهای غریزی تشدید می‌شود، زبان می‌گوید و رابطه هوس‌آلود شروع می‌گردد و لمس، نیاز خفته را بیدار می‌سازد. خداوند در آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور^۴ به مردان و زنان باایمان امر می‌کند تا در برخورد با نامحرم، دیدگان خود را فروآورند. حضرت علی (ع) در تفسیر این آیه فرمود:

زیرا نگاه حرام، عامل وقوع روابط حرام و ارتباط گناه‌آلود با نامحرم است.^۵

امام صادق (ع) نیز فرمود:

نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای شیطان و مسموم است و چه‌بسا نگاهی که حسرت طولانی به‌جای می‌گذارد.^۶

در مورد تقوای گوش نیز سفارش شده تا مردان و زنان از شنیدن موسیقی‌هایی که با تقویت

۱. ثلاثة أخافهنّ علی امتی: ... شهوة البطن و الفرج. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۲۴۹)

۲. اول الشهوات طرب و آخرها عطب. (آمدی، غرر و درر، ص ۳۰۴)

۳. من عشق شیئاً أعشى بصره و أمرض قلبه. (نهج البلاغه، ص ۱۵۹)

۴. قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ... قل للمؤمنات یغضن من أبصارهنّ ...

۵. النظر سبب إيقاع الفعل من الزّنا و غیره. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۰)

۶. النظر سهم من سهام إبلیس مسموم و کم من نظرة أورثت حسرة طویلة. (همان، ج ۲۰، ص ۱۹۰)

تخیلات جنسی، اشتیاق به رابطه با نامحرم را در فرد ایجاد می‌کند، پرهیزند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «غنا (موسیقی مناسب مجالس لهو و لعب) افسون رابطه جنسی حرام است»^۱.

در روایات بر رعایت عفاف و حیای کلام تأکید شده و در مورد تماس بدنی نیز از هر نوع لمس حتی اگر به صورت دست دادن با نامحرم باشد، نهی شده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «کسی که با نامحرم دست بدهد، خداوند بر او غضب می‌کند»^۲.

علاوه بر موارد فوق، توصیه خاصی نیز به زنان شده است؛ چراکه جذابیت ظاهری و رفتاری زنان برای مردان، بسیار بیشتر از جاذبه مردان برای زنان است و مردان در برابر جنس مخالف، توان خویشتن‌داری کمتری نسبت به زنان دارند. از این رو خداوند از سوی مرد را نیازمند زن خلق کرده و از جانبی دیگر با دستور به پوشاندن جذابیت‌های زنانه، مرد را به دستیابی محترمانه به او (از طریق ازدواج) توصیه کرده است. از این رو رعایت حجاب - که هدف از آن، حفظ ارزشمندی زن و نیز در امان داشتن او از سوءاستفاده مقتدرانه مرد است - بر زن واجب می‌باشد. درحقیقت حجاب زن، پیام بازدارنده به مردان بیماردل است تا در برخورد با آنها جانب احتیاط را رعایت کنند و از رفتار غیرمؤدبانه پرهیزند. حجاب همچنین وسیله‌ای برای محدود کردن مردان در بهره‌جویی آسان از وجود زن است.

در آیات ۵۳ و ۵۹ احزاب و نیز آیه ۳۱ سوره نور بر لزوم رعایت حجاب از سوی زنان تأکید شده است. برخی روایات در تفسیر این آیات، دست‌ها تا مچ و صورت را از پوشش مستثنا کرده‌اند. البته از آرایش و زینت چهره و دست‌ها در مقابل نامحرم نیز باید پرهیز کرد. مراجع عظام تقلید نیز همگی بر وجوب رعایت این حد از حجاب فتوا داده‌اند.

برای مطالعه بیشتر

* اگر احساس کردید به فردی از جنس مخالف خود علاقه‌مند شده‌اید:
- بکوشید با استفاده از قدرت تعقل و خرد خویش و با پرهیز از غلبه احساسات، در مورد شخصیت و منش او اطلاعاتی به دست آورید. آیا او همسری مناسب برای شماست؟ در غیر این صورت، خود را از گرفتار شدن

۱. الغنا رقیة الزنا. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۴۷)

۲. من صافح امرأة تحرّم علیه فقد باء بسخط من الله. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۴)

در عشقی کور و بی‌فرجام بر حذر دارید.

- برای پرهیز از وابستگی:

۱. احساس خود را بروز ندهید.
 ۲. با یکدیگر گفتگو نکنید و تعامل کاری با هم نداشته باشید.
 ۳. نگاه و رفتار خود را کنترل کنید؛ زیرا احساسات بدون کلام هم انتقال می‌یابند.
 ۴. به جهت حفظ شخصیت و احترام خود به گونه‌ای رفتار نکنید که او حس کند شما اهل روابط ناسالم هستید.
 ۵. اگر فکر می‌کنید او فردی مناسب برای ازدواج است، اگر پسر هستید، مستقیم یا با واسطه و اگر دختر هستید، با کمک فردی امین و باتجربه نظر او را نیز در مورد ازدواج با خود جویا شوید. چه بسا او قصد ازدواج با فرد دیگری را دارد یا به هر دلیل، مایل به ازدواج با شما نیست. این امر کمک می‌کند تا از سردرگمی رها شوید و بیهوده ذهن و روان شما فرسوده نگردد.
- * اگر قصد ازدواج با فردی را دارید، هرچه زودتر اقدام به خواستگاری نمایید و پس از توافق طرفین، عقد ازدواج دائم کنید و بدانید تا زمانی که عقد ازدواج دائم خوانده نشود، امکان دارد او با دیگری ازدواج کند.
- * در صورتی که از طریق گفتگوی اینترنتی با کسی آشنا شده‌اید و قصد ازدواج با او را دارید:
۱. مراقب باشید که ممکن است بسیاری از اطلاعات ارائه شده واقعیت نداشته باشد.
 ۲. بکوشید گفتگوی شما از حوزه ادب و عقل خارج نگردد و نیز گرفتار احساسات کنترل‌نشده نگردید.
 ۳. از آنجا که در آشنایی اینترنتی، احتمال غیرواقعی بودن اطلاعات بسیار زیاد است و اطلاعات به دست آمده نیز کافی نیست، این رابطه را به خواستگاری رسمی همراه با خانواده او سوق دهید تا با مشاهده رفتارهای او و نیز آشنایی با خانواده‌اش دریابید که آیا او آن کسی هست که شما را خوشبخت کند یا نه؟
- توجه داشته باشید که چه بسا دوستی با جنس مخالف از طریق اینترنت مشکلاتی را برای شما فراهم سازد. از جمله:

۱. از آنجا که ایمیل‌های شما نزد طرف مقابل ثبت شده است، در صورتی که قطع رابطه را لازم بدانید، با تهدید او به رسوایی مواجه خواهید شد.
۲. در موارد بسیاری، دو طرف یا یکی از آنها به دیگری دل‌بستگی شدیدی پیدا می‌کند؛ ولی زمانی که با او ملاقات کند، با مشاهده ظاهر او یا رفتارش، واقعیت او را با شخصیت مجازی‌اش بسیار متفاوت می‌بیند و دچار ضربه روحی می‌شود.
۳. گاهی پس از تعلق خاطر به طرف مقابل از طریق آشنایی در فضای مجازی و هنگام شناخت واقعیت، او را برای ازدواج مناسب نمی‌بینید ولی به دلیل ترحم یا ترس از نفرین او یا به واسطه تهدید او به خودکشی یا آزار او یا به ازدواجی نامناسب تن داده، آینده خویش را تباه می‌سازید.
۴. والدین معمولاً آشنایی از طریق اینترنت را دلیل بر سبک‌سری دختر و ساده‌لوحی پسر می‌دانند و با ازدواج حاصل از این آشنایی موافقت نمی‌کنند.
۵. ارتباط اینترنتی با جنس مخالف، گاهی سبب سلب اعتماد همسر آینده می‌شود.

* در صورتی که فردی - با وجود وعده‌هایش - به شما بی‌وفایی کرد و از ازدواج با شما سرباز زد، شکست عاطفی خویش را مدیریت کنید و نگذارید عواطف و احساسات، امید به زندگی و رشد و کمال را در شما ضعیف سازند و این کلام خدا را به یاد داشته باشید که: «وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ؛ چه بسا چیزی را دوست ندارید، ولی برایتان خوب است و چه بسا چیزی را دوست دارید، ولی برایتان شر و بد است».

* اگر به این نتیجه رسیدید که کسی که به او دل بسته‌اید، صلاحیت همسری شما را ندارد، هرچه زودتر رابطه خود را قطع کنید. برای قطع رابطه با جنس مخالف باید:

۱. بدانید فراموشی فردی که به او دل بسته بودید، نیاز به زمان دارد و به خودتان فرصت دهید.
۲. همیشه به خودتان یادآوری کنید که چه بسا در ازدواج با او خوشبخت نمی‌شدید و شاید برخی خصوصیات اخلاقی منفی و ناشناخته او، زندگی را بر شما تلخ می‌ساخت، شاید فرزندی معیوب حاصل ازدواج شما می‌شد، شاید...

۳. از نگاه کردن به او، حرف زدن با او، رد و بدل کردن پیامک، نامه‌های الکترونیکی و هر آنچه احساس کور را در شما شعله‌ور می‌سازد، بپرهیزید.
 ۴. حتماً ویژگی‌های منفی‌ای از او دیده‌اید. هرگاه ذهن شما به او مشغول شد، به آن ویژگی منفی بیندیشید و به خویشتن بگویید: او شایسته من نبود.
 ۵. در دفترچه یادداشت خود، فهرستی از موضوعاتی را که اندیشیدن به آنها برای شما لازم یا مسرت‌بخش است، بنویسید. هرگاه فکر او به ذهنتان آمد، سراغ دفترچه خود بروید و به یکی از آن موضوعات بیندیشید.
 ۶. هرگاه ذهن شما ناخودآگاه به او مشغول شد، بگویید «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم.» وضعیت خویش را تغییر دهید و مشغول به کار مثبت و جدیدی شوید.
 ۷. روابط دوستانه خود را با بستگان و دوستان خوب خود بیشتر کنید.
 ۸. با افراد باایمان، فعال و بانشاط دوست شوید و دوستی خود را تقویت کنید.
 ۹. از تنهایی بپرهیزید؛ زیرا وسوسه و فکر او بیشتر سراغ شما خواهد آمد.
 ۱۰. از خداوند بخواهید آنچه موجب خوشبختی شماست، نصیب شما سازد.
 ۱۱. سعی کنید برای ازدواج خویش، اقدامات مناسب را آن‌هم با فردی که مناسب خود می‌دانید، انجام دهید.
 ۱۲. این روایت را در برگه‌ای یادداشت کنید و در جلوی دیدگان خود قرار دهید: پیامبر ﷺ خدا فرمود: «هر کس به آنچه از دستش رفته، امید نداشته باشد، آسوده است و هر کس به آنچه خداوند روزی‌اش کرده، خرسند باشد، شادمان می‌گردد.»^۱
- * برای تقویت خویشتن‌داری جنسی اقدامات زیر را انجام دهید:
- از راهکارهای اندیشه‌ای (تفکر در مورد فلسفه زندگی، تقویت باور به خدا و جدی گرفتن آخرت و افزایش اطلاعات درباره پیامدهای دوستی دختر و پسر)، گرایشی (توجه به کرامت خویشتن و مدیریت خواسته‌ها) و رفتاری (رعایت حدود الهی و مدیریت اوقات فراغت) استفاده کنید.

- به آثار منفی ارتباط آزاد با جنس مخالف بیندیشید و بکوشید تا عزت نفس شما افزایش یابد. به ارزشمندی خویش توجه داشته باشید. این کلام گهربار حضرت علی علیه السلام را هرگز فراموش نکنید: «لَيْسَ لِنَفْسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَلَاتَتَّبِعُوها إِلَّا بِها!»^۱ برای نفس شما بهایی جز بهشت نیست، پس جز در ازای بهشت، آن را نفروشید».

- خداوند می‌بندد و می‌شنود. این واقعیت را هرگز فراموش نکنید.
- رعایت حیا در روابط با جنس مخالف، شما را از بسیاری از آسیب‌ها مصون و محفوظ می‌دارد. زیور حیا را هرگز از خویشتن دور نسازید.
- روزانه به فعالیت‌های جدی و زیادی بپردازید تا فرصت فرو رفتن در تخیلات آزاردهنده را نیابید.

- برای مقاومت در مقابل وسوسه‌های جنسی، از شیوه تغییر وضعیت آگاهانه استفاده کنید؛ همان‌گونه که گاه در اوج خشم شما، فردی چیزی گفته که شما نتوانسته‌اید جلوی خنده خود را بگیرید و ناگهان احساس کرده‌اید خشم به سرعت شما برطرف شد. حال این تغییر وضعیت را آگاهانه ایجاد کنید و در زمانی که وسوسه‌ها به شدت شما را تحت تأثیر قرار داده‌اند، وضعیت خود را تغییر دهید. از محیط وسوسه‌انگیز به سرعت خارج شوید و به کار مثبتی که کاملاً متفاوت با آن فضا باشد، مشغول شوید.

- از ورزش غفلت نکنید؛ ورزش باعث دفع انرژی زائد بدن و تعدیل قوای جنسی می‌شود و از نظر روانی نیز استقامت فرد را در برابر مشکلات و سختی‌ها افزایش می‌دهد. به دلیل صرف انرژی زیاد در ورزش، انسان خوابی عمیق خواهد داشت و این امر سبب آرامش می‌گردد.

- برای خواب خویش برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشید. فقط پس از خستگی زیاد به بستر بروید و صبح‌ها پس از بیداری به سرعت بستر خواب را ترک کنید.

- از پر خوری و پر خوابی بپرهیزید.

- از غذاهایی که سبب تقویت غریزه جنسی می‌شود، کمتر مصرف کنید. مانند: گوشت قرمز، سرخ‌کردنی‌ها، پیاز، سوسیس و کالباس. غذای چرب، غذاهای ویژه طبع گرم مانند: خرما، پسته، شیرینی، خربزه و ...

- غذای شب را سبک و زودهضم انتخاب کنید.
- روزه‌داری در کاهش میل جنسی مؤثر است و علاوه بر آن سبب تقویت تقوا و نیروی اراده می‌شود. در صورت امکان، روزه مستحبی بگیرید.
- روابط عاطفی خود را با خانواده‌تان تقویت کنید.
- از دیدن فیلم، خواندن رمان، اشعار و شنیدن موسیقی‌هایی که میل جنسی را تقویت می‌کند، به شدت پرهیزید؛ زیرا نزدیک نشدن به محرک‌ها آسان‌تر از مقاومت کردن در برابر تحریک است.
- دختران با رعایت حریم الهی در پوشش، گفتار و رفتار خویش به جنس مخالف اثبات کنند که برای جسم خویش حرمت اخلاقی قائل شده‌اند.
- پسران با رعایت حریم الهی در نگاه، گفتار و رفتار، مردانگی خویش را در معرض دید دیگران قرار دهند، نه مردی خویش را. دختران و پسران توجه داشته باشند که حیوانات نیز جنس نر و ماده دارند و این موضوع برای آنها هیچ شرافتی نیاورده است.
- از شنیدن سخنان افراد متأهلی که روابط عاطفی خود با همسرشان را بازگو می‌کنند، اجتناب کنید.
- از دوستی با افرادی که اهل رفتارهای جنسی غیراخلاقی هستند، پرهیزید.
- با دوستان خوب به فعالیت‌های سالم علمی، تفریحی یا اقتصادی بپردازید. خود را در شغل یا فعالیت علمی غوطه‌ور سازید.
- از پوشیدن لباس‌های تنگ و لباس‌های زیر بسیار نرم یا بسیار زبر اجتناب کنید.
- با حضور در برنامه‌های مذهبی، ارتباط خود را با خدا تقویت کنید.
- قرائت قرآن و دعا را در برنامه روزانه خود قرار دهید.
- در صورت ارتکاب خطای جنسی برای خود جریمه سنگینی قرار دهید تا نقش بازدارنده داشته باشد.
- فکر و خیال خود را کنترل کنید. حضرت علی علیه السلام فرموده است: «هر کس زیاد به فکر گناهان باشد، عاقبت به گناه آلوده می‌شود».^۱
- اوقات فراغت خویش را مدیریت کنید.
- از عطر و ادکلن‌های تحریک‌کننده جنسی استفاده نکنید.

۱. من کثر فکره فی المعاصی دعتة إلیها. (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲۳)

- تابلوهای خانه خود را حاوی مطالب و با تصاویر تحریک‌کننده امیال جنسی قرار ندهید.
- هنگامی که میل جنسی شما تقویت شد، دوش آب سرد بگیرید و سپس به فعالیت سالمی که ذهن شما را مشغول سازد، بپردازید.
- از بیان احساسات لطیف خود نزد جنس مخالف پرهیزید.
- تفاوت‌های جنسیتی را بیاموزید و در روابط خود، آن تفاوت‌ها را در نظر بگیرید؛ از جمله آنکه، پسران از نظر جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، تصورات جنسی به سرعت در ذهن آنان نقش می‌بندد و خویشتن‌داری برای آنان دشوارتر است؛ حال آنکه دختران در ارتباط خود با جنس مخالف بیشتر خواهان ارضای عاطفی هستند و توانمندی بیشتری در جذب جنس مخالف از طریق کلام و عشوه‌گری‌های رفتاری دارند.
- با نگاه یا کلام غیرعادی جنس مخالف هیجان‌زده نشوید و از خیال‌پردازی در این زمینه اجتناب کنید.
- اگر برای رابطه‌ای دوستانه پیامی دریافت کردید، آن را سریع محو نمایید و صریحاً بگویید که وارد این روابط نمی‌شوید و در صورت اصرار، آن را در جهت ازدواج قرار دهید.
- از روابط پنهانی با جنس مخالف پرهیزید و برای هرگونه ارتباط با جنس مخالف از تجربه و مشورت والدین استفاده کنید.
- هیچ‌وقت خود را از آفات رابطه با جنس مخالف مصون ندانید؛ زیرا شیطان همیشه در کمین است.
- اگر تاکنون در رفتار جنسی خویش مرتکب خطایی شده‌اید، صادقانه و خالصانه به درگاه خدا توبه کنید و کلام خداوند را فراموش نکنید که فرمود: «لَا تَيْبَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْبَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۱ از رحمت الهی مأیوس نشود؛ چراکه از رحمت خداوند ناامید نمی‌شوند مگر گروه کافران».
- در صورتی که متوجه شدید باید ارتباط با دوست جنس مخالف خود را قطع کنید و او شما را تهدید به آبروریزی کرد، از این تهدید نگران نباشید؛ زیرا

۱. یوسف (۱۲): ۸۷.

در صورت طرح هر مسئله‌ای، آبروی خود او نیز در خطر خواهد بود. علاوه بر آن، زمانی که قطع رابطه از طرف شما باشد، این نشانه پاکی شماسست و دیگران نیز نظر مثبتی درباره شما پیدا خواهند کرد. اعتماد به نفس داشته باشید و به حرف‌ها و حرکات جاهلانه او اعتماد نکنید. توجه داشته باشید در صورتی که به هر دلیل در مقابل تهدیدهای او از خود سستی نشان دهید، او با مشاهده تأثیرگذاری رفتارش، بر دامنه تهدیدهای خود خواهد افزود. - از دوستی و رفت‌وآمد با جنس مخالف به امید ازدواج در آینده بپرهیزید؛ زیرا:

۱. این روابط مورد رضایت خدا نیست و گناه شمرده می‌شود.
۲. اگر او با شما ازدواج کند، ممکن است پس از ازدواج اعتماد لازم را به شما نداشته باشد؛ زیرا همواره می‌اندیشد که شما همان فردی هستید که روزی بدون رعایت موازین شرعی با جنس مخالف خود (که اوست) روابط دوستانه برقرار کردید.
۳. اگر با شما ازدواج نکند، سبب سرخوردگی شما خواهد شد و شما احساس می‌کنید تحقیر شده‌اید و گاهی در ازدواج آینده شما نیز مشکلاتی ایجاد خواهد شد؛ چه بسا او با ارائه مدارکی از روابط دوستانه شما با خود (پیامک‌ها، نامه‌های الکترونیکی، عکس و نامه) همسر شما را نسبت به شما بدبین کند.
۴. اگر پس از مدت‌ها دوستی و ارتباط با فردی به این نتیجه رسیدید که ازدواج با او به مصلحت شما نیست و این رابطه را قطع کردید، دچار عذاب وجدان خواهید شد. چه بسا او به شما دل بسته است و قطع این دل‌بستگی، او را دچار آسیب شدیدی خواهد کرد.
۵. اگر در آینده با فرد دیگری ازدواج کنید:
 - گاهی اوقات در زندگی شما مشکلاتی ایجاد خواهد شد؛ چه بسا او با ارائه مدارکی از روابط دوستانه شما با خود (پیامک‌ها، نامه‌های الکترونیکی، عکس و نامه) همسر شما را نسبت به شما بدبین کند.
 - معمولاً احساس می‌کنید به همسران خیانت کرده‌اید؛ چراکه در گذشته، قلب و ذهن خود را در اختیار انسان دیگری قرار داده بودید.
 - همسر آینده شما برای شما جذابیت لازم را نخواهد داشت؛ زیرا آن دو را با هم مقایسه می‌کنید و به هر حال، برخی ویژگی‌های مطلوب فرد اول را

در دومی نمی‌یابید. علاوه بر آنکه، قلب لطیف‌تر از آن است که هر چند وقت یک‌بار شیفته یکی گردد. عشقِ اولین، تکرار نخواهد شد.

۱. در صورتی که او نیز ازدواج کند، احساس می‌کنید به همسر آینده او خیانت کرده‌اید.

۲. به یاد داشته باشید که در تمامی آن ایامی که به امید ازدواج با فردی، خواستگارهای متعدد خود را رد کنید، فرصت‌های طلایی ازدواجی پاک را از خود سلب کرده‌اید.

۳. به وعده ازدواج اطمینان نکنید؛ در دوستی با جنس مخالف، کشش‌های غریزی پسران و وابستگی عاطفی دختران سبب می‌شود رابطه‌ها در دو خط موازی پیش نرود.

۴. اگر فردی به شما وعده ازدواج داد، از او بخواهید تا به طور رسمی خواستگاری کند؛ زیرا چه‌بسا امکان ازدواج با او به دلایلی همچون مخالفت خانواده او، مخالفت خانواده شما یا ... وجود نداشته باشد. حال اگر فردی واقعاً خواهان ازدواج با شما باشد، فرصت را از دست نخواهد داد و موانع را برطرف خواهد کرد؛ به‌خصوص اگر در باید که او را در رفع مشکلات زندگی مشترک همراهی خواهید کرد.

- هیجان‌ات و احساسات خود را کنترل کنید؛ به این معنا که هدایت ارادی هیجان‌ات غریزی را در دست بگیرید. در جریان کنترل نفس، آدمی هیجان‌ات خود را می‌شناسد، قبول می‌کند و با هدایتشان به سمت هدف‌های بالاتر، به آنها فرصت بروز می‌دهد. انسان موجودی مختار و دارای اراده است و می‌تواند و باید خود و تصمیماتش را کنترل کند. ما با مدیریت و کنترل خود می‌توانیم بگوییم بزرگ شده‌ایم و شأن انسانی پیدا کرده‌ایم و مسئول کارهای خود هستیم.

تشکیل خانواده و کارکردهای آن

یک. اهمیت و ضرورت ازدواج

رایج‌ترین نظریه اندیشمندان و ادیان، به‌ویژه دین مبین اسلام به‌عنوان بهترین پاسخ به نیاز جنسی، ارضای آن در قالب ازدواج و به‌صورت قانونمند است. در قرآن کریم، فلسفه ازدواج این‌گونه بیان شده است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش یابید؛ و در بین شما دوستی و رحمت قرارداد. قطعاً، در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

این آیه با عبارت «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»، هدف از ازدواج را آرامش و تسکین روان آدمی بیان می‌کند. نیاز به مهر و محبت و داشتن شریک و همراه در زندگی، از مهم‌ترین انگیزه‌های ازدواج است.

دو. کارکردهای ازدواج

در بین انسان‌ها، نزدیک‌ترین رابطه عاطفی میان زن و شوهر برقرار می‌شود و این رابطه در کاهش نگرانی‌ها، اضطراب‌ها و آشفتگی‌ها نقش اساسی دارد؛ به طوری که خانواده پایگاه مهمی برای تأمین حمایت روانی و عملی در مقابله با تنش‌ها شمرده می‌شود.^۲ ازدواج دارای کارکردها و آثار فردی و اجتماعی فراوانی است که به شماری از آنها اشاره می‌شود. تجربه همسر شدن و پس از آن پدر یا مادر شدن، نوعی کمال شخصیت محسوب می‌شود و فرد در اثر این تجربه‌ها، دیگران را بخشی از خود احساس می‌کند که این نوعی «توسعه خود» است. شهید مطهری می‌فرماید:

ازدواج اولین مرحله خروج از خود طبیعی فردی و توسعه پیدا کردن شخصیت انسان است. بعد از ازدواج وقتی می‌خواهیم کار کنیم، برای من تنها نیست، آن «من» تبدیل به «ما» می‌شود؛ به طوری که انسان به سرنوشت خانواده علاقه‌مندتر است تا به سرنوشت شخص خودش و رنج می‌برد تا آنها در آسایش باشند. این یک درجه از «خود» است.^۳

بنابراین ازدواج، عواطف لطیف انسانی را به خروش می‌آورد و عشق به همسر و سپس فرزندان سبب رشد عاطفی فرد متأهل می‌شود. او با درهم شکستن حصار خودبینی‌ها،

۱. روم (۳۰): ۲۱.

۲. بنگرید به: سالاری‌فر، *خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی*، ص ۵۵ - ۳۵.

۳. مطهری، *تعلیم و تربیت در اسلام*، ص ۱۶۸.

احساسات دیگران را بهتر درک می‌کند و به نیاز دیگران بیشتر از خود پاسخ‌گو خواهد بود. در سایه انس و محبت و روابط نزدیک در زندگی مشترک و در اثر تشویق‌ها، حمایت‌ها و کمک‌های زن و شوهر نسبت به یکدیگر، فرد با احساس مسئولیت بیشتری مستقل می‌شود و با یک زندگی هدف‌دار، از نتیجه تلاش خود بهره‌مند می‌گردد.

ازدواج پیامدهای مثبت دیگری نیز دارد؛ از جمله:

- سبب کامل شدن ایمان می‌شود؛ چراکه یکی از دروازه‌های ورود شیطان به ذهن و روان آدمی غریزه جنسی است و ازدواج سبب تسکین نیاز جنسی می‌شود. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

هر جوانی که در آغاز جوانی خویش ازدواج کند، شیطان فریاد برمی‌آورد: ای وای، ای وای، دوسوم از دین خود را از دستبرد من در امان داشت. سپس این بنده باید در یک‌سوم باقی‌مانده، تقوای الهی پیشه کند.^۱

در صورتی که فرد ازدواج نکند، ممکن است در اثر فشار نیازهای جنسی به رفتارهای خلاف اخلاق کشیده شود. انجام چنین رفتارهایی باعث بروز احساس گناه و حقارت در فرد می‌شود و به کرامت نفس وی آسیب می‌رساند.

- از جمله مهم‌ترین تحولات دوران جوانی، نیاز به استقلال از خانواده و تجربه زندگی جدیدی است که جوان آن را بنا می‌نهد و رشد و توسعه می‌دهد. ازدواج بهترین پاسخ به این نیاز است که هم فرد را مستقل می‌کند و هم همگان، این استقلال را به رسمیت می‌شناسند.

- با گذر از دوران کودکی و نوجوانی، افراد تمایل دارند علاوه بر مستقل شدن از خانواده، تجربه مدیریت مجموعه جدیدی را به دست آورند. دختر و پسر پس از ازدواج، مدیران خانواده نوپای خود خواهند بود که هر یک به تناسب خویش نقش‌ها، برنامه‌ریزی و اجرای ایده‌های خود را در این مجموعه تجربه خواهد کرد. با تولد فرزندان، حیطة این مدیریت گسترده‌تر نیز خواهد شد.

- هنگامی که دختر و پسر ازدواج می‌کنند، به دلیل عشق به همسر خویش و به دلیل آنکه

۱. ما من شاب تزوج في حادثة سنة الأَعجَّ شیطانه: يا ويله، يا ويله! عصم مَنِّي ثلثي دینه، فليتیق الله العبدُ في الثلث الباقي. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۵)

زندگی جدید را خانواده خود می‌دانند که با انتخاب خویش آن را بنا نهاده‌اند، احساس مسئولیت می‌کنند و درصدد رفع نیازهای خود و همسرشان برمی‌آیند. این تلاش و تکاپوی جدی و شیرین سبب شکوفایی استعدادها می‌شود و خصلت‌های اخلاقی همچون: خلاقیت و سازندگی، صبر و سازگاری، امیدواری و تلاش و نشاط و سرزندگی در آنان رشد می‌یابد.

- انسان تا قبل از ازدواج و به تناسب نیاز خویش از حمایت‌های مادی و غیرمادی خانواده و بستگان خود بهره‌مند می‌شود. با ازدواج و تشکیل خانواده جدید بر تعداد بستگان فرد افزوده می‌شود و فامیل همسر او نیز در زمره بستگان او قرار می‌گیرند. بنابراین چتر حمایت‌های عاطفی، روانی و گاه مالی بستگان بسیار گسترده‌تر می‌شود.

- ازدواج، اعتبار اجتماعی خاصی به فرد می‌بخشد. در واگذاری شغل، مسکن، وام و ... معمولاً تأهل یک اولویت است. مردم نیز برای افراد متأهل احترام بیشتری قائل هستند و تمایل به مراودات با متأهلان نیز افزون‌تر است.

- ازدواج و سپس تجربه شیرین پدر یا مادر شدن سبب می‌شود تا انسان با گذر زمان، خود را رو به افول نبیند؛ بلکه تداوم حیات خویش را در فرزندان خود می‌یابد که حاصل دسترنج مادی و معنوی اوست.

- در روایات نیز به آثار ازدواج اشاراتی شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام ثمره خلقت جنس مخالف را انس گرفتن با وی، آرامش یافتن به واسطه او، برآورده شدن نیاز جنسی و کسب جایگاه ارزشمند پدر یا مادر شدن ذکر کرده‌اند.^۱

انتخاب همسر شایسته

یک. معیارهای همسرگزینی

یکی از مهم‌ترین مراحل زندگی هر فرد، فرآیند گزینش همسر است؛ چراکه انسان تا پایان عمر با پیامدهای انتخاب خود همراه است. اسلام در انتخاب همسر بر چند معیار اساسی تأکید کرده است:

۱. همتایی و همانندی

تعالیم اسلام در گزینش همسر بر اصل هم‌کفو بودن به معنای همتایی و همانندی تأکید دارند

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۵۰.

و بهتر است زن و مرد در ویژگی‌های مناسب برای ازدواج، مشابه و تقریباً همتا^۱ باشند. البته این همسانی بیشتر در خصوص ایمان است و زن و مرد به سبب ایمان، همتای یکدیگر دانسته شده‌اند.^۲ براساس تعالیم اسلام، ایمان و باورهای صحیح در حد لازم و کافی، مهم‌ترین ویژگی لازم برای همسر محسوب می‌شود. این شرط را می‌توان یک ملاک مطلق دانست که در همه شرایط زمانی و مکانی، برای یک همسر مناسب ضروری است.^۳

۲. خوش اخلاقی

اساس زندگی زناشویی، سازگاری، تفاهم و همکاری است که این امور فقط در پرتو اخلاق نیکو فراهم می‌شود.

۳. تقوا

همسر مناسب باید باتقوا باشد؛ به اندازه‌ای که از گناهانی مانند زنا و شراب‌خواری دوری کند و به‌طور علنی و آشکار مرتکب گناه نشود. البته رعایت مراتب والا تر تقوا بر شأن و ارزش انسان می‌افزاید. این ملاک نیز مطلق محسوب می‌شود و در صورتی که معلوم شود فرد موردنظر فاقد چنین تقوایی است، برگزیدن او مناسب نخواهد بود.

۴. سلامت

سلامت جسمانی و روانی نیز جزء شرایط لازم یک همسر مناسب به‌شمار می‌رود؛ بنابراین اگر فرد به بیماری جسمی شدید و بدون علاج یا بیماری روانی شدیدی مبتلا باشد، گزینش او به‌عنوان همسر، کارکردها و اهداف موردنظر ازدواج را تأمین نخواهد کرد. به‌جز صفات یادشده، سایر ملاک‌ها نسبی است؛ بدین معنا که باید آنها را با توجه به سایر ملاک‌ها و بود و نبود یا ضعف و قوت آنها در نظر گرفت. علاوه بر آن، گرایش عاطفی به طرف مقابل در زن و مرد در آستانه ازدواج، برای تأمین اهداف مهم ازدواج از جمله حصول محبت و عواطف شدید بین طرفین و حمایت روانی آنها از یکدیگر لازم است.

۱. أنکحوا الأكفاء و أنکحوا فیهم و اختاروا لثطفیکم. (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۲۹)

۲. المؤمن کفو المؤمنة و المسلم کفو المسلمة. (همان، ص ۴۴)

۳. بنگرید به: سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۵ - ۳۴.

دو. مهارت‌های انتخاب همسر شایسته**۱. خودشناسی مقدمه همسرگزینی**

انسان تا خود را به خوبی نشناسد، نمی‌تواند تشخیص دهد که چه کسی هم‌تا و هم‌شان او است؛ لذا بهتر است ابتدا ویژگی‌های جسمانی، اخلاقی، اعتقادی و خانوادگی خود را مشخص کند. برای شناخت خود باید از سؤالاتی در ابعاد مختلف (اعتقادی و مذهبی، اخلاقی، ظاهری، فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی، سیاسی، اجتماعی، میزان هوشمندی و سطح تحصیلات، خصلت‌های شخصیتی، سلیقه‌ها و ...) شروع کرد و ضمن کمک گرفتن از ایده‌های دیگران در مورد خود، جواب آنها را مشخص نمود. صداقت در هنگام خودشناسی به انسان فرصت می‌دهد تا شخصیت پنهان خود را بهتر بشناسد.

۲. راه‌های شناخت فرد مناسب برای ازدواج

از مهم‌ترین روش‌های دستیابی به شناخت همسر آینده می‌توان به این موارد اشاره کرد؛

۱. گفتگو با طرح سؤال‌های دقیق.
۲. دقت در گفتار و رفتار.
۳. تحقیق از دوستان صمیمی، بستگان، همکاران و معرفان.
۴. مشورت با افراد آگاه، دلسوز، مطمئن.
۵. توکل به خداوند.

۳. سؤالاتی برای شناخت بیشتر

۱. ویژگی‌های اخلاقی بارز شما چیست؟
۲. دوستان، شما را بیشتر به کدام خصوصیت اخلاقی و رفتاری می‌شناسند؟
۳. از معاشرت با چه کسانی آزرده می‌شوید؟
۴. عکس‌العمل شما در مقابل فردی که از وی رنجیده می‌شوید، چیست؟
۵. ناراحتی خود را چگونه نشان می‌دهید؟
۶. در چه مسائلی سخت‌گیر هستید؟ چه مسائلی شما را آزرده‌خاطر می‌کند؟
۷. آیا تعصب خاصی دارید؟
۸. مهم‌ترین خصوصیتی که دوست دارید همسر شما داشته باشد، چیست؟

۹. مهم‌ترین خصوصیتی که می‌خواهید همسر شما نداشته باشد، چیست؟

۱۰. بهتر است علاوه بر توجه به خصوصیات فردی یا خانوادگی، از حساسیت‌ها و علایق خاص فرد نیز شناخت حاصل شود؛ زیرا اگر دختر یا پسر نسبت به امری حساسیت ویژه‌ای داشته باشد و طرف مقابل برای آن مسئله اهمیتی قائل نباشد، در آینده دچار مشکل می‌شوند؛ مانند اینکه، دختر نسبت به نظم حساسیت و سواس گونه‌ای داشته باشد و پسر فردی نامنظم باشد یا پسر فردی بسیار سیاسی و طرف‌دار سرسخت جریان خاصی باشد و دختر نیز با حساسیت بالا طرف‌دار جریان سیاسی مخالف باشد. در رعایت این مسئله باید حساسیت بلندمدت نسبت به هر یک از معیارها ملاحظه شود؛ بنابراین اگر درباره مسئله‌ای آن‌قدر حساسیت وجود داشته باشد که در مدتی کوتاه قبل یا بعد از ازدواج قابل رفع نیست، باید نسبت به تناسب آن مسئله حساس بود. البته باید توجه داشت که در صورت عدم حساسیت شدید به برخی علاقه‌ها و سلیقه‌ها، این موارد با گذشت زمان و تحت‌تأثیر روابط مشترک با همسر تغییر خواهد کرد.

برای مطالعه بیشتر

توجه به این موارد در امر ازدواج ضروری است:

یک. پرهیز از انتخاب احساسی؛ از انتخاب براساس عشق تند و آتشین، تلافی نسبت به دیگران یا خواستگارهای پیشین، دلسوزی و ایثار نسبت به طرف مقابل، عجله نمودن، طمع ورزیدن به مال و ... اجتناب نمایید. برای انتخابی عقلانی، اطلاعات لازم را کسب و بررسی نمایید؛ پیامدهای انتخاب را ارزیابی کنید و در انتخاب قاطعیت داشته باشید و تعهدات انتخاب را بپذیرید.

دو. احساس خوشایندی؛ اگر کسی را می‌شناسید که از او خوششان آمده و می‌خواهید با او ازدواج کنید، این نکته را فراموش نکنید که شما فقط دو گزینه ندارید؛ یعنی فکر نکنید که یا باید با کسی که از او خوششان آمده، ازدواج کنید یا باید با کسی که از او خوششان نمی‌آید، ازدواج کنید؛ بلکه گزینه سومی هم وجود دارد: ازدواج با کسی که هم معیارهای دیگر را داراست و هم از او خوششان می‌آید. معیار «خوش آمدن» را پس از معیارهای مطلوب قرار دهید؛ زیرا اگر این ملاک را ابتدا برجسته کنید،

فرصت شناخت معیارهای دیگر از بین می‌رود. ابتدا اطمینان پیدا کنید که تطابق فرهنگی، خانوادگی، فکری و روحی بین شما وجود دارد، سپس به احساس خویش مراجعه کنید و ببینید آیا احساس مطلوبی - و نه لزوماً علاقه زیاد - نسبت به او دارید یا خیر؟ به یاد داشته باشید که در یک انتخاب عاقلانه، پس از ازدواج، عشق و علاقه نیز ایجاد خواهد شد. این علاقه، وعده الهی است که خداوند در قرآن به آن اشاره کرده و نشانه‌ای از نشانه‌های خود برشمرده است.

سه. تفکیک بین ملاک‌های اصلی و فرعی؛ بهتر است معیارهای اصلی را پیش از شروع جلسات گفتگو در صدگذاری و اولویت‌بندی کنید تا بعد از هر جلسه بتوانید ارزیابی و جمع‌بندی داشته باشید. همچنین با مشاهده یک ملاک در شخص، قضاوت سطحی و شتاب‌زده نداشته باشید و قبل از ارزیابی تمام معیارها، نظر خود را اعلام نکنید. نکته مهم آنکه، هیچ‌کس تمام امتیازها را نخواهد داشت؛ بلکه از جمع‌بندی معیارها باید معدل خوبی کسب شود و حد این معدل خوب هم به شرایط دختر و پسر بستگی دارد. ممکن است فردی در برخی جنبه‌ها بالاتر از همسرش باشد، در حالی که همسر وی در جنبه‌های دیگر از او پیش‌تاز باشد. در ضمن توجه داشته باشید تا مسائل حاشیه‌ای ازدواج مثل مهریه و مراسم عقد و ازدواج به ملاک‌های اصلی تبدیل نشود. در تمام این موارد، رعایت اعتدال ضروری است.

چهار. اهمیت دادن به نظر خانواده؛ در زمان انتخاب و گزینش به نظر خانواده اهمیت دهید؛ زیرا انتخاب بدون کمک خانواده معمولاً پیامدهای منفی‌ای دارد. در صورتی که خانواده به دلایل غیرمنطقی با ازدواج شما مخالفت می‌کنند، تا آنجا که ممکن است، آنها را نسبت به ازدواج خود توجیه نمایید. علاوه بر آن، اگر قصد ازدواج با فردی را دارید که خانواده شما و او با یکدیگر سنخیتی ندارند، ازدواج در صورتی مناسب است که میزان رفت‌وآمد با آن خانواده (به علتی مانند دوری مسافت) کم باشد. در ضمن شما ناگزیر هستید که روابط خویش با خانواده را به‌خوبی مدیریت کنید.

پنج. درمان برخی بیماری‌ها؛ اگر شما یا فرد موردنظر، مشخصاتی مانند اختلال جنسی، اعتیاد، بیماری‌های خطرناک مُسری و اختلال شخصیت دارید. ازدواج را تا درمان کامل به تأخیر بیندازید. در مراسم خواستگاری نیز بیماری‌هایی را که مانع روابط زناشویی است یا سبب نقص در فرزندان می‌شود، به طرف مقابل بگویید. هرچند لازم نیست بیماری‌های درمان‌شده و ازبین‌رفته مطرح گردد.

شش. مشورت؛ با مشورت از تجارب دیگران در زندگی استفاده کنید. مشاوره قبل از ازدواج، انسان را با مشکلات ورود به زندگی مشترک آگاه می‌کند تا در زمان بروز مشکل با منطق و صبر آن را حل نماید؛ در صورت بروز اختلاف نظر در یکی از ملاک‌های فرعی، بهتر است آن را با مشاور در میان بگذارید تا تصمیم نهایی با دقت بیشتری گرفته شود.

هفت. توکل؛ برای ازدواج از روش‌های صحیح استفاده کنید و به خدای خود اعتماد نمایید؛ چراکه او خیرخواه مطلق است. از خدا بخواهید بهترین شخص را برای ازدواج شما مقدر نماید.

تسهیل ازدواج در رویارویی با موانع مختلف

افزایش سطح توقعات مادی و غیرمادی فرد و خانواده، آداب و رسوم دست‌وپاگیر و غلط، گرایش پسران جوان برای احراز موقعیت‌های بالای اقتصادی و اجتماعی قبل از ازدواج و تمایل برخی دختران برای کسب موقعیت‌هایی همانند مردان و اشتغال در مشاغل خارج از خانه، تغییر نگرش در جوانان و ایجاد نوعی تغییر در نقش‌های جنسیتی، شیوع برخی بی‌بندوباری‌ها و آزادی در روابط دختران و پسران، مشکلات خانوادگی، رعایت ترتیب در ازدواج فرزندان، ترس و نگرانی ناشی از سوءسابقه ذهنی، تغییر معیارهای گزینش همسر و گرفتار شدن به آرمان‌زدگی و ایدئال‌خواهی افراطی در انتخاب همسر، خارج شدن شیوه همسرگزینی از شکل سنتی، نداشتن خواستگار مناسب، سن، سربازی و تحصیلات از جمله موانع ازدواج هستند. در این بخش به تعدادی از این موانع و راهکارهای برطرف کردن آنها اشاره می‌شود:

یک. اشتغال به تحصیل

بسیاری از دختران و پسران، اشتغال به تحصیل را مانع ازدواج می‌دانند و تصور می‌کنند ازدواج

مانع پیشرفت تحصیلی آنان می‌گردد؛ درحالی‌که هرچند ازدواج سبب می‌شود تا ساعات کمتری درس بخوانند، بازده آن بهتر و بیشتر خواهد بود. در این زمینه به نکته‌های زیر توجه کنید:

- فاصله میان عقد تا عروسی کمی بیشتر باشد.
- در ماه‌های اول ازدواج، تحصیل افراد تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. پس بهتر است شروع ازدواج با مقاطع حساس تحصیلی (کنکور، امتحانات و ...) هم‌زمان نباشد.
- مراسم عروسی پس از گذراندن یک یا دو ترم برگزار شود تا پایه‌های تحصیلی محکم شده باشد و امکان ترک تحصیل کمتر شود.
- عروس و داماد با دلگرمی و امید، یکدیگر را در مسیر تحصیل علم یاری دهند تا به موفقیت‌های بیشتری دست یابند.
- با قناعت می‌توان آرامش فکری و روحی بیشتری به دست آورد و در مسائل آموزشی و پژوهشی پیشرفت کرد.
- همسران در امور خانه به یکدیگر کمک کنند.
- والدین و خانواده‌ها از آنها حمایت کنند.
- کارهای اضافی و غیر ضروری، مانند مهمانی‌های زیاد و دیدن برنامه‌های متنوع تلویزیونی از برنامه روزانه حذف شود تا زمان برای کارهای مهم فراهم گردد.
- می‌توان هم‌زمان با هم یا زمانی که همسر در منزل نیست، درس خواند؛ زیرا برخی اوقات، درس خواندن هنگام حضور همسر، نوعی بی‌توجهی به او تلقی می‌شود.

دو. سطح تحصیلات

اگر سطح تحصیلات پسر پائین‌تر از سطح تحصیلات دختر باشد، او می‌تواند همسر شایسته‌ای باشد، به شرط آنکه:

- فهمیدگی و پختگی لازم برای پذیرش مسئولیت مدیریت خانواده را داشته باشد.
- دوست‌دار دانش باشد و مانع تحصیل همسرش نشود.
- دارای ویژگی برتری از حیث شغل یا اطلاعات عمومی یا سطح خانوادگی یا ... باشد.
- زن توان پذیرش مدیریت شوهری با تحصیلات کمتر را داشته باشد.

سه. مسائل اقتصادی

مسائل اقتصادی را نباید مانع ازدواج دانست و اگر امکانات لازم و ابتدایی برای زندگی مشترک وجود داشته باشد، می‌توان برای ازدواج اقدام کرد. در این زمینه:

- باید به خداوند متعال توکل کرد.
- پسران ضمن پائین آوردن سطح توقعات شغلی خود بکوشند تا شغل مناسبی بیابند و در این راه از اشتغال به مشاغل پاره‌وقت و نیمه‌وقت نیز امتناع نکنند. با تلاش و توکل به خدا می‌توان در آینده صاحب موقعیت‌های شغلی مناسب‌تری شد.
- دختران نیز هنگام انتخاب همسر توجه کنند که پسر، جوهره کار و قابلیت تأمین امکانات موردنیاز را داشته باشد و اگر اهل کار و تلاش است، اما هم‌اکنون نمی‌تواند نیازهای زندگی را برآورده کند، از حمایت خانواده تا زمان فراهم شدن امکانات بهره‌مند باشد.
- برای ازدواج نباید توقعات بالایی در میزان مهریه، جهیزیه و مسکن داشت. اگر این امور ساده گرفته شود، ازدواج آسان و شیرین خواهد شد. دعای خیر پدر و مادر نیز بدرقه راه و سبب برکت زندگی آنها می‌شود. برای کمتر شدن مخارج ازدواج، خانواده‌ها با جلوگیری از تجمل‌گرایی و چشم و هم‌چشمی برای برگزاری جشن ساده بکوشند تا گرفتار بدهی‌های سنگین پس از ازدواج نشوند.
- در تعیین مهریه افراط و تفریط نشود. به شرایط اقتصادی مرد توجه شود و با تعیین مهریه بالا، ازدواج و دختر جنبه مادی نگیرند.
- از آنجا که تأمین جهیزیه در بیشتر مناطق ایران به‌عهده خانواده دختر است، گاهی فقر فرهنگی، پافشاری بر آداب و رسوم غلط و مقایسه خود با دیگران، این ماجرا را به یک معضل تبدیل می‌کند. بنابراین رعایت چند نکته لازم است:
- از نظر اسلام و قانون، تهیه جهیزیه به‌عهده دختر و خانواده وی نیست و این تنها یک مسئله عرفی است.
- جهیزیه و مسکن، شرایطی برای آغاز زندگی مشترک است که با همت طرفین، خانه‌ها بزرگ‌تر خواهد شد و وسایل زندگی کامل‌تر. از این‌رو اگر جهیزیه مختصر بود و برخی ایراد گرفتند و رفتار نامناسبی نشان دادند، مرد باید مدافع جهیزیه و همسرش باشد و زن هم نباید در موضع دفاع قرار گیرد؛ زیرا پاسخ به هر ایرادی لازم نیست.

چهار. خدمت سربازی

خدمت سربازی مانعی برای ازدواج محسوب نمی‌شود و حمایت‌های والدین در دوره کوتاه سربازی به آنها کمک خواهد کرد. به‌علاوه اینکه مرد در دوران سربازی در محل سکونت خود و همسرش خدمت خواهد کرد و حقوق سربازی او نیز دوبرابر می‌شود. گاه می‌توان با توافق همسر، مراسم عروسی را تا پایان دوران خدمت سربازی به تعویق انداخت.

پنج. طلاق پدر و مادر

اگر طلاق پدر و مادر مانع ازدواج است، باید توجه داشت که:

- برخی نگران دعوای و درگیری‌های والدین و تأثیر منفی آن بر دختر و پسر هستند؛ حال آنکه چه‌بسا دعوای و اختلافات، پنهانی و دور از چشم فرزندان بوده است.
- عده‌ای نگران خلأهای عاطفی فرزندان طلاق هستند؛ حال آنکه ممکن است این خلأ به‌وسیله پدربزرگ، مادربزرگ، یا فامیل‌های دیگر جبران شده باشد.
- برخی نیز نگران تربیت ناصحیح فرزند طلاق هستند؛ حال آنکه چه‌بسا فردی که نگهداری او را برعهده گرفته، به‌خوبی وی را تربیت نموده باشد.

بنابراین:

- از آنجا که هر دختر یا پسر دیگری نیز دارای ضعف‌های اعتقادی، اخلاقی و رفتاری است، در برخورد با فرزند طلاق همچون دیگران باید فرآیند تحقیق انجام گیرد.
- در جلسات خواستگاری ضمن مطرح کردن به‌موقع این موضوع، دلایل طلاق والدین برای خانواده طرف مقابل توضیح داده شود. این کار سبب می‌شود تا آنها موقعیت را بهتر درک کنند.
- از پدر و مادر او درخواست شود تا در جلسه خواستگاری حضور داشته باشند و مدتی اختلاف‌های گذشته را برای تأمین آینده فرزند خویش کنار بگذارند.
- از مشورت و کمک ناپدری یا نامادری استفاده شود. اگر دختر یا پسر، آنها را افرادی با‌درایت و خیرخواه می‌دانند، از آنها خواسته شود تا در جلسات خواستگاری حضور یابند.

شش. اعتیاد والدین یا سوءسابقه آنان

اعتیاد یا سوءسابقه والدین نیز مانع ازدواج فرزندان نیست؛ اما در این زمینه بررسی و تحقیق ضروری است. اگر سایه بدنامی اعتیاد، انحراف اخلاقی، بزهکاری یا حبس والدین، زندگی آینده را تهدید می‌کند، برای اطمینان بخشی به طرف مقابل باید توضیح دهد که شخصیت او متمایز از فضای حاکم بر خانواده است. همچنین افزایش توانایی‌های فردی و تلاش برای یافتن وجهه اجتماعی مثبت برای خود در جامعه نیز امری ضروری است.

هفت. سن ازدواج

اگر دختر و پسر، رشد فکری مناسبی برای زندگی مشترک دارند، نباید ازدواج آنان به تأخیر بیفتد. ازدواج در اوایل جوانی سبب می‌شود تا افراد از تمام نعمت‌ها و برکاتی که ازدواج دارد، زودتر بهره‌مند شوند و پیش از آنکه شخصیت آنها قالب محکمی پیدا کند، در کنار یکدیگر رشد کنند. کم‌سن بودن اغلب باعث انعطاف‌پذیری، گذشت و نشاط روحی بیشتر به همراه توقعات پائین‌تر، آسیب‌پذیری کمتر، سازگاری بیشتر با همسر و در نهایت، آرامش بیشتر زندگی خواهد شد.

البته تجربه و پختگی برای افراد مسن‌تر، مزیتی برای زندگی مشترک به‌شمار می‌آید. بالا رفتن سن موجب کسب تجربه بیشتر می‌شود و در نتیجه زندگی، آرامش بیشتری خواهد یافت. درباره نگرانی از بارداری خانم‌ها در سن بالا نیز باید توجه داشت که خانم‌ها تا پس از چهل‌سالگی هم باردار می‌شوند. علاوه بر آن، چه‌بسا افرادی در سنین پائین نیز از موهبت بچه‌دار شدن محروم باشند؛ اما آرامش را در زندگی مشترک خود تجربه کنند.

نکاتی درباره ازدواج با تفاوت سنی معکوس

مطابق عرف و فرهنگ کشور ما، داماد معمولاً بزرگ‌تر از عروس است. اگر در شرایطی سن دختر بالاتر بود، در این زمینه لازم است دختران به نکات ذیل توجه کنند:

- مراقب آثار گذر عمر بر جسم و روان خود باشید و از عواملی که شما را فرسوده می‌سازد (همچون حساسیت زیاد نسبت به مشکلات زندگی که نشاط روانی را از بین می‌برد) یا آنچه سبب به هم خوردن تناسب اندام یا از بین رفتن طراوت پوست صورت می‌شود، پرهیزید و بکوشید با ورزش و مراقبت‌های لازم، خود را جوان‌تر نگه دارید.

- به علاقه‌ها و سلیقه‌های همسر جوان‌ترتان توجه کنید و رفتار خود را با آنها تنظیم کنید.
- در سنین بالاتر، میل جنسی شما کاهش می‌یابد. پس به نیازهای غریزی همسرتان توجه داشته باشید.

هشت. بیماری والدین

در صورتی که کسی به دلیل بیماری پدر یا مادر یا هر دوی آنها مجبور به مراقبت از آنها باشد، نباید ازدواج را به تأخیر بیندازد. چه بسا او فرصت‌های ازدواج مناسب را از دست بدهد. پدر و مادر نیز از تأخیر ازدواج فرزندان رنجیده خاطر خواهند شد. برای حل این مسئله می‌توان مسئولیت رسیدگی به آنها را بین خواهران و برادران تقسیم کرد. همچنین در صورت امکان می‌توان برای آنها پرستار گرفت.

نه. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری

نباید انتظار بالا از زیبایی همسر را مانعی برای ازدواج خود قرار داد؛ زیرا:

- زیبایی کامل نیست. پس باید سطح توقع خود را نسبت به زیبایی همسر تعدیل کرد.
- جلوه‌های زیبایی فراوانی در همسر وجود دارد که باید آنها را کشف کرد و عقل را بر هوس حاکم ساخت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا»^۱ و اگر (زنانتان) دلپسند شما نباشند؛ چه بسا چیزی ناپسند شما باشد، درحالی که خداوند خیر فراوانی را در آن برای شما قرار داده است».
- زیبایی پس از مدتی عادی می‌شود و آنچه مهم جلوه می‌کند، رفتار همسر است.
- زیبایی امری شدنی است و فردی که برای ازدواج انتخاب می‌شود، با آرایش، لباس و ... زیبا خواهد شد. همان‌گونه که برخی زیبارویان، زیبایی واقعی ندارند و در صورت محو پیرایه‌ها و آرایش‌ها هرگز موردپسند نخواهند بود.
- زیبایی امری ترکیبی است. چه بسیار دختران خوش‌سخن و خوش‌اخلاق و پسران مهربان و فهمیده که با اندکی زندگی مشترک، در چشم همسر خود زیباترین جلوه خواهند کرد.

- زیبایی نسبی است. چه بسا دختری در چشم پسری زیبا جلوه کند، حال آنکه مادر پسر او را نمی‌پسندد.
- زیبایی زیاد دختر یا پسر برای همسرانی که غیرت و حساسیت زیادی نسبت به برخورد جنس مخالف با همسرشان دارند، گرفتاری ایجاد خواهد کرد. هم همسر دائماً نگران است و هم زن یا مرد با محدودیت‌های رنج‌آفرین همسر مواجه خواهد بود.
- گاهی زیبایی همسر سبب غرور، تکبر و فخرفروشی او می‌شود که این زندگی مشترک را تلخ و غیرقابل تحمل خواهد ساخت.

د. باورهای اشتباه

برخی از باورهای نادرست در زمینه ازدواج عبارتند از:

۱. ترس از محدود شدن آزادی‌های دوران مجردی؛ حال آنکه:
 - از دست دادن برخی از آزادی‌های دوران مجردی، بهای رشد و آرامش گران‌بهایی است که در دوران تأهل به دست می‌آید.
 - برای اینکه حس عدم آزادی به وجود نیاید، بهتر است طرح تازه‌ای برای روابط با دوستان در نظر گرفته شود؛ از یک سو این کار فضایی جدید به وجود می‌آورد و از سوی دیگر از روابط دوره مجردی نیز در حد متعادل استفاده می‌شود. هنگام انتخاب همسر، نظری را در مورد آزادی‌های دوران مجردی و حفظ مواردی که برای شما مهم است، بپرسید تا در این زمینه به تفاهم برسید.
۲. ترس از مشکلات زندگی؛ حال آنکه:
 - نباید یاری خداوند را فراموش کرد.
 - یادآوری سابقه پیروزی بر مشکلات به‌خوبی می‌تواند باعث افزایش امید و در نتیجه کاهش ترس باشد.
 - مشورت با افراد موفق در زندگی برای کاهش ترس از مواجهه با مشکلات زندگی مشترک بسیار مؤثر است.
 - در انتخاب شریک زندگی باید به توانایی وی در حل مشکلات و تلاش برای مبارزه با آنها دقت شود.

- مشکلات و سختی‌ها با یاری خدا تمام خواهد شد. ضمن اینکه پس از ازدواج برای حل مشکلات، همراهی به نام همسر وجود خواهد داشت.

۳. مقایسه با دیگران؛ در صورتی که:

- راز یک انتخاب صحیح، تناسب زن و مرد با یکدیگر است، نه تناسب با دوستان و آشنایان. مقایسه خود با دیگران، نتیجه‌ای جز یأس یا بالا رفتن توقعات ندارد. بنابراین هر کس باید خود را فقط با توانمندی‌ها و محدودیت‌های خود مقایسه کند تا با رسیدن به سطحی از خودشناسی، تصمیم بهتری برای ازدواج بگیرد. مقایسه فرصت‌های ازدواج خود با سایر افراد (دوستان، فامیل و ...)، گاه به بهای از دست دادن موقعیت‌های مناسبی تمام می‌شود که هرگز قابل برگشت نیست.

۴. تأکید بر ازدواج خواهر بزرگ‌تر؛ ازدواج خواهر کوچک‌تر قبل از خواهر بزرگ‌تر، باید

به نحوی صورت گیرد که موجب سرشکستگی و افسردگی وی نشود. بنابراین:

- والدین با خواهر بزرگ‌تر با ظرافت سخن بگویند و موافقت او را برای ازدواج خواهر کوچک‌تر جلب نمایند.

- والدین علت این امر را واضح و مستدل برای بستگان و دوستان بیان کنند.

- عزت و احترام دختر بزرگ‌تر حفظ شود و محاسن وی - البته نه به صورت ترحمی - در میان جمع بیان شود.

- با خواهر بزرگ‌تر در مورد ازدواج خواهر کوچک‌تر مشورت شود. والدین نباید وی را در مقابل تصمیم انجام‌شده قرار دهند؛ زیرا این موضوع ممکن است ضربه روحی به او وارد کند. اگر پیشنهاد اقدام برای ازدواج خواهر کوچک‌تر از طرف خواهر بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

یازده. اختلاف نظرهای سیاسی

اختلاف در ایده‌های سیاسی مانع ازدواج نیست، اگر:

- دختر و پسر در کلیات اعتقادات سیاسی با هم مخالف و در تضاد نباشند.

- هر دو یا یکی از آنها تعصب سیاسی نداشته باشند.

- دیدگاه سیاسی خود را با مسائل زندگی خانوادگی درنیامیزند.

دوازده. تفاوت فرهنگی

در این موارد باید به نکات زیر توجه کرد:

- فرد در صورتی که قدرت انطباق با شرایط جدید و متفاوت را دارد، می‌تواند این ازدواج را بپذیرد.
- فرد باید قبل از ازدواج با فرهنگ و آداب و رسوم طرف مقابل به‌خوبی آشنا شود تا با رعایت آن، مانع از ایجاد اختلاف با وی یا خانواده و بستگان او گردد. او باید خانواده خود را نیز در این زمینه توجیه کند.
- اگر سطح تفاوت فرهنگی بسیار بالا بود، این ازدواج چندان مناسب نیست؛ زیرا اغلب اختلافات ناشی از تفاوت اعتقادات و رفتارهای برخاسته از فرهنگ فرد است.

سیزده. ازدواج با فرزند تک‌سرپرست

در ازدواج با فرزند تک‌سرپرست باید توجه داشت که:

- او از وجود یک سرپرست محروم بوده است و بنابراین نیاز بیشتری به توجه عاطفی دارد. همسر وی باید اهل مهر و محبت و مدارا باشد.
- ممکن است به دلیل فقدان الگوی پدرانه یا مادرانه، همسر نیاز به زمان داشته باشد تا نقش مردانه یا زنانه را به‌خوبی ایفا نماید. پس با او مدارا شود. البته در مواردی فرزند تک‌سرپرست با حضور پدر بزرگ یا مادر بزرگ یا فرزندان آنها فاقد این خلأ است.

چهارده. مخالفت والدین

- در صورتی که پدر یا مادر با ازدواج فرزند مخالفت کنند، مهم‌ترین رخداد زندگی او بدون همراهی و تأیید بزرگ‌ترین حامیانش خواهد بود و آغاز زندگی مشترک با اضطراب و تنش همراه خواهد شد. پس باید موافقت آنها جلب شود. در این زمینه می‌توان اقدامات زیر را انجام داد:
- بهتر است فرد علت مخالفت را جویا شود و به دلایل آنها بیندیشد. شاید دلیل منطقی و موجهی دارند که در این صورت، او در تصمیم خود بازنگری کند. اگر علت مخالفت آنان غیرمنطقی است، با آرامش و احترام و رعایت روابط عاطفی صحیح، آنان را با خود همراه سازد. فرد نباید با عقیده‌های غیرمنطقی آنها صریحاً مخالفت کند؛ بلکه در ابتدا

بخشی از سخنان آنها را بپذیرد و به تدریج خواسته‌های خود را مطرح نماید.

- از افرادی که دلایل او را درک می‌کنند و می‌پذیرند و بر پدر و مادر او نیز نفوذ دارند، استفاده کند تا میانجی‌گری کنند. این فرد می‌تواند از بستگان، دوستان پدر یا مادر، یک روحانی یا مشاور باشد.

- برای متقاعد کردن پدر و مادر، ابتدا هر یک را که کلام دختر یا پسر پیش آنها نافذتر است، با خود همراه سازد. سپس بر محبت و احترام خود به آنها بیفزاید تا محبت و رضایت آنها را بیشتر جلب کند.

پانزده. سراغ نداشتن فرد مناسب

اگر فرد مناسبی برای ازدواج یافت نشد، از افراد امین، عاقل و توانمند به‌خصوص دوستان کمک گرفته شود. تضرع به درگاه خدا و توسل به اهل بیت^{علیهم‌السلام} نیز کلید حل این مشکل است.

توصیه شده که برای تسهیل ازدواج و یافتن همسر مناسب، آیه: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَ اجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا...»^۱ زیاد خوانده شود^۲ یا پسران در قنوت نمازها دعای «اللهم ارزقني زوجةً سالحةً»^۳ و دختران دعای «اللهم ارزقني زوجاً سالحاً» را بخوانند.

شانزده. ازدواج فامیلی

نباید از ازدواج فامیلی هراسی داشت؛ چه‌بسا در این نوع ازدواج‌ها، تناسب بیشتری وجود داشته باشد و حمایت‌های فامیلی هم بیشتر صورت گیرد. علاوه بر آن، شناخت از فرد مقابل بیشتر و دقیق‌تر و امکان فریب بسیار کمتر است. در ضمن از آنجا که معمولاً آداب و رسوم، اخلاق و اعتقادات فامیل شباهت بیشتری به هم دارد، تفاهم با همسر و خانواده او نیز بیشتر است. در ازدواج فامیلی باید به این نکات توجه کرد:

- از مشاوره ژنتیک غفلت نشود.

- براساس انتخاب عاقلانه انجام شود، نه فقط پیروی از آداب و رسوم.

۱. فرقان (۲۵): ۷۴.

۲. نامعلوم، فریادگر توحید، ص ۲۱۳.

۳. خدایا همسر شایسته‌ای را نصیب من بفرما. (همان)

هفده. ازدواج با سرپرست خانواده

دختری که با سرپرست خانواده ازدواج می‌کند، باید در نظر داشته باشد:

- در صورتی که قدرت تحمل بالایی دارد، پیشنهاد ازدواج را بپذیرد و پس از ازدواج بر صبر و مدارای خود بیفزاید. دخالت‌های دلسوزانه خانواده همسر، آگاهی آنها از مسائل خصوصی زندگی، عدم استقلال در بسیاری مواقع و توجه همزمان همسر به دو خانواده به دلیل مسئولیت‌های دوگانه و ایجاد دوگانگی در تربیت فرزندان می‌تواند از مشکلات پیش‌رو باشد؛ هرچند در این نحوه زندگی، آنها هنگام نیاز دارای حمایت‌کنندگان بیشتری خواهند بود و می‌توان از تجربه‌های مادر شوهر در زندگی خود و فرزندان بیشتر بهره‌مند شد و در غیاب همسر هم‌صحت و مونس داشت. بنابراین:
- از ابتدا تا حد امکان، مسکن خویش را مستقل از مسکن خانواده همسر فرار دهند. طبقه‌ای در کنار طبقه آنها یا خانه‌ای نزدیک خانه آنها یا ...
- بکوشند تا از برکات ارتباط نزدیک با خانواده همسر بهره‌مند شوند و مشکلات پیش‌آمده را به‌خوبی مدیریت کنند.

هجده. معلولیت

معلولیت مانع ازدواج نیست اگر:

- کسی که با معلول ازدواج می‌کند، دارای سعه صدر و صبور باشد. ارزش‌های مختلفی را که معلول دارد، به‌خوبی ببیند، شاکر باشد و او را به سبب معلولیت تحقیر نکند، پیش از ازدواج با پزشک مشورت کند تا از تمام مشکلات جسمی یا روحی او و نیازهایش مطلع گردد، با افرادی که با این‌گونه معلولان ازدواج کرده‌اند، مشورت نماید و از تجربه آنان استفاده کند و به ویژگی‌های اعتقادی، اخلاقی و فرهنگ خانوادگی معلول نیز توجه کند.
- معمولاً افرادی که معلولیت آنها به‌گونه‌ای است که نقص جسمانی هر یک از سوی دیگری جبران می‌شود، برای ازدواج مناسب یکدیگر هستند؛ زیرا یکدیگر را بهتر درک می‌کنند و در آینده، متنی بر یکدیگر نخواهند داشت.
- البته خانواده‌های آنها باید هنگام بارداری، زایمان و خردسالی فرزند آنها به ایشان کمک کنند.

نوزده. تعداد جمعیت اعضای خانواده

تعداد جمعیت اعضای خانواده، مانع از ازدواج نیست. در خانواده‌های پرجمعیت:

- فرزندان معمولاً از روابط عاطفی بیشتری بهره‌مند می‌شوند؛ زیرا علاوه بر محبت پدر و مادر، طعم مهر خواهران و برادران را نیز می‌چشند.
- افراد قانع‌تر و سازگارتر هستند.
- تعامل اجتماعی این‌گونه فرزندان بهتر است و توان مدیریت بهتری برای مسائل خود دارند.

نمودار مطالب فصل

نیاز به جنس مخالف }
 ۱. نیاز عاطفی
 ۲. نیاز جنسی

روابط آزاد با جنس مخالف قبل از ازدواج

۱. افسار گسیختگی امیال جنسی
 ۲. احساس گناه
 ۳. محرومیت از ارزش‌های والای وجودی
 ۴. بروز ناهنجاریهای اجتماعی
 ۵. آسیب رساندن به زنان
 ۶. بروز آسیب‌های عاطفی
 ۷. ظهور تنش‌های روانی
 ۸. بروز آسیب‌های معنوی
 ۹. فراوانی ازدواج‌های ناپایدار
 ۱۰. کاهش ازدواج
 ۱۱. کاهش لذت جنسی
 ۱۲. و ...

۱. روابط آزاد با جنس مخالف (پیامدها)

آسیب‌های قبل از ازدواج

۲. دوستی با جنس مخالف

برای مدیریت آسیب‌های قبل از ازدواج چه کمبری را باید انجام دادیم؟

۱. تأکید بر رعایت حیا در روابط با جنس مخالف
 ۲. ایجاد نگرش منفی به پیروی از غرائز حیوانی
 ۳. ایجاد نگرش منفی به دل‌بستگی شدید به نامحرم
 ۴. سفارش به تقوای چشم، گوش، زبان و لمس

۴
 خویشن‌داری و مدیریت آسیب‌های قبل از ازدواج

- | | |
|--|------------------------------------|
| ۱. همتایی و همانندی | } معیارهای همسرگزینی
سام پیرزاد |
| ۲. خوش اخلاقی | |
| ۳. تقوا | |
| ۴. سلامت روان و عدم ابتلاء به بیماری جسمی شدید یا غیرقابل علاج | |
| ۵. گرایش عاطفی در آستانه ازدواج | |

- | | |
|------------------------------------|---|
| ۱. اشتغال به تحصیل | } تسهیل ازدواج در
رویارویی با موانع مختلف
ضمیمه عواملی است از این جهت
سختی ازدواج من گردد سام پیرزاد |
| ۲. سطح تحصیلات | |
| ۳. مسائل اقتصادی | |
| ۴. خدمت سربازی | |
| ۵. طلاق پدر و مادر | |
| ۶. اعتیاد والدین یا سوء سابقه آنان | |
| ۷. سن | |
| ۸. بیماری والدین | |
| ۹. سخت‌گیری در معیارهای ظاهری | |
| ۱۰. باورهای اشتباه | |
| ۱۱. اختلاف نظرهای سیاسی | |
| ۱۲. تفاوت‌های فرهنگی | |
| ۱۳. ازدواج با فرزند تک سرپرست | |
| ۱۴. مخالفت والدین | |
| ۱۵. سراغ نداشتن فرد مناسب | |
| ۱۶. ازدواج فامیلی | |
| ۱۷. ازدواج با سرپرست خانواده | |
| ۱۸. معلولیت | |
| ۱۹. تعداد جمعیت اعضای خانواده | |

پرسش

۱. پیامدهای منفی شکست عاطفی در عشق به جنس مخالف را در بین فردی از دوستان یا آشنایان خود ارزیابی کنید.
۲. چه راهکارهایی برای تقویت عفاف و حیا در جامعه پیشنهاد می‌کنید؟
۳. شخص متأهل ۴۰ ساله دارای چه تجارب مثبتی است که فرد مجرد ۴۰ ساله از آن بهره‌مند نیست؟
۴. برای آنکه عقل و خرد یک جوان بر هوس‌های نفسانی او حاکم باشد چه راهکارهایی ارائه می‌کنید؟
۵. امروزه ازدواج جوانان با موانع مختلفی روبرو است که به برخی از آنها در این فصل اشاره شد برای غلبه بر این موانع آیا راهکار دیگری می‌شناسید؟ توضیح دهید.
۶. در عرف منطقه‌ای که زندگی می‌کنید چه اقداماتی جهت تسهیل ازدواج جوانان صورت می‌گیرد؟

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. محمدرضا احمدی. روابط پسر و دختر، قم، معارف.
۲. ابراهیم امینی، جوان و همسرگزینی، قم، بوستان کتاب.
۳. محمدجواد حاج علی‌اکبر. مطلع عشق، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. غلامعلی حدادعادل. فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران، سروش.
۵. سید مجتبی حسینی. نگاه و پوشش (آرایش، گفتگو و روابط دختر و پسر)، قم، دفتر نشر معارف.
۶. خواستگاری (پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)، قم، دفتر نشر معارف.
۷. حسین دهنوی، گلبرگ زندگی، قم، خادم‌الرضا.
۸. حسن رحیم‌پور ازغدی، عفاف نماد هویت انسانی، سنابل.
۹. وندی شلیت و نانسی لی دموس. دختران به عفاف روی می‌آورند. ترجمه و تلخیص سمانه مدنی، پریسا پورعلمداری، قم، دفتر نشر معارف.

۱۰. یوسف غلامی، راز یک فریب، قم، دفتر نشر معارف.
۱۱. علی نقی فقیهی، تربیت جنسی، قم، دار الحدیث.
۱۲. محمود گلزاری، ارتباط آگاهانه با جنس مخالف، تهران، مؤسسه نشر مهر.
۱۳. سیده فاطمه محبی، جامعه‌شناسی تنگنای ازدواج در ایران، قم، دفتر نشر معارف.
۱۴. مرتضی مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا.
۱۵. _____، مجموعه آثار، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، تهران، صدرا.

فصل دوم:

حقوق، مسؤلیت و تعالی خانواده

اهداف درس

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:
۱. قواعد و اصول حاکم بر خانواده را بشناسند.
 ۲. با حقوق و مسئولیت‌های مالی همسران آشنا شوند.
 ۳. درباره حقوق و مسئولیت‌های غیرمالی زوجین اطلاعاتی کسب کنند.
 ۴. مهریه ازدواج خویش را منطقی و خردمندانه تعیین کنند.
 ۵. با برخی فضایل و رذایل اخلاقی خانوادگی آشنا شوند و شیوه کسب آن فضایل را بشناسند.

اصول و مبانی الگوی اسلامی خانواده

در نظام ارزشی اسلام به تشکیل خانواده و تحکیم آن توجه جدی شده و در مرحله بالاتر بر ضرورت تعالی خانواده تأکید شده است. دستیابی به رشد و تعالی خانواده از سویی در گرو انجام وظایف هر یک از اعضا و از سوی دیگر مبتنی بر توجه به فضایل و کرامات اخلاقی و معنوی در خانواده است که افراد را جهت گام نهادن در مسیر الهی و دستیابی به حیات طیبه مهیا می‌سازد. در چنین حالتی، روابط خانوادگی برپایه حقوق، اخلاق و فضایل اسلامی استوار می‌شود و خانواده به کانون اصلی رشد و تعالی انسانی مبدل می‌گردد.

زن و مرد به اقتضای انسان بودن دارای آزادی هستند. از طرف دیگر به اقتضای انتساب به خانواده مسئولیت‌هایی را نیز دارند که این مسئولیت‌ها نسبت به همه اعضای خانواده حتی فرزندان کوچک نیز وجود دارد. این مسئولیت‌ها و آن آزادی کاملاً در چارچوب تعریف‌شده‌ای قرار دارد.

اصول حاکم بر روابط خانواده و اصول ناظر به ماهیت جمعی خانواده از مهم‌ترین اصول حاکم بر خانواده است که به آن می‌پردازیم:

یک. اصول ناظر بر روابط اعضای خانواده

۱. اصل مکمل بودن

بنابر آموزه‌های قرآنی، زن و مرد کامل‌کننده یکدیگر هستند. خداوند در تعبیری زیبا فرموده است: «هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَ أَنْتُمْ لِيَاسٌ لَهُنَّ»^۱ زنان لباس شما و شما لباس آنها هستید». در این آیه شریفه، زن و مرد لباس یکدیگر معرفی شده‌اند. لباس دارای دو ویژگی است؛ یکی اینکه موجب محافظت انسان در برابر سرما و گرما و ناملايمات می‌شود و از سوی دیگر، نوعی زینت و نشانه زیبایی انسان است. زن و مرد نیز نسبت به یکدیگر همین گونه‌اند و یکدیگر را از گناه بازمی‌دارند و موجب کمال و زیبایی روحی یکدیگر می‌شوند. مراعات چنین اصلی باعث می‌شود که اگر کوتاهی و یا نقصی در منش و شخصیت و نوع ارتباطات رفتاری و عاطفی طرفین مشاهده گردد با صبر و پذیرش اصل تفاوت و اصل مکمل بودن به اصلاح و تکمیل شخصیت یکدیگر برای بهره‌مندی بهتر از زندگی مدد رسانند.

۲. اصل تعاون

تعاون و همکاری در خوبی‌ها از اصول مهم حاکم بر خانواده است. خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ»^۲ در نیکوکاری و پرهیزکاری همکاری کنید، نه در گناه و تجاوز».

طبق این آیه، معیار تعاون، درستی یا نادرستی اعمال است. کلمه «البر» جنبه اثباتی و حکایت از انجام دادن کارهای خیر دارد و تقوا دارای جنبه سلبی و به معنای انجام ندادن کارهای بد است.

این اصل نشان می‌دهد که حتی در خانواده، افراد باید در انجام کار نیک و پرهیز از گناه به یکدیگر کمک کنند. این همکاری ممکن است درباره یک کار درون خانوادگی یا

۱. بقره (۲): ۱۸۷.

۲. مائده (۵): ۲.

برون خانوادگی باشد. با چنین اصلی است که زنان با ایثار و قناعت و تحمل برخی مشکلات به یاری همسر خود می‌شتابند و مردان با یاری‌رسانی به همسر خود در ایفای نقش خود در خانواده به تکامل خانواده رونق می‌بخشند.

۳. اصل مودت

روی آوردن انسان به تشکیل خانواده از روی حس استخدام و خودخواهی او نیست؛ بلکه ازدواج ریشه‌های عاطفی بسیار قوی‌ای در وجود انسان دارد؛ به‌گونه‌ای که افراد به‌جای توجه به نیازهای خود در خانواده، بر نیازهای سایر افراد تأکید می‌کنند. به تعبیری دیگر، حس «خودخواهی» انسان در خانواده به حس «دگرخواهی» تبدیل می‌شود.

ریشه این دگرخواهی، دو عنصر مودت و رحمت است که هر یک تصویر زیبایی از خانواده متعادل را به نمایش می‌گذارند. دست توانای آفرینش با ایجاد مودت و محبت بین زوجین و تحکیم و تقویت رابطه عاطفی بین آن دو، آنان را وسیله آسایش و آرامش یکدیگر قرار داده است:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ^۱

و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا به آنها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری در این انعمت برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است.

نکته ظریف در سخن خداوند: «او بین زن و شوهر مودت و محبت ایجاد کرده است» این است که خداوند خود جاعل و قراردنده این محبت معرفی شده و شاید از این جهت است که زوج‌خواهی و این محبت از نشانه‌های پروردگار معرفی شده است. با این وصف زوجین باید در حفظ این محبت خدادادی و این نعمت بالارزش الهی بکوشند. آنان باید با شناسایی آفت‌ها و آسیب‌ها، حریم خانواده را پیوسته کانون محبت و مودت نگاه دارند.

۴. اصل معاشرت به معروف

محیط خانواده، فضای ویژه‌ای است و ضابطه رفتاری مناسبی را می‌طلبد. از این رو قرآن کریم

۱. روم (۳۰): ۲۱.

با برشمردن اصل «معاشرت به معروف» به مؤمنان درباره همسرانشان توصیه می‌نماید: «وَاعْتَرَوْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» که به معنای امر به معاشرت شایسته و رفتار انسانی مناسب با زنان است. در ادامه برای استحکام خانواده توصیه می‌شود مردان تا آنجا که ممکن است، معاشرت به معروف و رفتار شایسته را ترک نکنند.^۱

البته مراعات این اصل در مورد مردان نیز از توصیه‌های دین است چه اینکه مردان به واسطه نقش مدیریتی که در خانواده دارند نیازمند احترام و حفظ جایگاه و منزلت خود در خانه هستند تا بر این اساس نظام خانواده با پایداری و ثبات به اهداف خود دست یابد.

۵. اصل تناسب حق و مسئولیت

خداوند قواعد حاکم بر روابط خانوادگی را که گاه متضمن تبیین حق‌ها و گاه بیان‌کننده مسئولیت‌ها و تکالیف هستند، تعیین کرده است. از این رو نظام حقوق خانواده عادلانه و حکیمانه می‌باشد و در چنین نظامی، تناسب میان حق و مسئولیت برقرار است. با این حال، خداوند به طور صریح به عادلانه بودن قواعد اشاره فرموده است: «وَ تَهْنِ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَ لِرِجَالٍ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»^۲ برای آنان حقوقی شایسته است؛ همانند وظیفه‌ای که بر عهده آنهاست؛ ولی مردان را بر زنان مرتبتی است. این آیه به صراحت به برقراری تناسب حق‌ها (لهن) و مسئولیت‌ها و تکالیف (عليهن) اشاره می‌کند. ما در بخش حقوق و تکالیف خانواده بیشتر به این مطلب خواهیم پرداخت.

دو. اصول ناظر به ماهیت جمعی خانواده

۱. اصل قداست

قداست در بردارنده معنایی اخلاقی است؛ یعنی خانواده در اسلام دارای یک ارزش بنیادین و در جهت کمال انسان است. زمانی چنین قداستی رخ می‌نماید که با روابط آزاد و بی‌ضابطه

۱. فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يُجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا؛ چنانچه که دلپسند شما نباشد که بسا چیزها ناپسند شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیاری برای شما مقدر فرموده.

(نساء (۴): ۱۹)

۲. بقره (۲): ۲۲۸.

دختران و پسران مقایسه می‌شود؛ در چنین مقایسه‌ای است که عقد نکاح بدعنوان بیوندهنده زن و مرد مورد تأیید و توصیه الهی است.

زمینه یکی شدن دو جنس متفاوت از همدیگر را که هیچ سابقه ارتباطی نداشته‌اند فراهم می‌آورد و در این ارتباط، هدفی مشترک که بیشتر آن نه صرفاً لذت‌گرایی، خودخواهی و سامان دادن به غرایز حیوانی بلکه تعالی معنوی و شکوفایی جسمی، روحی و اخلاقی است. دنبال می‌شود.

۲. اصل استحکام

روح حاکم بر خانواده، کمک و هماری و اصل در آن، بقا و دوام است. براساس این اصل، قانون‌گذار فقط در مواردی که مصلحت جامعه و خانواده اقتضا کند، به انحلال ازدواج حکم می‌نماید. معنی دیگر این سخن آن است که تلاش زوجین باید در جهت استحکام بنای خانواده باشد و نامایمات و کاستی‌های طرفین آن را متزلزل ساخته بلکه با حل هیچ مشکلات به دوام و بقای بنای خانواده مدد رسانند نه آنکه اصل را بر جدایی و پیران کردن آن نهاده و با کوچک‌ترین مشکلات پدیده مغبوض طلاق و جدایی را رقم زنند.

۳. اصل وحدت

مهم‌ترین عنصر وحدت از دیدگاه حقوق اسلامی، وحدت در دین است؛ زیرا براساس نظام حقوقی اسلام، دین عنصر سعادت انسان و نظم‌دهنده به زندگی اوست. نظام حقوقی اسلام، وحدت در دین را شرط شروع زندگی و ادامه آن می‌داند. در نتیجه زن مسلمان نمی‌تواند با مرد غیرمسلمان ازدواج کند؛ همچنین در صورتی که یکی از زن و شوهر، دین خود را از اسلام به غیر اسلام تغییر دهند، ازدواج آنها فسخ و خانواده منحل می‌شود. افزون بر حاکمیت قانون واحد بر خانواده، مدیریت واحد بر امور خانواده نیز تضمین‌کننده انسجام درونی آن است. یکی از امتیازات نظام حقوقی اسلام آن است که با حفظ کرامت اعضای خانواده، برای اداره آن نظام مدیریتی واحدی طراحی کرده است. این برنامه با طرح قوام بودن مرد بر زن^۱ پیش‌بینی شده است.

۱. الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ... (نساء (۴): ۳۴)

۴. اصل مراعات حریم خصوصی

حریم خصوصی به معنای خلوتگاه انسان‌ها است؛ حریمی که هیچ‌کس بدون مجوز، حق ورود به آن را ندارد. در این حریم، شخص باید مصون و ایمن بماند و هیچ تشویش و دغدغه‌خاطری نداشته باشد. قرآن کریم در یک دستور کلی به مؤمنان می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است. باشد که پند گیرید.^۱

این اصل در درون خانه نیز باید برای اعضای خانواده مورد احترام باشد. روابط زن و شوهر خاص است و نسبت به دیگران از جمله فرزندان حریم محسوب می‌شود. از این رو قرآن کریم با توصیه‌های حقوقی، اخلاقی و تربیتی به این امر اشاره می‌نماید و دستور می‌دهد تا در اوقاتی که معمولاً وقت خلوت زن و شوهر است، هیچ‌کس حتی فرزندان حق ندارند بدون اجازه وارد محیط خلوت آنها شوند.^۲

۵. اصل رعایت مصالح کودک

این اصل از مجموعه مقررات حاکم بر خانواده استخراج می‌شود. اصل حمایت از کودک برای پدر و مادر مسئولیت ایجاد می‌کند. به دنیا آوردن کودک مشروع و سالم و تربیت صحیح او از جمله مسئولیت‌هایی است که بنابر این اصل بر والدین تحمیل می‌شود. علاوه بر این،

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. (نور (۲۴): ۲۷)

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ إِنْ أُوْفُوا عَلَيْكُمْ بِبَعْضِ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ. (نور (۲۴): ۵۹ - ۵۸)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، باید آنان که مالک شده‌اید و همچنین کودکان و آنها که هنوز به حد بلوغ نرسیده‌اند، در سه هنگام از شما برای وارد شدن به خانه رخصت طلبند: پیش از نماز صبح و هنگام ظهر که لباس از تن بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء. این سه وقت، زمان خلوت شماست. در غیر آن سه هنگام، شما و آنها گناهی مرتکب نشده‌اید، اگر بر یکدیگر بگذرید. خدا این چنین آیات را برای شما بیان می‌کند و خدا دانا و حکیم است. و چون اطفال شما به حد بلوغ رسیدند، باید همانند کسانی که ذکرشان گذشت، رخصت طلبند. خدا آیات را این چنین برای شما بیان می‌کند و دانا و حکیم است.

ممنوعیت سقط جنین، وجوب شیر دادن برای نجات و ادامه حیات کودک، حضانت و همیاری در تربیت از جمله مسئولیت‌های مادر است.

۶. اصل حمایت

اصل حمایت از خانواده و اعضای آن دارای دو جهت است: یکی حمایت از درون خانواده که به حمایت اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم می‌شود و دیگری حمایت از بیرون خانواده. بنابراین دولت باید با سیاست‌های خود در چارچوب اختیارات و با رعایت مصلحت نهاد خانواده، حمایت‌هایی را اعمال کند.

حقوق و تکالیف اعضای خانواده

یک. حقوق و مسئولیت‌های مالی زوجین

هرچند عقد ازدواج، پیمانی غیرمالی است و زن و مرد بر ایجاد رابطه همسری یا ایجاد ارتباط زناشویی هم‌پیمان می‌شوند، نمی‌توان آثار حقوق و تکالیف مالی ناشی از این پیمان مقدس را نادیده گرفت. حقوق مالی زوجین و به‌دنبال آن، وظایف آنها در این خصوص، به‌محض جاری شدن صیغه عقد ازدواج آغاز می‌شود. آشنایی با حدود این دسته از حقوق و تکالیف، این بینش را به زوجین می‌دهد تا نسبت به یکدیگر برخوردی عادلانه و آگاهانه داشته باشند. البته این آگاهی از حقوق و وظایف مالی به‌معنای تبدیل خانواده به نهادی اقتصادی نیست و نباید آگاهی زنان و مردان از حدود تعهدات مالی یکدیگر را به مفهوم مطالبه قانونمندان این حقوق و ادای این وظایف برشمرد؛ زیرا این موازین و مرزهای حق و تکلیف از لوازم حداقلی زندگی مشترک می‌باشد و تعیین‌کننده حیات متعالی و انسانی نیست. آنچه زندگی مشترک را به حیاتی پاک و مبارک مبدل می‌سازد، زیستن در سایه احسان، مودت، رحمت و مشارکت بر تقوا و نیکوکاری است.^۱ در این بخش به بیان مواضع دین اسلام و قوانین حقوقی آن در ایفای حقوق مادی زوجین در خانواده و مسئولیت‌های ناشی از آن خواهیم پرداخت.

۱. بنگرید به: هدایت‌نیا، «ارزیابی قوانین خانواده»، مجموعه مقالات حقوق مالی زوجه، ص ۳ - ۲.

۱. آزادی اقتصادی و مالی در خانواده

هر انسانی اعم از زن و مرد در هر وضعیت و در هر سن دارای قابلیت تمتع^۱ است؛ از جمله اینکه می‌تواند مالک اموال گردد. با توجه به مقررات قانونی ایران، زن و مرد از اهلیت تمتع بهره‌مند هستند و در صورت داشتن بلوغ، عقل و رشد، حق انجام هرگونه عمل حقوقی را از جمله کسب درآمد، اداره اموال و دخل تصرف در اموال خود دارند.^۲ (ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی) البته در مواردی شرح محدودیت‌هایی را برای زن و مرد در خانواده قائل شده و جهت قوام خانواده مسئله مالی زوجین را جهت می‌دهد.

۲. آزادی اقتصادی و مالی در بیرون خانواده

هرچند در نظام خانواده گرم کردن کانون خانواده و فراهم آوردن شرایط عاطفی و معنوی در خانه و خانواده با اشتغال زنان در بیرون از خانه محل تأمل است ولی براساس قانون و شرع زنان و مردان می‌توانند به مشاغل مختلف دست یابند و منع قانونی برای اشتغال آنان وجود ندارد.

هرکس حق دارد شغلی را که به آن مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست، برگزیند. (اصل ۲۸ قانون اساسی)

شاید اسلام از این جهت در داوری بین اشتغال زنان و نقش مدیریت عاطفی و اخلاقی آنها در محیط خانواده اصل توجه به خانواده را مدنظر قرار داده که با فراهم آمدن شرایط روانی مناسب در محیط خانواده و ایفای نقش زن به‌عنوان همسر و مادر و تأمین فضای به‌ویژه عاطفی و فراهم آوردن محیط امن و آسوده در خانه، هم فرزندان به‌عنوان نیروهای عمده اجتماع درست تربیت می‌شوند و هم مردان به‌عنوان نیروی انسانی و نیروی کار اجتماع به درستی به نقش خود در خانواده و اجتماع می‌پردازند.

با این وصف در صورت شاغل بودن زنان در قانون کار برای زنان محدودیت و آن وضع شده، ممنوعیت ارجاع کارهای سخت، زیان‌آور و خطرناک به آنان است. (ماده ۷۵ قانون مدنی) همچنین برای انجام کار مساوی در شرایط مساوی باید به زن و مرد، مزد مساوی پرداخت شود.

(ماده ۳۸ قانون کار مصوب ۱۳۶۹)

۱. به‌معنای صلاحیت برای دارا بودن حقوق.

۲. بنگرید به: مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ص ۳۵.

آیه «لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ»^۱ برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره‌ای است.»

با این وصف از لحاظ قانونی، منعی برای فعالیت‌های اقتصادی زن در بیرون از خانواده وجود ندارد؛ اما آیا زن به‌عنوان همسر و عضو خانواده می‌تواند هر فعالیتی را در بیرون از خانواده انجام دهد؟

یکی از محدودیت‌های شغلی زنان در بیرون منزل، حرفه یا صنعتی است که با مصالح خانوادگی، حیثیت شوهر یا با حیثیت خود زن منافات داشته باشد. در صورت وجود هر یک از این موارد سه‌گانه شوهر می‌تواند همسر خود را از انجام آن کار منع کند.

شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد، منع کند.^۲ (ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی)

تشخیص اینکه شغل زن با مصالح خانوادگی یا حیثیت همسر او در تضاد است یا نه، با دادرس است که باید به عرف رجوع کند. برای نمونه، اگر شغل زن طوری باشد که به هیچ‌وجه نمی‌تواند به اداره امور خانواده و نگهداری و تربیت اطفال بپردازد، از آنجا که این شغل او موجب اختلال و نابسامانی در وضع خانواده می‌شود، منافی مصالح خانوادگی شمرده می‌شود. همچنین اگر زن در اشتغال خویش با مردان نامحرم روابط غیرمعارف داشته باشد و دائم در معرض نگاه‌های آلوده مردان قرار گیرد، این شغل با حیثیت زن سازگار نیست و دادگاه به درخواست شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به این کار منع کند.^۳

البته این نکته قابل توجه است که زن و مرد بایست با همدلی و همکاری در جهت تأمین مصالح خانواده تلاش و از خودرایی و خودکامگی برحذر باشند که محیط خانواده بر اخلاق و گذشت بنا نهاده شده است.

۱. نساء (۴): ۳۲.

۲. همین مفهوم در یکی از شروط ضمن عقد برای حق طلاق زن نیز پیش‌بینی شده است که در این صورت اگر مرد شغلی انتخاب کند که مخالف حیثیت زن یا مصلحت خانواده باشد و دادگاه او را منع کند، ولی او اطاعت نکند، برای زن حق طلاق ایجاد می‌شود.

۳. صفایی، مختصر حقوق خانواده، ج ۲، ص ۱۳۰ - ۱۲۹.

دو. حقوق و مسئولیت‌های مالی مردان در خانواده

خانواده یک نهاد مرکب است و عناصر تشکیل‌دهنده آن زن و شوهر و فرزندان هستند. در نظام حقوقی اسلام، هر یک از زن و شوهر دارای تکالیف، حقوق و مزایایی هستند. از آنجایی که بیشترین مسئولیت‌های مالی متوجه مردان است، ما به برخی از مصادیق قابل توجه در وظایف مالی مردان می‌پردازیم تا دختران و پسران از این وظایف و حقوق آگاهی یافته و براساس توانمندی‌های خود به شکل صحیح و نه بدون برنامه‌ریزی مشخص بدان جامه عمل پوشند.

یک. نفقه

براساس مبانی حقوقی اسلام، تأمین هزینه خانواده (نفقه) برعهده شوهر است. نفقه معنای مطلقى دارد که شامل انفاق بر زوجه، اولاد و نزدیکان می‌شود. لذا در فقه و حقوق اسلامی دو نوع نفقه وجود دارد: نفقه زوجه و نفقه اقارب.

۱. نفقه زوجه

نفقه زوجه شامل مخارجی است که شوهر باید به همسر خود بپردازد. قرآن کریم می‌فرماید:

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ.^۱
مردان عهده‌دار امور زنان هستند این از آن روست که خداوند برخی از مردم را بر بعضی دیگر برتری داده و نیز از آن روست که مردان از اموال خود هزینه زندگی زنان را می‌پردازند.

این آیه، دلالت روشنی بر تکلیف مردان نسبت به پرداخت نفقه به زنان دارد. سپردن سرپرستی خانواده به مردان به سبب تفاوت‌هایی است که خداوند از نظر آفرینش برای مصلحت نوع بشر میان زن و مرد قرار داده و در برابر مقابل چنین حقی، تکلیفی را به‌عهده شوهر می‌گذارد و می‌فرماید: «و بما أنفقوا من أموالهم». این سرپرستی به‌دلیل تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زن و خانواده به‌عهده دارند.^۲

خداوند در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «خوراک و لباس زنان آن‌هم به‌وجهی نیکو، برعهده پدر

۱. نساء (۴): ۳۴.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

فرزند (شوهر) است»^۱ و امام رضا^{علیه السلام} نیز فرمود: «... زن در مورد نیازمندی‌هایش، عاقله مرد به‌شمار می‌آید و بر مرد واجب است که نفقه وی را بپردازد؛ اما برعهده زن نیست که شوهر خود را تأمین کند یا اگر مرد محتاج و نیازمند شد، نفقه او را بدهد.»^۲ روایات فراوان دیگری نیز بر لزوم انفاق مردان بر زنان دلالت دارد که پسندیده است مردان به آن توجه و خود را در برابر آن مسئول بدانند. از نظر حقوقی نیز در عقد دائم، نفقه زن به‌عهده شوهر نهاده شده است. (ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی) این وظیفه ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد. لذا دو طرف نمی‌توانند ضمن عقد نکاح یا پس از آن، تکلیف مرد را ساقط کنند.

در صورت نشوز و سرپیچی زن، وجوب نفقه از مرد ساقط می‌شود:

اگر زن بدون مانع مشروع، از ادای وظایف زوجیت امتناع کند و نیازهای مشروع جنسی شوهر را برآورده نسازد، مستحق نفقه نخواهد بود و نفقه ساقط می‌شود. (ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی) هرچند در مواردی موجب سقوط نفقه نیست؛ از جمله: اگر بودن زن با شوهر در یک منزل، موجب ترس از ضرر مالی یا بدنی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن جداگانه از شوهر داشته باشد و اگر این موضوع در دادگاه ثابت شود، مادام که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور باشد، نفقه برعهده شوهر باقی است. (ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی)

در قانون مدنی، مصادیق نفقه این‌گونه بیان شده است:

نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل مسکن، پوشاک، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خدمتکار (در صورت عادت یا احتیاج به‌واسطه نقصان یا مرضی). (ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی، اصلاحیه ۱۳۸۱)

منظور از نفقه متناسب با وضعیت زن، تعیین آن با توجه به شرایط زندگی خانوادگی، بستگان و زنان همانند او در همان شهر است. البته باید توجه داشت که اگر وضع زن خیلی بهتر از توان اقتصادی شوهر بوده و حاضر به ازدواج با این مرد شده است، نمی‌تواند در میزان نفقه سخت‌گیری کند؛ چنان‌که اگر وضعیت اقتصادی شوهر از موقعیت خانه‌پدري زن خیلی

۱. بقره (۲): ۲۳۳.

۲. لان الأنتی فی عیال الذکر ان احتاجت و علیه أن یعولها و علیه نفقتها و لیس علی المرأة أن تعول الرجل و لاتوخذ بنفقتها إذا احتاج. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۹۵)

بهتر باشد، او نمی‌تواند زن را در محرومیت نگه دارد. اگر زن سازگاری داشته باشد، ولی شوهر نفقه ندهد، او می‌تواند به دادگاه شکایت کند. دادگاه نیز میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم می‌کند. (ماده ۱۱۱۱ قانون مدنی)

اگر شوهر به دستور دادگاه عمل کند، مشکل حل می‌شود؛ ولی اگر دستور دادگاه را به کار نیندد و دادگاه هم نتواند او را مجبور کند، حاکم می‌تواند زوج را وادار به طلاق نماید. (ماده ۱۱۲۹ قانون مدنی) ترک انفاق از سوی زوج متمکن و دارای توانایی مالی موجب می‌شود که دادگاه او را به حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه محکوم نماید. (ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵) هرچند قانون در این زمینه از زن حمایت حقوقی و کیفری می‌کند، توصیه اخلاقی به زنان آن است که با دشواری‌های زندگی سازش داشته باشند تا خداوند گشایشی در زندگی آنان پدید آورد. خداوند می‌فرماید:

و اگر زنی از شوهرش به خاطر مخالفت و بدرفتاری یا روی گردانی بترسد، باکی نیست که هر دو، به راه صلح و سازش بازآیند که صلح بهتر است؛ درحالی‌که نفس‌ها را بخل و حرص فرا گرفته است و اگر درباره یکدیگر نیکویی کنید و پرهیزکار باشید، همانا خداوند به هر چه می‌کنید، آگاه است.^۱

نفقه با قوانین مخصوص به خود، یکی از مهم‌ترین منابع برای تأمین همبستگی زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده است. انفاق مرد به زن، به او احساس کفایت و مفید بودن می‌دهد و قوانین آن در عین حال که به زن احساس شخصیت می‌دهد، به او القا می‌کند که شوهرش برای حفاظت از خانواده و آسایش وی می‌کوشد. مردان نیز این کوشش را سندی برای علاقه خود به همسر و فرزندان و دست‌مایه غرور و اقتدار خویش می‌دانند. پس قانون نفقه به حفظ جایگاه طبیعی مرد و زن کمک می‌کند.^۲

از آنجا که بخشی از نفقه، وسایل خانه است و در عرف ایرانیان، تهیه آن با عنوان جهیزیه برعهده خانواده دختر است، باید یادآور شد که آوردن جهیزیه، نشانه صمیمیت و مظهری از

۱. وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. (نساء: ۴) (۱۲۸)

۲. علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۱۵۴.

روح تعاون بین خانواده زن و شوهر است، نه به معنای انصراف از مالکیت یا شریک ساختن شوهر در آن؛ ولی خانواده از منافع آن بهره‌مند می‌شود. از نظر حقوقی، آوردن جهیزیه حقی را برای شوهر ایجاد نمی‌کند؛ ولی از لحاظ اخلاقی و عرفی، زن این اموال را به خانواده اختصاص می‌دهد تا صرف نیازهای افراد آن شود.^۱

۲. نفقه اقارب

نفقه نزدیکان انفاقی است که شخص باید در حال نیازمندی والدین و فرزندان بپردازد تا صرف فرزندان صغیر یا فقیر و یا پدر و مادر نیازمند او شود. گاهی نسبت به این نوع نفقه که به عهده افراد است کوتاهی و بی‌توجهی می‌شود که افراد به‌ویژه فرزندان بایست در مورد آن کوتاهی نکنند. ملاک این نوع نفقه، حقوق فرزندان بر والدین خود و نیز حقوقی است که پدر و مادر به حکم زحماتی که در دوره کودکی فرزند خود متحمل شده‌اند، بر فرزند پیدا می‌کنند. شرط این نوع از نفقه، ناتوان بودن آن شخص است.^۲ طبق قوانین، «نفقه اقارب» بر کسی واجب است که توان دادن نفقه را داشته باشد. (ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی) در قوانین اسلامی به نفقه اولاد و اقارب اشاره شده است:

نفقه اولاد بر عهده پدر است. پس از فوت پدر یا عدم قدرت او به اتفاق، به عهده اجداد پدر است. با رعایت الاقرب فالاقرب در صورت نبودن پدر و اجداد پدری و یا عدم قدرت آنها، نفقه به عهده مادر است. (ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی)

دو. مهریه

«مهر» عطیه و بخششی است که مرد هنگام ازدواج به همسر خود می‌پردازد. قرآن کریم از مهر به «صداق» تعبیر نموده است: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»^۳ واژه صدق از ریشه صدق و نشان حقیقی علاقه و عشق شوهر به زن است و صدق ادعای وی را اثبات می‌کند. واژه نحلّه به معنای عطیه است و در این تعبیر، مهر جنبه تقدیمی و هدیه بودن دارد. از این جهت این هدیه که از سر صدق و راستی باشد بایستی به زن تقدیم شود نباید با سخت‌گیری و تعیین

۱. بنگرید به: کاتوزیان، دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده، ص ۱۵۲.

۲. اسعدی، خانواده و حقوق آن، ص ۲۵۶.

۳. نساء (۴): ۴.

شرط و فشارهای دختر و خانواده او به عدم صداقت مرد آمیخته شده و به ارقام نجومی که اصلاً در توان و شأن مرد نیست کشیده شود. از طرفی مهریه نتیجه تدبیر ماهرانه‌ای است که در متن خلقت و آفرینش برای تعدیل روابط زن و مرد و پیوند آنها با یکدیگر به کار رفته و حاکی از این است که مرد برای جلب رضایت همسر خود و به احترام موافقت او هدیه‌ای نثار او کند.^۱

در شریعت مقدس اسلام، توصیه و تأکید فراوانی درباره پرداخت مهریه زنان شده و خودداری از آن در شمار پلیدترین گناهان شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است:

«خودداری از پرداخت مهریه از پلیدترین گناهان شمرده می‌شود».^۲

چه بسیار مردانی که در طول زندگی مشترک هدایای زیادی به همسر خود می‌دهند یا مبالغ کلانی صرف زندگی و لوازم خانه مشترک می‌کنند، ولی مهریه زنان را که شرعاً بر آنها واجب است، نمی‌دهند و حتی گاهی درخواست پرداخت مهریه را از سوی زنان، مساوی با طلاق می‌دانند؛ حال آنکه مطالبه حق قانونی زن نباید به معنای عدم وفاداری وی تلقی شود. هرچند گاهی مبالغ کلان مهریه که اصلاً منطقی و متناسب با شأن و منزلت واقعی طرفین نیست زمینه مشکلات و تزلزل در ارتباط زوجین را فراهم می‌آورد که باید حتی‌الامکان از این جهت مراقبه لازم صورت گیرد.

پرداخت این هدیه از طرف مرد، تأثیر روان‌شناختی ویژه‌ای در زن بر جای می‌گذارد و احساس می‌کند مرد به او علاقه‌مند است و علاقه خود را در عمل نشان داده و حاضر است هزینه آن را بپردازد.

مهریه در مرد نیز آثار روان‌شناختی ویژه‌ای دارد؛ اولاً، او متوجه می‌شود برای کسی که دوست دارد و به او علاقه‌مند است باید هزینه کند. ثانیاً، تأثیر مهریه به پس از ازدواج بازمی‌گردد. به‌طور کلی اگر برای کسب چیزی سرمایه‌گذاری کنیم، راضی نمی‌شویم آن را به‌سادگی از دست بدهیم. در مورد ازدواج نیز مرد سرمایه‌گذاری عاطفی و مادی گسترده‌ای کرده است و به همین جهت نمی‌تواند به‌آسانی از آن دست بردارد.^۳

۱. بنگرید به: مطهری، حقوق زن در اسلام، ص ۱۸۶ - ۱۸۴.

۲. أقدر الذنوب ثلاثة ... حبس مهر المرأة ... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۰۸)

۳. بنگرید به: سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۸۰ - ۱۷۹.

آن چنان که گذشت از جمله توصیه‌های اخلاقی در مورد مهریه، پرهیز از تعیین مهریه‌های سنگین است. حضرت علی علیه السلام فرمود: «مهریه را زیاد قرار ندهید؛ زیرا سبب دشمنی می‌شود».^۱ همچنین در روایات آمده است که از ویژگی‌های یک همسر مطلوب سبک بودن مهریه آن است چنان که در مورد سیره معصومین از جمله حضرت زهرا علیها السلام نیز این امر رعایت گردیده است.

برای مطالعه بیشتر

نکات حقوقی مهم درباره مهریه به‌طور اختصار عبارتند از:

۱. مهریه باید دارای جنبه مالی و قابل تملک باشد؛ (ماده ۱۰۷۸ قانون مدنی) قابل اندازه‌گیری به مال و در عین حال معلوم و معین باشد. مبهم نباشد؛ یعنی تعداد، مقدار و وصف آن معلوم باشد. برای نمونه، نمی‌توان یک دانگ از خانه‌ای را مهریه زن قرار داد، مگر آنکه مشخصات آن خانه دقیقاً تعیین گردد.
۲. اگر مهریه مال غیرمنقول مانند: خانه، زمین و باغ باشد، علاوه بر تنظیم سند ازدواج و ثبت در دفتر ازدواج باید مفاد سند در دفتر معاملات نیز ثبت شود. (بند ۴ آئین‌نامه متحدالشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۱/۵/۲۰)
۳. اگر مهریه از نوع خانه و زمین باشد، منافع مال متعلق به زن می‌شود؛ یعنی از نظر قانونی اگر مثلاً خانه در اجاره است. زن می‌تواند مال‌الاجاره را دریافت کند.^۲
۴. در صورتی که مهریه منقول باشد، مشخصات آن باید در سند ازدواج درج شود.
۵. مرد باید قصد پرداخت مهریه را داشته باشد.
۶. اگر مهریه یا بخشی از آن دارای مهلت و زمان مشخص باشد، زن تا رسیدن زمان مقرر نمی‌تواند مهریه را مطالبه کند. مگر اینکه شوهر فوت کند که در این صورت، مهریه حال می‌شود و از «ماترک» شوهر، ابتدا مهریه زن را می‌پردازند و سپس ارث افراد را مطابق قانون تقسیم می‌کنند. (ماده ۱۰۸۳ قانون مدنی) در ضمن اگر در سند ازدواج ثبت شود

۱. لا تغالوا بمهور النساء فتكون عداوة. (همان، ج ۲۱، ص ۲۵۳)

۲. بداشی، اخلاق و حقوق خانواده، ص ۹۸ - ۹۷.

یا زن بپذیرد که مرد مهریه را عندالاستطاعه بپردازد، پرداخت مهریه زمانی بر مرد لازم می‌شود که توانایی پرداخت مهریه را داشته باشد. در این صورت اگر زن مهریه خود را مطالبه کند، توانایی مالی مرد مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر توان پرداخت آن را داشت، به پرداخت مهریه مجبور می‌شود و اگر توان پرداخت آن را نداشت، دیگر مجازات نخواهد شد. در صورتی که مهریه بیش از ۱۱۰ سکه باشد نیز مرد برای پرداخت بیش از آن تعداد مجازات نخواهد شد.

۷. اگر مهریه‌ها منطقی و متعارف و در حد شئون و توانایی طرفین باشد، انتخاب «عندالمطالبه بودن مهریه» مناسب است و مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ ولی اگر مهریه‌ها غیرمتعارف و سرسام‌آور باشد، برای پیشگیری از خطر به حبس افتادن مرد (به‌ویژه در صورتی که توانایی پرداخت را نداشته باشد) «عندالاستطاعه بودن مهریه» به مصلحت است.

۸. اگر بعد از عقد و قبل از نزدیکی طلاق واقع شود، زن مستحق نصف مهر است. (ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی)

۹. در صورت عدم پرداخت مهریه در طول حیات، پس از مرگ، ابتدا مهریه زن به‌عنوان دین از اموال شوهر به زن پرداخت می‌شود. سپس بقیه اموال مطابق قانون به ورثه می‌رسد.

سه. ارث زن و شوهر

یکی دیگر از حقوق مالی زن و شوهر ارث است و انسان با وراثت می‌تواند مالک مال شود. (ماده ۱۴۰ قانون مدنی)

براساس نظام مالی خانواده در اسلام، زن همانند مرد، حق ارث دارد و در اصل توارث بین زن و مرد تفاوتی نیست. البته در میزان ارث بین آنها تفاوت وجود دارد.^۱ سهم ارث زن، نصف سهمی است که مرد می‌برد.^۲ هرچند میزان سهم ارث زن و شوهر در قرآن مشخص شده است و امکان تغییر آن وجود ندارد، شوهر می‌تواند از طریق وصیت، بخشی از اموال

۱. یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الأنثیین. (نساء (۴): ۱۱)

۲. بنگرید به: گرجی، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، ص ۲۸۴ - ۲۷۷.

خود را - در صورتی که لازم بداند - به زن ببخشد؛ هر چند در نظام مالی خانواده، دو منبع مالی دیگر (مهر و نفقه) برای زن وجود دارد که می‌تواند کمبود ناشی از سهم ارث را جبران کند.

حقوق و مسئولیت‌های غیرمالی زوجین در خانواده

یک. حقوق و مسئولیت‌های مشترک

در تعالیم اسلامی علاوه بر حقوق و وظایفی که هر فرد مسلمان نسبت به افراد دیگر دارد، زن و شوهر نیز در برابر یکدیگر و حقوق و تکالیف ویژه‌ای برعهده خواهند داشت. لذا هر دو به صورت مشترک موظف به انجام آنها می‌باشند.

۱. حسن معاشرت

هم‌زیستی زن و شوهر در خانواده باید همراه با رعایت اصول اخلاقی و انسانی باشد. با مراجعه به آیات قرآنی درمی‌یابیم که هنگام بیان این اصول، سخن از «ازدواج» و «زوج»^۱ است که چنین واژگانی از همدلی زن و مرد پرده برمی‌دارد؛ اما هنگامی که چنین رابطه‌ای مخدوش شد و روابط زن و شوهر از حالت همدلی و زوجیت خارج گشت، سخن از «امراه»^۲ است.

بنا به تصریح قرآن کریم، زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگر هستند: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳ با همسرانتان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید. در روایات هم مهر، محبت، رحمت، خوش‌رویی و مسالمت با یکدیگر، مبنای زندگی شمرده شده‌اند و همه این تکالیف در قانون چنین انعکاس یافته‌اند: «زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.» (ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی)

سوءمعاشرت هر یک از زوجین نیز برحسب مورد، حقوقی را به طرف مقابل می‌دهد یا از او سلب می‌کند. لذا در صورت اثبات سوءمعاشرت هر یک از زوجین، احکام قانونی خاصی وجود دارد.^۵

۱. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. (روم (۳۰): ۲۱)

۲. امْرَأَةُ الْعَزِيزِ؛ (یوسف (۱۲): ۳۰) همسر عزیز مصر.

۳. حکمت‌نیا، حقوق زن و خانواده، ص ۲۳۹.

۴. نساء (۴): ۱۹.

۵. صفایی و امامی، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۴.

خوش رفتاری و احترام به همسر، عفو و بخشش خطاهای یکدیگر، همکاری در امور خانواده، پایبندی به همسر، پرهیز از بدگویی و ابراز عیوب وی نزد دیگران، روابط جنسی متعارف و تمکین زن برای شوهر از جمله مصادیق حسن معاشرت شمرده می‌شوند:

۱ - ۱. خوش رفتاری: برای محکم کردن بنیان خانواده و تداوم آن زن و شوهر باید با خوش رفتاری، مسالمت و مهربانی با یکدیگر برخورد کنند و از اعمالی که سبب ایجاد نفرت، کینه، غم و اندوه می‌شود، پرهیزند.^۱

آرامش حاصل از ازدواج تنها در کنار همسری فراهم می‌آید که خلقی نیکو و رفتاری پسندیده با اهل خانه (به‌ویژه همسرش) داشته باشد و زندگی با همسر بداخلاق و بدرفتار هیچ آرامشی در پی نخواهد داشت. قرآن کریم در موارد بسیاری بر لزوم خوش رفتاری مردان با همسر خود تأکید ورزیده و به آنان امر کرده است تا زن خود را به نیکی نگه دارند^۲ (امساک به معروف) و با او به نیکویی رفتار کنند (معاشرت به معروف).^۳

زن نیز موظف به خوش رفتاری با شوهر است و باید از گفتار و رفتاری که باعث آزار و اذیت وی می‌شود، پرهیزد. رسول خدا ﷺ فرمود:

آگاه باشید، هرگاه زنی با شوهرش مدارا نداشته باشد و از وی چیزی بخواهد که قادر به فراهم کردن آن نباشد و فوق طاقت او باشد، خداوند از چنین زنی حسنه‌ای را نمی‌پذیرد و او خدا را در حالی ملاقات می‌کند که خداوند از او خشمگین است.^۴

۱ - ۲. برآوردن نیاز جنسی همسر: داشتن روابط جنسی به‌طور متعارف، جزئی از حسن معاشرت محسوب می‌شود. بی‌اعتنایی یکی از همسران به خواست طرف دیگر در این زمینه اگر برپایه دلیل موجهی نباشد، برخلاف حسن معاشرت شمرده می‌شود.^۵

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. طلاق (۶۵): ۲؛ بقره (۲): ۲۲۹ و ۲۳۱.

۳. نساء (۴): ۱۹.

۴. من كانت له امرأة لم توافقه و لم تصبر علی ما رزقه الله عزوجل و شقت علیه و حملته ما لم يقدر علیه، لم يقبل الله منها حسنة تتقي بها النار و غضب الله عليها ما دامت كذلك ... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۶۴)

۵. عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۹۱.

اگر خروج از حسن معاشرت زن به صورت عدم تمکین جنسی او باشد، موجب «نشوز» می‌گردد و وی مستحق نفقه نخواهد بود. از طرفی، اگر سوءرفتار شوهر به گونه‌ای باشد که ادامه زندگی خانوادگی غیرقابل تحمل گردد، زن حق طلاق خواهد داشت. (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی)

بی‌تفاوتی به چنین نیازی در روابط فیما بین زوجین تأثیرات قابل‌جیرانی می‌گذارد که آرام‌آرام باعث سردی روابط شده و نشاط منزل را دچار رکود می‌کند. لذا زوجین باید نسبت به این مسئله دقت ویژه‌ای مبذول دارند و در صورت سردی روابط از این آسیب جلوگیری و با مشاوره و کسب آگاهی‌های لازم از سردی روابط بکاهند.

۱ - ۳. گذشت از خطای همسر: گاهی در زندگی مشترک، یکی از زوجین اشتباه می‌کند. گذشت از غفلت و خطا، ضرورت زندگی مشترک است و انسان به سبب انسان بودن، مصون از خطا و اشتباه نیست و بخشیدن و بخشیده شدن، وسیله‌ای برای تداوم زندگی مشترک است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «یکی از شریف‌ترین رفتارهای شخص کریم، چشم‌پوشی و غافل شدن از آن چیزی است که می‌داند.»^۱ کسی که عیب را می‌پوشاند و حسن را جلوه می‌دهد، از تقصیر می‌گذرد؛ ولی لطف را به خاطر می‌سپارد و خرم و شادکام، موجب آسایش و راحتی است.^۲ این موضوع در خانواده‌های دارای فرزندان، ضرورت بیشتری دارد؛ زیرا یکی از حقوق کودکان، داشتن نعمت پدر و مادر و زندگی در سایه آرامش است و این مصلحت بر منافع شخصی پدر و مادر غلبه دارد. چه بسا پدر یا مادر با آگاهی از اینکه حق وی از جانب همسرش تضییع می‌شود، برای حفظ حقوق فرزندان در بهره‌مندی از محیطی آرام و بدون تنش از حقوق خود می‌گذرد که این نوعی ایثار و تقدّم حق دیگری بر حق خود است. صبر بر خطاهای دیگری، مانند بی‌نظمی یا تخلف از عهد، یک ارزش است و نباید آن را با ظلم‌پذیری یکسان پنداشت؛ زیرا چه بسا طرف دیگر از اشتباه خود آگاه باشد و از روی عمد مرتکب تقصیر نگردد و چه بسیار مواردی که این صبر، کلید گشایش است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. من اشرف افعال الکریم غفلته عما یعلم. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۷۱)

۲. احسانبخش، نقش دین در خانواده، ص ۲۶۱.

خداوند به زنی که بر بدخلقی شوهرش صبر کند، ثواب آسیه، همسر فرعون (یکی از چهار زن بهشتی) را می‌دهد.^۱
 اگر مردی بر بدخلقی همسر خویش صبر کند، خداوند پاداشی که به حضرت داود علیه السلام داد، به او هم می‌دهد.^۲

۲. اسکان مشترک

زن و شوهر باید با یکدیگر و در محل مشترکی زندگی کنند. بنابراین شوهر مکلف است زن را در خانه اسکان دهد و زن نیز مکلف است در خانه شوهر زندگی کند.^۳ در صورتی که زن، خانه مشترک را بدون دلیل موجه - مانند در امان ماندن از ضرر جسمی، مالی یا حیثیتی - ترک نماید، «ناشزه» محسوب می‌شود و مستحق نفقه نیست. (ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی) اگر مرد زندگی را ترک کند، دادگاه او را ملزم به بازگشت به خانه می‌کند و اگر این الزام میسر نشد و این مدت بدون عذر موجه به ۶ ماه متوالی یا ۹ ماه متناوب در مدت ۱ سال رسید، زوجه می‌تواند درخواست طلاق دهد و دادگاه این درخواست را خواهد پذیرفت. (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی بند ۱)

زن و شوهر از نظر اخلاقی و حقوقی مکلف به سکونت مشترک با یکدیگر هستند. توصیه شده است که همسران به اهمیت بستر مشترک و نقش هم‌بستری در ایجاد مودت و رحمت و تأثیر آرامش روحی و روانی آن بر اعضای خانواده توجه داشته باشند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «مایه هلاکت جوانمردان است که مرد در شهری که خانواده‌اش در آن است، باشد، ولی شب را در منزل خود سپری نکند».^۴

۳. وفاداری

یکی از مسئولیت‌ها و تکالیف مشترک زن و مرد، وفاداری در حق یکدیگر می‌باشد. نگاه منفی

۱.... من صبرت علی سوء خلق زوجها أعطاهما مثل ثواب آسیه بنت مزاحم. (مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷)

۲. من صبر علی سوء خلق امرأته أعطاه الله من الأجر ما أعطاه داود علیه السلام علی بلائه. (همان)

۳. عراقی، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۹۰.

۴. هلك بدوي المروءة أن يبیت الرجل عن منزله بالمصر الذي فيه أهله. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۷۱)

عرف و عادت و نیز مقررات جزایی و تعیین مجازات برای روابط جنسی خارج از حریم زوجیت نیز حاکی از وجود اصل وفاداری زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران است.^۱ معنای وفاداری در زندگی این است که زن یا مرد، رابطه نامشروع با دیگری نداشته باشد. هر نوع نگاه، گفتار و رابطه حرام با غیر همسر علاوه بر حرمت، موجب رنجش و کدورت بین همسران می‌شود که برای حفظ تحکیم خانواده پرهیز از آن ضروری است. آنچه زمینه وفاداری بین همسران را تقویت می‌کند، «عفاف» است که در آداب دینی، رعایت آن به زن و مرد توصیه شده است.

همچنین غیرت مردان در حفظ عفاف خانواده مؤثر است. رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند بندگان با غیرت خود را دوست دارد.»^۲ البته غیرت در محدوده رعایت حدود الهی امری مطلوب است؛ مانند اینکه شوهر به همسر خود تذکر دهد تا حجاب خویش را حفظ نماید یا در معاشرت با همکاران مرد خود، رفتاری متین و باوقار داشته باشد. غیرت در امور حرام، مطلوب و پسندیده است و در امور حلال، زشت و ناپسند. حضرت علی رضی الله عنه در نامه‌ای به امام حسن رضی الله عنه نوشتند: «تو را از غیرت بیجا برحذر می‌دارم؛ زیرا غیرت بیجا زنان سالم را به بیماری سوق می‌دهد».^۳

هرچند در قانون مدنی به تکلیف وفاداری زن و شوهر (به دلیل بدیهی بودن این تکلیف) اشاره‌ای نشده است، به دلیل لطمه‌ای که در اثر رابطه نامشروع زن و شوهر به خانواده و حتی فرزندان وارد می‌شود، این امر در قانون مجازات اسلامی جزء جرائم عمومی شمرده شده و برای آن مجازات سختی در نظر گرفته شده است. از سوی دیگر، تکلیف به وفاداری از نظر حقوقی بدون ضمانت نیست؛ بلکه در صورت تخلف از آن می‌توان به‌عنوان سوءرفتار یا ارتکاب جرمی که با حیثیت خانوادگی تعارض دارد، درخواست طلاق نمود و همسری که زیان می‌بیند، می‌تواند درخواست جبران خسارت مادی و معنوی کند.^۴

۱. صفایی و امامی، *مختصر حقوق خانواده*، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲. ان الله يحب من عباده الغيور لا غیرة فی الحلال. (متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۷۰۷۰)

۳. کلینی، *اصول الکافی*، ج ۵، ص ۵۳۷؛ حر عاملی، *وسائل الشیعة*، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۴. بنگرید به: کاتوزیان، *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*، ص ۱۶۳ - ۱۶۲.

۴. مشارکت و همکاری در امور خانواده

مشارکت و همکاری زوجین و کمک به یکدیگر در امور خانواده از جمله وظایف آنهاست و این مورد تأکید قانون نیز قرار گرفته است: «زوجین باید در تشدید مبنای خانواده و تربیت اولاد خود با یکدیگر معاضدت نمایند». (ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی)

مشارکت زن در تأمین شرایط برای همسر برای تلاش خارج از منزل و همکاری مرد در سامان دادن به اوضاع خانه از مصادیق این مشارکت و همکاری است.

۵. حضانت و تربیت فرزندان

از مهم‌ترین مسئولیت‌های مشترک زن و شوهر، مراقبت از سلامت جسمانی فرزندان، رسیدگی عاطفی به آنها و برآوردن نیازهای روانی آنان می‌باشد؛ همچنین مسئولیت پرورش فکری و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان برعهده پدر و مادر است.

در اصطلاح حقوقی، «حضانت» قدرتی برای نگهداری و تربیت اطفال است که به پدر و مادر اعطا شده است و قانون‌گذار طبق نظام خلقت، وظیفه حفاظت جسمی و روحی فرزند را به والدین سپرده و آن را حق و تکلیف ایشان دانسته است تا نگهداری و تربیت کودک تضمین و تأمین گردد.^۱ قانون مدنی، این مسئولیت مشترک را چنین بیان می‌کند:

حضانت و نگهداری فرزندان از حقوق و وظایف مشترک زوجین است.
(ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی)

پدر و مادر مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خود اقدام کنند. (ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی)

بنابراین حضانت کودک تنها حق پدر و مادر نیست؛ بلکه نوعی وظیفه اخلاقی و اجتماعی نیز هست و اگر در این زمینه کوتاهی کنند، مسئول خسارات ناشی از آن خواهند بود؛ لذا:

هیچ‌یک از والدین حق ندارد از نگهداری طفل امتناع نماید. (ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی)

از سوی دیگر، قانون به دادگاه اجازه داده است تا هرگاه صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی

۱. بنگرید به: همان، ص ۴۴۵ - ۴۴۴.

طفل در اثر عدم مواظبت یا ناشایستگی والدین به خطر افتد، به تقاضای وابستگان طفل، قیم او یا رئیس حوزه قضایی، تصمیم لازم را بگیرد. (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی)^۱

موارد انحطاط اخلاقی پدر یا مادر طبق قانون عبارتند از: اعتیاد، فساد اخلاقی، بیماری روانی، سوءاستفاده از طفل و ضرب و جرح غیرمتعارف او. (ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی) قانون در زمینه حضانت کودک، امور دیگری را نیز مطرح می‌کند؛ از جمله:

از آنجا که نگهداری اطفال از جمله حقوق و تکالیف پدر و مادر است، اگر والدین زنده باشند، این حق و تکلیف منحصرأً به آنها تعلق دارد و نمی‌توان طفل را از ابوی او گرفت، مگر به حکم قانون. (ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی) هرگاه به هر دلیلی، طفل با یکی از والدین زندگی کند، نباید از ملاقات با دیگری محروم شود. (ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی) زیرا بهره‌مندی از حمایت‌های عاطفی و روحی پدر و مادر هر دو نعمتی غیرقابل جایگزین هستند.

قانون مدنی در مورد حضانت کودک پس از مرگ پدر یا مادر نیز اعلام می‌کند:

در صورت فوت پدر یا مادر، حضانت طفل با کسی که زنده است، خواهد بود. هر چند متوفا پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد. (ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی)

دو. حقوق و مسئولیت‌های اختصاصی مردان

۱. مدیریت خانواده

هر اجتماعی به یک مدیر نیاز دارد؛ هر چند بین افراد آن نهاد کمال همکاری وجود داشته باشد؛ چراکه اختلاف‌نظرهایی هر چند جزئی پیش می‌آید و اگر مشخص نباشد که تصمیم نهایی را چه کسی باید بگیرد، آن نهاد گرفتار بی‌نظمی و عدم انسجام خواهد شد و کارایی لازم را از دست خواهد داد. در آئین اسلام از آنجا که تحصیل مال و اداره زندگی برعهده مردان گذاشته شده و مرد مسئول تأمین مخارج زندگی است، مدیریت و سرپرستی خانواده نیز برعهده ایشان نهاده شده است. از جمله آیه «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»^۲ مردان سرپرست زنان‌اند» بر این امر دلالت دارد. وقتی واژه قیام با «علی» به کار رود، به معنای سرپرستی کردن و به‌عهده گرفتن

۱. بنگرید به: همان، ص ۳۹۹ - ۳۹۸.

۲. نساء (۴): ۳۴.

امور فردی دیگر خواهد بود.^۱ لازمه این امر در خانواده، تمکین و گردن نهادن اعضا از جمله همسر در برابر تصمیم‌های شوهر است. قوام بودن، مسئولیتی در جهت حفظ مصالح خانوادگی است و زنان با حفظ این اقتدار برای شوهرانشان می‌توانند به آنان در پایداری خانواده یاری برسانند. شوهران نیز باید ریاست بر خانواده را فرصتی برای ارتقای سطح مادی و معنوی خانواده بشمارند.

در قانون نیز به چنین امری اشاره شده است: «در روابط زوجین، ریاست خانواده از خصائص شوهر است.» (ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی) بنابراین مرد سرپرست خانواده محسوب می‌شود و موظف است مخارج همسر و فرزندان را تأمین نماید. همچنین باید درباره مسائل مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری نماید و در این تصمیم‌گیری نیز باید مصلحت همسر و فرزندان را در نظر گیرد و از خودکامگی و استبداد در مدیریت خانواده بپرهیزد.^۲ به تعبیر دیگر، هدف از ریاست مرد، حفظ سلامت و استحکام خانواده است. بنابراین اگر مرد از موقعیت خود سوءاستفاده کند - مانند اینکه به‌عنوان رئیس خانواده، زن را از رفت‌وآمد متعارف با خویشاوندان خود بازدارد یا اموال او را تصرف کند - برخلاف قانون بوده، از مصادیق سوءمعاشرت به‌شمار می‌آید.^۳

۲. تمکین زوجه

یکی از اهداف ازدواج، ارضای نیازهای جنسی از طریق مشروع است. زن و شوهر در این زمینه، حقوق و مسئولیت‌های اساسی دارند و هر یک با احساس نیازهای جنسی همسر باید آن را برآورده سازد، مگر آنکه مانعی عقلی یا شرعی وجود داشته باشد. این موضوع مطابق عهدی است که هر یک از آنها با انعقاد قرارداد ازدواج پذیرفته‌اند. البته در این زمینه به‌دلیل تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، زن وظیفه سنگین‌تری برعهده دارد و تمکین خاص بر زنان الزامی است.

۱. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۵، ص ۱۹۲.

۲. مقدادی، *ریاست خانواده*، ص ۱۲۰ - ۱۱۹.

۳. صفایی، *مختصر حقوق خانواده*، ج ۱، ص ۱۲۵.

در روایات به نافرمانی نکردن زن از شوهر در امر زناشویی بسیار سفارش شده است. امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

زنی برای بیان حاجتی نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: شاید تو از «مسوفات» هستی؟ زن گفت: ای پیامبر خدا! «مسوفات» چیست؟ فرمود: زنی که همسرش او را برای نیاز (جنسی) خود دعوت می‌کند، ولی او دائماً آن را به عقب می‌اندازد تا اینکه خواب همسرش را فرامی‌گیرد. پس فرشتگان مدام او را لعنت می‌کنند تا شوهرش از خواب بیدار شود.^۱

۳. ولایت بر فرزندان

خانواده از زن و شوهر و فرزندان تشکیل می‌شود. فرزندان تا فرا رسیدن زمان بلوغ و رشد فکری لازم، تحت سرپرستی پدر خود قرار دارند. آنها تا هنگامی که کوچک هستند، تسلطی بر دارایی‌های خود ندارند و ناتوان از تصمیم‌گیری درباره امور مهم زندگی هستند.^۲ در این دوران، پدر مسئولیت تأمین مخارج فرزندان را برعهده دارد و موظف به رسیدگی به امور اساسی زندگی آنها می‌باشد.

رشد فضایل اخلاقی و معنوی در خانواده

نهاده شدن سرشت انسان با نفخه‌ای الهی، سرآغاز کشش و جذب الهی انسان به سوی آفریدگار یکتا بوده است. از سوی دیگر، فلسفه نبوت و هدف اعلای پیامبران الهی نیز دستگیری از انسان برای راهیابی او به حرم قدس الهی بوده است. این امر مهم جز با تعلیم و تربیت و پرورش دادن سجایا و کرامت‌های اخلاقی و آراسته شدن به صفات کمال الهی ممکن نیست. از آنجا که خانواده محل بسیار مناسبی برای حرکت انسان در مسیر تعالی و رشد فضایل اخلاقی است، این کانون گرم می‌تواند محلی برای عروج و سلوک اهل خانه باشد و نقش مؤثری در فرآیند خودسازی، دگرسازی و تهذیب نفس ایفا کند.

۱. إن امرأة أتت رسول الله صلی الله علیه و آله لبعض الحاجة. فقال لها: لعلك من المسوفات؟ قالت: و ما المسوفات یا رسول الله؟ قال: المرأة التي يدعوها زوجها لبعض الحاجة فلا تزال تسوفه حتى ينعس زوجها و ينام، فتلك لا تزال الملائكة تلعنها حتى يستيقظ زوجها. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸)

۲. علاسوند، زن در اسلام، ج ۲، ص ۵۱.

براساس رهنمودهای اسلامی، هر آنچه انسان را در رسیدن به هدف والای خلقت (وصول الی الله) یاری رساند، مورد تأکید و تأیید است و هر آنچه او را از این مسیر دور نماید، مبعوض و مورد نهی است. از این رو مسلمان نباید با غیرمسلمان ازدواج دائم نماید؛ زیرا مانع سیر او به کمال بی‌نهایت خواهد بود. با وجود سفارش‌های مکرر به تقویت روابط عاطفی همسران، قرآن هشدار می‌دهد که مبدا علائق همسری مانع از یاد خدا گردد: «ای اهل ایمان، مبدا هرگز مال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل کند و البته کسانی که به این امور از یاد خدا غافل شوند، به حقیقت زیان‌کارانند.»^۱ از سوی دیگر، به مسلمانان توصیه شده تا مهم‌ترین معیار را در انتخاب همسر، ایمان او قرار دهند. پیامبر اکرم ﷺ ضمن برشمردن چهار انگیزه معمول مردان از ازدواج، با تأکید بر دین‌داری می‌فرماید:

برای چهار چیز با زن ازدواج می‌کنند: ثروتش، دین‌داری‌اش، زیبایی‌اش و اصل و نسب خانواده‌اش. تو با زن متدین ازدواج کن.^۲
کسی که هدف او از ازدواج، امور ایمانی، حفظ پاکی، طهارت چشم و عفت جنسی باشد و برای صله رحم ازدواج کند، خداوند وجود زن را برای آن مرد و وجود مرد را برای آن زن مبارک می‌سازد.^۳

بر طبق آموزه‌های قرآنی، یکی از مسئولیت‌های اعضای خانواده در برابر یکدیگر، مراقبت و محافظت دیگران از ارتکاب گناهان است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و خانواده خویش را از آتش عذاب الهی در امان دارید».^۴
در این بخش به مواردی که موجب رشد فضایل اخلاقی و ارزش‌های معنوی در خانواده می‌شود، اشاره می‌گردد.

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَاتُلهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. (منافقون (۶۳): ۹)

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۲، ح ۴۴۵۳۷.

۳. مازندرانی، پرورش روح در پرتو چهل حدیث، ج ۱، ص ۲۹۱.

۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا. (تحریم (۶۶): ۶)

یک. توجه به حضور خداوند در زندگی

هر یک از اعضای خانواده باید بدانند خداوند همواره حاضر است و این حضور در زندگی به معنای وجود ناظری دائمی و حسابگر است. هرگاه زن و شوهر از انجام رفتار ناروا خودداری کنند و به صورت مستقیم و غیرمستقیم نشان دهند که حضور خداوند مانع انجام این رفتار شده است، این باور در خانواده تقویت می‌شود. رسالت خانواده در جهت عینی کردن اعتقاد به خداوند این است که آن گرایش درونی و فطری را که خام و مبهم است، به یک گرایش شفاف تبدیل کند. این هدف از طریق جلب توجه افراد به صفات خداوند عملی می‌شود.

متون دینی با برشمردن صفات بی‌شمار پروردگار، درصدد تقویت احساس حضور او در زندگی هستند. هر یک از صفاتی که در این متون ذکر شده، پاسخی به یکی از نیازهای روزمره آدمی است. برای نمونه، اگر انسان بداند که در هر وضعیتی راهی به سوی خدا هست، حضرت حق دائماً در زندگی او حاضر خواهد بود و چنین انسانی به بزرگ‌ترین بلای زندگی، یعنی یأس مبتلا نخواهد شد.^۱

دو. شناخت معصومین علیهم‌السلام و عمل به سیره آنان

شناختن معصومین علیهم‌السلام در واقع ایجاد یک باور اساسی برای تأثیرگذاری عملی بر زندگی است؛ الگوهایی که هیچ نقص رفتاری ندارند و از حیث رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی بهترین‌هایی بوده‌اند که سزاوار دوست داشتن هستند. اگر نقطه حرکت انسان برای رفتن به سمت رفتارهای شایسته را امری عاطفی با قدرت بالا بدانیم و بتوانیم در گوشه ذهن و دل خود و فرزندانمان، قدسیانی را قرار دهیم که آنها را دوست داشته باشیم، به نیروی محرکی قوی برای حرکت مجهز شده‌ایم.^۲ این بزرگواران، قافله‌سالاران فضایل و مکارم اخلاقی و بشارت‌دهندگان رحمت الهی هستند که جان تشنگان حقیقت را سیراب می‌کنند. از این رو شناخت و عمل به سیره آنان بدون شک می‌تواند زمینه رشد و تعالی انسان را فراهم آورد. اعضای خانواده باید با سیره رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام در خانه و خانواده آشنا شوند و به

۱. علاسوند، مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، ص ۲۱ - ۲۰.

۲. همان، ص ۲۲.

آن عمل کنند. خوف، رجا، اخلاص، محبت، توبه، شجاعت، تسلیم، رضا، توکل و عبودیت پروردگار یکتا از سرمایه‌های بی‌بدیل این بزرگواران است که نه‌تنها خود به زیور این ویژگی‌ها آراسته بودند، همه اعضای خانواده و خویشان خود را به کسب آنها تشویق و تهییج می‌کردند و در بیان و عمل، معلم آنان در فراگیری این ویژگی‌های نیک بودند.^۱

امیرمؤمنان علی علیه السلام در بیان سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از توکل ایشان به خدا در رزق و روزی یاد کرده و فرموده‌اند: «رسول گرامی صلی الله علیه و آله چنان بود که هرگاه کسی به ایشان خبر خوش تولد دختری را می‌داد، می‌فرمودند: او گلی است که رزق و روزی‌اش با خداوند است.»^۲ گویا ایشان خواسته‌اند با این بیان، حقیقت معنای توکل و اعتماد به خداوند را به ما بفهمانند که بی‌شک خدا روزی‌دهنده همیشگی است.

شکر و سپاسگزاری به درگاه حضرت حق هنگام رخداد مصائب و مشکلات ازجمله ویژگی‌های مؤمنان است که در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مشاهده می‌شود. امام محمدباقر علیه السلام درباره شأن نزول آیه شریف «وَلَسَوْفَ يَعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۳ به‌زودی پروردگارت چندان به تو می‌بخشد که راضی شوی»، می‌فرمایند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله درحالی که با چشمان گریان زندگی پر مشقت و طاقت‌فرسای دختر بزرگوارشان فاطمه زهرا علیها السلام را می‌دیدند، به ایشان فرمودند: «دخترم تلخی دنیا را برای شیرینی آخرت تحمل کن.» ایشان عرض کردند: «ای رسول خدا صلی الله علیه و آله خداوند را بر همه نعمت‌هایش سپاسگزاریم و بر خیر و برکت کامل و تماش شکر می‌گوییم.» در آن هنگام این آیه بر حضرت نازل شد. «ایشان به‌جای آنکه گریه پدر را بهانه‌ای قرار دهد و به شکایت از وضع موجود لب باز کند، با یادآوری همه الطاف خداوند به خود، وظیفه خویش را قدردانی از پروردگار و سپاس او می‌داند.»^۴

سه. شناخت رذایل و فضایل اخلاقی

اساسی‌ترین اقدام برای حرکت به‌سوی کمال، آشنایی با معیارهای حق و باطل و نیکی و بدی

۱. بنگرید به: طوسی، ارتباط با خداوند در خانواده، ص ۲۰ - ۱۹.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷.

۳. همان، ج ۴۳، ص ۸۵.

۴. بنگرید به: طوسی، ارتباط با خداوند در خانواده، ص ۳۲۷.

است تا با آگاهی از آنها بتوان خود را به خوبی‌ها آراست و از پلیدی‌ها پیراست. امروزه دانشمندان علوم رفتاری نیز اولین قدم را در اصلاح وضعیت فرد، تغییرات شناختی می‌دانند. با شناخت ردایل و فضایل اخلاقی می‌توان دریافت که در زندگی همواره کارهایی را نیک و رفتارهایی را بد می‌شماریم؛ از این رو ایجاد آگاهی از خیر و شر در محیط خانه و اجتماع بسیار مهم است. هر یک از اعضای خانواده باید مراتب اخلاقی را بشناسند و بدانند کدام رفتارها خوب و کدام یک بد هستند و بر این اساس در مراحل زندگی با دانش کافی عمل کنند که در این صورت کمتر دچار پشیمانی می‌شوند.

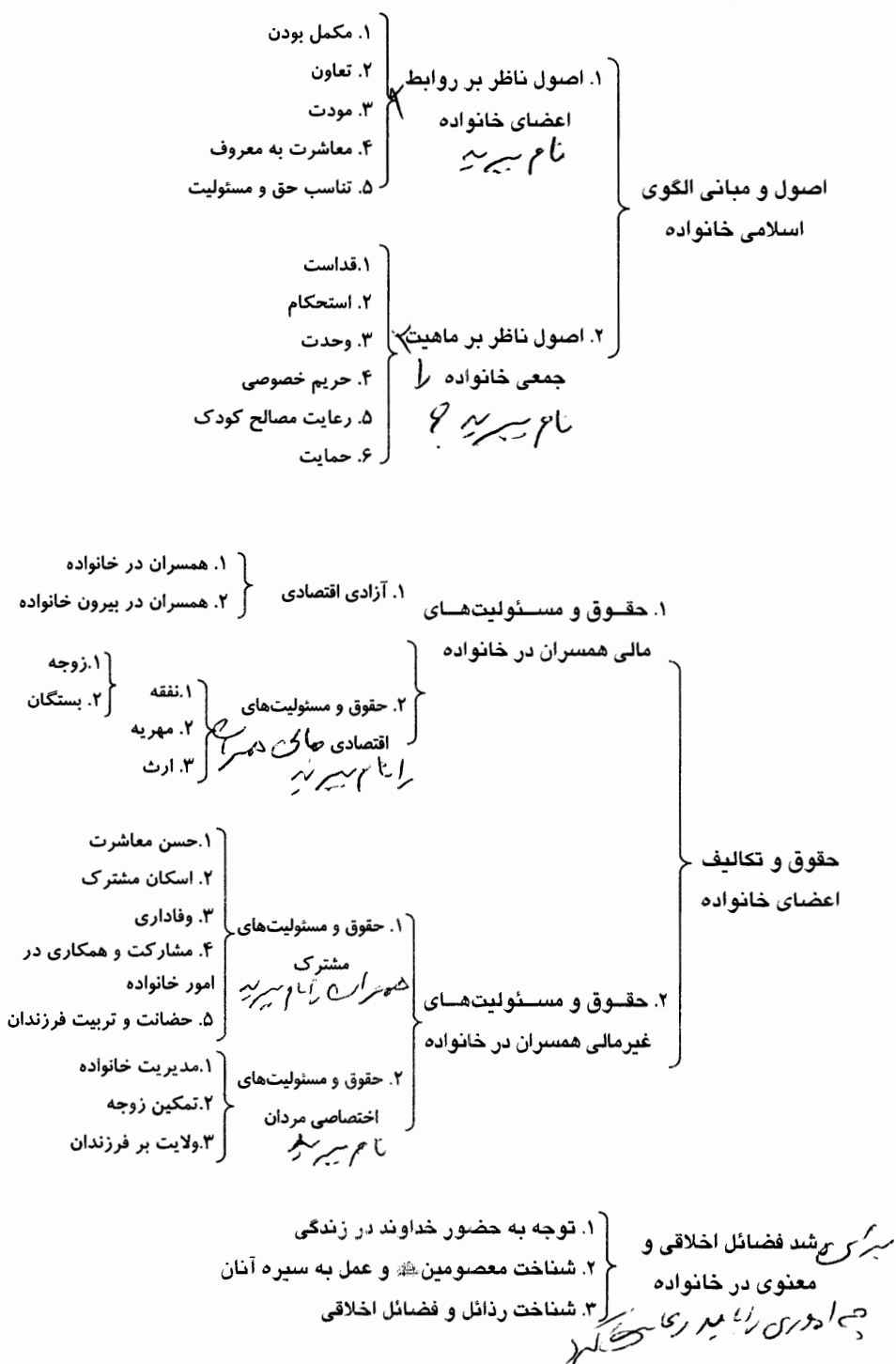
صبر و راست‌گویی، احترام متقابل، مدارا با یکدیگر، دلسوزی و مهربانی از مهم‌ترین رفتارهای نیک هستند که اگر اعضای خانواده از آن آگاه شوند و روابط خود را بر این اساس شکل دهند، رشد و تعالی خانواده تضمین خواهد شد.

از سوی دیگر، افراد خانواده باید به فضایل اخلاقی آراسته گردند؛ لذا رشد و تعالی خانواده نیازمند برنامه‌ریزی و اقدامات جدی است. اعضای خانواده باید بکوشند زمینه‌های گناه را در خانه خویش محو کنند. استفاده از برنامه‌های مبتذل رسانه‌های دیداری یا شنیداری و رفت‌وآمد با افراد اهل گناه، زمینه‌ساز معصیت در خانواده است.

علاوه بر آن، اعضای خانواده می‌توانند یک برنامه جمعی برای رشد علمی و معنوی خود داشته باشند. مانند: مطالعه دسته‌جمعی، بازگویی مطالب علمی مفید در جمع خانوادگی، شرکت جمعی در مراسم مذهبی و همکاری برای انجام فعالیت‌های خیرخواهانه که همگی اقدامات مفیدی در این زمینه هستند.

در ضمن، ایجاد ارتباط خانوادگی با خانواده‌های باایمان و درستکار در تقویت انگیزه رشد و تعالی و انتقال تجربه‌های سازنده بسیار مفید است.

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. اصول اسلامی حاکم بر نظام خانواده را نام ببرید.
۲. وظایف الزامی زن و شوهر نسبت به یکدیگر کدامند؟
۳. همسران برای رشد و تعالی یکدیگر چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند.

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. صادق احسان‌بخش، نقش دین در خانواده، رشت، نشر صادقین.
۲. فاطمه بداغی، اخلاق و حقوق خانواده، تهران، انتشارات حدیث راه عشق.
۳. حسین بستان، خانواده در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. سید مجتبی حسینی، احکام ازدواج، قم، دفتر نشر معارف.
۵. محمود حکمت‌نیا، فلسفه حقوق خانواده، قم، انتشارات جامعه‌الزهراء.
۶. سید حسین صفائی، حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۷. اسدالله طوسی، ارتباط با خداوند در خانواده، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی علیه السلام.

فصل سوم:

تحکیم خانواده

اهداف درس

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:
۱. با برخی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در استحکام خانواده آشنا شوند.
 ۲. برخی از مهارت‌های کسب درآمد و مدیریت مصرف خانواده را بشناسند.
 ۳. با کارکردهای خانواده آشنا شوند و برخی راهکارهای تقویت این کارکردها را بیان کنند.
 ۴. تفاوت نقش‌های زن و شوهر، والدین و فرزندان را بدانند.
 ۵. با مهارت جمع بین ارتباط با والدین و استقلال خانواده جدید خود آشنا شوند.

ازدواج یک دختر و پسر، سرآغاز دلدادگی و مهرورزی بین آنهاست و معمولاً شیرین‌ترین روزهای زندگی، پس از عقد آغاز می‌شود. این رابطه شیرین نیازمند رسیدگی و مراقبت است تا به درازای عمر، شیرینی و گرمی خود را حفظ کند. در غیر این صورت، به‌مرور زمان و با بی‌تدبیری و خودخواهی یکی از همسران یا هر دوی آنها پایه این بنای نوساخته اندک‌اندک سست شده، ناگهان فرو می‌ریزد. از این‌رو زوج‌های جوان باید با عوامل استحکام خانواده آشنا شوند و مهارت‌های تقویت این عوامل را بیاموزند.

عوامل استحکام خانواده

یک. دین‌داری

از جمله عوامل مؤثر در استحکام خانواده، اعتقادات دینی و رفتارهای منطبق بر شاخص‌های دینی است. پژوهش‌های بسیاری، تأثیر دین‌داری را بر سلامت روابط اعضای خانواده و استحکام آن اثبات کرده‌اند.

برای مطالعه بیشتر

گروهی از اساتید دانشگاه ایالتی کانزاس در پی پژوهش‌های خود به این نتیجه رسیده‌اند که: «تعهد به خانواده، اغلب با عامل تعهد دینی التزام دارد».^۱

در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ پروفسور «نیک استینت»^۲ از دانشگاه «آلاباما» و پروفسور «جان دی فرین»^۳ از دانشگاه «نیراسکا» در زمینه کشف رابطه بین دین و یابرداری خانواده تحقیقاتی انجام دادند و دریافتند که ۸۴ درصد از افراد مورد مطالعه، دین را عامل مهمی برای تقویت و استحکام خانواده در نظر می‌گیرند. علاوه بر آن یافته‌های یک مطالعه ملی در سال ۱۹۹۲ از ۲۳۰۰ مرد (از ۲۰ تا ۳۹ سال) نشان داد افرادی که همسران خود را کتک می‌زنند، فاقد اعتقادات دینی هستند.^۴

پروفسور «آلن برگین»^۵ استاد روان‌شناسی دانشگاه «برینگام یانگ» که موفق به دریافت جایزه از انجمن روان‌شناسی آمریکا شد، معتقد است: «برخی از این تأثیرات دین، اثری معادل انرژی هسته‌ای بر روان انسان‌ها دارند. شواهد قابل ملاحظه‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد مشارکت دینی باعث کاهش مسائلی مانند بی‌بندوباری جنسی، اعمال انحرافی و بزهکارانه، حاملگی در سنین پائین، تجاوز به عنف، طلاق، نارضایتی از ازدواج، خودکشی و اعتیاد به مواد مخدر و الکل می‌شود و عزت نفس، انسجام خانوادگی و سلامت عمومی را افزایش می‌دهد.» در حال حاضر، اندیشمندان اجتماعی در حال تئوریزه کردن قدرت مداوم دین برای حمایت از خانواده در قبال نیروهایی هستند که باعث ازهم‌گسیختگی آن می‌شوند.^۶

مطالعات پر دامنه پروفسور «رانالد جارل»^۷ در دپارتمان آموزشی دانشگاه ایالتی «آریزونا» نشان‌دهنده قدرت اعتقاد و عمل دینی در ایجاد روحیه خوش‌بینانه در میان فرزندان در معرض خطر و در حال رشد است.

۱. بنگرید به: بلالی، *رابطه مذهب و خانواده در غرب*، مطالعات راهبردی زنان.

2. Nick Stinct.

3. John DeFrain.

۴. همان.

5. Allan Bergin.

۶ بنگرید به: بلالی، *رابطه مذهب و خانواده در غرب*.

7. Ranald Jarrell.

مطالعات انجام شده در میان دانشجویان نشان داد که شدیدترین بدبینی‌ها در میان دانشجویانی است که کمترین حضور را در مراسم‌های دینی دارند. دانشجویانی که هفته‌ای یک‌بار یا بیشتر در مراسم‌های دینی شرکت می‌کردند، در مورد آینده خود خوش‌بین‌تر بودند. روابط بهتری با والدین خود داشتند. دارای اهدافی جدی و واقعی برای آینده خود بودند و نسبت به مکانی صمیمانه در نظر می‌گرفتند که به موفقیت آنها کمک می‌کند و امید مکانی خشن که نیروهای قوی را علیه آنها قرار می‌دهد است.

در مورد چگونگی تأثیرگذاری دین‌داری بر استحکام خانواده می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. ایمان مذهبی در معنادار کردن زندگی و گامی از رنج‌های آن نقش دارد. به جرئت می‌توان ادعا کرد که مهم‌ترین مانع دستیابی همسران به محبت و خشود زناشویی، مشکل عمومی «بحران معنا» است. در نتیجه، بسیاری از زنان و مردانی که از ارزش‌های دینی فاصله گرفته‌اند، با احساس تناقض بین آزادی شخصی و امنیت عاطفی، استقلال و مسئولیت و نیز تنها برای خود بودن و برای دیگران بودن روبه‌رو شده‌اند^۲ و این مسئله در موارد بی‌شماری آنان را به رویارویی و خصومت با یکدیگر کشانده است. به نظر می‌رسد مشکل بحران معنا، جز با تعریف مجدد معنا و تعیین اهداف زندگی با تکیه بر تعالیم دینی برطرف نخواهد شد.

اسلام براساس جهان‌بینی خود، سعادت اخروی را هدف غایی و نیز ارزش‌های اخلاقی و معنوی را ارزش‌های برتر می‌داند و برای سوق دادن خانواده‌ها به این ارزش‌ها می‌کوشد. افرادی که با چنین نگرشی پرورش می‌یابند، هیچ‌گاه از ناکامی در کسب ارزش‌های دنیوی، مانند آسایش مادی، آزادی، استقلال و ارضای عاطفی و جنسی، احساس شکست نمی‌کنند. در نتیجه می‌توان این امر را پیش‌شرط شکل‌گیری محبت و صمیمیت متقابل بین زن و شوهر در سطح خانواده دانست.

۲. یکی دیگر از بارزترین آثار فردی دین‌داری، تقویت بردباری است. افراد دین‌دار ضمن آنکه از کوشش در جهت تأمین نیازهای مادی معقول و ایجاد یک زندگی خانوادگی سعادت‌مند فروگذار نمی‌کنند، در صورت برخورد با مشکلاتی از قبیل فقر و ناسازگاری‌های خانوادگی

۱. همان.

۲. هلر، زنان، جامعه مدنی و دولت، ص ۶۰.

دچار یأس نمی‌شوند؛ بلکه دل به وعده‌های الهی روشن می‌دارند و با حلاوت ایمان و یاد خدا، تلخی‌های زندگی را به شیرینی مبدل می‌سازند.^۱

۳. وقتی اعضای خانواده متدین باشند، همگی در باید و نبایدهای زندگی خانوادگی، سرسپرده دستورات الهی هستند. از این رو در مورد حقوق، وظایف و محدوده انتظارات خویش یکپارچه هستند و گرفتار اختلاف‌نظر نمی‌شوند. این هماهنگی و توافق بین اعضای خانواده، مایه آرامش و عمیق شدن محبت بین آنها خواهد بود.

۴. افراد متدین در خلوت و آشکار، خدا را ناظر بر رفتار خویش می‌دانند و از آنچه او را ناخشنود می‌سازد، می‌پرهیزند. حال از آنجا که دین بر خوش‌رفتاری با همسر و فرزندان دستور اکید دارد، می‌کوشند تا آنها را خشنود سازند و از این رهگذر، خشنودی خدا را به دست آورند. امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

دخترت را به ازدواج پسری باتقوا درآور؛ زیرا اگر او را دوست داشته باشد، به او احترام می‌گذارد و اگر از او متنفر شود، به او ظلم نمی‌کند.^۲

۵. در موارد فراوانی، پرهیز از محرّمات الهی به استحکام خانواده می‌انجامد. در اسلام غیبت حرام است؛ لذا اعضای خانواده حرمت همدیگر را در غیاب هم پاس می‌دارند. تهمت نیز حرام است؛ بنابراین افراد خانواده در معرض از بین رفتن احترام خود و نفرت از یکدیگر قرار نمی‌گیرند. سخن‌چینی حرام است؛ در نتیجه اختلافات خانوادگی تشدید نمی‌شود. نسبت ناروای بی‌عفتی به زنان پاک‌دامن حرام است؛ در نتیجه روابط عاطفی همسران خصمانه نمی‌شود. شراب‌خواری حرام است؛ لذا همسر و فرزندان از برخی خشونت‌ها و بدرفتاری‌ها در امان می‌مانند. دروغ‌گویی حرام است؛ بنابراین اعضا خانواده به یکدیگر اعتماد دارند. آزار والدین و ناخشنود ساختن آنها حرام است؛ در نتیجه حمایت عاطفی متقابل والدین و فرزندان، روابط آنان را گرم و صمیمی می‌سازد. مشاهده فیلم‌ها و شنیدن موسیقی‌های محرک قوای جنسی حرام است؛ در نتیجه سطح توقعات جنسی به صورت غیرمتعارف افزایش نمی‌یابد و همسران از روابط جنسی خویش لذت می‌برند. نمونه‌های فراوان دیگری نیز می‌توان اضافه کرد که همگی

۱. بنگرید به: بستان، «تأملاتی بر جامعه‌شناسی خانواده»، *آسیب‌شناسی خانواده*، ص ۱۳۲ - ۱۳۰.

۲. زَوْجَهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ فَاتَّهَ إِِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَ إِِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَظْلَمَهَا. (طبرسی، *مکارم اخلاق*، ص ۲۰۴)

نشان‌دهنده تأثیر رعایت حلال و حرام الهی در استحکام روابط اعضای خانواده است.

۶. دین بر رعایت فضایل اخلاقی مانند صداقت، وفاداری، احترام، محبت، تواضع، صبر و گذشت تأکید کرده است که این امور از عوامل بسیار تأثیرگذار در استحکام روابط اعضای خانواده هستند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام می‌دهند، خداوند رحمان در دل‌ها نسبت به آنان محبت قرار می‌دهد.»^۱ افرادی که به فضایل اخلاقی آراسته‌اند، محبوب دیگران می‌شوند. به یقین مهم‌ترین عامل مؤثر در استحکام خانواده، محبت میان اعضای آن است.

۷. از میان دیگر آثار دین‌داری بر استحکام خانواده می‌توان به تأثیر دین بر خلاقیت فرد در مواجهه با مسائل زندگی خانوادگی اشاره کرد؛ چراکه خلاقیت یعنی توان انطباق با وضعیت‌های گوناگون و دین هم تعبیری وحدت‌گرا از تحولات ارائه کرده است و با تقویت نیروی حیات، فرد را به رویارویی مؤثر با محدودیت‌های موروثی و محیطی تشویق می‌کند.^۲

نکته مهم در این زمینه آن است که مقصود از دین‌داری، داشتن اعتقادات و بروز رفتارهای منطبق با آیات و روایات است، نه آن نحوه از دین‌داری که با گزینش بخشی از دین و رها کردن بخشی دیگر، به نام دین عمل می‌شود؛ چراکه گاه افراد هم‌زمان با عمل به برخی رفتارهای دینی همچون اصرار بر نمازهای مستحب یا رعایت ظواهر مذهبی یا شرکت در مراسم‌های دسته‌جمعی دعا یا پافشاری بر اذکار پرشمار، بخشی از دین را که بر خوش‌رفتاری با همسر سفارش کرده، ظلم به همسر و فرزند را گناهی بزرگ معرفی کرده، از نگاه آلوده به نامحرم برحذر داشته، بر رعایت حجاب در مقابل نامحرم تأکید ورزیده و ... رها می‌کنند و مطابق میل خویش گزینشی عمل می‌کنند. چنین افرادی متدین واقعی نیستند و نباید ظهور و بروز آثار دین‌داری را بر استحکام روابط خانوادگی ایشان انتظار داشت.

دو. همدلی

واژه انسان از «انس» گرفته شده است؛ چراکه او از آغاز حیات به انس با دیگران نیاز دارد. از سوی دیگر، گستردگی روابط اجتماعی و مقطعی بودن بسیاری از این رابطه‌ها و ورود پردامنه

۱. بقره (۲): ۹۶.

۲. مهدوی‌کنی، دین و سبک زندگی، ص ۲۲۰.

فضای مجازی در زندگی روزمره انسان‌ها، بیگانگی بین آنها را گسترش داده است. از این رو افراد برای یافتن مونس‌ی که آنان را درک کند و یار صمیمی آنها باشد، احساس نیاز شدید می‌کنند و بهترین مونس در این شرایط، همسر همدل است.

همدلی^۱ به معنای توانمندی درک همسر و برخورد مناسب با اوست؛ هرچند لازمه آن تأیید نظرهای او نیست. همدلی در حقیقت همبازی با همسر برای گذراندن موفق یک مرحله است.

در روایات بر لزوم همدلی همسران تأکید شده است. پیامبر اکرم (ص) شفقت زن نسبت به شوهر^۲ و لطف به او^۳ را ارزشی اخلاقی برای زنان برشمرده است. همچنین فرموده است: «بهترین مردان کسی است که پناه همسرش باشد تا همسرش به دیگری پناه نبرد.»^۴ امام سجادی (ع) نیز همسر را مایه آرامش و انس معرفی نموده و حق همسر را مصاحبت نیکو با او دانسته است.^۵ علاوه بر آن، زن یا شوهر خوب کسی است که اهل وفاق و همدلی با همسر خویش باشد.^۶

همدلی با همسر، آثار مثبت فراوانی برای فرد دارد و پاداش‌های موعود الهی آن در روایات عبارتند از: خشنودی خداوند، یاری خداوند در دنیا، ورود به بهشت، پیشگیری از قضاوت‌های عجولانه، جلب اعتماد همسر، شناخت بهتر او، امنیت روانی و آرامش هر دو و ایجاد صمیمیت بیشتر با همسر.

۱. همدلی به معنای وفاق و یکدلی است. (دهخدا، لغت‌نامه)

۲. للرجال علی المرأة أن ... تشفقه. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۴)

۳. خیر نسائکم ... الطفهن بأزواجهن. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳ و ۸)

۴. ... لایلجی عیاله إلی غیره. (همان، ج ۱۵، ص ۱۹۸)

۵. ... جعلنا سکناً و مستراحاً و أنساً ... یعلم أن ذلک نعمة منه علیه و وجب أن یحسن صحبته نعمة الله ... (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۶۰)

۶. امام صادق (ع): لا غنی بالزوج عن ... الموافقة. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۷)
پیامبر اکرم (ص): ما استفاد رجل بعد الايمان بالله أفضل من زوجة موافقة. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۲) امام صادق (ع): الأنس فی ثلاث، فی الزوجة الموافقة و ... (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۱)

همسری که با او همدلی شده نیز از فواید بسیاری بهره‌مند خواهد شد؛ از جمله اینکه: اعتماد به نفس او افزایش می‌یابد، در مواجهه با مشکلات توانمندتر است و روابط او با همسرش بهبود می‌یابد.^۱

سه. ارضای نیازهای جنسی

از جمله اهداف مهم ازدواج، ارضای نیازهای جنسی است. بنابراین همسران باید در مهین نیاز جنسی یکدیگر احساس مسئولیت نمایند و از همسر خویش لذت‌بخش‌ترین بهره جنسی را ببرند. ارضای صحیح نیازهای جنسی علاوه بر آنکه زندگی را شیرین و لذت‌بخش می‌سازد، به سلامت جسم نیز کمک می‌کند و نقشی اساسی در رشد بهنجار شخصیت و آرامش روان انسان دارد. عدم توجه به نیازهای جنسی همسر به روابط زن و شوهر آسیب می‌رساند و آنها را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به خانواده می‌کند و به تدریج موجب بروز رفتارهای پر خاشگرانه و در نهایت افسردگی می‌شود.^۲ از دیگر آثار مهم ارضای صحیح نیازهای جنسی، کمک به حفظ ایمان از دستبرد شیطان است؛ چراکه فشار غریزه جنسی، عامل مهمی در ارتکاب انواع گناهان می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به ابوذر فرمود:

فردی که با همسرش ارتباط زناشویی برقرار می‌کند، خداوند به او اجر و ثواب می‌دهد و همان‌طور که وقتی حرامی را مرتکب شوی، مجازات می‌شوی، وقتی حلالی را نیز به‌جا آوری، اجر خواهی برد؛ چراکه به‌واسطه انجام این حلال از حرام الهی در امان خواهی ماند.^۳

نیاز جنسی همسران به یکدیگر منحصر در رابطه زناشویی نیست و شامل همه بهره‌های دیداری، شنیداری و رفتاری می‌گردد. هرچند معمولاً این بهره‌ها به همبستگی و ارتباط زناشویی منتهی خواهد شد. هر یک از زن و شوهر موظف هستند به نیازهای متنوع یکدیگر پاسخی مناسب بدهند. در متون روایی به این امر اشاره شده است؛ از جمله امام صادق علیه السلام فرمود:

۱. بنگرید به: علوی، مهارت‌های زندگی با نگاه دینی، ص ۹۷ - ۴۹.

۲. بنگرید به: سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۰۹.

در روابط میان زن و شوهر، مرد به سه چیز نیاز دارد: ... آراستگی ظاهری در مقابل دیدگان زن، برای به دست آوردن قلب او ... و زن نیز به سه چیز نیاز دارد: ... ظاهر آراسته در برابر دیدگان شوهر.^۱

نکته قابل توجه درباره نیاز جنسی همسران این است که گزینه جنسی مردان و زنان با یکدیگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد. مردان نسبت به محرک‌های جنسی سریع‌تر تحریک می‌شوند، در مقابل نیاز جنسی خود مقاومت کمتری دارند و هنگام عدم ارضای جنسی خود آسیب‌پذیرتر هستند.

به دلیل تفاوت‌های جنسیتی، تمکین جنسی برای زن واجب است و هرگاه شوهر از همسر خود طلب رابطه جنسی نماید، بر زن واجب است که نیاز شوهر خود را برآورده سازد؛ مگر آنکه عذر شرعی یا عقلی داشته باشد.

تمکین زن سبب رضایت‌مندی شوهر می‌شود و او را محبوب همسر خود قرار می‌دهد. از این رو زنان باید نسبت به تقاضای جنسی همسر خود حساس باشند و نیاز او را در این زمینه با نگاه‌های جذاب، کلام پراحساس و رفتار مطلوب خویش برآورده سازند و با کوتاهی در این امر، زمینه حضور زن دیگری را در ذهن شوهر خود فراهم نکنند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بهترین زنان شما کسی است که در خلوت با شوهر، لباس حیا از تن برمی‌کند».^۲

البته مردان و زنان باید پیام‌های جنسی همسر خود را - حتی اگر مستقیم نباشد - دریابند و زندگی زناشویی خود را با پاسخ مطلوب به این پیام‌ها، جذاب و دلنشین سازند.

یکی دیگر از تفاوت‌های همسران آن است که مردان در روابط جنسی با همسر خود معمولاً به سرعت به اوج لذت جنسی می‌رسند، حال آنکه رسیدن به این مرحله در زنان نیازمند مدت زمان بیشتری است. از این رو بسیاری از زنان از رابطه زناشویی لذت کامل نمی‌برند.

اطلاعات اندک مردان و زنان و نیز حیای زنانه گاه سبب می‌شود این نارضایتی زنان تا سال‌های طولانی ادامه یابد و به مرور زمان به سردمزاجی آنها بینجامد. معمولاً مردان اگر

۱. لا غنی بالزَّوجِ عن ثلاثة أشياء فيما بينه وبين زوجته وهي: ... و استعماله استعمالاً قلبها بالهيئة الحسنة في عينها ... و لا غنی بالزَّوجة فيما بينها وبين زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال و هن ... الهيئة الحسنة لها في عينه. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۲۳)

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۹.

شاهد هیجانانگیزی همسر خود نباشند، از این رابطه احساس رضایت کافی نخواهند داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «مردی که هنگام رابطه زناشویی با همسرش بدون آنکه زن به اوج لذت جنسی برسد، بهره جنسی خویش را ببرد، جفاکار است.»^۱ از این رو هر یک از زوجین باید اطلاعات لازم در زمینه چگونگی رضایت جنسی از یکدیگر را کسب کنند و به آن عمل نمایند.

نکاتی درباره روابط جنسی زن و شوهر

۱. پس از هر بار رابطه جنسی کامل، واجب است زن و شوهر غسل جنابت نمایند.^۲
۲. رابطه زناشویی در دوران خونریزی ماهیانه زنان، در حال روزه و احرام سفر حج حرام است و علاوه بر گناه، سبب وجوب کفاره هم می‌شود. رابطه زناشویی در ایام خونریزی ماهیانه زنان، عوارض منفی جسمانی و روانی برای آنها در پی خواهد داشت.
۳. مصرف داروهای محرک جنسی، بدون مشورت با پزشک معمولاً تا زمان کوتاهی اثر مثبت دارد؛ ولی در درازمدت سبب بروز پیامدهای منفی بر توانایی جنسی می‌شود.
۴. برخی از افراد به دلایل گوناگون دچار ناتوانی‌های جنسی و سردمزاجی هستند و قادر به ارضای مطلوب نیازهای جنسی همسر خود نیستند. این وضعیت در درازمدت آسیب‌زا است و هر یک از زوجین باید با شناخت، شجاعت و صداقت به این مشکل توجه کنند و از طریق مشورت با افراد متخصص، مانند روان‌پزشک، روان‌شناس، متخصص غدد، متخصص زنان، متخصص کلیه و مجاری ادرار، و مشاور خانواده، به حل و فصل آن بپردازند. سردمزاجی یکی از شایع‌ترین اختلال‌ها در فرآیند فعالیت غدد جنسی است و اغلب جنبه روانی دارد.^۳

چهار. مدیریت اقتصادی خانواده

نیاز به خوراک، پوشاک، مسکن و آنچه سلامت و امنیت جسمانی و روانی فرد را تأمین می‌کند، از نیازهای اساسی انسان است. از این رو پس از تشکیل خانواده، اعضای آن نیازمند برنامه‌ریزی صحیح برای تأمین این نیازها هستند. قوانین اسلامی و ملی، مسئولیت تأمین

۱. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۷۱؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۴۴.

۲. در صورتی که به آب دسترسی نباشد، تیمم بدل از غسل واجب است.

۳. ایزدی، بحران‌های زندگی زن.

مخارج زندگی را بر دوش شوهر نهاده است. بنابراین مردان باید در جهت کسب درآمد و نیز مدیریت صحیح اقتصاد خانواده بکوشند. زنان نیز باید تلاش اقتصادی همسر خود را پاس بدارند و با شغل او سازگاری داشته باشند؛ چراکه به دست آوردن شغل مناسب برای تأمین مخارج خانواده و حفظ آن دشوار است. حمایت زن از شوهر در امر اشتغال در تقویت توانایی‌های او تأثیر بسزایی خواهد داشت. در غیر این صورت، انگیزه مرد کاهش می‌یابد و چه بسا به دلیل علاقه به همسر خود، به مشاغل ناهمخوان با تخصص خود یا شغل‌های نامشروع روی آورد که در هر صورت اقتصاد خانواده آسیب می‌بیند.

زنان با مدیریت مصرف در خانواده و نیز آموزش شیوه مصرف صحیح به فرزندان، سهم مهمی در ایجاد آرامش و آسایش خانواده دارند.

پنج. محبت به اعضای خانواده

هرچند با خواندن صیغه عقد و به وجود آمدن محرمیت، خانواده تشکیل می‌شود، ماهیت اساسی خانواده پیوند و ارتباط روحی است. از این رو عامل بنیادین پایداری و رضایت، عواطف است، نه امور دیگر. اگر میان دو روح و جان، عواطف مثبت و خوشایند وجود داشته باشد، پایداری و رضایت‌مندی رابطه تضمین می‌گردد. انسان‌ها از داشتن رابطه مثبت و خوشایند با دیگران، هم احساس رضایت می‌کنند و هم مایل به تداوم آن هستند و بسته به میزان عاطفه مثبت و خوشایند، پایداری و رضایت‌مندی از رابطه نیز متفاوت خواهد بود.^۱

از این رو مهم‌ترین عامل پیوند یک دختر و پسر، علاقه آن دو به یکدیگر است. خداوند نیز وعده داده است که پس از ازدواج، مهر و محبت بین آن دو ایجاد خواهد شد.^۲

برای تعمیق این رابطه عاطفی، اعضای خانواده باید از ابراز محبت به یکدیگر دریغ نکنند و همدیگر را از عواطف لطیف خویش سیراب سازند. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زن در روابط میان خود و شوهر همدلش، از سه خصلت بی‌نیاز نیست که عبارتند از: ... اظهار عشق به

۱. پسندیده، «سبب‌شناسی آسیب‌های خانواده با تکیه بر منابع اسلامی»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی، ج ۲، ص ۵۷۱.

۲. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً. (روم (۳۰): ۲۱)

شوهر با دلربایی.^۱ پیامبر اکرم ﷺ نیز به مردان تذکر می‌دهد: «اینکه مرد به همسرش بگوید «دوستت دارم»، هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود»^۲ تا آنها در طول زندگی مشترک از تکرار این سخن دریغ نکنند.

ابراز محبت به فرزندان نیز بسیار مهم است. امام صادق ﷺ فرمود: «بدون تردید، خداوند به دلیل محبت زیاد بنده به فرزندش به او رحم می‌کند.»^۳ پیامبر اکرم ﷺ نیز فرمود:

هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او حسنه می‌نویسد و کسی که او را شاد کند، خداوند در روز قیامت او را شاد می‌سازد.^۴

ابراز محبت اعضای خانواده به یکدیگر آثار فراوانی در پی دارد؛ از جمله:

۱. دلگرمی همه اعضا به خانه و خانواده، حاکمیت عشق و دلدادگی به هم و دل در گرو غیر نسپردن.
۲. بهره‌مندی فرزندان از چتر حمایتی خانوادگی و نشاط و شادابی حاکم بر آن.
۳. دلگرمی به کسب‌وکار و فعالیت‌های مربوط به معاش.
۴. شکوفایی استعدادها و توانمندی‌های خدادادی اعضای خانواده به‌طور درست و کامل.
۵. لذت بردن از زندگی و ارتباط با دیگران.^۵

شش. مشخص و متعادل نمودن انتظاراتها

به‌طور معمول، مشخص کردن انتظاراتها در روابط، باعث معین شدن وظایف و حدود روابط افراد می‌شود. در خانواده‌هایی که انتظاراتهای متقابل زن و شوهر روشن نیست، روابط آنان آسیب‌پذیر است و دقیقاً نمی‌دانند چه وظایفی نسبت به یکدیگر به‌عهده دارند.

۱. لا غنی بالزوجة فیما بینها و بین زوجها الموافق لها عن ثلاث خصال و هن ... و اظهار العشق له بالخلافة. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۲۳۷)

۲. قول الرجل للمرأة «أنتی احبک» لا یذهب من قلبها ابداً. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹)

۳. ان الله یرحم العبد لشدة حبه لولده. (همان، ج ۶، ص ۵۰؛ صدوق، من لایحضر فقیه، ج ۳، ص ۴۸۲)

۴. من قبّل ولده كتب الله له حسنة و من فرّحه فرّحه الله یوم القیامة. (کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۴۹)

۵. طوسی، همسران شایسته، ص ۲۵۰.

ابهام، افراط و تعارض در انتظارات موجب می‌شود فضایی نامساعد و کینه‌جویانه به وجود آید. گاهی اوقات داشتن توقعات بیش از حد از همسر، سلامت خانواده را در معرض تهدید قرار می‌دهد.^۱

هفت. مشورت و کسب توافق در خانواده

گاهی تصمیم‌گیری مطابق با قوانین و اصول عقلی و شرعی آسان است و گاهی خانواده با رفتارها و تصمیم‌هایی روبه‌رو می‌شود که تطبیق آنها با موازین عقلی و شرعی دشوار است. خانواده در این موارد - مانند هر گروه یا نهاد دیگر - می‌تواند به شیوه‌های گوناگونی تصمیم‌گیری کند. با توجه به آموزه‌های اسلام به نظر می‌رسد استفاده از پیشنهادهای دیگران و گزینش مناسب‌ترین راه‌حل، بهترین شیوه است. قرآن یکی از اوصاف مؤمنان را مشورت در همه امور زندگی اعلام می‌کند. جمع‌آوری دیدگاه‌های گوناگون و گزینش بهترین رأی معمولاً به تصمیم مناسب‌تری می‌انجامد که مورد تأیید و حمایت دیگران نیز هست.^۲

هشت. رازداری

روابط زن و شوهر از تمامی روابط انسانی، صمیمانه‌تر نزدیک‌تر است. آنها شب و روز در جامعه، خانه و حتی در بستر، کنار هم هستند و از احوال و رفتار یکدیگر مطلع‌اند. صمیمیت مطلوب همسران اقتضا می‌کند که هر یک از آنان حافظ اسرار همسر خود و مسائل خانوادگی باشد؛ چراکه خداوند زن و شوهر را لباس یکدیگر معرفی کرده است: «هُنَّ لِيَاسُ لَكُمْ وَاَنْتُمْ لِيَاسُ لَهُنَّ»^۳ آنها پوشش شمایند و شما پوشش آنها هستید».

لباس پوشاننده عیوب و زینت‌دهنده بدن است^۴ و همان‌گونه که لباس بدون حائل و واسطه به بدن می‌چسبد، همسران نیز باید دیگران را در روابط خود راه ندهند و محرم اسرار یکدیگر باشند. افشای اسرار خانوادگی، سبب خواری خانواده در منظر دیگران خواهد شد.

۱. قایمی، خانواده و مسائل همسران جوان.

۲. سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۴۸.

۳. بقره (۲): ۱۸۷.

۴. بنگرید به: جوادی آملی، تسنیم، ج ۹، ص ۴۶۰.

نه. عفو و گذشت

گذشت و عفو، شرط اصلی استمرار و استحکام پیوند زناشویی و بقای خانواده است. از این رو همسران باید از خطاهای یکدیگر بگذرند و کاستی‌های همدیگر را صبورانه تحمل کنند.^۱

مهارت‌های تحکیم خانواده

یک. اظهار محبت

ابراز عشق و علاقه به همسر، همواره روابط را شیرین و زندگی را گرم و پر نشاط خواهد کرد. شنیدن عبارات محبت‌آمیز از نیازهای جدی زوجین است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

أَبْدِ الْمَوَدَّةَ لِمَنْ وَاذَكَ تَكُنْ أَثْبَتَ.

دوستی خود را نسبت به آن که تو را دوست دارد، اظهار کن تا [این دوستی] استوارتر شود.

از این رو محبت و علاقه خود را به همسران به بهانه‌های گوناگون ابراز کنید و از هر فرصتی برای تبادل ارتباطات عاطفی خود با یکدیگر بهره بگیرید. لحظاتی که احساس می‌کنید خیلی همسران را دوست دارید، به او بگویید. احساس خود را در دفتر خاطرات هم بنویسید تا زمانی که میان شما نااحتی و کدورتی پیش آمد، آن نوشته را بخوانید و آرام شوید. از همسر خود عکس بگیرید و یادگاری نگه دارید. او حس خواهد کرد که چقدر برای شما مهم است و درمی‌یابد که او را با همان وضعیت کنونی دوست دارید و می‌خواهید برایتان جاودانه بماند.

هرچند وقت یک‌بار، کاری ویژه برای همسر خود انجام دهید؛ برای نمونه، غذای مورد علاقه همسر خود را تهیه کنید یا خوراکی مورد علاقه وی را خریداری کنید.

ادبیات محبت‌آمیز در افراد متفاوت است؛ برای نمونه، مردان با سخنان محبت‌آمیز، نوازش یا با خرید هدیه برای زن به او محبت می‌کنند و زنان با آشپزی خوب یا خانه‌داری باسلیقه برای شوهر، محبت خود را به او ابراز می‌نمایند؛ محبت همسران را با هر ادبیاتی که هست، بپذیرید و به همسران با ادبیاتی که با روحیات او سازگار است، محبت کنید تا آن را بهتر دریابند.

۱. به‌پژوه، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، ص ۴۶.

بسیاری از افراد، توانایی لازم برای ابراز محبت قلبی خود را ندارند و گاه این محبت را در قالب عبارت‌های نامناسب ابراز می‌کنند. برای نمونه، مردان در سخت‌گیری‌های خود برای حضور همسرشان در خانه، محبت خود و عدم طاقت دوری او را به او ابراز می‌کنند. در این مواقع بکوشید تا صحبت‌های همسران را ترجمه کنید. در ضمن خودتان نیز با همسران بدون نیاز به ترجمه سخن بگویید. مثلاً به‌جای آنکه بگویید: «دوست ندارم دیر به خانه بیایی»، بگویید: «وقتی زود به خانه می‌آیی، خوشحال می‌شوم».

پس از تولد فرزندان، بهترین هدیه شما به او عشق و علاقه شما به مادر یا پدر او، یعنی همسران است. پدر و مادرهایی که تصور می‌کنند بدون عشق و علاقه به یکدیگر می‌توانند به‌طور واقعی به فرزندان خود عشق بورزند، از این نکته غافل هستند که فرزندان باید در محیطی آرام و بدون تنش زندگی کنند. روابط سرد و بی‌روح پدر و مادر، غذای مسموم روحی است که به فرزندان داده می‌شود.

به همسر خود، محبت مادرانه یا پدرانه نداشته باشید؛ زیرا این رفتار به او این پیام را می‌دهد که بی‌لیاقت است و اعتماد به نفس او کاهش می‌یابد. علاوه بر آن، جذابیت همسری شما کاهش می‌یابد؛ زیرا او شما را بیشتر مادر یا پدر می‌بیند تا همسر. در ضمن خدمات‌های بیش از حد شما او را پرتوقع می‌سازد و زمانی که نتوانید آنها را ارائه دهید، احساس می‌کند همسر وظیفه‌ناشناسی هستید.

دو. ارتباط کلامی مناسب

کلام مهم‌ترین وسیله ارتباطی بین دو فرد است. سخن فرد نشان‌دهنده اعتقادات و احساسات اوست و افراد اراده خویش بر انجام یا ترک کاری را با کلام ابراز می‌دارند. به قول شاعر گران‌قدر:

تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

از این رو همسران که نزدیک‌ترین افراد به یکدیگر هستند و بیشترین اوقات عمر را با یکدیگر سپری می‌کنند، باید مهارت خوب سخن گفتن و خوب شنیدن را فرا گیرند. از این رو شما باید: - از اعجاز کلام عاطفی در پیوند قلبی خود و همسران غفلت نکنید. در کلام مهربان خویش از همسر خود تمجید کنید و به او احترام بگذارید و هنگامی که همسران با شما

صحبت می‌کند، کارها و امور دیگر را رها نمایید و فقط به وی گوش دهید.

- هنگام حرف زدن همسر با تکان دادن سر یا پرسیدن سؤالاتی در مورد مضمون صحبت او و طرح پرسش‌های بازپاسخ^۱ نشان دهید که به سخنان او گوش می‌دهید. با همسر خود همدلی نمایید و آن را ابراز کنید. همدلی به معنای موافقت با نظر و عقاید همسر نیست؛ بلکه به معنای آن است که خود را به جای وی بگذارید و به او بگویید چطور احساس همسران برای شما درک‌شدنی است. جبهه‌گیری، سرزنش همسر، تجسس در اموری که مطرح می‌کند، اصرار بر راهنمایی او هنگام درد دل کردن، بزرگ یا کوچک جلوه دادن مسئله‌ای که مطرح می‌کند و قضاوت سطحی و عجولانه می‌تواند مانع همدلی با همسر در ارتباط کلامی شود.
- از ابراز هرگونه اظهار خستگی، بی‌حوصلگی و شتاب‌زدگی هنگام صحبت همسر خودداری کنید و خود را صبور، علاقه‌مند و مشتاق به ارتباط کلامی با وی نشان دهید.
- سعی کنید برای تأثیرگذاری بیشتر در هنگام گفتگو از عبارات و کلمات زیبا، ملایم و دوستانه استفاده کنید.

- اگر قبلاً نظر خود را در مورد موضوعی به همسران گفته‌اید، در صورت لزوم آن را تکرار کنید و از به کار بردن جملاتی مانند «تو که می‌دانی» یا «صدبار به تو گفته‌ام» اجتناب کنید؛ زیرا این نوع جملات در همسر موضع دفاعی ایجاد می‌کند.
- از طرف همسر خود صحبت نکنید و از به کار بردن عباراتی همچون «تو فکر می‌کنی من ...» یا «تو می‌خواهی من ...» اجتناب کنید و در عوض از او درباره افکار و احساساتش سؤال کنید. مثلاً بگویید: «تو در مورد ... چی فکر می‌کنی؟» یا «تو درباره ... چه احساسی داری؟»
- در سخن گفتن از توهین، تحقیر، کنایه و تهمت پرهیزید. هر انسانی به دلیل کرامتی که خدا به او عطا کرده، محترم است. علاوه بر آن از به کار بردن عبارات خشن و تند اجتناب کنید؛ زیرا همسر شما احساس می‌کند به او حمله شده است و پاسخ او نیز تند خواهد شد.
- اگر عصبانی، نگران، مضطرب، خسته یا غمگین هستید، ممکن است حرف‌ها و کارهای همسر خود را به صورت منفی دریافت کنید و براساس این برداشت اشتباه، واکنش منفی بروز دهید. در این شرایط باید وضعیت خود را به همسران ابراز کنید. ابراز احساس آرام فرد، احتمال

۱. سؤالاتی که با چگونه، چرا و چه آغاز می‌شوند و جواب تفصیلی دارند.

درک احساسات را از سوی همسر افزایش می‌دهد. در این گونه موارد باید از به کار بردن عباراتی که با «تو» شروع می‌شود، مانند «تو مرا عصبانی کردی» اجتناب کرد. بیان احساس با کلمه «من» مانند «من احساس می‌کنم» همسر را از نظر ذهنی و روانی به فرد نزدیک می‌کند.

- زمانی که احساس می‌کنید خود یا همسران در جریان گفتگو دچار مشکل عاطفی یا هیجانی شدیدی شده‌اید، از ادامه صحبت صرف‌نظر نمایید و آن را به فرصت مناسب دیگری واگذار کنید.

سه. روابط زناشویی مطلوب

روابط زناشویی مطلوب، تأثیر عمیقی بر تحکیم خانواده دارد. در این زمینه به چند نکته اشاره می‌شود:

- هنگام شادی با همسران عهد ببندید که در هیچ شرایطی نباید بسترتان از هم جدا شود، مگر آنکه یکی از شما در سفر باشد و عهد ببندید که هر که تخلف کرد، باید جریمه‌ای سنگین بپردازد. بستر مهم‌ترین عاملی است که آتش کدورت‌ها را هر قدر هم زیاد باشد، خاموش خواهد کرد.

- امروزه به دلیل گستردگی اطلاعات جنسی، تخیل و توقعات جنسی افراد بالا رفته است؛ به همین دلیل، زن و شوهر امکان تجربه و کشف یکدیگر را پیدا نمی‌کنند و از رابطه سالم و طبیعی به میزان کافی لذت نمی‌برند. بکوشید تا از دیدن فیلم‌ها، خواندن کتاب‌ها و مرور پایگاه‌های اینترنتی که شما را در معرض تحریکات جنسی قرار می‌دهد، پرهیزید. با این کار هم از حرام الهی دوری می‌جوئید و هم روابط زناشویی شما همواره لذت‌بخش خواهد بود.

چهار. مهارت کسب درآمد و مدیریت مصرف

یک. کسب درآمد

۱. مسائل مربوط به اشتغال مردان

از آنجا که تأمین درآمد خانواده به‌عهده مردان است، پسران جوان باید از آغاز جوانی با مهارت‌های لازم برای کسب درآمد آشنا شوند:

- از آغاز زندگی مشترک به‌دنبال مشاغل سطح بالا نباشید. هر شغل حلالی که کمکی

برای تأمین معاش شما و خانواده‌تان باشد، هرچند با دستمزد پائین می‌تواند مقدمه خوبی برای شغل‌های بهتری در آینده باشد. شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت و اشتغال در سایه موقعیت پدر یا یکی از بستگان یا دوستان می‌تواند آغاز خوبی باشد تا دیگران با مشاهده همت و توانمندی شما فرصت‌های شغلی بهتری را به شما پیشنهاد دهند.

- باید شغل شما شرافتمندانه و مال حاصل از آن حلال باشد. بنابراین باید از اموری مانند: رشوه گرفتن یا رشوه خوردن، غلّ و غش، مبادلات غیرقانونی و قاچاق و معاملات حرام مانند: قمار، ربا و غصب دوری گزید؛ زیرا مال حرام، برکت را در زندگی از بین خواهد برد و تأثیر نامطلوبی بر فرزندان خواهد گذاشت. امام صادق علیه السلام فرمود: «اثر درآمد حرام، در نسل آشکار می‌شود».^۱

- محدوده فعالیت اقتصادی خود را مشخص کنید و در همان محدوده به کسب تجربه و تلاش بیشتر بپردازید. عدم ثبات شغلی معمولاً مانع پیشرفت اقتصادی می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ارزش کارها به این است که به پایان برسد و نیمه‌کاره رها نشود».^۲

- با نحوه حمایت‌های اجتماعی برای اشتغال، مانند: وام‌های خوداشتغالی، کمک‌های تعاونی و تسهیلات بانک‌ها آشنا شوید.

- سعی کنید نگرانی‌ها و افکار منفی مربوط به محیط کار را به خانه منتقل نکنید. خانه محل آرامش همه اعضای خانواده است.

- اشتغال بیش از حد شما نباید به مسئولیت‌های همسری و پدری شما و نیز ارتباطات صمیمانه زناشویی با همسر آسیب برساند. همچنین مراقب روابط با نامحرم در محیط کار باشید تا موجب بروز غیرت‌ورزی همسرتان نشوید. زنان توجه داشته باشند که مردان نیاز دارند تا همسرشان در امور مربوط به اقتصاد خانواده با آنان همراهی کنند. به‌ویژه امروزه که ازدواج‌های همسالان بیشتر اتفاق می‌افتد. زن هنگام شروع فعالیت یا شغل جدید، مشوق همسر خود باشد، نه کسی که پی‌درپی تذکر می‌دهد و سؤال می‌کند.

۱. کسب الحرام بیّن فی الذریّة. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۱۲۵)

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۵.

۲. مسائل مربوط به اشتغال زنان

مردان نباید همسر خود را مجبور به کار کنند و تأمین مخارج زندگی وظیفه زن نیست؛ اما اگر او داوطلبانه مشغول به کاری می‌شود:

.. از اینکه در تأمین مخارج زندگی کمک می‌کند، از او تشکر کنید.

.. به او کمک کنید تا در محیط مناسبی اشتغال یابد؛ محیطی که روابط مردان و زنان، مناسب شأن انسانی آنها و در چارچوب حدود الهی باشد و شرایط کار در آنها فرسودگی ایجاد نکند. زنان نقش بیشتری برای ایجاد نشاط در خانه دارند و خستگی زیاد آنها، محیط خانه را سرد و کسل‌کننده خواهد ساخت.

.. اشتغال بیرون از خانه، همسر شما را خسته می‌کند، همان‌گونه که شما هم خسته می‌شوید؛ بنابراین در امور منزل به او کمک کنید.

.. برای مصرف درآمد خود و همسران با هم برنامه‌ریزی کنید؛ بگذارید تا او لذت یاری صمیمانه خود را بهتر دریابد.

.. از آنجا که همسر شما برای تأمین نیازمندی‌های زندگی به شما کمک می‌کند، شما نیز زمانی که خانه یا ماشین یا زمینی می‌خرید، سعی کنید بخشی از آن را به نام همسر خود کنید و او را مالک چیزی بگردانید که اگر روزی دست تقدیر، عمر شما را کوتاه‌تر از او ساخت، او محتاج دیگران نشود و تا آخر عمر با غرور به همسر دلسوز خود افتخار کند.

برای مطالعه بیشتر

زنان شاغل به این امور توجه داشته باشند:

یک. برخی از زنان با نگرانی از درآمد پائین شوهر، به اشتغال بیش از حد روی می‌آورند. در نتیجه هم خود را فرسوده می‌کنند و هم شوهر و فرزندان را از نعمت همسر و مادری بانشاط محروم می‌نمایند. کار و تأمین معاش زندگی، وظیفه مردان است و آنها از آغاز زندگی، آمادگی پذیرش مسئولیت‌های خانه را دارند. زن‌ها باید نقش بی‌بدیل خود را در ایجاد آرامش، نشاط، شادی و گسترش سرور و محبت در خانه حفظ کنند و بیش از توان خود مسئولیت نپذیرند.

دو. برای زمان اشتغال خود برنامه‌ریزی نمایید. سعی کنید زمان ورود همسر به خانه در منزل باشید. لحظه ورود شوهر به خانه و استقبال گرم از او در

استواری روابط صمیمی همسران بسیار مؤثر است. وقتی فرزند کوچک است، سعی کنید تا حد امکان به اشتغال بیرون از خانه نپردازید. سال‌های ابتدایی عمر کودک بسیار حساس است و در این ایام هیچ چیز حای آغوش گرم و تربیت مادرانه را نخواهد گرفت. بهترین فرصت‌های شغلی و بیشترین درآمدها با داشتن فرزندی صالح و سالم قابل مقایسه نیست. سه. برای جمع میان مسئولیت‌های خانوادگی و اشتغال، از شغل‌های پاره‌وقت و نیمه‌وقت یا شغل‌های خانگی استقبال کنید.

چهار. اگر صاحب فرزند هستید:

- تا آنجا که ممکن است، منزل را به محل کار نزدیک کنید.
- از مهدکودک‌ها و مدارس نزدیک محل کار استفاده نمایید.
- با مدرسه و مهدکودک پی‌درپی در تماس باشید.
- به رفت‌وآمد فرزندان، بازی و امور درسی آنها رسیدگی کافی داشته باشید.
- برخی از کارهای غیر ضروری در منزل همانند تمیز کردن منزل به‌طور افراطی یا خرید زیادی را محدود کنید.
- متناسب با رشد فرزندان، برخی مسئولیت‌های خانه را دوستانه به آنها بسازید.
- اگر به دلیلی همچون کوچکی فرزندان، مدتی از اشتغال کناره‌گیری کردید، با مطالعه کتاب، گذراندن دوره‌های آموزشی غیرحضورى یا مجازى یا حضور در فعالیتهای خیرخواهانه، نشاط روحی خود را حفظ کنید و از فایده‌های ارتباط‌های اجتماعی بهره‌مند شوید.
- پنج. از مرخصی‌های کاری هرچه بهتر و باکیفیت‌تر استفاده کنید.
- شش. برای استفاده از تلفن و تماس با دوستان و فامیل و اطرافیان و نیز تماشای برنامه‌های تلویزیون و استفاده از اینترنت، برنامه‌ریزی درست و بهینه داشته باشید تا این امور به ارتباط شایسته با همسر و فرزندان آسیب نرساند.

هفت. در مواقعی که کار منزل زیاد است، صمیمانه از همسران کمک بخواهید. توقع نداشته باشید که او مانند یک زن خانه‌داری کند. خانه‌داری با روحیات زنانه سازگارتر است. او در نهایت کمی کمک خواهد کرد. بگذارید در هر کاری که مایل است، به شما کمک کند؛ از او برای کمک‌هایش تشکر کنید تا انگیزه او در این کار بیشتر شود.

هشت. در زندگی با همسر به هیچ وجه سخنی از پول من و پول تو به میان نیاورید؛ زنان با اشتغال خود، روابط خود و همسرشان را صمیمی‌تر می‌کنند؛ از این رو با ایجاد مرز میان خود و همسران به این صمیمیت آسیب نرسانید.

نه. مردان در خانواده به اقتدار نیاز دارند. این اقتدار مردانه به آنها کمک می‌کند تا در فراز و نشیب زندگی، تکیه‌گاه همسر و فرزندان باشند. در صورتی که شاغل هستید و درآمد مستقل دارید، به اقتدار شوهر خود آسیب نزنید.

ده. اگر در محیط شغلی خویش به موفقیت‌های چشمگیری دست یافتید یا مدیریتی را به شما سپردند، هرگز فراموش نکنید که مدیر خانواده شوهر است. منصب خود را بیرون از خانه بگذارید و درون خانه در مقابل شوهر خود متواضع باشید. این رفتار مدبرانه، نشانه مدیریت توانمند در تنظیم روابط خانوادگی است.

یازده. از همسر خود صمیمانه و متواضعانه بخواهید تا پس از سال‌ها همکاری در تأمین مخارج زندگی، شما را در برخی امکانات زندگی سهیم کند.

دو. مدیریت مصرف

ثروت خانواده از دو راه تأمین می‌شود: زیاد کردن درآمد و کم کردن مخارج. بنابراین به همان میزان که برای ازدیاد درآمد مشروع تلاش می‌کنید، برای مصرف بهینه نیز باید برنامه‌ریزی نمایید. به عبارت دیگر، برای ثروتمند شدن، به جای آنکه بکوشید بیشترین امکانات را در زندگی خود فراهم کنید، بکوشید از امکانات موجود بیشترین بهره را ببرید.

به نکاتی در این زمینه توجه کنید:

۱. موارد مصرف خانواده را مشخص کنید؛ مخارج خانواده معمولاً عبارتند از: غذا، پوشاک، خرید یا اجاره مسکن و تعمیرات، هزینه منابع انرژی مانند: آب، برق و گاز، مخارج مربوط به رفت‌وآمد، تلفن، بهداشت و درمان، خرید لوازم منزل، تعمیر و خرید لوازم مربوط به شغل، هزینه تحصیل، اقساط وام، هزینه آرایش و عطر، تفریح و مسافرت، میهمانی و حقوق واجب الهی مانند خمس، زکات فطره. این موارد را متناسب با درآمد و هزینه‌های خانواده بودجه‌بندی کنید.

۲. تا آنجا که ممکن است، بخشی از درآمد خود را - هرچند کم - پس انداز کنید. اندک اندک این پس اندازها می‌تواند سرمایه کار بهتر یا امکانات اصلی زندگی شود. چه بسا پس از چندین سال پس انداز و استفاده از وام‌های گوناگون بتوانید صاحب خانه شوید، مغازه‌ای بخرید یا در کارهای تولیدی سرمایه‌گذاری کنید.

۳. هرچه زودتر برای بیمه خود و اعضای خانواده اقدام کنید تا هنگام نیاز با استفاده از خدمات بیمه، برخی مشکلات خانواده را برطرف نمایید.

۴. همسر خویش را از میزان درآمد خود مطلع نمایید و در مورد مصرف آن با یکدیگر همفکری کنید و برای مصارف هر ماه با هم برنامه‌ریزی داشته باشید؛ بدین‌سان او با شما همدلی می‌کند و توقعات خود و مصرف خانواده را با درآمد شما تنظیم خواهد کرد.

۵. درباره تهیه مسکن به این نکات توجه کنید:

- تهیه مسکن مناسب را در اولویت برنامه‌ریزی اقتصادی خانواده قرار دهید. اگر در آغاز زندگی مجبور به اجاره‌نشینی هستید، سعی کنید در اولین فرصت و با استفاده از وام‌ها و کمک مالی پدرشهر یا پدرزن به صورت بلاعوض یا قرض برای خرید مسکنی هرچند کوچک و در مناطق ارزان قیمت اقدام کنید. با اجاره‌نشینی، همواره مبلغ قابل توجهی از درآمد صرف اجاره‌بها می‌شود و هرگز مالک خانه نخواهید شد.

- سکونت موقت در منزل والدین در آغاز زندگی مشترک، بخشی از بار مالی را از دوش شما برمی‌دارد. در صورت همکاری والدین از این امکانات استفاده نمایید و روابط بین خویش، همسر و خانواده خود را نیز مدیریت کنید.

- در خرید مسکن، علاوه بر تناسب آن با پول خود، به موقعیت محله و همسایگان، آفتاب‌گیر بودن اتاق‌ها، نزدیکی به محل کار یا تحصیل یا منزل بستگان و دسترسی آسان به مراکز خرید و خدمات عمومی توجه کنید.

۶. در مصرف زیاده‌روی نکنید. در صورت اسراف در مصرف و برآورده شدن سریع انواع خواسته‌های همسر و فرزندان، آنها روزبه‌روز به خواسته‌های خود بیشتر توجه می‌کنند و از شما توقع بیشتری دارند. این امر موجب ازهم‌گسیختگی روابط آنها با شما و با یکدیگر خواهد شد. اعتدال در مصرف را رعایت کنید.

۷. به فرزندان خود، متناسب با رشد آنها مسائل اقتصادی را آموزش دهید؛ از جمله:
- نحوه نگهداری از اموال و هدایا و شیوه صحیح خرج کردن را به آنها بیاموزید.
 - آنها را در زمان مناسب به کار تشویق کنید.
 - در گفتگوهای اقتصادی خانواده آنها را نیز متناسب با فهم و توانشان دخالت دهید.
 - آنها را قانع و شاکر تربیت کنید.

تقویت کارکردهای خانواده

خانواده کارکردهای متنوع و فراوانی دارد؛ از جمله: تنظیم رفتار جنسی، تأمین نیازهای عاطفی، بقای نسل، کارکرد تربیتی و تأمین اقتصادی زنان و کودکان. تقویت این کارکردها در استحکام خانواده تأثیر بسزایی دارد. در این رابطه، توجه به چند نکته ضروری است:

یک. رعایت حدود مرزها در خانواده

ازدواج همواره به روابط جنسی نظم می‌بخشد و از هرج و مرج جنسی جلوگیری می‌کند. بر این اساس، جامعه‌شناسان یکی از کارکردهای اساسی خانواده را تنظیم رفتار جنسی بیان کرده‌اند؛ هرچند ممکن است گاهی برخی افراد متأهل نیز گرفتار محرومیت جنسی یا هرج و مرج جنسی باشند. عمده دلایل این نوع رفتارها عبارت است از: اختلافات شدید خانوادگی همسران، نفرت آنها از یکدیگر، اختلال جنسی یکی از همسران و وجود محرک‌های جنسی دیداری یا شنیداری که فرد را به تنوع‌طلبی جنسی وامی‌دارد. از این رو اسلام تأکید فراوانی بر رعایت حدود و مرزها در خانواده دارد. بخشی از مشکلات خانواده‌ها ناشی از بی‌توجهی به رعایت برخی حدود و مرزها است. مهار تماس‌های جسمی و دوری از نگاه‌ها و روابط کلامی معنادار که حتی بار جنسی کمی داشته باشد، در پیشگیری از اختلافات نقشی مهم دارد. براساس یکی از تحقیقات صورت گرفته، هنگامی که مردها عکس‌های زنان بسیار زیبا را می‌بینند، همسران مورد علاقه خود را با جذابیت کمتری ارزیابی می‌کنند.^۱ ارزش‌گذاری کمتر نسبت به همسر، زمینه را برای ضعف روابط عاطفی فراهم می‌کند. کمترین تأثیر نگاه‌ها و روابط عاطفی لذت‌بخش همراه با بار جنسی یا ارضای آنها در بیرون از محدوده خانواده، سرد شدن این روابط در خانواده است.

۱. آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۵۳.

از حدود دیگری که به زنان مربوط می‌شود، پوشش شرعی است. این امر بر زنان و مردانی که آنها را می‌بینند، تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی، پوشاندن زیبایی‌های زنان بررسی شد و از لحاظ تجربی ثابت گردید که این امر، مانع افزایش آستانه ادراکی مردان و در نتیجه موجب کاهش اختلافات زناشویی می‌شود؛ زیرا با افزایش آستانه ادراکی، مرد به محرک‌های درون خانواده دیرتر پاسخ می‌دهد و زمینه برقراری روابط عاطفی لذت‌بخش فراهم نمی‌شود.^۱

دو. تأمین نیازهای عاطفی همسران، فرزندان و والدین

افراد در جریان ارتباط خود با دوستان و بستگان از حمایت‌های عاطفی آنها بهره‌مند می‌گردند؛ ولی معمولاً رضایت‌بخش‌ترین روابط عاطفی از جانب همسر، والدین، فرزندان، خواهران و برادران دریافت می‌شود. انسان امنیت روحی خود را در کانون خانواده جستجو می‌کند و خانه را پناهگاهی در برابر مشکلات اجتماعی می‌داند.

در روابط فرزندان با والدین نیز حمایت عاطفی پدر و مادر از فرزند، نقش برجسته‌ای در رشد روانی او دارد که معمولاً در کانون خانواده به صورت ناخودآگاه یا خودآگاه حاصل می‌شود. از تأثیر فرزندان بر تأمین نیازهای عاطفی والدین نیز نباید غافل شد. این تأثیر در دوران کودکی فرزند از طریق ایجاد شادی و نشاط در خانواده و در دوران جوانی او از طریق محبت به والدین، مراقبت و حمایت از آنها حاصل می‌شود.

از این رو برای تقویت این کارکرد مهم، اعضای خانواده به‌ویژه همسران باید توانمندی ارتباط عاطفی مناسب با یکدیگر و به‌تعبیری هم‌گرایی و هماهنگی را به دست آورند. روح حاکم بر خانواده «هم‌گرا» صمیمیت، یکدلی، یک‌رنگی و رفاقت است. در مقابل، فضای غالب بر خانواده «واگرا» بیگانگی، فاصله عاطفی و لجاجت است.

البته هم‌گرایی در زندگی، امری نسبی است و جنبه مطلق ندارد؛ به این معنا که هرگز نمی‌توان انتظار داشت افراد در تمام موارد توافق داشته باشند؛ بلکه منظور این است که آنها بتوانند در بیشتر موارد، سیاستی هماهنگ در مواجهه با مسائل در پیش گیرند.^۲

۱. منطقی، فصلنامه چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران، ش ۳۸، ص ۱۳.

۲. بنگرید به: حسین‌زاده، «راهکارهای ارتباط مؤثر در میان اعضای خانواده»، نشریه معرفت، ص ۱۰۰ - ۸۳.

سه. فرزندآوری

یکی از اهداف مهم ازدواج، صاحب فرزند شدن است تا والدین از این طریق از لذت طعم شیرین مادری یا پدری بهره‌مند گردند. آنها فرزند را ادامه حیات خویش می‌بینند و در وقت نیاز، فرزندان برومند خود را حامیان اصلی خویش می‌یابند. در طول تاریخ نیز نسل انسان‌ها از طریق ازدواج و تشکیل خانواده تداوم یافته است. هرچند امروزه در برخی جوامع لیبرال، تعداد فرزندان نامشروع و خارج از چارچوب خانواده رو به گسترش است، در همان جوامع نیز کودکان و جامعه از تولد فرزندان بی‌هویت رنج می‌برند.

برای تقویت کارکرد بقای نسل، ایجاد تحولاتی در بینش زوجها و نیز تغییراتی در شیوه زندگی آنها لازم است. امروزه برخی زوجها تولد فرزند را مانع آسایش و راحتی زندگی خود می‌دانند و هزینه تولد و تربیت فرزند نیز سرسام‌آور تلقی می‌شود. بیشتر پدران و مادران نیز در فراهم کردن امکانات رفاهی فرزند خویش، ناخواسته افراط می‌کنند که این امر هزینه فرزندپروری را برای زوج‌های جوان سنگین کرده است؛ حال آنکه همسران جوان علاوه بر محاسبه هزینه‌های اقتصادی فرزندپروری باید به فواید فراوان تولد فرزند در خانواده نیز توجه نمایند.

فرزندآوری برای همسران آثار مثبت فراوانی دارد که به‌اختصار عبارتند از: مستحکم‌تر شدن روابط زن و شوهر، ایجاد نشاط در محیط خانه و خانواده، ایجاد تکامل شخصیتی در پدر و مادر، تقویت انگیزه فعالیت در زن و شوهر، افزایش امید به زندگی و تقویت انگیزه مراقبت از خویش برای رسیدگی به فرزندان، گسترش حمایت بستگان و دوستان از خانواده، تقویت حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی از زوجی که صاحب فرزند شده‌اند، تداوم حیات زن و شوهر و انتقال ارزش‌های فکری، اخلاقی و معنوی و دارایی مادی آنان به نسل‌های بعد، بهره‌مندی از لذت مادری و پدری، بهره‌مندی از یابوری صمیمانه در ایام پیری و درماندگی و برخوردارگی از اجر و ثواب عظیم الهی که به پدران و مادران وعده داده شده است.

در نتیجه زوجها باید برای تکثیر نسلی سالم و صالح اقدام کنند که لازمه آن بارداری‌های هوشمندانه به‌تناسب امکانات و همراه با اقدامات لازم جهت تسهیل امر فرزندپروری است؛ ازجمله: تعدیل روحیه ایدئال‌گرایی در تأمین رفاه کامل فرزندان، ایجاد فرهنگ تقسیم کار عادلانه بین پدر و مادر برای تربیت فرزند، برنامه‌ریزی جهت بهره‌مندی از حمایت صمیمانه

پدربزرگ و مادربزرگ‌ها و نیز خاله‌ها و عمه‌ها و عموها و دایی‌ها در امر فرزندپروری، ایجاد ارتباط با دوستان همفکر دارای فرزند جهت تبادل اطلاعات و تجربیات و سهیم نمودن یکدیگر در شادی فرزندپروری از طریق میهمانی‌ها، فعال‌سازی پایگاه‌های اینترنتی و وب‌نوشت‌های شخصی، ایجاد فرهنگ قناعت و میانه‌روی در خانواده و توجه به برکت اقتصادی که خداوند برای تولد فرزند وعده داده است.

چهار. تقویت نقش تربیتی خانواده

کارکردهای تربیتی خانواده را می‌توان در ابعاد مختلف بررسی کرد؛ از جمله اینکه خانواده مهم‌ترین نقش را در جامعه‌پذیری کودکان ایفا می‌کند. به گفته «پارسونز»:

کودک در خانواده دوست داشته شدن و دوست داشتن را می‌آموزد، با چگونگی رفع نیازهای خود توسط دیگران آشنا می‌شود و شیوه مطلوب تعاملات اجتماعی را فرا می‌گیرد.^۱

از دیگر کارکردهای تربیتی خانواده می‌توان به تأثیر آن در شکل‌گیری اعتقادات و رفتارهای اخلاقی و دینی فرزند اشاره کرد. از این‌رو برای تقویت نقش تربیتی خانواده باید پرورش کودک به گونه‌ای باشد که با خداوند انس بگیرد، تدبیر الهی را بر خواست خویش مقدم کند، واجبات و محرمات را پاس دارد، نهال اخلاص را در درون خویش پرورش دهد و دنیا را به منزله کشتزار آخرت بنگرد. هرچند امروزه متأسفانه در برخی خانواده‌ها تمایل به ارزش‌هایی همچون رعایت احکام شرعی و آشنایی با معارف وحیانی و اسوه‌های اخلاقی و معنوی، جای خود را به ترغیب فرزندان به رقابت بر سر عناوین دنیایی و افزون‌طلبی و مصرف‌گرایی داده است.^۲

در مورد نقش تربیتی خانواده نباید فقط به تأثیر عمیق خانواده بر تربیت فرزند اکتفا کرد؛ بلکه معمولاً همسران نیز خودآگاه یا ناخودآگاه بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. آنها در طول زندگی مشترک، اعتقادات و باورهای مشترک بسیاری پیدا می‌کنند و بر رفتارهای یکدیگر نیز تأثیر

۱. میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۸۰ - ۶۸.

۲. زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی نگاه به زن و خانواده، ص ۳۵.

می‌گذارند و به‌مرور زمان عامل تغییرات در خلق‌وخوی هم می‌شوند. برای تقویت این کارکرد مهم در خانواده، هر یک از اعضا باید توانمندی‌های زیادی کسب کند که به برخی از آنها در فصل دوم ذیل عنوان «رشد فضایل اخلاقی و معنوی» اشاره شد.

نقش اعضای خانواده

هرچند ازدواج به‌ظاهر پیوند دختر و پسر با یکدیگر است، با این امر مقدس که شبکه ارتباطی متشکل از زن و شوهر و فرزندان و بستگان ایجاد می‌شود و این اعضا جایگاه و نقش ویژه‌ای دارند که ایفای این نقش‌ها سبب برکت و رحمت فراوان در زندگی هر یک از آنها خواهد شد. در روایات نیز به برخی از برکات ازدواج این‌چنین اشاره شده است: نزدیک کردن افرادی که از هم دور هستند، به هم پیوستن دل‌ها، مرتبط ساختن حقوق افراد به یکدیگر و افزایش افرادی که در سختی‌های زندگی به یاری هم می‌شتابند.^۱ در نگاهی اجمالی می‌توان رابطه اعضای خانواده و در نتیجه نقش‌های آنها را چنین برشمرد:

- زن و شوهر.
- فرزندان و پدر و مادر.
- همسران و بستگان آن دو.

یک. زن و شوهر

همسران هرچند در خانواده نقش‌های مشترک فراوانی دارند، به‌دلیل برخی تفاوت‌های «جسمانی»، «عاطفی» و «روانی» و متناسب با این تفاوت‌ها، نقش‌های ویژه‌ای نیز برعهده دارند. برای نمونه، مردان معمولاً دارای عضلات قوی‌تر و قدرت بدنی بیشتری هستند. آنها کلی‌نگرتر می‌باشند و نسبت به آنچه می‌بینند، حساس‌ترند. مردان بیشتر هدف‌مدار بوده، به ریاست مایل‌اند. آنها جدی‌تر و استدلالی‌تر فکر می‌کنند و در نیاز جنسی خود پرشتاب‌تر و

۱. امام رضا علیه السلام: لو لم یکن فی المناکحة و المصاهرة آیه محکمة و لا سته متبعة و لا اثر مستفیض لکان فیما جعل الله من بر القریب و تقریب البعید و تألیف القلوب و تشبیک الحقوق و تکثیر العدد و توفیر الوند لنوابب الدهور و حوادث الأمور ما یرغب فی دونه العاقل اللیبب. (کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۳۷۳؛ طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۵)

کم‌تحمل‌تر هستند؛ حال آنکه زنان معمولاً دارای بدنی ظریف و لطیف می‌باشند و به جزئیات بیشتر دقت می‌نمایند. آنها نسبت به آنچه لمس می‌کنند، حساس‌ترند، بیشتر رابطه‌مدار هستند و در اهداف خویش موفقیت احساسی را لحاظ می‌کنند. آنها بیشتر از مردان به مراقبت و حمایت نیاز دارند و خیال‌پردازی و قدرت تکلم نیز در آنها قوی‌تر است.

اسلام در مواردی متناسب با این تفاوت‌ها نقش زن و شوهر را متفاوت از یکدیگر تعیین کرده است. مسئولیت تأمین مخارج زندگی زن و فرزندان برعهده مردان قرار داده شده است و زن‌ها از آن معاف هستند. به دلیل واگذاری این مسئولیت سنگین بر دوش مردان که هم توانایی جسمانی و روانی بیشتری برای کارهای سخت دارند و هم بیشتر متمایل به مدیریت و ریاست هستند، زنان به پذیرش اقتدار مردانه در خانه سفارش شده‌اند. مرد جایگاه مدیریتی خاصی در خانه دارد و حامی و مراقب همسر است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

كُلُّ نَفْسٍ مِنْ بَنِي آدَمَ سَيِّدٌ، فَالرَّجُلُ سَيِّدُ أَهْلِهِ وَ الْمَرْأَةُ سَيِّدَةُ بَيْتِهَا.^۱

هر یک از فرزندان آدم یک فرمانروا است؛ مرد فرمانروای خانواده خویش است و زن فرمانروای خانه خویش.

براساس با تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و مردان، نقش زنان در ایجاد محبت و گسترش عواطف در خانواده پررنگ‌تر بوده، در رفع کدورت‌ها مسئولیت بیشتری متوجه آنهاست.^۲ در رابطه جنسی نیز هرچند هر دو به برآوردن نیازهای معقول یکدیگر فرا خوانده شده‌اند، مسئولیت زن در آراستگی ظاهری برای جذب شوهر به سمت خویش و نیز پاسخ به نیاز جنسی شوهر بیشتر است. محصول روابط جنسی لذت‌بخش بین زن و شوهر، تحکیم روابط آن دو در ابعاد مختلف خواهد بود.

۱. نهج الفصاحه، ح ۲۱۷۷.

۲. خدا در قرآن می‌فرماید: «وَ إِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُورًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِنْ تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء (۴): ۱۲۸) اگر زنی احساس کرد شوهرش با او بی‌مهر و از او بیزار شده، باکی نیست که هر دو در میان خود طرح آشتی افکنند که آشتی بهتر است؛ حال آنکه بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد و اگر نیکی و پرهیزکاری کنید، خدا به هرچه کنید، آگاه است.»

در احکام فقهی، تفاوت نقش‌ها در روابط زن و شوهر در قالب وجوب پرداخت نفقه برای مرد و وجوب تمکین برای زن ذکر شده است.

نتیجه پذیرش نقش‌های متمایز زن و مرد عبارت است از:

۱. سازگاری نقش‌ها با طبیعت زنانه و مردانه و هم‌نوایی اعتقاد، گرایش و عمل با طبیعت و فطرت، به نشاط و رضایتمندی می‌انجامد. این احساس رضایتمندی، برآیند تعادل میان درون و برون و هماهنگی ذهن، قلب و جوارح است.

۲. نقش‌های متفاوت و مکمل زن و مرد در حیات خانوادگی به تعادل کارآمدی خانواده می‌انجامد و در اینجاست که خانواده می‌تواند ایفاگر مهم‌ترین نقش‌ها و محل پرورش انسان‌های متعالی باشد. یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه اجتماعی، نیروی انسانی است و زنان در پرورش نیروهای انسانی متعادل، خلاق، قانع، علم‌دوست، پرکار، بانشاط و هم‌گرا بیشترین سهم را ایفا می‌کنند. به‌علاوه حضور اجتماعی آنان به‌گونه‌ای است که فضای اجتماعی را به عطر عفاف، مهربانی و هم‌گرایی معطر می‌سازند.^۱

دو. والدین و فرزندان

با تولد فرزندان، زن و شوهر نقش‌های جدیدی را تجربه می‌کنند. ایفای نقش پدری و مادری شیرین، ولی پرمسئولیت است. پدر باید نیازهای اولیه کودک به‌ویژه مخارج خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان فرزند را برطرف کند و مادر نیز وظیفه دارد با ایجاد ارتباط عاطفی عمیق با فرزند به تربیت او همت گمارد. هرچند تربیت جسمانی، روانی، اعتقادی و اخلاقی فرزندان وظیفه مشترک پدر و مادر است،^۲ نقش مادر در این بخش حساس‌تر و مؤثرتر است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که ماهیت روابط میان فردی هر شخص در تعامل میان نوزاد و مادر تثبیت می‌شود. اگر میزان تماس بدنی، دیداری و کلامی، آگاهی و پاسخ‌دهی مادر به نیازهای کودک کافی باشد، او دارای الگوی دل‌بستگی ایمنی‌بخش می‌شود. این نوع دل‌بستگی با

۱. زیبایی‌نژاد، «اختلال در هویت جنسی؛ مهم‌ترین مسئله زنان»، ویژه‌نامه همایش مادری، ص ۶۷ - ۶۶.

۲. پیامبر اکرم (ص): حق الولد علی والده أن یحسن اسمه و یحسن موضعه و یحسن أوبه؛ حق فرزند بر پدر و مادر آن است که او را نام نیکو نهد (و خوش‌نام سازد) موقعیت اجتماعی او را نیکو گرداند و او را نیک تربیت نماید.

ویژگی‌های آینده فرد از قبیل عواطف مثبت، همدلی، عزت نفس بالا و تعامل‌های بدون تعارض با همسالان و بزرگسالان مرتبط است.^۱

اسلام به تناسب این نقش‌ها با عباراتی همچون «بهشت زیر پای مادران است» شخصیتی والا از ایفای نقش مادری ارائه داده نیز در روایت درباره نقش مردان آمده است:^۲

کسی که از طریق کسب روزی حلال برای تأمین معاش خانواده خود تلاش می‌کند، خداوند را در روز قیامت با چهره‌ای که چون ماه شب چهارده می‌درخشد، ملاقات می‌کند.^۳

این امر سبب می‌شود مادران و پدران به تناسب نقش‌های خویش، احساس مسئولیت بیشتری نمایند و رضایت بیشتری از انجام مسئولیت خویش به دست آورند. از آنجا که اغلب مسئولیت‌های پدر و مادر در مقابل فرزند مشترک است، می‌توان نقش ویژه والدین در خانواده را به اختصار چنین ذکر کرد: رعایت اصول سلامت فرزند در دوران جنینی، تلاش برای بارداری و زایمان سالم، توجه به تغذیه کودک در دوران شیرخوارگی، کمک به فرزندان برای استقلال در رفتارهای شخصی، سیراب نمودن فرزند از محبت و عشق بدون عوض، زمینه‌سازی برای بازی‌های سالم و سازنده برای کودک، تلاش در جهت سلامت جسمانی و رشد کودک و درمان بیماری‌های او، رشد خصلت‌های اخلاقی مانند اعتماد به نفس، نشاط روحی، امیدواری، صبر و بردباری، مسئولیت‌پذیری، حیا و عفت، خوش‌رفتاری با دیگران و شجاعت، ایجاد و تقویت اعتقادات صحیح در او همچون: ایمان به خالق جهان هستی، نقش و مسئولیت انسان در جهان، پذیرش معاد و رسالت رسولان، آشنایی با کتاب آسمانی قرآن، دوری از خرافه‌ها و فراهم نمودن امکانات آموزشی موردنیاز برای رشد و پیشرفت.

نقش والای پدر و مادر در سازندگی و رشد فرزند، برای او نیز وظایفی ایجاد می‌کند. کودک تا زمانی که به رشد عقلی لازم نرسیده است، معمولاً مطیع پدر و مادر بوده، از آنان

۱. بنگرید به: آذربایجانی و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۲۶۸ - ۲۶۶.

۲. اللجنة تحت أقدام الأمهات. (نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۸۰)

۳. من طلب الدنيا حلالاً ... سعياً على عياله ... لقي الله و وجهه كالقمر ليلة البدر. (همان، ج ۱۳، ص ۱۷ و ۵۵)

تأثیر می‌پذیرد. اندک‌اندک با آغاز بلوغ و ورود به دوران نوجوانی، حس استقلال‌طلبی در او رشد می‌کند. از این زمان به بعد و با ورود به سن مسئولیت‌پذیری، به فرزند تکلیف شده تا از پدر و مادر خویش اطاعت کند و به آنان فرصت دهد تا به تداوم نقش تربیتی خویش بپردازند. علاوه بر آن، احترام به پدر و مادر و نیکی به آنان برای فرزندان واجب شمرده شده است. خداوند می‌فرماید: «به آدمی سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند.»^۱ همچنین بر رسیدگی به مادر و پدر در ایام سالمندی تأکید شده است.^۲ در صورتی که آن دو یا یکی از آنها نیازمند باشد، بر فرزند - اعم از دختر و پسر - واجب است که مخارج آنها را تأمین کند.

بنابراین نقش والدین و فرزندان در خانواده به‌اختصار چنین است: وظیفه پدر و مادر، مراقبت، حمایت و تربیت فرزند است. وظیفه پدر علاوه بر اینها، تأمین معاش فرزند است. وظیفه فرزند نیز احترام به والدین و اطاعت از دستورات مشروع آنها و رسیدگی به آنان در ایام سالمندی است.

سه. بستگان

والدین، خواهران و برادران زن و شوهر نسبت به خانواده نوپنیا مسئول هستند و باید از آنان حمایت نمایند. همسران نیز به برقراری صمیمی با آنها فرا خوانده شده‌اند. از نظر اسلام، ارتباط با بستگان قبل یا بعد از ازدواج (صله رحم) واجب است و آثار متعددی دارد؛ از جمله: «سبب نزدیکی فرد به خداوند می‌شود»^۳ «پاداش آن سریع‌تر از پاداش هر عمل خیر دیگری است»^۴

۱. وَصَيَّا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا. (عنکبوت (۲۹): ۸؛ أحقاف (۴۶): ۱۵؛ لقمان (۳۱): ۱۴؛ نساء (۴): ۳۶؛
نعام (۶): ۱۵۱)

۲. وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٌّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ (اسراء (۱۷): ۲۴ - ۲۳) و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید، اگر یکی از آن دو یا هر دو به سالخوردگی رسیدند، به آنها [حتی] اوف مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی و از سر مهربانی بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت کن چنان‌که مرا در خردی پروردند.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۲.

۴. همان، ص ۱۲۱.

«از بروز بلاها و مرگ ناخوشایند پیشگیری می‌کند»،^۱ «اخلاق افراد را نیکو می‌گرداند»^۲ و «به آنها آرامش و نشاط می‌دهد».^۳

از بُعد روان‌شناختی، حمایت عاطفی خویشاوندان در مشکلات زندگی، راهمایی و حمایت مالی آنها در فشارهای اقتصادی و نیز تأثیر دید و بازدیدها در ایجاد نشاط روحی، به سلامت روانی اعضای خانواده کمک می‌کند و سبب رشد اجتماعی آنها نیز خواهد شد.

بنابراین دختر و پسر پس از ازدواج وظیفه دارند ارتباط با خویشان خود به‌ویژه پدر و مادر را حفظ نمایند. هرچند این ارتباطات نباید به روابط همسران آسیب برسانند؛ زیرا گاهی وابستگی شدید یکی از آنها به والدین خود، سبب کوتاهی در مسئولیت همسری می‌شود و گاه فرد بدون رعایت حریم خصوصی روابط خود با همسرش، آبروی وی را نزد بستگان خویش می‌برد. گاهی اوقات نیز رقابت در تجملات، سبب ایجاد فشار اقتصادی بر خانواده جدید می‌شود. در مواردی نیز دخالت‌های والدین سبب از بین رفتن استقلال خانواده جدید می‌گردد و روابط آنها را دچار تنش می‌سازد.

برای مطالعه بیشتر

امروزه به دلیل وجود برخی تفاوت‌های فکری و نگرشی بین جوانان و والدین آنها، ارتباط سازنده اعضای خانواده نوپا با والدین خود، نیازمند کسب برخی توانمندی‌ها می‌باشد که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- توجه داشته باشید که افراد به بستگانشان، به‌ویژه والدین خویش علاقه دارند. صمیمانه آنها را دوست دارند و نسبت به هر کسی که حرمت آنها را بشکند یا آنها را نادیده بگیرد، احساس بدی پیدا می‌کنند. رفتار خوب با خانواده همسر سبب می‌شود که آنها هم با او رابطه خوب و عاطفی برقرار نمایند و فضای روانی مثبتی را به نفع او در خانواده خود ایجاد کنند که در نهایت موجب مثبت‌تر شدن نظر همسر می‌شود.^۴

۱. همان، ص ۸۸.

۲. همان، ص ۲۲۱.

۳. همان، ص ۲۲۲.

۴. بنگرید به: ایمانی، ارتباط با خانواده همسر، ص ۱۴۵ - ۱۴۱.

- برای مدیریت شایسته در نحوه ارتباط با والدین خود و همسر همواره باید دو اصل را در نظر گرفت: «محبت به والدین و احترام به آنها».
- از راهنمایی والدین همسر خود استقبال کنید. نصایح آنها را دخالت تلقی نکنید. تجربه و تدبیر پدر و مادر برای شما مفید خواهد بود.
- والدین باید ضمن ارائه نظر مشورتی خود، همسران را مستقل بگذارند تا به تدریج و با آرامش رشد کنند. زن و شوهر نیز وظایف همسری خویش را به خوبی انجام دهند تا والدین به دلیل دلسوزی نسبت به همسران جوان در زندگی آنها مداخله نکنند.
- برای پیشگیری از دخالت‌های ناروای خانواده همسر در زندگی خصوصی خود، به همسر خویش در جمع خانواده ابراز علاقه کنید و احترام بگذارید. این امر، خانواده همسر را متوجه روابط مستحکم شما می‌کند و آنها را از دخالت در زندگی شما باز می‌دارد.
- زمانی که پدر یا مادر در مورد زندگی خصوصی شما توصیه‌ای دارند، به آنها بگویید در آن زمینه با همسران مشورت کرده‌اید و سپس در صورت صلاحدید اقدام خواهید کرد. در نتیجه آنها متوجه خواهند شد که با زوجی دارای حریم‌های مستحکم روبه‌رو هستند.
- در صورتی که والدین همسر در زندگی شما دخالت‌های ناروا دارند، طول اقامت خود را در منزل آنان کاهش دهید، تعداد دفعات دیدار را بیشتر کنید و در مدت کوتاه حضور در نزد آنان نیز به آنها محبت کنید.
- اگر لازم است، گاهی در مقابل دخالت‌های خانواده همسر واکنش منفی نشان دهید. سعی کنید: «نه» گفتن محترمانه باشد و همچنین با همسر خود هماهنگ رفتار کنید.
- در صورت امکان برای خود مسکن مستقل تهیه کنید. اگر خانواده در زندگی شما مداخله‌های مکرر و بیجا می‌کنند، محل سکونت خود را نزدیک منزل آنها قرار ندهید.
- اگر به خانواده خود زیاد وابسته هستید، حتماً این وابستگی را تعدیل کنید؛ زیرا در غیر این صورت:
 ۱. توقع خانواده را درباره خود افزایش می‌دهید.
 ۲. این امر مانع استقلال شما می‌شود و احساس کفایت نخواهید داشت.

۳. همسران اوقات خود را با دوستان یا همکاران سپری خواهد کرد و روابط عاطفی شما با او ضعیف خواهد شد.

- رابطه عاطفی با همسر خود را تقویت کنید و برای او وقت بگذارید: هر چند وقت یکبار به همراه او به دیدن والدین خود و او بروید تا نیاز به دیدار با والدین برطرف شود و آنان نیز از دیدار شما مسرور شوند. در ضمن زمان رفت و آمدها و مقدار حضور نزد آنها را به گونه‌ای تنظیم کنید که هم روابط صمیمانه حفظ شود و هم به برنامه‌های شخصی و خانوادگی آسیب نرسد.

- هنگام نیاز به کمک خانواده خود و همسران بشتابید تا اگر زمانی آنها توقع حضور داشتند و این حضور مصلحت نبود، دلگیر نشوند و رفتار شما را تکبر یا بدخلقی به‌شمار نیاورند.

- اسرار زندگی خود و همسران را تا حد امکان نزد خانواده بازگو نکنید: آنها شما را دوست دارند و ممکن است نگرانی‌های آنان سبب مداخله نامناسب در زندگی‌تان شود.

- زنان شاغل توجه داشته باشند که پدر و مادر زن یا شوهر ممکن است برای حمایت از اشتغال زن از او و فرزندانش حمایت‌های افراطی به عمل آورند. این امر در طولانی‌مدت موجب بیگانه شدن همسران با وظایف خود، بی‌مسئولیتی زوجین نسبت به یکدیگر یا فرزندشان و غرق شدن همسران در فعالیت‌های فردی می‌شود و روابط گرم خانوادگی زن و شوهر به سردی می‌گراید. در صورت کمک والدین، میزان این حمایت‌ها را مدیریت کنید و با صمیمیت از آنها تشکر کنید.

نمودار مطالب فصل

پیامدهای دینداری در خانواده را

نام سیر

۱. معنادار کردن زندگی
 ۲. تقویت بردباری
 ۳. هماهنگی زن و شوهر نسبت به حقوق و وظایف همسران
 ۴. توجه به نظارت دائمی خداوند و پرهیز از ستم به همسر
 ۵. رعایت واجباتی که به استحکام خانواده می‌انجامد (پرهیز از غیبت همسر، تهمت به او، دروغگویی، نگاه هوس‌آلود به نامحرم و یا ...)
 ۶. رعایت فضائل اخلاقی مؤثر در تحکیم خانواده (احترام به همسر، تواضع در مقابل او، صبر، گذشت، و ...)
 ۷. تقویت خلاقیت در مواجهه با مسائل زندگی خانوادگی
۱. دین‌داری (پیامدها)
۱. پیشگیری از قضاوت‌های عجولانه
 ۲. جلب اعتماد همسر
 ۳. شناخت بهتر همسر
 ۴. امنیت روان و آرامش همسران
 ۵. ایجاد صمیمیت بیشتر با همسر
 ۶. خشنودی خدا
 ۷. بهره‌مندی از نعمت‌های بهشتی
۲. همدلی (پیامدها)
۳. ارضای نیازهای جنسی (پیامدها)
۱. لذت‌بخشی به زندگی
 ۲. تقویت سلامت جسم
 ۳. آرامش روان
 ۴. رشد شخصیت
 ۵. حفظ ایمان از دستبرد شیطان
- عوامل استحکام خانواده
۱. ایجاد صمیمیت و دلبستگی بین اعضای خانواده
 ۲. شکوفایی استعداد های اعضای خانواده
 ۳. لذت بردن از زندگی
 ۴. افزایش امید به تلاش و کار
 ۵. بهره‌مندی فرزندان از چتر حمایتی خانواده و رشد شخصیت آنان
 ۶. مشخص و متعادل نمودن انتظاراتها
 ۷. مشورت و کسب توافق در خانواده
 ۸. رازداری
 ۹. عفو و گذشت
 ۱۰. و ...
۴. محبت به اعضای خانواده (پیامدها)
۵. مدیریت اقتصادی در خانواده

همه دلگرمی از عوامل استحکام خانواده را

نام سیر

۱. اظهار محبت	مهارت‌های حکیم خانواده راهنمای سیر
۲. ارتباط کلامی مناسب	
۳. روابط زناشویی مطلوب	
۴. کسب درآمد و مدیریت مصرف	
۵. مدیریت مصرف	

۱. رعایت حدود و مرزها در خانواده	سیرای تقویت کارکردهای خانواده سیم لهری را با پدر یاد بگیر
۲. تأمین نیازهای عاطفی همسران، فرزندان و والدین	
۳. فرزندآوری	
۴. تقویت نقش تربیتی خانواده	

۱. ارز و شوهر	نقش‌های اعضای خانواده
۲. فرزندان و پسر و مادر	
۳. بستگان	

پرسش

۱. پس از ازدواج، برای ابراز علاقه به همسران با استفاده از خلاقیت خود چه اقداماتی انجام می‌دهید؟ چند نمونه ذکر کنید.
۲. ده سال پس از ازدواج، برای بایدار ماندن عشق خود و همسران چه می‌کنید؟
۳. در این فصل به برخی از عوامل مؤثر در استحکام خانواده اشاره شد. چه عوامل دیگری را می‌توانید نام ببرید.
۴. پیامدهای مثبت و منفی استفاده از رسانه‌های جمعی دیداری - شنیداری (صدا و سیمای ج.ا.ا.)، شبکه‌های تلویزیونی خارجی و اینترنت) را بر خانواده ذکر کنید.
۵. به نظر شما مهمترین آموزشی که زوج‌های جوان برای مدیریت اقتصادی خانواده باید فراگیرند، چیست؟

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. زهرا آیت‌اللهی، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات، قم، دفتر نشر معارف.
۲. غلامعلی افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۳. محسن ایمانی، ارتباط با خانواده همسر، تهران، انتشارات حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان.
۴. شیخ عبدالمجید برازجانی، ۲۴۰ اصل خانوادگی در اندیشه مطهر، قم، نشر آخرین.
۵. زهرا رحیمی یگانه، خانواده شاد و با نشاط، اصفهان، انتشارات حدیث راه عشق.
۶. محمدرضا سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران، سمت.
۷. محمدرضا شرفی، خانواده متعادل، تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۸. طاهره شهبازی و مریم رجبی، مدیریت خانواده، تهران، تعاونی کارکنان سازمان آموزش و پرورش.
۹. محمد کاظم عاطف‌وحید، فهیمه فتحعلی لواسانی و احمدرضا محمدپور، تحکیم پیوند زناشویی، مشهد، انتشارات آهنگ قلم.
۱۰. محمد کاظم عاطف‌وحید، فهیمه فتحعلی لواسانی و احمدرضا محمدپور، مهارت‌های ارتباطی همسران، مشهد، انتشارات آهنگ قلم.
۱۱. محسن عباسی‌ولدی، تا ساحل آرامش، قم، انتشارات جامعه‌الزهراء.
۱۲. علی قائمی، خانواده و مسایل همسران جوان، تهران، انتشارات منیر.
۱۳. همسرمداری (پرسش و پاسخ‌های دانشجویی)، قم، دفتر نشر معارف.

فصل چهارم:

ایمن سازی خانواده

اهداف درس

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:
 ۱. درباره برخی از مسائل و مشکلات خانواده آگاهی یابند.
 ۲. عوامل تضعیف خانواده را بشناسند و مهارت‌های لازم برای رفع این عوامل را به دست آورند.
 ۳. عیوب فسخ‌کننده نکاح را بشناسند.
 ۴. با پدیده مغبوض طلاق و نیز عوامل و پیامدهای فردی، خانوادگی و اجتماعی آن آشنا شوند.
 ۵. راهکارهای ترمیم خانواده‌های آسیب‌دیده از طلاق را بدانند.

نگاهی اجمالی به مسائل و مشکلات خانواده معاصر

خانواده در جهان امروز دستخوش تغییراتی شده که بسیاری از آنها همگام با تحولات در سبک زندگی فردی و اجتماعی مردم اروپا و آمریکا رخ داده است. این تغییرات از طریق قدرت رسانه‌ای غرب، ارائه یک‌سویه نظریات علمی در محافل دانشگاهی و فتنار بر تغییر وضعیت اجتماعی سایر کشورها از سوی نهادهای بین‌المللی روزبه‌روز در حال گسترش است. برخی تغییرات در زندگی معاصر غرب عبارتند از:

- گسترش روابط جنسی لذت‌گرا (به‌جای روابط اخلاق‌گرا یا خانواده‌گرا).
- افزایش میزان هم‌خانگی مشترک بین دو جنس به‌ویژه در میان جوانان.
- افزایش آمار والدین مجرد.
- گسترش همجنس‌گرایی و بی‌پرده‌تر شدن این نوع روابط.

- کاهش تعداد افراد خانواده، خصوصی و هسته‌ای شدن^۱ آن و جدایی جغرافیایی از خویشاوندان.
 - افزایش قابل ملاحظه طلاق و آسیب‌های آن به‌ویژه بر کودکان خردسال.
 - افزایش آمار خانواده‌های مبتنی بر روابط ناتنی.
 - افزایش سالمندان تنها و از بین رفتن منزلت کهن سالان.
 - کاهش اقتدار دینی در شکل‌گیری خانواده و روابط اعضای آن.
 - تغییر نقش‌های اعضای خانواده.
 - فرزندسالاری.
 - ابهام در مرز بین تجربیات کودکی و بزرگسالی به دلیل دریافت اطلاعات روابط جنسی، خشونت و اعتیاد از طریق رسانه‌ها.
 بسیاری از اندیشمندان، این تحولات را حاصل تنوع و تکثر در جامعه پست‌مدرن می‌دانند. تحلیل‌گران پست‌مدرن - نظیر چیل^۲ - معتقدند فروپاشی خانواده، بخش کوچکی از فرآیند وسیع‌تر فروپاشی فرهنگی است. در دیدگاه پست‌مدرن، آینده سرشار از تمایز و تکثر روزافزون است. افراد در انتخاب خویش آزادند و هیچ حقیقت و اخلاقیاتی در مورد زندگی و خانواده به‌طور خاص نمی‌تواند وجود داشته باشد.^۳
 شاید بتوان گفت مهم‌ترین تحولات خانواده‌ها حاصل تغییرات اعتقادی در بسیاری از جوامع است و افراد به نسبی‌گرایی در ارزش‌ها معتقد شده‌اند.

در بسیاری از جوامع، همراه با سست شدن اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی پایدار، افراد لذات فردی را اصلی‌ترین محرک برای رفتار فردی و اجتماعی خویش قرار داده‌اند. پرواضح است خانواده‌ای که رفاه‌زده، سرگرمی‌محور و لذت‌گرا بوده و فردگرایی را در اعضا نهادینه کند، فقط حساسیت‌های اقتصادی و رفاهی آنها را برمی‌انگیزاند و آنها را با مسئولیت‌محوری، جمع‌گرایی، مصلحت‌مداری و اخلاقی بودن نمی‌پروراند.^۴

۱. خانواده هسته‌ای، خانواده‌ای است که از دو نسل والدین و فرزندان تشکیل شده است (در مقابل خانواده گسترده).

2. Cheal.

۳. بنگرید به: کید و استیل، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*، ص ۳۱۳ - ۲۵۶.

۴. علاسوند، «تعامل خانواده و دولت»، *مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی*، ج ۲، ص ۷۴۶.

هم‌زمان با تغییرات خانواده در جهان، خانواده ایرانی نیز نسبت به دهه‌های گذشته تفاوت‌های بسیاری پیدا کرده است. صنعتی و شهری شدن، دو فرآیندی هستند که تغییرات جدیدی را در زندگی فردی و اجتماعی به وجود آورده‌اند. برخی از این تغییرات دارای آثار مثبت و برخی دارای تأثیرات منفی بر خانواده هستند؛ از جمله بالا رفتن سن ازدواج، تمایل به مجردزیستی، گسترش ازدواج افراد دارای فرهنگ‌های مختلف، تغییرات در ساختار اشتغال، گسترش امید به زندگی و افزایش افراد مسن، کوتاه شدن دوره باروری و بی‌میلی به فرزندآوری به دلیل تغییرات شغلی و فرهنگی، کاهش پیوندهای درون‌نسلی، کاهش مدت‌زمان ارتباط عاطفی و کلامی اعضای خانواده با یکدیگر، افزایش تحصیلات و اشتغال زنان و در نتیجه تغییر نقش آنان در زندگی خانوادگی، تضعیف روابط صمیمانه و کاهش زمان با هم بودن اعضای خانواده، افزایش تعداد خانواده‌های تک‌هسته‌ای، کاهش همبستگی خانواده‌های چندنسلی، رشد جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان و کاهش تعداد وظایف خانواده‌ها و خویشاوندان و واگذاری آنها به نهادهای حمایتی جامعه،^۱ افزایش تعارض‌های خانوادگی، افزایش طلاق، وجود رقباتی تأثیرگذار و قوی همچون ماهواره و اینترنت در کنار نقش تربیتی خانواده و ...

در این بخش به واکاوی چند نمونه از این مشکلات پرداخته می‌شود:

یک. افزایش سن ازدواج و مجردزیستی

تغییر نگرش‌ها در سال‌های اخیر، سبب افزایش سن ازدواج دختران و پسران شده است که هم می‌تواند به افزایش اضطراب‌ها و فشارهای عصبی، کاهش انگیزه فعالیت‌های اقتصادی^۲ و آسیب‌پذیری جنسی بینجامد و هم با سپری شدن دوران شور جوانی، انگیزه تشکیل خانواده را کم کند.

عوامل پرشماری می‌تواند باعث کم شدن انگیزه و بالا رفتن سن ازدواج شود که یکی از مهم‌ترین آنها شیوه زندگی مدرن و سیطره تفکر مادی‌گرایی در جهان کنونی است. بنابراین

۱. بنگرید به: نوایی نژاد، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، مجموعه مقالات سومین نشست رامبردی، ج ۲، ص ۶۸۵ و ۶۸۷.

۲. پژوهش‌های صورت‌گرفته در برخی کشورهای غربی نشان می‌دهد که تولید ثروت در میان افراد متأهل دوبرابر افراد مجرد است.

اشتغال به تحصیل و فراهم نبودن اوضاع مناسب اقتصادی از موانع ازدواج شمرده می‌شود و آغاز زندگی را تا پایان یافتن دوره تحصیل و زمان کسب دارایی مناسب به تأخیر می‌اندازد. کسانی هم که پیش از تأمین اقتصادی کافی ازدواج کرده‌اند، به دلیل عدم آموزش مهارت‌های لازم برای سپری کردن زندگی در شرایط حداقلی و رها نکردن خود از دام فرهنگ مصرف‌زده، گرفتار معضلاتی در زندگی خواهند شد که حیات خانوادگی آنان را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، با کاهش همبستگی خانوادگی و ترویج فرهنگ استقلال‌طلبی، از آنجا که خانواده‌ها در نظارت و حمایت از زوج‌های جدید، نقشی کمتر از گذشته ایفا می‌کنند، زمان ازدواج جوانان به تأخیر می‌افتد. کم شدن قبح تک‌زیستی و مجرد و کاهش قداست و اهمیت تشکیل خانواده نیز در افزایش سن ازدواج مؤثر است.^۱

دو. افزایش اختلاف‌های خانوادگی

رشد آمار طلاق و نزاع‌های خانوادگی، نشان‌دهنده گسترش اختلاف در خانواده‌ها است. رضایت خانوادگی - که مشخصه آن ارتباط مؤثر و لذت‌بخش است - در اثر اختلاف خانوادگی کاهش می‌یابد و در نتیجه زن یا شوهر، همسر خود را کمتر به صورت مثبت درک می‌کنند و بیشتر درگیر رفتارهای منفی می‌شوند؛ آنها توافق کمتر و اختلاف بیشتری دارند و رفتار غیرکلامی و تقابل منفی بیشتری بروز می‌دهند. کاهش رضایت زناشویی باعث می‌شود شیوه‌های ارتباطی مثبت مانند همدلی، بیان مناسب احساس، تفاهم با همسر، اعتماد و سطح توجه آنان کاهش یابد.^۲ ادامه اختلاف، زن و شوهر را دچار سردرگمی و محرومیت مکرر و نیز آسیب‌پذیر می‌کند. برپایه برخی از تحقیقات، روابط زن و شوهر بر سلامت عاطفی فرزندان تأثیرگذار هستند و کج‌روی‌های اجتماعی فرزندان با نابسامانی خانواده مرتبط است.^۳

سه. ضعف در کارآمدی خانواده‌ها

جامعه‌شناسان مهم‌ترین کارکردهای خانواده را تنظیم رفتار جنسی، تولید مثل، حمایت و

۱. زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی خانواده، ص ۲۷ - ۲۶.

۲. بورنستین، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ص ۱۴۸ - ۱۴۶.

۳. سالاری‌فر و دیگران، بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۳۳۹.

مراقبت، ایجاد آرامش روانی، ارضای نیازهای عاطفی، جامعه‌پذیری، کنترل و نظارت می‌دانند. البته به این موارد باید نقش بی‌بدیل خانواده را در پرورش معنوی افراد نیز افزود. امروزه تحولات گسترده در خانواده‌ها، همه این کارکردها را در معرض آسیب قرار داده است.

عوامل تضعیف خانواده

تضعیف خانواده، محصول عوامل فراوانی است که برخی از آنها شناختی و برخی رفتاری هستند. عوامل شناختی را باید با اصلاح نگرش‌ها و باورها و همچنین عوامل رفتاری را باید با کسب مهارت‌های رفتاری جدید برطرف نمود.

یک. عوامل شناختی

۱. فقدان اطلاعات موردنیاز

اگر فردی درباره اهداف ازدواج و مسیر رسیدن به آرامش حاصل از آن، دانش کافی کسب کند، با اراده و تلاش می‌تواند خانواده‌ای متعادل و رو به کمال داشته باشد. بسیاری از افراد متأهل - با وجود میل شدید به برخورداری از برکات چنین خانواده‌ای - به دلیل جهل و فقر اطلاعاتی درباره مسائل خانواده از آرامش حاصل از ازدواج محروم هستند.

۲. انحرافات شناختی

رفتار انسان، برآیند اعتقاد و اراده بر انجام کار بر مبنای آن اعتقاد است. از این رو نوع نگرش انسان، عاملی اساسی در رفتارهایی است که موجب استحکام یا تضعیف خانواده می‌شود. برخی از انحرافات شناختی که باعث تضعیف خانواده می‌شود، عبارتند از:

۱ - ۲. نسبی‌گرایی در ارزش‌های اخلاقی خانوادگی: قرآن کریم هدف از بعثت پیامبر اکرم ﷺ و نزول کتاب آسمانی را تزکیه و تعلیم بیان کرده است. لازمه تزکیه و تعلیم نیز ملاک‌های اعتقادی و رفتاری است تا همگان براساس آن، شاخص‌های خود را از امور غیر آن پیراسته سازند و خویشان را به آن فضایل آراسته نمایند. از این رو قرآن کریم سرشار از بایدها و نبایدهایی است که رشد و کمال انسانی در گرو عمل به آن هنجارها است. در غیر این صورت، انسان به مراتب نازل حیوانی سقوط می‌کند و عذاب جاودانه در انتظار اوست؛ حال آنکه از جمله عوارض گسترش لیبرالیسم در جهان امروز، اعتقاد به نسبی‌گرایی در

ارزش‌ها و قواعد اخلاقی است. این اعتقاد بر یک پیش‌فرض تجربی - حسی (هر آنچه در محک تجربه حسی نیاید، واقعیت خارجی ندارد) استوار شده است. بر این اساس، تمام اصول و ارزش‌های اخلاقی، اموری غیرواقعی و برآمده از سلیقه‌های شخصی‌اند و هیچ معیار قطعی‌ای برای سنجش درستی یا نادرستی آنها وجود ندارد. پذیرش نسبیت اخلاقی، پیامدهای سهمگینی بر بنیاد خانواده خواهد داشت. اگر خارج از ذهن بشر هیچ معیاری برای سنجش خوبی و بدی رفتارها و عقاید نباشد، نمی‌توان درباره درستی رفتار و تمایلات دیگران قضاوت کرد. بنابراین مفهوم آزادی فردی در مکتب لیبرالیسم به رهایی از قید نظارت، قضاوت و عدم مسئولیت‌پذیری می‌انجامد و لذت نفس جای آن را می‌گیرد.

از دیگر پیامدهای نسبیت‌گرایی آن است که نمی‌توان هیچ الگویی به فرد، خانواده و جامعه ارائه داد؛ زیرا پذیرش الگو به معنای پذیرش یک ارزش واقعی است. پیامد بعدی نسبیت‌گرایی، از میان رفتن روح جمعی در خانواده است و خانواده از افرادی تشکیل می‌شود که صرفاً در کنار هم زندگی می‌کنند؛ زیرا همبستگی گروهی زمانی محقق می‌شود که ارزش‌ها و اهداف مشترک، افراد آن گروه را به هم پیوند دهند.^۱

دو. اولویت حقوق نسبت به تکالیف: حق در گذشته، ناظر به مواردی بود که شخص در اموری مشروع دخالت و تصرف می‌کرد و از حمایت‌های قانونی بهره‌مند می‌شد و از تعرض دیگران مصون می‌ماند (حقوق سلبی)؛ اما کاربرد حق در معنای جدید آن، ناظر به مطالبات است (حقوق مثبت)؛ به این معنا که افراد و گروه‌ها، تأمین نیازهای خود را از دیگران مطالبه می‌کنند. حقوق به معنای یادشده، تداعی‌کننده آن است که بشر تکلیف و مسئولیتی ندارد. این نگرش افزون بر آنکه با نادیده گرفتن تکالیف، آحاد جامعه را نسبت به هم متوقع و متخاصم می‌سازد، نسلی پرورش می‌دهد که کمتر حاضر به تلاش برای حل مشکلات شخصی و گروهی خود هستند و همه‌چیز (مانند شغل، امنیت، مسکن و حل مشکلات خانوادگی و ازدواج جوانان) را از دولت مطالبه می‌کنند. خانواده نیز در چنین شرایطی، استعداد شگرف خود را در حل مشکلات و رفع نیازمندی‌ها نادیده می‌گیرد و همواره چشم مساعدت به دست‌گیره‌گشای دولت دارد. نتیجه آنکه، ناخواسته نسلی ناتوان با خانواده‌هایی کم‌توان پدید می‌آید.^۲

۱. بنگرید به: گاردنر، جنگ علیه خانواده، ص ۵۸ - ۵۰ و ۱۰۴.

۲. بنگرید به: همان، ص ۶۸ - ۶۵.

استواری رابطه همسران به عمق ارتباط عاطفی آنها بستگی دارد و مطالبه حقوق از همسر، باعث مشاجره و خدشه‌دار شدن رابطه آنها می‌شود؛ حال آنکه اگر در زندگی به‌جای مطالبه حقوق خود، حقوق همسر گرامی داشته شود، او نیز به حقوق همسرش احترام خواهد گذاشت. رعایت اخلاق، زندگی خانوادگی را شیرین می‌کند؛ اما اصرار بر حقوق، آن را خشک و بی‌روح می‌سازد.

۲ - ۳. اعتقاد به خرافات: یکی از عوامل مهم ایجاد اختلاف در خانواده‌ها، استفاده از روش‌های غیرعقلانی و غیرشرعی برای برقراری روابط گرم و صمیمی بین همسران است. رایج‌ترین این روش‌ها که امروزه در عرف مردم استفاده می‌شود، استفاده از فال، سحر و جادو می‌باشد. خداوند در قرآن کریم استفاده از سحر و جادو را که بین زن و شوهر اختلاف و جدایی می‌افکند، نکوهش نموده است.^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز زنی را که درصدد استفاده از سحر برای جلب محبت شوهرش بود، سرزنش نمود.^۲

گاه برای ایجاد روابط صمیمی بین همسران یا حل اختلافات خانوادگی از فال استفاده می‌شود؛ حال آنکه در فال‌گیری و روش‌های ناموجه - که از دیدگاه علم و دین نادرست هستند - توصیه‌هایی به افراد می‌شود یا برای آنها ذهنیت‌هایی ایجاد می‌گردد که بر اثر عمل به آنها زمینه‌ای برای بروز رفتارهای ناپه‌نجان و تشدیدکننده اختلافات فراهم می‌نماید.^۳

۳. ضعف سواد رسانه‌ای

با وجود گستردگی و تنوع رسانه‌های دیداری و شنیداری و آثار مثبت و منفی فراوان آنها بر اعضای خانواده، بسیاری از افراد فاقد دانش و مهارت لازم برای انتخاب سنجیده و منطقی رسانه‌ها هستند.

امروزه در سبب فرهنگ خانواده، افزون بر رسانه ملی، نشریات داخلی و تلفن همراه (مجهز به پیامک و بلوتوث)، شبکه‌های ماهواره‌ای، نرم‌افزار، فیلم‌های خارجی و اینترنت نیز وجود دارد. هرچند استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت موجب گستردگی و تنوع

۱. بقره (۲): ۱۰۲.

۲. کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۰.

۳. سالاری قاینی، سحر و جادوگری، تأثیر فال و جادوگری در اختلافات زناشویی، ص ۱۰۰.

اطلاعات انسان می‌شود، استفاده بدون پالایش از آنها، عوارض منفی متعددی را برای خانواده‌ها به دنبال خواهد داشت؛ از جمله:

- کم‌رنگ شدن نقش مرجعیت خانواده در انتقال ارزش‌ها به فرزندان.
 - نهادینه شدن ارزش‌های جهان مدرن (مانند فردگرایی، آزادی عمل بدون رعایت موازین دینی و اخلاقی و ارزش‌های بومی) به جای ارزش‌های ریشه‌دار در خانواده‌ها.
 - ایجاد چنددستگی اعتقادی و هویتی در راستای ترویج نسبیت‌گرایی که به وحدت اعتقادی اعضا آسیب می‌زند و روح جمعی حاکم بر خانواده را سست می‌سازد.
 - کاهش رشد طبیعی فرزندان؛ چراکه مسابقه رسانه‌ها برای جذب بیشتر مخاطب در راستای سود اقتصادی حاصل از آن، مانع فعالیت‌های طبیعی جسمی و فکری فرزندان می‌شود و رشد خلاقیت را در آنان کند می‌سازد. علاوه بر آن، نیاز کودکان به کشف استعدادهای خود و دستیابی به خوداتکایی را کاهش می‌دهد.
 - اختصاص اوقات فراغت اعضای خانواده به برنامه‌های متنوع و جاذبه‌های دیداری که سبب کاهش ارتباط کلامی و عاطفی بین آنها می‌شود.
 - تأثیر منفی بر اقتصاد خانواده به دلیل تنوع‌طلبی و مصرف‌گرایی حاصل از تماشای تبلیغات کالاهای مصرفی که بخشی از بودجه رسانه‌ها را تأمین می‌کند.
 - تأثیر نامطلوب اینترنت در ایجاد دوستی‌های اینترنتی با جنس مخالف که به دلیل مجازی بودن، فریب‌کاری در آن فراوان است.
 - عقلانی ساختن خیانت در روابط زناشویی در اثر تبلیغ روابط میان محارم یا افراد همجنس در برخی برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای یا سایت‌های اینترنتی.
 - عادی‌سازی روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده و حیازدایی از مخاطبانی که در جمع خانوادگی، خصوصی‌ترین رابطه‌ها با جنس مخالف را مشاهده می‌کنند. این امر سبب پائین آمدن سن روابط جنسی نیز می‌شود.
- خانواده‌ها برای ایمن ماندن از این آسیب‌ها نیازمند اقداماتی جدی می‌باشند؛ از جمله:
- ارتقای آگاهی اعضای خانواده برای تحلیل صحیح پیام‌های محصولات فرهنگی، تقویت پایگاه هویت‌بخش خانواده، ارتباط با پایگاه‌های هویت‌بخش و مطمئن، نظارت بر استفاده فرزندان از رسانه و کنترل آنها و پر کردن اوقات فراغت آنها با فعالیت‌های سازنده.

۴. بدگمانی و سوءظن به همسر

یکی از عوامل مؤثر در سردی روابط عاطفی همسران «بدگمانی» است که شامل نگرش منفی به پندار، گفتار یا کردار همسر می‌باشد. این منفی‌نگری سبب سلب اعتماد، نفرت بی‌پیشینه، کوتاهی در برقراری روابط عاطفی، کاهش احترام به همسر و بی‌توجهی نسبت به او می‌شود و بنیان خانواده را همچون خانه عنکبوت سست می‌کند. فردی که مورد سوءظن قرار گرفته، تحت فشار روانی حاصل از پندار و رفتار همسر، به‌مرور زمان نسبت به او احساس بیگانگی می‌کند؛ حال آنکه اساس ازدواج بر وحدت و اتصال زن و شوهر استوار است.

سوءظن از جمله ردایل اخلاقی است که خداوند در مورد آن فرموده است:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که برخی از گمان‌ها گناه است و تجسس نکنید.^۱

بدگمانی نسبت به همسر معمولاً سبب تجسس در رفتار و تهمت زدن به او می‌شود که آیه مذکور از آنها نهی کرده است. منفی‌نگری نسبت به همسر برای خود فرد آثار نامطلوب فراوانی دارد؛ از جمله:

- اراده او را برای بهبود روابط خانوادگی سست می‌سازد.
- احساس ترس و اضطراب، زندگی او را فرا می‌گیرد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هر که نیک‌گمان نباشد، از همه کس وحشت خواهد داشت».^۲
- شکافی عاطفی بین او و همسرش ایجاد می‌گردد و گرفتار تنهایی درونی و بیرونی می‌شود.
- در انجام حقوق همسری کوتاهی می‌کند.^۳

دو. عوامل رفتاری

عوامل رفتاری فراوانی به تضعیف خانواده می‌انجامد که در این بخش به چند عامل مهم اشاره می‌شود:

۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا. (احقرات (۴۹): ۱۲)
۲. من لم يحسن ظنه استوحش من كل أحد. (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۶۵)
۳. بنگرید به: علیزاده، مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری، ص ۱۰۶ - ۸۳.

۱. خودبرترینی

خودمحوری و عدم پذیرش ویژگی‌های فردی دیگران، مانع مهمی برای تفاهم و همکاری در زندگی خانوادگی است. عدم شناخت نیازهای فردی و تلاش‌های بیهوده در جهت یکسان‌سازی آمرانه فضای خانواده، هزینه‌های عاطفی سنگینی را بر اعضای آن تحمیل می‌کند که خودبیگانگی اعضا، کمترین و فروپاشی خانواده بزرگ‌ترین آنهاست.^۱ از این رو در روایات آمده است که: «اگر ذره‌ای تکبر در فرد باشد، وارد بهشت نمی‌شود».^۲

۲. ارتباط کلامی نامناسب

برخی اختلافات زن و مرد به چگونگی روابط کلامی آنها بازمی‌گردد. برخی افراد برای بیان قدرشناسی، کمتر از الفاظ استفاده می‌کنند؛ درحالی‌که در انتقاد و ایراد گرفتن، صراحت بیشتری دارند و کم‌رویی نشان نمی‌دهند.^۳

در متون اسلامی به برخی آثار مخرب جدال در روابط انسانی اشاره شده است؛ از جمله اینکه گذر زندگی را دشوار می‌کند،^۴ روابط عاطفی بین افراد را تضعیف می‌کند،^۵ آنها را به دورویی می‌کشاند^۶ و از حرمت و احترام فرد می‌کاهد.^۷ از آنجا که در مشاجره - به‌ویژه بین زن و شوهر - افراد معمولاً به دنبال برتری‌جویی هستند و ناهشیارانه از رفتار مناسب سرباز می‌زنند، توصیه می‌شود افراد از بروز جدال حتی در موردی که احساس کنند حق با آنهاست، خودداری نمایند.^۸ علاوه بر ارتباط کلامی نامناسب، یکی دیگر از عوامل مؤثر در تضعیف خانواده، کاهش

۱. سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۵.

۲. لا یدخل الجنة من فی قلبه مثقال ذرة من کبر. (کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۰۹)

۳. ستیر، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ص ۹۰ - ۶۹.

۴. لم یصبح لیلة. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱)

۵. لیس للمتکبر صدیق. (آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۷۴۶۴)

۶. ایاکم و المرء و الخصومة فاینهما یرضان القلوب علی الإخوان و ینبت علیهما. (کلینی،

اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۰۰)

۷. من ظنّ بعرضه فلیدع المرء. (نهج البلاغه، حکمت ۳۶۲)

۸. أن یتربک المرء و إن کان محقاً. (بنگرید به: محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۱۱، ص ۵۵۴۰)

ارتباط کلامی بین اعضای خانواده از جمله همسران است. کم شدن ارتباط‌های کلامی در خانواده‌ها - که متأثر از حاکمیت بی‌رقیب رسانه‌های تصویری، تغییر الگوی ارتباطی در خانواده، چندشغله بودن سرپرست خانواده و فشار دوچندان ناشی از جمع میان کار خانگی و اشتغال رسمی بر زنان است - زن و مرد را در برقراری ارتباط سازنده ناتوان کرده است. علاوه بر این، تغییر سطح مطالبات زوجین از یکدیگر، زمینه توافق و هم‌سازی طرفینی را کاهش داده است.^۱

۳. عدم ارضای نیازهای جنسی

عدم توجه همسران به نیازهای جنسی یکدیگر که به خودخواهی، ناتوانی، بی‌میلی یا سردمزاجی فرد مربوط می‌شود، به روابط زن و شوهر لطمه می‌زند و آنها را دچار عصبانیت و دل‌سردی نسبت به همسر و زندگی می‌کند.

۴. برنامه اقتصادی نامناسب

بخش مهمی از اختلافات خانوادگی به مسائل اقتصادی بازمی‌گردد. فقر و بیکاری، اعضای خانواده به‌ویژه مرد را تحت فشار قرار می‌دهد و عاملی برای بروز تعارض‌ها به‌شمار می‌رود. همچنین توقعات مادی زیاد در خانواده، موجب تعارض و اختلاف می‌شود. اگر مرد توان برآوردن خواسته‌های اعضای خانواده را نداشته باشد، معمولاً با تندی به آنها واکنش نشان می‌دهد و زمینه رفتارهای ناسازگارانه و خشونت‌بار را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، تجمل‌طلبی و غرق شدن در رفاه مادی و احساس بی‌نیازی کاذب نیز به رفتارهای برتری‌جویانه^۲ و ناسازگارانه می‌انجامد. گاه رسیدن ناگهانی یک خانواده به ثروت نیز به عاملی برای خودفراموشی و سرکشی و اختلاف تبدیل می‌شود. توجه زیاد به تجملات و ظواهر زندگی، زمینه را برای دور شدن از روابط انسانی مبتنی بر صمیمیت و دوستی فراهم می‌آورد و افراد را به از خودبیگانگی گرفتار می‌کند. در این حالت، ارزش‌های اخلاقی و دینی، جای خود را به امتیازهای مادی و تجملاتی می‌دهند. از آنجا که انسان در این موارد سیری ناپذیر است^۳ و

۱. زیبایی‌نژاد، *آسیب‌شناسی خانواده*، ص ۳۳ - ۳۲.

۲. *إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَافٍ* (علق (۹۶): ۷ - ۶)

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله: *منهومان لا یسبعان*: طالب دنیا و طالب العلم...؛ دو گرسنه‌اند که سیر نمی‌شوند:

طالب دنیا و طالب علم. (کلینی، *اصول الکافی*، ج ۱، ص ۴۶)

هیچ‌گاه از زندگی و تعامل با دیگران رضایت نخواهد داشت، سپاسگزاری نیز در او کم‌رنگ می‌شود و روابط افراد به سردی و نفرت می‌گراید.^۱

۵. اعتیاد

یکی از عوامل مهم اختلاف و درخواست طلاق اعتیاد است که موجب بروز رفتارهای ناپه‌نجان و در نهایت ناسازگاری می‌شود. اعتیاد با نابود ساختن توانمندی مرد یا زن، سبب اخلال در انجام وظایف همسری، پدری یا مادری فرد معتاد می‌شود. آسیب‌شناسان اجتماعی، اعتیاد را «جنگ شیمیایی خانگی» می‌نامند.

افراد معتاد، گرفتار ناهنجاری‌های روانی، اختلالات رفتاری، تغییر شخصیت و خلقیات، انزوای اجتماعی، کاهش یا فقدان مسئولیت‌پذیری و حتی زندگی در فقر و مرگ در شرایط ناپه‌نجان می‌شوند. آنان به عوارض جسمی مانند ناراحتی‌های عصبی، اضطراب و بی‌قراری، اختلالات گوارشی، قلبی، عروقی، مغزی، تنفسی و ریوی نیز عفونت‌های خطرناک و ضعف غدد جنسی دچار می‌شوند.

آسیب‌های جسمی ناشی از مصرف مواد مخدر در صورت استعمال در خانه می‌تواند به اطرافیان نیز منتقل شود و آنان جزء قربانیان پنهان و بی‌گناه این ماجرا هستند.

شخص معتاد، تعادل روانی خود را تا رسیدن به مواد از دست می‌دهد و در نهایت دچار تبلی، بی‌ارادگی، افسردگی، اضطراب، غم، ناامیدی و کاهش هوشیاری و تیزبینی می‌شود. آنها اغلب دچار کمبود اعتماد به نفس، افسردگی، اضطراب، بی‌خوابی و پرخاشگری هستند و به دلیل ناتوانی در برقراری روابط عاطفی، قادر به برقراری روابط سالم خانوادگی نبوده، احساس بی‌کفایتی می‌کنند و از مواجه شدن با مشکلات روزمره زندگی ناتوان هستند.

عمده‌ترین پیامد خانوادگی اعتیاد، آسیب به روابط عاطفی، جنسی و روانی زن و شوهر است. اعتیاد شوهر سرانجام به انزوا و دوری از همسر و عدم تعلق عاطفی، درگیری و نزاع بین آنها منتهی می‌شود و این تأثیرات نامطلوبی بر شخصیت فرزندان می‌گذارد. افراد معتاد همچنین دچار افت برانگیختگی جنسی هستند که این وضعیت، نارضایتی از روابط زناشویی را تشدید می‌کند. اعتیاد پدر، کلیه کارکردهای اساسی خانواده در حق فرزندان از جمله کارکرد اقتصادی و

۱. بنگرید به: سالاری‌فر، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۱۳۹.

خدماتی، تعیین پایگاه اجتماعی فرزندان، جامعه‌پذیری آنها، تربیت دینی و اخلاقی کودکان و نوجوانان، حمایت معنوی و عاطفی آنها، روابط اجتماعی خانواده، نگهداری کودکان نابالغ، کاربایی و ایجاد جایگاه اجتماعی آنها را دچار اختلال می‌کند.

اعضای خانواده معتاد با فامیل و بستگان و آشنایان مراوده بسیار کمی خواهند داشت و در معاشرت‌هایی که پدر یا مادر معتاد حضور دارد، آنها به‌جای احساس راحتی و غرور، بیشتر احساس شرم و خجالت می‌کنند.

در این بخش می‌توان به عوامل دیگر تضعیف خانواده نیز اشاره کرد که به‌دلیل رعایت اختصار از بیان آن صرف‌نظر می‌شود.

راه‌های ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، تفاوت‌های متعددی از جهت اعتقادات، اخلاق، فرهنگ، آداب و رسوم، سلیقه‌ها و حساسیت‌ها دارند. حتی در ازدواج‌هایی که با انتخاب دقیق صورت می‌پذیرد و تفاوت‌ها عمده و کلان نیست، از آنجا که دختر و پسر از دو خانواده مختلف و دارای سوابق زندگی متفاوت هستند، تفاوت‌های جزئی نیز در صورت سوءمدیریت، سبب اختلافات و تعارض‌های خانوادگی می‌شود و خانواده را گرفتار آسیب‌های متعددی می‌سازد. به همین جهت برای ایمن ساختن خانواده از آسیب‌ها، همسران باید مهارت‌های ویژه‌ای را کسب کنند.

یک. آموزش همسران

بسیاری از مشکلات خانواده‌ها ناشی از عدم شناخت همسران از وظایف خود، عوامل مؤثر در استحکام یا تزلزل خانواده و روش حل مشکلات است. از این‌رو یکی از راهبردهای مهم حل مسائل خانوادگی، رویکرد آموزشی است.

محققان برای پیشگیری از ناسازگاری زناشویی، افزایش کیفیت تعامل زن و شوهر و بالا بردن آگاهی از نیازهای همسر را پیشنهاد می‌کنند. راه دیگر، آموزش مهارت‌های خانوادگی است که در آن به شناسایی مهارت‌های مقابله‌ای در نظام خانواده و آموزش رفتاری افراد برای استفاده مؤثر از توانایی‌ها پرداخته می‌شود.^۱

۱. بورنستین، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ص ۲۰۴ - ۱۹۹.

در مواردی نیز فرد با توجه به شرایط ویژه خود نیازمند راهنمایی است که در این گونه موارد، مراجعه به مشاور می‌تواند راهگشای مشکلات باشد. مشاور شایسته باید دارای این ویژگی‌ها باشد: دانش لازم را داشته باشد، دارای تجربه کافی باشد، متدین و آشنا به محدوده اوامر و نواهی الهی باشد تا راهکارهای او در چارچوب رهنمودهای خداوند مهربان و حکیم قرار گیرد، با فرهنگ و سلیق مخاطبان خود آشنا باشد، رازدار بماند و اسرار مراجعان خود را نزد کسی فاش نسازد و برای مشاوره، فرصت کافی اختصاص دهد.

دو. ارزیابی مستمر روابط خانوادگی

خانواده موفق آن است که به پایش جامع و مستمر عملکرد خویش و نیز سود و زیان حاصل از آن می‌پردازد و پس از آن برای آینده برنامه‌ریزی می‌کند. در روایات سفارش شده است که انسان مسلمان در هر روز، فرصتی را برای محاسبه و بررسی رفتار خود اختصاص دهد و پس از این محاسبه اگر عملکرد خویش را مثبت یافت، خدا را شکر گوید، توفیق استمرار آن را از او طلب کند و بر آن رفتار مداومت نماید و اگر از روی غفلت یا به عمد مرتکب خطایی شده بود، از خدا طلب مغفرت کند و عزم خویش را بر ترک آن رفتار جزم نماید. امام کاظم علیه السلام فرمود:

کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند، از ما نیست. ببیند که اگر موفق به انجام کار خیری شده، از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده، از خدا آمرزش خواهد و توبه نماید.

ارزیابی دائمی رفتارهای خانوادگی و رفع نواقص آن، خانواده را از آسیب‌ها در امان خواهد داشت.

سه. پرهیز از بدگمانی و سوءظن

یکی از عوامل مهم در ایجاد اختلافات خانوادگی، منفی‌نگری نسبت به افکار و رفتار همسر است. با توجه به آثار مخرب سوءظن بر روابط همسران، آنها باید راهکارهای رهایی از بدبینی و منفی‌نگری را بیاموزند که برخی از آنها عبارتند از:

- در نظر گرفتن انواع احتمالاتی که برای رفتار موردنظر همسر می‌توان تصور کرد و پرهیز از

قضاوت قطعی (منفی) در مورد آن - که به کشف بسیاری از قضاوت‌های ناصحیح خواهد انجامید - و نیز پرهیز از تکرار قضاوت‌های اشتباه که سبب بی‌ارزش شدن فرد قضاوت‌کننده می‌شود.

- بی‌اعتنایی به سوءظن: خداوند در قرآن فرموده است: «چیزی را که به آن علم نداری، دنبال نکن»^۱ و حضرت علی علیه السلام نیز فرمود: «هر که بدگمانی‌اش را درباره برادر دینی‌اش تکذیب کند، دارای خردی صحیح و دلی آسوده است»^۲.

- پرهیز از هم‌نشینی با افراد منفی‌اندیش و اهل تهمت و غیبت؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «انسان بر روش دوست و هم‌نشین خود خواهد بود»^۳.

- تسلط بر خویشان و کنترل چشم و گوش و خیال؛ چراکه بسیاری از بدگمانی‌ها به دنبال عدم رعایت حریم خصوصی همسر، تجسس در رفتار او و سپس گمانه‌زنی‌های بی‌پایه حاصل می‌شود.

- توجه به آثار منفی سوءظن و آثار مثبت حسن ظن و مثبت‌اندیشی؛ از آثار مثبت گمان نیک می‌توان به آرامش دل^۴، جلب محبت همسر^۵، دوری از گناه^۶ و بهره‌مندی از بهشت جاودان^۷ اشاره کرد.

در صورتی که همه چیز بر سلامت رفتار همسر دلالت دارد، ولی فرد آرام نمی‌گیرد و دائماً گرفتار

۱. وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ. (اسراء (۱۷): ۳۶)

۲. من کذب سوء ظن بأخيه كان ذاعقل صحيح و قلب مستريح. (لیثی واسطی، عبون الحکم والمواعظ، ص ۴۶۱)

۳. المرء علی دین خلیله و قرینه. (کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۳۷۴)

۴. امام علی علیه السلام: ان حسن الظن یقطع عنک نصباً طویلاً؛ نیک‌گمانی رنجی دراز را از تو می‌زداید. (تهج البلاغه، شرح محمد عبده، ج ۳، ص ۸۹)

۵. امام علی علیه السلام: من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبة؛ هر کس به مردم نیک‌گمان باشد، محبت و مهر آنان را به دست خواهد آورد. (تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۳۷۹)

۶. امام علی علیه السلام: حسن الظن ینجی من تقلد الإثم؛ پندار نیک، انسان را از گرفتاری گناه می‌رهاند. (همان، ج ۳، ص ۳۹۰)

۷. امام علی علیه السلام: من حسن ظنه فاز بالجنة؛ هر کس گمانش نیک باشد، به بهشت دست یابد. (همان، ج ۵، ص ۲۹۸؛ بنگرید به: عزیزاده، مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری، ص ۴۰ - ۳۰)

بدبینی می‌شود، باید به یک روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کند تا تحت درمان قرار گیرد. اگر بدگمانی فرد صحت داشت و همسر مرتکب خطایی شده بود، شایسته است فرد با مرور رفتار خویش دریابد که آیا رفتار ناپسندی از او سرزده و موجب خطای همسر شده است یا نه و در صورت لزوم در رفتار خویش تجدیدنظر نماید.

این نکته نیز باید مورد توجه قرار گیرد که زن و شوهر باید از رفتاری که در همسر سوءظن ایجاد می‌کند، بپرهیزند، از مخفی‌کاری دوری کنند و تا حد امکان همسر خود را در جریان برنامه‌های کلی روزانه خویش قرار دهند و اگر تغییری در آن حاصل شد، وی را از آن مطلع سازند، مسائل سؤال‌برانگیز را زودتر برای او توضیح دهند، در امور زندگی با او مشورت کنند و با احترام گذاردن به همسر، محبت و احترام او را جلب نمایند.

چهار. مواجهه صحیح با عیوب همسر

دختر و پسری که با یکدیگر ازدواج می‌کنند، به مرور زمان با خصوصیات یکدیگر آشنا می‌شوند و خوبی‌ها و عیوب یکدیگر را بیشتر و بهتر می‌شناسند. در هنگام رویارویی با عیب‌های ظاهرشده، انجام برخی کارها می‌تواند مانع از سردی عاطفی و تنش در بین اعضای خانواده شود:

۱. برخی از عیب‌ها شخصی است و به روابط خانوادگی لطمه‌ای وارد نمی‌سازد. در این‌گونه موارد بهتر است همسر توجهی نشان ندهد و برای اصلاح رفتار به امور اساسی‌تر بپردازد. حضرت علی علیه السلام فرمودند: «هر کس از بسیاری امور تغافل و چشم‌پوشی نکند، زندگی‌اش تیره می‌شود.»^۱ چشم‌پوشی از خطای همسر سبب می‌شود قبح کار از بین نرود، آبرو و احترام همسر حفظ شود و برخی از ارزش‌های اخلاقی مانند گذشت در فردی که چشم‌پوشی کرده، تقویت گردد.
۲. فردی که قصد اصلاح رفتار همسرش را دارد، باید اصلاح رفتار خود را مقدم بدارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوشا به حال کسی که آن‌قدر مشغول کشف و اصلاح عیوب خویش است که عیوب دیگران را نمی‌بیند.»^۲ چنین فردی با تجربه کرده سختی تغییر رفتار ناپسند خود، با همسر خویش منصفانه‌تر برخورد خواهد کرد.

۱. مَنْ لَمْ يَتَغَافَلْ وَلَا يَغْضُ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْأُمُورِ، تَغَضَّتْ عَيْشَتَهُ. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۵۱، ح ۱۰۳۷۵)

۲. طوبی لمن شغله عیبه عن عیوب الناس. (کلینی، اصول الکافی، ج ۸، ص ۱۶۹)

برای مطالعه بیشتر

- برای اصلاح رفتار همسر به توصیه‌های زیر توجه نمایید:
- ابتدا خوبی‌های همسر را به او یادآوری کنید: سپس او را برای داشتن آن خصلت‌ها تحسین کنید. آنگاه ابراز نمایید که هدف شما از ذکر انتقاد فقط رفع مشکلات زندگی مشترک است.
 - برای بیان سخنان خود. زمان مناسبی را که هر دو آرامش دارید. انتخاب کنید و هنگام سخن گفتن از عبارات کلی و منفی مانند «تو هیچ وقت ...» و «تو همیشه ...» اجتناب کنید؛ زیرا این عبارات دروغ است و در همسر نیز مقاومت ایجاد می‌کند و انگیزه او را برای اصلاح خویش کاهش می‌دهد.
 - رفتار موردنظر را مشخص نمایید و فقط از همان رفتار انتقاد کنید. سخنان خود را واضح و روشن بیان کنید^۱ و هنگام انتقاد با تمرکز بر مسئله موردنظر به مسائل پیشین مانند «هفته قبل هم دیر به منزل آمدی» اشاره نکنید.
 - هنگام انتقاد. از به کار بردن کلمه «چرا». مانند: «چرا دیر آمدی» اجتناب کنید تا در او حالت دفاعی ایجاد نشود.
 - از انتقاد در جمع خودداری کنید تا شخصیت او آسیب نبیند؛ چراکه خداوند در قرآن همسران را لباس یکدیگر^۲ معرفی کرده است و بنابراین آنها باید پوشاننده عیوب یکدیگر در جمع باشند.
 - هنگام انتقاد از همسر. درباره مشکلات مربوط به آن مسئله با او همدردی کنید. در این صورت. او آمادگی بیشتری برای دریافت انتقاد پیدا خواهد کرد.
 - هنگام انتقاد. همسر خود را با دیگران مقایسه نکنید؛ زیرا سبب تحقیر وی خواهد شد.
 - از اثبات خود بپرهیزید و گاهی انتقاد را از زبان دیگران نقل کنید.
 - انتقاد را تکرار نکنید و در عوض. انگیزه همسر را برای تغییر تقویت کنید.
 - هنگام سخن گفتن به روحیات زنانه و مردانه همسر توجه کنید و به اقتدار مردانه یا عواطف زنانه او آسیب نرسانید.

۱. رنجبران، تماشای خود در آینه همسر، ص ۵۰.

۲. هُنَّ لِيَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِيَاسٌ لِهِنَّ. (بقره (۲): ۱۸۷)

۳. در صورتی که همسر، خطای خویش را پذیرفت، باید عذرخواهی او را قبول کرد^۱ و متناسب با ظرفیت همسر، با حفظ احترام خود و با اهتمام بر حفظ روابط عاطفی و صمیمی با او، به وی فرصت کافی برای تغییر داد و برای اصلاح خود، همسر و زندگی مشترک از خداوند طلب یاری کرد.

۴. برای مواجهه صحیح با عیوب همسر باید انتقادپذیر بود. از این رو اگر فردی به همسر خود انتقاد کرد، باید آن را هدیه‌ای از جانب همسر تلقی کند که سبب شده سریع‌تر به اشتباهات خود پی ببرد و خود را از زشتی آن خصلت پاک سازد. این نحوه عکس‌العمل در مقابل کلام همسر، روابط آنها را با یکدیگر صمیمی‌تر خواهد ساخت. سپس برای تغییر رفتار خویش باید بر تغییر مثبت مداومت نماید تا سبب تثبیت رفتار نیکو گردد و خوبی‌ها عادت رفتاری فرد شود. از آنجا که این تغییرها معمولاً دشوار است، گاهی باید زمان کوتاهی را تعیین کرد و در طول آن بر اصلاح رفتار اهتمام داشت و سپس با چشیدن طعم شیرین رفتار نیک، زمان تغییر را طولانی‌تر ساخت.

پنج. مدیریت خشم و غضب

از جمله علل مهم بروز کدورت بین همسران، خشم کنترل‌نشده یکی از ایشان است. این امر سبب بیان جملات یا انجام کارهایی می‌شود که همسر را آزرده‌خاطر می‌سازد و گاه با ایجاد عصبانیت در او، موجب مشاجراتی تلخ می‌شود و آسیبی جدی به روابط عاطفی آنها وارد می‌سازد. از این رو هنگامی که همسران گرفتار عصبانیت می‌شوند، باید به نکات ذیل توجه کنند:

- در آغاز، علت خشم خویش را کشف کنند.

- گاه مشکلات جسمانی مانند بیماری، بی‌خوابی یا کم‌خوابی، مصرف برخی داروها، پرکاری غده تیروئید، کم‌خونی، آلودگی‌های خونی و خستگی زیاد سبب بروز این عصبانیت‌ها می‌شود که در این‌گونه موارد باید هرچه سریع‌تر مشکل برطرف شود.

۱. پیامبر اکرم ﷺ: من لم یقبل العذر من متصل صادقاً کان أو کاذباً لم ینل شفاعتی؛ (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۷) هر که عذر کسی را نپذیرد، خواه عذرش راست باشد یا دروغ، شفاعت من شامل حال او نخواهد شد.

- گاهی خشم برآمده از عاملی روانی است که باید برای رفع آن تلاش کرد. برای نمونه، اگر علت آن احساس ناامنی است، باید با توجه به عوامل امیدوارکننده فراوانی که در اطراف وجود دارد و نیز با ایجاد روابط جایگزین به جای عامل ناامنی (مانند روابط گرم و صمیمی با همسر) این احساس را از بین برد.

- گاهی رفتار همسر سبب خشم و غضب شود. زن معمولاً از بی‌توجهی شوهر، تمسخر احساساتش، تندخویی شوهر، ساکت و عبوس بودن او، اوامر متعدد و مکرر، انتقادهای فراوان و توجه او به نامحرم عصبانی می‌شود. مردان نیز از بی‌توجهی زن به نظافت و آراستگی خود، تحقیر شوهر، ناسزاگویی، ساکت و عبوس بودن او و نیز جلب توجه مردان نامحرم با پوشش یا کلام نامناسب عصبانی می‌شوند. از این رو برای استمرار آرامش در خانواده، زن و شوهر باید از این گونه رفتارها بپرهیزند.

- در صورتی که فردی معمولاً و بدون دلیل منطقی عصبانی می‌شود، باید به روان‌شناس یا روان‌پزشک مراجعه کند تا تحت درمان قرار گیرد.

- همسران باید بکوشند تا از ابتدا مانع ایجاد خشم در خویش شوند. بهترین راه برای تحقق این مهم آن است که نگرش منفی به خشم را در خود تقویت نکنند. برای نمونه، اشعار یا روایاتی را درباره زشتی خشم بنویسند و در معرض دید خود قرار دهند؛ مانند کلام مولای متقیان علی علیه السلام که فرمودند: «آغاز خشم دیوانگی است و پایان آن پشیمانی.»^۱ علاوه بر آن، نگرش مثبت به کنترل خشم را در خود تقویت کنند.

برخی امور نیز می‌تواند مانع ایجاد خشم در فرد شود؛ از جمله: عفو و گذشت، قناعت و بائین آوردن سطح توقعات. همچنین در مواجهه با امور نامطلوب، توجه به مقرون بودن خوشی‌ها با سختی‌ها و لذت‌های اخروی با کاستی‌های دنیوی و توکل به خداوند مهربان حکیم اثربخش است.

عوامل دیگری که سبب آرامش و مانع از ایجاد هیجانات مخرب می‌شود، عبارتند از: خواب کافی و مناسب نظم در زندگی، پرهیز از بیکاری، ورزش، شرکت در فعالیت‌های خیرخواهانه، استفاده از طبیعت، استفاده از رنگ‌های شاد در پوشاک و تزیین منزل، شوخی و

۱. اِبْرَک و الغضبِ فاوآه جُنون و آخره نَدَم. (تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۳۰۳، ح ۶۸۹۸)

خنده و از همه مهم‌تر، یاد خدا که قرآن در این زمینه می‌فرماید: «أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ»^۱ آگاه باشید که یاد خدا قلب‌ها را آرامش می‌دهد.

فردی که عصبانی می‌شود، ابتدا باید حالت روحی خود را به همسرش اظهار کند تا او رفتارش را بهتر درک کند. سپس حواس خود را به چیز دیگری معطوف کند؛ مثلاً تلویزیون تماشا کند، با دوستی تلفنی صحبت کند، آب یا شربت خنک بنوشد و چندین بار نفس عمیق بکشد. در هر صورت هرگز در حالت عصبانیت تصمیم نگیرد و تا حد امکان سخنی نگوید. زن یا شوهری که همسرش عصبانی شده، باید با او همدلی کند، هنگام سخن با او از کلماتی که بار عاطفی دارند، استفاده کند و موضوع صحبت او را به آرامی تغییر دهد.

شش. کسب مهارت حل مسئله

انسان‌ها در طول زندگی با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند. زندگی مشترک با همسر نیز در کنار شیرینی‌ها و لذت‌های فراوان، با دشواری‌هایی نیز مواجه خواهد شد. چگونگی مواجهه با این مشکلات، تأثیر فراوانی در استحکام روابط خانوادگی یا سست نمودن بنیان خانواده خواهد داشت. از این رو همسران باید مهارت حل مسئله را در این گونه مواقع بیاموزند. برای آموزش این مهارت، توجه به این نکات لازم است:

- فشارهای زندگی مانند جمع شدن بخار در دیگ سرریخته است که ناگهان موجب ترکیدن دیگ می‌شود. بنابراین نباید فشارها روی هم انباشته شود؛ بلکه باید آنها را به روش صحیح تخلیه کرد.

- مشکلات زندگی را باید «مسئله» دید و درصدد حل آن برآمد. مشکل امری مبهم، غیر قابل حل و کلی است. حال آنکه مسئله، واضح و روشن، قابل حل، جزئی و معین است. با به‌کار بردن کلمه مسئله به‌جای مشکل، ناخودآگاه امید به حل آن در فرد ایجاد می‌شود.

فراگیری مهارت حل مسئله سبب می‌شود: در خانواده بحران ایجاد نشود،^۲ فرد احساس توانمندی کند و اعتماد به نفس او افزایش یابد، از فشارهای روانی وی کاسته شود و در

۱. رعد (۱۳): ۲۸.

۲. امام علی (ع): من قعد عن حيلة أقامته الشدائد؛ هر که چاره‌جویی را به تأخیر اندازد، شدايد و گرفتاری‌ها او را زمین‌گیر خواهد کرد. (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۴۱)

زندگی او آرامش ایجاد گردد. از آنجا که حل یک مسئله نشان درآید و فهم انسان است، حل مسائل می‌تواند اعتماد همسر، بستگان و دوستان را به فرد افزایش دهد؛ همان‌گونه که حل نشدن آن ممکن است این اعتماد را سلب کند.

مراحل حل مسئله:

- ابتدا باید مسئله را به صورت واضح، روشن و دقیق تعریف کرد. برای نمونه، اگر همسر فرد به او بی‌توجهی می‌کند، باید دقت کرد که آیا علت آن وجود خلأ عاطفی است یا عدم ارضای نیازهای جنسی یا خستگی ناشی از کار بیش از حد یا ...: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اذا استوضحت فاجزم؛^۱ هنگامی که امور برایت روشن شد، تصمیم بگیر».

- باید هدف را مشخص کرد و به درستی آن نیز اطمینان داشت. گاه افراد هدف را اشتباه تعیین می‌کنند یا در تعیین اولویت آن به خطا می‌روند؛ مانند اینکه در تنگنای اقتصادی خانواده، سفر تفریحی و تشریفاتی یک نیاز جدی تلقی شود.

- باید برای حل یک مسئله، راه‌حل‌های متعددی را در نظر گرفت. برای پیدا کردن این راه‌حل‌ها، تفکر، خلاقیت، افزایش آگاهی از طریق مطالعه و مشورت با مشاور خردمند، دین‌دار و دلسوز مفید و راهگشا است.

- راه‌حل‌ها را باید ارزیابی کرد و با توجه به پیامدها و عواقب هر یک، بهترین آنها را انتخاب نمود.

- با طلب یاری از خدا، باید برای حل مسئله کوشید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «آن کس که در تلاش و طلب چیزی باشد، به همه یا قسمتی از آن دست خواهد یافت».^۲ گاهی افراد در رویارویی با مسائل زندگی با موانعی روبه‌رو می‌شوند که قدرت حل مسئله را از آنها سلب می‌کند. این افراد نیازمند توجه به این موانع و برطرف ساختن آنها هستند. مهم‌ترین مانع، ضعف انگیزه است؛ برای تقویت انگیزه حل یک مسئله، باید پیامدهای منفی حل نشدن آن مسئله را فهرست کرد و خود را در فضای پس از حل مسئله تصور نمود و لذت زندگی در آن شرایط را مجسم نمود.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۳۴۲.

۲. من طلب شیئاً ناله أو بعضه. (لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۴۶۵)

فروپاشی خانواده

ازدواج پیوندی مقدس است که زن و شوهر باید در حفظ آن بکوشند. در بخش‌های پیشین، مباحثی درباره انتخاب صحیح همسر، مهارت‌های لازم برای استحکام روابط همسران و ایمن‌سازی خانواده از آسیب‌ها ارائه شد. از آنجا که گاهی زن و شوهر بدون تقصیر یا با تقصیر از یکدیگر جدا می‌شوند، در این بخش موضوع انحلال خانواده بررسی خواهد شد. پایان زندگی زناشویی، گاه بر اثر امری قهری مثل مرگ و گاه به سبب امری ارادی مثل فسخ نکاح یا طلاق است.

یک. فسخ نکاح

فسخ به معنای اختیار به هم زدن عقد است. در فسخ نکاح، مقدمات طلاق و نیز وقوع صیغه طلاق لازم نیست؛ هر چند مطابق قانون، طرفین باید به دادگاه مراجعه نمایند و فسخ نکاح را ثبت کنند. حق فسخ نکاح یا به سبب برخی عیوبی که در زن و مرد قبل از عقد وجود دارد، ایجاد می‌شود یا به جهت فریب در نکاح تحقق می‌یابد.

۱. به دلیل عیب: حق فسخ نکاح به سبب عیب به دو صورت است؛ مطابق ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی، اگر زن یا مرد قبل از عقد به طور مداوم یا ادواری مجنون باشند، برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می‌شود. همچنین طبق ماده ۱۱۲۲ این قانون (اصلاحی ۱۳۷۲/۷/۴) بیماری‌های ویژه زن یا مرد در صورتی که فرد قبل از عقد به آنها مبتلا باشد، موجب حق فسخ برای طرف مقابل می‌گردد.

در مردان صرفاً بیماری جنسی، مانع ایفای وظیفه زناشویی می‌شود. عقیم بودن مرد یا زن موجب حق فسخ نیست؛ بلکه مرد حق طلاق دارد و زن نیز در صورت عسر و حرج می‌تواند برای درخواست طلاق به دادگاه مراجعه نماید.^۱ بیماری‌های ویژه زن عبارت است از: بیماری جنسی (قرن و افضا)، برص، جذام، زمین‌گیری و نابینایی هر دو چشم که البته اگر مرد قبل از عقد از وجود این عیوب مطلع بوده و با این وصف اقدام به ازدواج نموده است، حق فسخ نخواهد داشت. طبق ماده‌های ۱۱۲۴ و ۱۱۲۵ قانون مدنی، عیوب باید در زمان عقد وجود داشته باشند،

۱. نظریه اداره حقوقی ۷۱۶۱۷ مورخ ۱۳۶۶/۱/۳۱.

وگرنه موجب حق فسخ نیستند؛ مگر عیوب مربوط به مرد (عنن و جنون) که اگر بعد از عقد ایجاد شوند، موجب حق فسخ خواهند بود. علاوه بر آن، طبق ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی اگر زوجین قبل از عقد از این امراض آگاه باشند، بعد از عقد حق فسخ نخواهند داشت.

طبق ماده ۱۱۳۱ این قانون، حق فسخ فوری است و اگر کسی به حق فسخ و فوریت آن علم داشته باشد، بعد از اطلاع از علت فسخ نباید اعمال حق را به تأخیر بیندازد.

۲. به دلیل تخلف از وصف مقصود: طبق ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی، هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده باشد و بعد از عقد معلوم شود که او فاقد آن وصف بوده است، برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می‌شود؛ چه طرفین به‌طور صریح آن را هنگام عقد ذکر کرده باشند یا نه؛ ولی عقد براساس وجود آن صفت شکل گرفته است؛ مانند اینکه طرفین به شرط عدم تأهل در گذشته، توافق به نکاح کرده باشند و بعد خلاف آن ثابت شود یا اینکه عقد نکاح بر فرض سلامت فرد بنا شود، ولی بعد از عقد معلوم شود بیماری سخت و غیر قابل درمانی دارد و آن را مخفی کرده است. هرچند برخی عیوب و نیز فریب در ازدواج برای طرف مقابل حق فسخ ایجاد می‌کند، از آنجا که ازدواج امری مقدس است و دختر و پسر و نیز خانواده آنها با هزاران امید و آرزو به این وصلت اقدام کرده‌اند، اخلاق اسلامی اقتضا می‌کند که در مواجهه با چنین مواردی، زوجین درصدد درمان برآیند یا با سعه صدر آن عیب را بپذیرند و نیز در صورت بشیمانی فرد فریب‌دهنده و عذرخواهی او، با عفو و گذشت با او برخورد نمایند، مگر آنکه ادامه زندگی را با وجود آن عیب یا بی‌صدافتی غیرقابل تحمل ببینند و در خویشتن توان ادامه زندگی با آن شرایط را نیابند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «هیچ چیز نزد خدا منفورتر از بنیان ازدواج که به واسطه جدایی ویران شود، نیست»^۱.

دو. طلاق

طلاق یعنی جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی^۲ که ممکن است به درخواست مرد یا زن باشد. این درخواست به دادگاه خانواده ارائه می‌شود و دادگاه به درخواست

۱. ما من شيء أبغض إلى الله عز وجل من بيت يخرّب في الإسلام بالفرقة. (حر عاملی، وسائل الشیعة،

ج ۲۰، ص ۱۶)

۲. عمید، فرهنگ عمید، ذیل مدخل طلاق.

مرد پس از تحقیق و رعایت شرایط قانونی رسیدگی می‌کند. همچنین بنابر ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی، به درخواست طلاق از سوی زن در صورت وجود شرایط قانونی رسیدگی می‌شود. اگر زن از جانب شوهر وکالت داشته باشد که بتواند خود را در صورت تحقق موارد مندرج در قانون یا در سند ازدواج مطلقه کند یا در صورت ترک انفاق از جانب شوهر و عدم امکان الزام وی به دادن نفقه، او می‌تواند تقاضای طلاق کند. همچنین در صورتی که وضعیت زندگی مشترک به گونه‌ای باشد که او در سختی طاقت‌فرسا قرار گیرد، دادگاه به تقاضای زن، او را از جانب شوهر مطلقه می‌سازد.

براساس ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی طلاقی که به درخواست مرد باشد، «طلاق رجعی» است؛ یعنی در ایام عده (سه ماه) شوهر می‌تواند رجوع کند. در طلاق رجعی، زن باید در منزل شوهر در تمام مدت عده سکونت داشته باشد؛ مگر آنکه ترس از ضرر جانی یا مالی یا حیثیتی داشته باشد. اگر در ایام عده، مرد با کلام یا رفتار خود، تمایلی برای رابطه همسری نشان داد، آن دو بدون نیاز به عقد ازدواج مجدد، دوباره زن و شوهر خواهند شد.

طبق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، طلاق از طرف زن و به سبب کراهت او «طلاق خلع» است که شوهر دیگر نمی‌تواند رجوع کند و در مقابل، زن تمام یا بخشی از مهر خود را می‌بخشد.

طلاق از نظر دین اسلام و عرف جامعه، امری ناپسند است و فقط در صورتی قابل پذیرش است که در تداوم زندگی مشترک، ضرر جدی وجود داشته باشد. امام صادق علیه السلام فرمود: «ازدواج کنید، ولی طلاق ندهید؛ زیرا عرش خدا از وقوع طلاق می‌لرزد.»^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود:

همانا خدا و رسول خدا از زنانی که به ناحق از شوهر خود طلاق می‌گیرند، بیزار است. خدا و رسول خدا از مردانی که به زن خود ضرر می‌رسانند تا مهریه خود را ببخشند و طلاق گیرد، بیزار است.^۲

۱. تزوجوا و لا تطلقوا فان الطلاق يهتز منه العرش. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۹)

۲. الا و ان الله و رسوله بريثان من المختلعات بغير حق، الا و ان الله و رسوله بريثان ممن أضرَّ بإمرأة حتى تختلع منه. (همان، ص ۲۸۲)

متأسفانه در نتیجه تغییرات فرهنگی و اجتماعی در طی دهه‌های اخیر در بیشتر کشورهای جهان، طلاق رشد فراوانی داشته است که این رشد در کشورهای غربی بسیار چشمگیر است: به طوری که گاه این مسئله به‌عنوان یکی از شاخص‌های «انقلاب جنسی» در غرب مطرح می‌شود؛ هرچند در بسیاری از کشورهای دیگر نیز شاهد افزایش آمار طلاق - البته با شتاب کمتر - هستیم. میانگین نسبت طلاق به ازدواج در برخی از کشورهای اسلامی و غیراسلامی، در جدول‌های زیر ارائه شده است:^۱

نسبت‌سنجی طلاق و ازدواج در کشورهای اسلامی

کشورهای اسلامی	میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳	کشورهای اسلامی	میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳
مالدیو	٪۴۷/۴	مصر	٪۱۳/۴
کویت	٪۳۲/۶	آذربایجان	٪۱۳/۱
قزاقستان	٪۳۰/۴	ارمنستان	٪۱۲/۳
قرقیزستان	٪۲۰/۲	بوسنی و هرزگوین	٪۹/۶
اردن	٪۱۸/۷	ایران	٪۹/۴
بحرین	٪۱۸/۶	ترکیه	٪۹/۱
فلسطین اشغالی	٪۱۴/۷	تاجیکستان	٪۷/۸
گرجستان	٪۱۴/۰	لیبی	٪۵/۵

نسبت‌سنجی طلاق و ازدواج در کشورهای غیر اسلامی

کشورهای غیر اسلامی	میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳	کشورهای غیر اسلامی	میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳
بلژیک	٪۶۷/۷	نروژ	٪۴۲/۹
کوبا	٪۶۵/۹	آمریکا	٪۴۲/۶
اروگوئه	٪۵۸/۷	فرانسه	٪۴۱/۳
سوئد	٪۵۴/۹	سوئیس	٪۴۰/۸
انگلیس	٪۵۴/۸	ژاپن	٪۳۵/۶
اکراین	٪۵۴/۳	پرتغال	٪۳۵/۲

۱. برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده، دبیرخانه ستاد ملی زن و خانواده، ص ۷۲ و ۷۵.

میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳	کشورهای غیر اسلامی	میانگین نسبت طلاق به ازدواج طی سالهای ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳	کشورهای غیر اسلامی
۳۲/۸٪	هلند	۵۲/۹٪	بلاروس
۲۱/۸٪	ونزوئلا	۴۹/۷٪	آلمان
۱۶/۷٪	یونان	۴۸/۸٪	استرالیا
۱۴/۹٪	چین	۴۸/۳٪	نیوزلند
۱۴/۴٪	ایتالیا	۴۷/۴٪	لوکزامبورگ
۱۳/۱٪	قبرس	۴۶/۷٪	کانادا
۸/۶٪	مکزیک	۴۶/۷٪	استونیا
۵/۹٪	جامائیکا	۴۴/۵٪	دانمارک
۵/۷٪	مغولستان	۴۳/۳٪	روسیه
۳۵/۶٪	ژاپن	۴۳/۳٪	جمهوری چک

آنچه ذکر شد، غیر از موارد جدایی زن و مرد در زندگی مشترک خارج از چارچوب خانواده است. در این کشورها این جدایی‌ها علی‌رغم وجود فرزندان، بسیار بیشتر از طلاق در خانواده اتفاق می‌افتد.

سه. عوامل طلاق

۱. عوامل جهانی طلاق

جامعه‌شناسان رشد بی‌سابقه طلاق را در دهه‌های اخیر در جهان، معلول چند عامل اساسی می‌دانند که عبارتند از:

۱ - ۱. تغییر ارزش‌ها: امروزه گسترش ارزش‌های مادی و کاهش توجه به ارزش‌های معنوی، یکی از عوامل مهم در افزایش میزان طلاق است. از این رو در جوامع مرفه اقتصادی، انتخاب شادمانی شخصی در خارج از چارچوب ازدواج که انگیزه افراد را برای حفظ رابطه همسری کاهش رو به گسترش است. گسترش فرهنگ دنیاگرایی و رفاه‌طلبی غرب در سایر کشورها، آثار خود را بر خانواده‌های سایر جوامع برجای نهاده است.

از این رو در خانواده‌هایی که متأثر از این فرهنگ می‌باشند، در فرآیند بحران ارزش‌ها، خانواده بر لذت‌طلبی، تمتع لحظه‌ای، مصلحت‌گرایی فردی، سودگرایی، ماده‌گرایی و ابزارگرایی استوار می‌گردد و انسان‌ها صرفاً به لذت می‌اندیشند و فقط مصالح خویشان را در نظر می‌گیرند و همه چیز را در چارچوب امور مادی و حتی جسمانی خلاصه می‌کنند. در چنین شرایطی،

روابط انسانی که از بعد معنوی تهی می‌شود، بسیار سست، آسیب‌پذیر و شکننده خواهد شد؛ روابط زناشویی نیز از این قاعده مستثنا نیست و آمار طلاق روزبه‌روز افزایش می‌یابد.^۱

۱ - ۲. تغییر نگرش نسبت به ازدواج: به‌گفته برخی از جامعه‌شناسان، خانواده و ازدواج در دیدگاه جدید غربی از یک «نهاد» به «مصاحبت» تبدیل شده است.^۲ در نگاه زوج جوان غربی، ازدواج قراردادی است که با گزینش کاملاً آزادانه صورت می‌گیرد و بر مبنای عشق رمانتیک استوار است. چنین مفهومی از ازدواج به‌خودی‌خود مفهوم طلاق و گسست زناشویی را دربر دارد؛ زیرا با توجه به ناپایداری و گذرا بودن احساسات عاشقانه، افراد به‌همان سرعتی که درگیر این روابط می‌شوند، ممکن است از این روابط خارج شوند. برخی معتقدند بالا بودن میزان طلاق، یک پدیده کوتاه‌مدت نیست؛ بلکه کفاره مفهوم جدید از ازدواج است.^۳

۱ - ۳. تغییر ساختار خانواده: انتقال از نظام خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، نقش برجسته‌ای در افزایش میزان طلاق داشته است؛ زیرا ازدواج، جزئی از ارتباط خویشاوندی پیچیده و گسترده است و طلاق مستلزم انحلال چنین رابطه‌ای خواهد بود. از این گذشته، استقلال و انزوای خانواده هسته‌ای باعث می‌شود در مواقع بحرانی، منابع حمایتی اندکی به کمک خانواده بیاید که این امر می‌تواند به فشارهای عاطفی و مالی بینجامد.^۴

جامعه‌شناسان، قبح‌زدایی از طلاق، تغییر نقش‌های جنسیتی، استقلال اقتصادی زنان و آزادی روابط جنسی را از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر افزایش رشد طلاق در بسیاری از کشورها ذکر کرده‌اند.^۵

۲. علل طلاق در ایران

متأسفانه در ایران نیز طی چند دهه اخیر همواره شاهد رشد میزان طلاق بوده‌ایم. بررسی نتایج ۹۲ پژوهش انجام‌یافته در ایران از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۰ که دستگاه‌های اجرایی یا مراکز تحقیقاتی دانشگاهی انجام داده‌اند، نشان می‌دهد که مهم‌ترین عوامل وقوع طلاق در ایران عبارتند از:

۱. ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۸۰ - ۴۳.
2. Kuper & Kuper, the Social Science Encyclopedia, p 208.
۳. میشل، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ص ۱۷۶.
4. Curry et al., Sociology for the Twenty-First century, p. 267.
۵. بنگرید به: بستان، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، ص ۱۶۸ - ۱۶۵.

۱- ۲. عوامل فرهنگی اجتماعی: شیوه ناکارآمد انتخاب همسر، آگاهی اندک پیش از ازدواج از نقش زن یا شوهر، کاهش سطح مسئولیت دختران و پسران، عدم آموزش مهارت‌های لازم برای انجام مسئولیت‌های خانوادگی، سطح توقع بالای زن یا شوهر از یکدیگر، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، عدم وجود نگرش منفی به طلاق در میان بستگان زن یا شوهر، بی‌احترامی از سوی همسر، عدم صداقت زن یا شوهر در معرفی خود پیش از ازدواج و ...

۲- ۲. عوامل اقتصادی: عدم پرداخت نفقه از جانب شوهر، توقعات بالای اقتصادی، نوع و میزان اشتغال زن در خارج از منزل و ...

۳- ۲. عوامل اخلاقی: عدم توافق اخلاقی همسران، سوء‌معاشرت و سوءرفتار، فساد اخلاقی زن یا شوهر، اعتیاد، شراب‌خواری، فحاشی، خودخواهی، ضعف در حل مسئله و ...

۴- ۲. عوامل روان‌شناختی: ویژگی‌های روانی و عصبی غیرقابل تحمل، بدبینی شدید زن نسبت به شوهر یا شوهر نسبت به زن، باورهای غیرمنطقی، انگیزه‌های واهی در ازدواج و ...

۵- ۲. عوامل جنسی: عدم رضایتمندی زناشویی، ناتوانی جنسی زن یا مرد، سردمزاجی جنسی، وجود عادات جنسی ناپسند در مردان، عدم تمکین زن، تنوع‌طلبی جنسی، عقیم بودن مرد یا زن و ...^۱

در یک تحقیق ملی که معاونت اجتماعی سازمان بهزیستی انجام داده است، ۵ علت اصلی درخواست طلاق براساس پرونده‌های مختومه در سال‌های ۸۴ و ۸۵ عبارتند از: اعتیاد به موادمخدر، دخالت اطرافیان، ضرب‌وشتم، تنفر از همسر و سوءظن به او.^۲

چهار. پیامدهای طلاق

هرچند معمولاً طلاق، خروج از یک رابطه تنش‌زا و فرسایشی است و معمولاً افرادی که از همسر خود جدا می‌شوند، تا مدت کوتاهی آسایش نسبی را تجربه می‌کنند، پیامدهای منفی طلاق بیش از آن است که افراد را از طلاق خشنود سازد. رضایت دائمی از طلاق در ازدواج‌هایی حاصل می‌شود که میزان بحران و آسیب در زندگی مشترک بسیار بالا بوده است و آثار منفی

۱. بنگرید به: مجبی، بررسی علل و عوامل مؤثر بر درخواست طلاق زنان.

۲. برنامه جامع تشکیل، تحکیم و تعالی نهاد خانواده، دبیرخانه ستاد ملی زن و خانواده، ص ۹۶.

طلاق با آن برابری نمی‌کند. در چنین مواردی، فرد با مدیریت زندگی پس از طلاق، جدایی را رهایی واقعی از رنج‌ها و ضررهای فراوان می‌یابد. برخی پیامدهای منفی طلاق عبارتند از:

۱. پیامدهای فردی

بسیاری از افراد پس از طلاق دچار مشکلات روحی متعددی می‌شوند؛ از جمله کاهش شدید اعتماد به نفس، بی‌علاقگی به زندگی، احساس عذاب وجدان، احساس جسم، یأس، تریب‌خوردگی، عصبانیت، افسردگی و دل‌تنگی و کاهش انگیزه و علاقه به کار. علاوه بر آن، خروج از رابطه زناشویی و ارتباط منظم جنسی، زنان و به‌ویژه مردان را دچار فشارهای روانی می‌سازد. معمولاً طلاق، سبب فشار اقتصادی بر زنان نیز می‌شود؛ زیرا حمایت مالی شوهر را از دست خواهند داد و تأمین مسکن و مخارج آنان برعهده خودشان خواهد بود. یافتن شغل مناسب و اشتغال آنان در بخش‌های غیررسمی، بی‌ثبات و پائین‌تر از شان، از گرفتاری‌های زنان پس از طلاق خواهد بود.

۲. پیامدهای خانوادگی

فردی که پس از سپری کردن مدتی از زندگی مشترک و انحلال خانواده، قصد بازگشت به خانواده پدر و مادری خویش را دارد، معمولاً منزلت سابق را ندارد و زندگی او در خانه مستقل نیز با عدم اقبال اطرافیان مواجه می‌شود. این امر در مورد زنان موجب کاهش ضریب امنیت آنان نیز خواهد بود.

فردی که از همسر خویش جدا شده، برای ازدواج مجدد نیز با محدودیت‌هایی مواجه است. از آنجا که طلاق معمولاً نشان‌دهنده عدم توانایی فرد در مدیریت روابط با همسر است، تمایل چندانی نسبت به ازدواج با فرد طلاق‌دهنده یا طلاق‌گیرنده وجود ندارد؛ به‌ویژه اگر او صاحب فرزند نیز باشد که سرپرستی کودک به‌تنهایی برای پدر یا مادر مشکلات متعددی را به وجود خواهد آورد.

هرچند عوارض منفی طلاق برای زن و مرد بسیار است، فرزندان طلاق متحمل بیشترین آسیب‌ها خواهند شد.^۱ آنها همواره با مشکل عاطفی جدایی از یکی از والدین

۱. فرجاد، آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، ص ۲۷۹

مواجه هستند و حتی در صورت ارتباط با هر دوی ایشان نیز به دلیل جدایی زمانی این ارتباط، مشکل عاطفی وجود خواهد داشت. علاوه بر آنکه ارتباط جداگانه با والدین، فرزند را فاقد تربیت هماهنگ و یگانه می‌سازد.

کودکانی که تحت سرپرستی مادر زندگی می‌کنند، با مشکلات مالی نیز روبه‌رو می‌شوند. در ضمن از آنجا که او زندگی خود را با یکی از والدین ادامه می‌دهد، گاه فاقد شناخت صحیح از صفات روحی والد دیگر می‌شود.

پس از طلاق والدین، کودکان در سنین پیش از دبستان، معمولاً خشمگین یا افسرده می‌شوند. بی‌میلی به بازی با دیگران و اخلال در بازی دسته‌جمعی، مراقبت زیاد درباره پاکیزگی، غمگینی و زود به گریه افتادن و زیاده‌طلبی، برخی از علایم رفتاری کودکان در مواجهه با طلاق والدین است.

فرزندانی که به مدرسه می‌روند، افسردگی شدید خود را از جدایی والدین به صورت خشم و خشونت بروز می‌دهند و درگیری با معلمان و افت تحصیلی در آنها بروز می‌کند. در دوران نوجوانی که افراد به استقلال بیشتری دست می‌یابند و از محیط خانه دور می‌شوند، زمینه بروز بزهکاری در آنها بیشتر است. تعارض در انتخاب پدر یا مادر و وفاداری به یکی از آنها و رها کردن دیگری مشکل اساسی نوجوانان پس از طلاق والدین است.^۱

در صورتی که والد سرپرست فرزند ازدواج مجدد نماید، فرزندان طلاق با مشکلات جدیدتری روبه‌رو خواهند شد. عدم پذیرش جدی فرزند از جانب همسر جدید و نیز عدم پذیرش او از سوی کودک در موارد بسیاری اتفاق می‌افتد. علاوه بر آن، از آنجا که ازدواج مجدد، شخص دیگری را وارد این حلقه محکم همبستگی می‌کند، فرزندان احساس می‌کنند دیگر جایی در خانه ندارند و فرد جدید، محبت و توجه پدر یا مادر را به خود جلب خواهد کرد؛ لذا به شدت از سست شدن رابطه خود با پدر یا مادر نگران هستند.

طلاق سبب گسست ارتباط فرزند از بستگان والد غیر سرپرست هم خواهد شد. در نتیجه از حمایت‌های عاطفی، روانی و اقتصادی والدین، خواهران و برادران یکی از والدین محروم خواهد شد.

۱. تایبر، بچه‌های طلاق، ص ۴۷ - ۴۰.

۳. پیامدهای اجتماعی

طلاق تعادل انسان‌ها را برهم می‌زند و موجب کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی می‌شود.^۱ علاوه بر آن، تعادل روحی نیروی انسانی را در تولید و خدمات برهم می‌زند و موجب بروز پیامدهای سهمگینی در حیات اقتصادی جامعه خواهد شد.

در ضمن هیچ‌گاه مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی و انحرافات اجتماعی بدون توجه به طلاق امکان‌پذیر نیست. طلاق می‌تواند موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی از قبیل اعتیاد به مواد مخدر، الکل، افزایش نرخ خودکشی، ناهنجاری‌های رفتاری جنسی و ... شود. همچنین طلاق می‌تواند موجب کم‌بها شدن خانواده و ارزش‌های خانوادگی در آن جامعه شود. علاوه بر آن، افزایش میزان طلاق به تدریج قبح اجتماعی آن را کاهش داده، اعتماد اجتماعی را که از مؤلفه‌های مهم سرمایه اجتماعی است، سلب می‌کند.

پنج. راهکارهای کاهش طلاق

تدابیری که برای کاهش طلاق اندیشیده شده است، عبارتند از:

۱. پیشگیری از ایجاد اختلاف بین زن و شوهر؛ مهم‌ترین عامل تداوم پیوند زن و شوهر، مهر و علاقه آنها به یکدیگر است. این محبت در صورتی پایدار می‌ماند که آن دو به یکدیگر خوش‌بین باشند و هر یک، دیگری را مونس و یاور خویش بدانند. به همین جهت، اسلام از هر آنچه به روابط گرم و صمیمی همسران آسیب برساند، نهی کرده است و دوستان، آشنایان و بستگان را به پرهیز از گفتار یا رفتاری که زن و شوهرها را نسبت به یکدیگر دلسرد کند، سفارش نموده است؛ حتی اگر آن گفتار صادقانه و راست باشد. پیامبر اکرم (ص) فرمود:

کسی که میان زن و شوهری جدایی اندازد، غضب و لعنت خدا در دنیا و آخرت شامل حال او می‌شود و سزاوار است خداوند او را در آتش بزرگ (در جهنم) اندازد و هر که قدمی در ایجاد اختلاف میان زن و شوهری بردارد، هرچند موجب جدایی آنها نشود، خشم خدا و لعنت او در دنیا و آخرت نصیب او می‌شود و خداوند با نظر رحمت به او نمی‌نگرد ... و هر که قدمی در جهت

۱. ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۱۲۰.

اصلاح رابطه میان زن و شوهری بردارد ... برای هر قدمی که برمی‌دارد یا سخنی که می‌گوید، ثواب یک سال عبادت که شب‌ها به نماز و روزها به روزه بگذرد، به او عطا می‌کند.^۱

۲. گذشت خردمندان برای پیشگیری از فروپاشی خانواده؛ هرچند هر یک از زوجین حقوق ویژه‌ای دارند. افراد خردمند به دلیل اهمیت استحکام خانواده از برخی حقوق خویش برای اصلاح روابط می‌گذرند تا بنای باعظمت خانواده فرو نریزد. در این معامله خردمندان، همسر، فرزندان و بستگان در آینده به عظمت ایثار او اعتراف خواهند کرد و خداوند دانا و کریم هم از دریای بی‌کران کرم خود به او پاداشی شایسته خواهد داد. قرآن می‌فرماید:

اگر زنی دریافت شوهرش با او بی‌مهتر و از او بیزار شده، باکی نیست که هر دو در میان خود طرح آشتی افکنند که آشتی بهتر است؛ حال آنکه بخل و فرومایگی بر نفوس مردم غلبه دارد و اگر نیکی و پرهیزکاری کنید، خدا به هر چه کنید، آگاه است.^۲

۳. محدودیت زمانی خاص برای طلاق؛ اگر در ایامی از ماه ... که منعی شرعی برای روابط زناشویی وجود ندارد ... حتی یک‌بار رابطه زناشویی اتفاق بیفتد، مرد حق طلاق همسر خود را ندارد؛ مگر آنکه زن پس از پاک‌ی از عادت ماهیانه رابطه زناشویی با شوهر خود نداشته باشد. از آنجا که شدت تمایلات جنسی در مردان زیاد و توان خویشنداری در آنها اندک است، این فاصله زمانی بسیاری از شوهران را از طلاق منصرف خواهد ساخت.

۴. لزوم حضور دو شاهد عادل؛ باید دو شاهد عادل ناظر بر وقوع طلاق باشند و از آنجا که یافتن آنها زمان می‌برد، گاه سبب سرد شدن آتش کدورت‌ها می‌شود. این دو شاهد نیز به دلیل عدالت خود، سعی در آشتی بین همسران خواهند داشت.

۱. ... من عمل في فرقة بين امرأة و زوجها، كان عليه غضب الله و لعنته في الدنيا و الآخرة و كان حقاً على الله أن يرضخه بألف صخرة من نار و من مشى في فساد ما بينهما و لم يفرق كان في سخط الله عزوجل و لعنة في الدنيا و الآخرة و حرم الله النظر الى وجهه ... و من مشى في اصلاح بين امرأة و زوجها ... كان له بكل خطوة يخطوها و كلمة تكلم بها في ذلك عبادة سنة قيام ليلها و صيام نهارها ... (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۹ - ۳۶۸)

۲. و إن امرأة خافت من بعلها نُشوراً أو إغراضاً فلأ جُناح عليهما أن يصلحا بينهما صلحاً و الصلحُ خيرٌ و أحضرت الأَنْفُسُ الشُّحَّ و إن تحسبوا و تتقوا فإن الله كان بما تعملون خبيراً. (نساء (۴): ۱۲۸)

۵. لزوم حضور در مراکز مشاوره؛ قانون حمایت خانواده (مصوب ۱۳۹۱) برای کاهش طلاق تدابیری اندیشیده است؛ از جمله آنکه باید در کنار دادگاه‌های خانواده، «مراکز مشاوره خانواده» دائر گردد و اعضای این مرکز باید از کارشناسان رشته‌های مختلف مطالعات خانواده، روان‌شناسی، مددکاری اجتماعی، حقوق و فقه و مبانی حقوق اسلامی انتخاب شوند. هر کس به دادگاه خانواده مراجعه می‌کند، پیش از بررسی دعوا در جلسه رسمی باید به مرکز مشاوره خانواده مراجعه نماید. مشاوران در فرصت کافی به خواسته‌ها و شکوای‌های آنها گوش فرا داده، برای اصلاح روابط آنها راهکارهایی ارائه می‌دهند.

۶. وساطت داوران؛ در ماده ۲۷ لایحه حمایت خانواده پیش‌بینی شده است که در کلیه موارد درخواست طلاق به‌جز طلاق توافقی، دادگاه باید برای صلح و سازش، موضوع را به داوری ارجاع دهد و داوران نیز برای آشتی بین همسران تلاش می‌کنند. داوران باید در صورت امکان از میان بستگان زن و شوهر انتخاب شوند؛ چراکه طرفین اختلاف غالباً در فضای روانی خاصی از احساسات منفی و کینه‌توزانه قرار دارند و در این فضا احتمال کمتری برای گرفتن تصمیمات صحیح و آینده‌نگرانه وجود دارد. راهکار اسلام در این مواقع آن است که طرفین دعوا تصمیم دوباره درباره زندگی را به دست افراد دارای صلاحیت و آرامش روانی بسپارند. همچنین تأکید شده که یکی از داوران از خویشان زن و دیگری از خویشان مرد باشد؛ شاید به این دلیل که بیشتر از وضعیت زندگی آنان مطلع هستند و بیشتر به مصالح خویشان خود پایبند و نسبت به آنان دلسوزند.^۲

۷. توجه به مشکلات فرزندان؛ مشکلاتی که والدین پس از طلاق در مورد حضانت فرزند، دوری از او و تأمین مخارجش با آن مواجه می‌شوند، یکی از عوامل انصراف از طلاق خواهد بود.^۳

۱. مبنای این تدبیر قانونی، فرمان خداوند در قرآن کریم است که فرمود: «فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا وَ حَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا». (نساء (۴): ۳۵)

۲. نشریه حورا، ش ۴۰، ص ۱۶.

۳. براساس قانون، در صورتی که زن و شوهر دارای فرزند باشند، پس از طلاق، حضانت و نگهداری طفل تا ۷ سال با مادر و سپس با پدر خواهد بود و در هر صورت، تأمین نفقه فرزندان برعهده پدر (و در صورت فوت او یا تنگدستی‌اش برعهده جد پدری) می‌باشد. در ضمن پس از طلاق، فرزند حق دارد تا هر هفته، مدت‌زمانی را با والدی که تحت حضانت او نمی‌باشد و نیز سایر بستگان ملاقات داشته باشد.

۸. توجه به پیامدهای اقتصادی طلاق؛ طبق ماده ۱۳۲ قانون حمایت خانواده، ثبت طلاق الزامی است و جز در موارد استثنای^۱ حقوق همسر و فرزندان درباره جهیزیه، مهریه، نفقه زوجه و نفقه اولاد تعدیه می‌شود. گاهی مردان با توجه به مسئولیت‌های اقتصادی طلاق از جدایی منصرف می‌شوند و به سازگاری ادامه می‌دهند.

۹. ایجاد زمینه آشتی مجدد؛ براساس قوانین اسلامی، اگر طلاق به درخواست مرد باشد، زن باید مدتی (ایام عده که حدود ۳ ماه می‌باشد) در منزل شوهر زندگی کند و مستحب است در این ایام خود را بیاراید و با پوشش زیبا و آرایش و رفتار جذاب و با به‌کارگیری استعدادهای زنانه خود، مرد را به سوی خویش متمایل سازد و کانون خانواده را در آخرین مرحله، از فروپاشی کامل در امان دارد. در طول مدت عده، زن نباید از سکونت در منزل مشترک تا پایان مدت عده سر باز زند، مگر آنکه احتمال ضرر جانی یا مالی برای او وجود داشته باشد.^{۳۰۲}

اگر تداوم زندگی مشترک، عامل ورود آسیب‌های جدی به خود یا به فرزندان باشد، نباید از جدایی و عواقب آن ترسید. این منفور الهی، حلال است و خداوند طلاق را راه خروج از بن‌بست

۱. در صورتی که زن رضایت دهد یا حکم قطعی بر اعسار زوج یا تقسیط آن صادر شود، اگر زن بدون دریافت حقوق مذکور نسبت به طلاق رضایت دهد، می‌تواند پس از طلاق جهت دریافت این حقوق از طریق اجرای احکام دادگاه اقدام نماید.

۲. در ماده ۳۸ قانون حمایت از خانواده نیز اعلام شده که در طلاق رجعی و طلاق به درخواست مرد، ثبت طلاق منوط به ارائه گواهی کتبی حداقل دو شاهد مبنی بر اسکان زوجه مطلقه در منزل مشترک تا پایان عده است که در صورت تحقق رجوع، صورت جلسه طلاق ابطال می‌شود.

۳. امام صادق علیه السلام: المطلقه تکتحل و تختضب و تطیب و تلبس ما شاءت من الثیاب لأن الله عزوجل یقول: «لعل الله یحدث بعد ذلك أمراً» لعلها أن تقع فی نفسه فیراجعها؛ زن مطلقه سرمه می‌کشد و خضاب می‌نماید (موی خود را رنگ می‌کند) و خود را خوشبو می‌سازد و هر لباسی را که خواست می‌پوشد؛ زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید: «شاید خداوند پس از آن امری را پدید آورد.» شاید زن بدین وسیله مهر خود را در دل مرد اندازد و مرد به او رجوع نماید (زندگی زناشویی از سر گرفته شود). (کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۹۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۲، ص ۲۱۷)

۳. امام باقر یا امام صادق علیهما السلام: تعتد فی بیتها و تظهر له زینتها لعل الله یحدث بعد ذلك أمراً؛ زن مطلقه (طلاق داده شده در طلاق رجعی که مرد خواهان طلاق باشد) باید در خانه‌اش عده نگه دارد و خود را برای همسرش آرایش کند، شاید خداوند پس از آن امری را پدید آورد (مرد به زن متمایل شود و زندگی مشترک دوباره آغاز شود). (همان؛ کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۹۱)

قرار داده، می‌فرماید: «با تکیه بر رحمت وسیع خدا و با اعتماد به حکمت او از این داروی تلخ برای درمان بهره‌گیرید و بدانید که خداوند شما را یاری خواهد کرد. اگر از یکدیگر جدا شونید، خداوند همه را از وسعت رزقش بی‌نیاز می‌کند و خداوند وسعت‌بخش دانا است»^۱.

شش. ترمیم خانواده‌های آسیب‌دیده از طلاق

خانواده‌ها با آسیب‌های متعددی مواجه هستند. گاه خانواده از درون مستحکم است، ولی آسیب‌های خارجی مانند جنگ، حوادث طبیعی (زلزله، سیل، بیماری و مرگ) باعث فشارهای زیادی بر آن می‌شود؛ گاهی هم خانواده از درون ناپایدار است که این نوع خانواده‌ها، گاهی با وجود تنش‌های مختلف بین اعضا، همچنان به حیات جمعی خود ادامه می‌دهند و گاه به دلیل مشکلات مختلف از هم می‌پاشند.

ترمیم خانواده آسیب‌دیده متناسب با نوع آسیب، شیوه خاص خود را می‌طلبد که در این بخش به شیوه ترمیم رایج‌ترین آسیب (طلاق) پرداخته می‌شود:

۱. تقویت فضایل اخلاقی

کارشناسان مسائل خانواده پس از رهنمودهای گوناگونی که برای کاهش مشکلات همسران و فرزندان طلاق ارائه می‌دهند، با این واقعیت انکارناپذیر روبه‌رو می‌شوند که هیچ راه‌حل اساسی و قابل اطمینانی برای مشکلات یادشده وجود ندارد، مگر توافق و همکاری زن و شوهر طلاق‌گرفته.

اسلام به‌عنوان دین اخلاق‌مدار، اهتمام فراوانی به شکوفایی و پرورش فضایل اخلاقی در انسان‌ها دارد. تأکید مکرر قرآن کریم بر طلاق توأم با احسان و نیکی^۲ نیز بیانگر اهمیت این موضوع است؛ چراکه طلاق زیبا، جز در پرتو آراسته بودن به فضایل اخلاقی قابل تحقق نیست. همچنین نکوهش آسیب‌رسانی همسران به یکدیگر به‌عنوان یک قاعده کلی قبل و

۱. وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يَغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا. (نساء: ۴): (۱۳۰)

۲. فَاِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ؛ (بقره: ۲): (۲۲۹) فَاِمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛

(بقره: ۲): (۲۳۱) فَاِمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ؛ (طلاق: ۲): (۶۵) أَسْرَحُكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا؛

(احزاب: ۳۳): (۲۸) سَرِّحُوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا. (احزاب: ۳۳): (۴۹)

بعد از طلاق،^۱ ترغیب افراد به‌ویژه همسران به رعایت فضایل اخلاقی همچون عطوفت و گذشت^۲ و تأکید بر مشورت و همفکری پسندیده میان زن و مرد طلاق‌گرفته در امور مربوط به فرزندان،^۳ از جمله سفارش‌های قرآن کریم در این زمینه است.

۲. پذیرش موقعیت جدید

وظیفه مهم زن و مرد پس از طلاق، کنار آمدن با سردرگمی ناشی از این پدیده است. آنان باید با استفاده از شیوه‌های شناختی و عاطفی به سازگاری مطلوبی نائل گردند.^۴ آنها برای تنظیم عواطف می‌توانند به فعالیت‌های سرگرم‌کننده روزانه بپردازند؛ مسافرت تفریحی، ورزش مداوم و گسترش روابط با خویشان و دوستان نیز در تنظیم عواطف فرد مؤثر است. در عین حال، فرد باید از لحاظ شناختی، واقعیت زندگی کنونی خود را پس از طلاق به‌خوبی درک کند.

۳. تقویت پیوندهای اجتماعی

راهکار دیگر اسلام در این زمینه، تقویت پیوندهای اجتماعی شامل روابط خویشاوندی، دوستی و همسایگی از طریق تأکید بر ارزش‌هایی مانند صله ارحام، رسیدگی به همسایگان و همدردی اهل ایمان با یکدیگر است. حضور مؤثر خویشاوندان، دوستان و همسایگان در کنار فرد طلاق‌گرفته و حمایت‌های مالی، عاطفی و مراقبتی آنان از وی و فرزندان، نقش بسیار مهمی در کاهش عوارض منفی طلاق ایفا می‌کند.^۵

کانون مدرسه به‌ویژه معلمان و مشاوران متعهد و دلسوز نیز می‌توانند نقش مهمی در حمایت از کودکان در سازگاری با شرایط پس از طلاق و رفع نیازهای عاطفی آنان داشته باشند.^۶

۱. بقره (۲): ۲۳۳.

۲. وَ لَا تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ... (بقره (۲): ۲۳۷)

۳. وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ ... (طلاق (۶۵): ۶)

۴. دیماتشو، روان‌شناسی سلامت، ج ۲، ص ۶۰۰ - ۵۷۰.

۵. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۵.

۶. شهیدی، اصول و مبانی بهداشت روانی، ص ۱۱۸.

۴. توجه به نیازهای فرزندان پس از طلاق

بهداشت روانی فرزندان طلاق به عواملی مانند سلامت روانی سرپرستی که حضانت کودک را به عهده می‌گیرد، بستگی دارد. سلامت عاطفی و روانی سرپرست و سازگاری مناسب او با محیط و شرایط پس از طلاق در حمایت او از کودک در برابر استرس‌ها و تضادهای ناشی از طلاق بسیار مؤثر است. خصوصیات کودک مانند سن، حالات عاطفی و جنسیت نیز در این امر اهمیت دارد.^۱ نکته مهم، همکاری پدر و مادر و حمایت از یکدیگر در سرپرستی فرزند است. آنان باید نقش والدینی خود را از نقش همسری تفکیک نمایند. از دیدگاه اسلام، مسئولیت والدین با طلاق ساقط نمی‌شود و آنان باید با مشورت و همفکری به امور فرزند خویش رسیدگی کنند.^۲

برای این منظور، والدین باید از نقش یکدیگر در رفع نیازهای کودک حمایت کنند. برای نمونه، اگر مادر مربی اوست، پدر این نقش او را تأیید کند یا مادر زمان‌هایی را برای فرزند در نظر بگیرد که با پدر تعاملات عاطفی داشته باشد. علاوه بر این، تضعیف و بی‌اعتبار کردن یکدیگر، نتایج ناخوشایندی بر فرزندان خواهد گذاشت. بچه‌ها به دلیل رابطه عاطفی شدید با پدر و مادر، بدگویی یکی از آنها را از طرف مقابل، در حقیقت بدگویی هر یک از آنان نسبت به خود تلقی می‌کنند؛ زیرا از لحاظ روانی، پدر و مادر را جزئی از شخصیت خویش می‌دانند. پدر و مادر نیز باید بپذیرند که بین احساسات خود نسبت به همسر سابق و احساسات کودک نسبت به او تفاوت بگذارند.

۵. تقویت نقش پدر پس از طلاق

اسلام مسئولیت اصلی سرپرستی کودک را به عهده مرد می‌گذارد. مطابق قانون، حضانت فرزندان تا هفت سالگی به عهده مادر است. پدران نه تنها باید از فرزند در هر صورت به‌ویژه از نظر مالی حمایت کنند، سرپرستی و کمک در امور مختلف او نیز بر عهده آنهاست. براساس مطالعات، یکی از مهم‌ترین ملاک‌های ارزشیابی میزان سازش‌پذیری کودک با محیط پس از

۱. همان، ص ۱۱۷.

۲. عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ. (بقره (۲): ۲۳۳)

طلاق، میزان فعالیت پدر در صحنه زندگی وی است.^۱ پدر باید ابراز توجه، محبت و تعامل‌های عاطفی را نسبت به کودک استمرار دهد، در جهت رشد اجتماعی و اخلاقی او تلاش کند، از وضعیت تحصیلی و اوقات فراغت او اطلاع کافی داشته باشد و زمان‌هایی را با وی بگذراند و به تفریح همراه با وی و رفع نیازهای روانی و مادی او اهتمام ورزد.^۲

۶. ازدواج مجدد

یکی از راهکارهای اساسی اسلام برای کاهش پیامدهای منفی طلاق، ازدواج مجدد افراد طلاق گرفته است. ازدواج مجدد به‌ویژه در صورت وجود فرزندان از ازدواج سابق، مشکلات خاصی را برای همسران در پی خواهد داشت؛ اما آثار مثبت آن در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه کاهش مشکلات مالی، عاطفی و جنسی همسران طلاق گرفته و افزایش سلامت روانی آنان قابل انکار نیست. به بیان روشن‌تر، ازدواج مجدد با توجه به مسئولیت مالی شوهر در اسلام باعث می‌شود زن طلاق گرفته از دغدغه تأمین معاش تا حد زیادی رهایی یابد و بسیاری از زخم‌های روحی حاصل از ازدواج ازهم‌گسسته التیام پیدا کند. بدون شک، برای رفع مشکلات جنسی ناشی از طلاق (توقف ارضای نیاز جنسی و ناامنی جنسی برای زنان بی‌شوهر) نیز گزینه‌ای بهتر از ازدواج مجدد نمی‌توان یافت. کاهش مشکلات همسران موجب افزایش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان در توجه به نیازهای فرزندان، رسیدگی به مشکلات آنها و مراقبت بهتر و نظارت مؤثرتر بر رفتار آنها خواهد شد.^۳

۱. تایبر، بچه‌های طلاق، ص ۹۳.

۲. سالاری‌فر، بهداشت روانی، ص ۳۴۱.

۳. بستان، خانواده در اسلام، ص ۲۱۲.

پرسش

۱. در منطقه‌ای که زندگی می‌کنید به نظر شما مهم‌ترین علل اختلاف همسران در خانواده‌های نابسامان چیست؟
۲. یکی از مشکلات رایج در روابط همسران جوان شهر خود را ذکر کرده برای حل آن راهکار ارائه دهید.
۳. در این فصل به برخی عوامل تضعیف خانواده اشاره شد، آیا عامل دیگری را می‌توانید ذکر کنید؟ برای تقویت خانواده در مقابل آن چه توصیه‌هایی دارید؟
۴. طلاق چه پیامدهای منفی فردی، خانوادگی و اجتماعی دارد؟
۵. برای کاهش آسیب‌های طلاق به یک زن مطلقه چه پیشنهادهای دارید (پیشنهاداتی که عمل به آن دشوار نباشد).

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. سیلویا آن‌هیولت و کوریل‌وست، *جنگ علیه والدین*، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر نشر معارف.
۲. زهرا آیت‌اللهی، *مهارت‌های زندگی خانوادگی در آئینه آیات و روایات*، قم، دفتر نشر معارف.
۳. *تقویت نظام خانواده و آسیب‌شناسی آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۴. *خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید*، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، نشر هاجر.
۵. محمدرضا زیبایی‌نژاد، حسین بستان، ... و همکاران، *آسیب‌شناسی خانواده*، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۶. محمدرضا سالاری‌فر، *مقابله با خشونت خانگی علیه زنان*، قم، نشر هاجر.
۷. ابراهیم شفیعی سروستانی، *زن نظام سلطه و رسانه‌ها*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۸. ویلیام گاردنر، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۹. شکوه نوابی‌نژاد، *مشاوره ازدواج و خانواده درمانی*، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

فصل پنجم:

فرزندآوری و فرزندپروری

اهداف درس

- از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:
۱. با اهمیت فرزندآوری از دیدگاه اسلام آشنا شوند.
 ۲. برخی فواید جسمانی، روانی و اجتماعی فرزندآوری را بشناسند.
 ۳. از آسیب‌های تک‌فرزندی اطلاع داشته باشند.
 ۴. اخلاق و آداب بارداری و تربیت فرزند را به‌اختصار بدانند.
 ۵. با اصول تربیت فرزند آشنا شوند.

اهمیت و جایگاه فرزندآوری در اسلام

برای فرزندآوری فواید فراوان ذکر شده است که به‌اختصار به نگرش اسلام در این زمینه و یافته‌های دانش تجربی اشاره می‌شود.

از نظر اسلام، داشتن فرزند و باقی‌گذارن نسل برای هر مسلمانی، امری پسندیده و مطلوب است. شایسته نیست هیچ مسلمانی با اختیار خود بدون فرزند و ذریه بماند. قرآن کریم عطای فرزند را نعمت و رحمتی از جانب خداوند به بندگان می‌داند و تأکید می‌کند که این امر به خواست و اراده او محقق می‌گردد:

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ إِنثَاءً وَيَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذُّكُورَ^۱

مالکیت و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین فقط در سیطره خدا است، هرچه را بخواهد، می‌آفریند، به هر کس بخواهد، دختر عطا می‌کند و به هر کس بخواهد، پسر می‌بخشد.

۱. شورا (۴۲): ۴۹.

استفاده از لفظ «يَهَبُ» دلالت بر این دارد که فرزند پسر و دختر، هر دو هدیه الهی و آسمانی هستند. از این رو در ادبیات دینی، فرزندآوری مبتنی بر دعا و نیایش و طلب از خداوند است و بندگان مؤمن این درخواست را جزء دعا‌های اساسی خود قرار می‌دهند و برای آن در زندگی ارزشی خود جایگاه خاصی قائل هستند:

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا
لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرار ده و ما را برای
پرهیزگاران پیشوا گردان.^۱

همچنین قرآن کریم، دعا و درخواست حضرت زکریا از خداوند برای داشتن فرزند و اجابت
آن را چنین گزارش می‌کند:

و زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَ
وَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ . . .

و زکریا را یاد کن، هنگامی که پروردگار خود را خواند: پروردگارا مرا تنها و
بی‌فرزند مگذار و تو بهترین وارثانی ... پس دعای او را اجابت نمودیم و یحیی را
بدو بخشیدیم.^۲

تولد فرزندان در زندگی حضرت ابراهیم علیه السلام نیز نعمت و پاداش عظیمی شمرده شده که
فرشتگان بدان بشارت دادند: «وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ ...»^۳ این عطای در
سالمندی با سپاسی ویژه از جانب آن حضرت همراه بود:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ.
ستایش خدای را که در وقت پیری، اسماعیل و اسحاق را به من عطا کرد.
به راستی پروردگار من شنونده و اجابت‌کننده دعا است.^۴

۱. فرقان (۲۵): ۷۴.

۲. انبیاء (۲۱): ۹۰ - ۸۹.

۳. هود (۱۱): ۶۹.

۴. ابراهیم (۱۴): ۳۹.

درک جایگاه نعمت وجود فرزند و توجیه اصرار مؤمنین در طلب آن زمانی میسر می‌گردد که کلام مشهور پیامبر ﷺ را به یاد بیاوریم که فرمودند:

إذا مات ابن آدم انقطع عمله الا من ثلاث: صدقة جاریه أو علم ینتفع به أو ولد صالح یدعو له.^۱

هرگاه شخص از دنیا برود، عملش قطع می‌شود و دیگر حسنه‌ای برای او ثبت نمی‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه (کار خیر ماندگار)، اثر علمی که از آن استفاده شود، و فرزند صالحی که برای او دعا کند.

چه فرصتی برای انسان محصور بین تولد تا مرگ، مغتنم‌تر از اینکه نتواند راهی برای استمرار وجود خود بیابد و پرونده اعمال نیکش را باز نگه دارد و پس از مرگ نیز به آن بیفزاید؟ کتاب خدا برای راز ماندگاری بشر و آنچه از او نزد خداوند محفوظ می‌ماند، تعبیر باقیات صالحات را به کار می‌برد:

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا.^۲

مال و فرزند، زینت زندگی دنیا هستند و نیکی‌های ماندگار ثواب نزد پروردگار تو بهتر و امیدبخش‌تر است.

بنابراین فرزند صالح، هم مایه زینت در دنیا و هم باقیات صالحات برای آخرت محسوب می‌شود. البته تربیت و تعلیم فرزند صالح، کاری پرمشقت و زمان‌بر است و به همین دلیل در اسلام، فرزندپروری در گام بعد از فرزندآوری، یک مسئولیت سنگین و ارزشمند به حساب می‌آید. از منظر اسلام، تولد فرزند از اهداف مقدس ازدواج می‌باشد و توصیه‌های فراوانی در این باره شده است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید:

تتأکحوا تکثروا فإني أباهي بكم الأمم يوم القيامة.^۳

ازدواج کنید تا عده شما بسیار شود؛ زیرا من در روز رستاخیز به فزونی شما بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم.

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

۲. کشف (۱۸): ۴۶.

۳. نهج الفصاحة، ص ۳۹۱.

ولادت فرزند نه تنها برای والدین او مایه خیر و برکت است، در سطح کلان جامعه بشری نیز ارزشمند است. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

چه چیزی مؤمن را از اینکه اهلی اختیار کند به امید آنکه خداوند فرزندی را نصیب او کند تا زمین را با لا اله الا الله سنگین سازد، باز می دارد.

در شریعت اسلام علاوه بر تشویق به ازدواج و فرزندآوری، تأمین رزق و روزی انسان هایی که زندگی خود را در این راستا سامان دهند، تضمین شده است. در آیات متعددی از قرآن، صریحاً از رازقیت خداوند سخن رفته است. هیچ جنبنده ای نیست مگر اینکه خداوند رحمن روزی او را برعهده گرفته است: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا.»^۱ لذا پیامبر ﷺ می فرماید:

من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنه بالله عزوجل، إن الله عزوجل يقول: ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله.^۲

کسی که ازدواج را از ترس فقر و مخارج عائله مندی ترک کند، به خدا گمان بد برده است؛ چراکه خداوند متعال می فرماید: اگر فقیر باشند، خداوند آنها را از فضل خود بی نیاز می سازد.

البته اعتقاد به رازقیت خداوند و توکل بر او، منافاتی با عاقبت اندیشی و برنامه ریزی در زندگی ندارد؛ چراکه خداوند برای هر پدیده ای سببی قرار داده است و یکی از علل و اسباب کسب روزی تا آنجا که به انسان مربوط می شود، تلاش و مجاهدت است که نزد خدا اجر و ثواب هم دارد. پیامبر ﷺ می فرماید:

الكادُّ لِعِيَالِهِ كالمجاهد في سبيل الله.^۳

مردی که برای خانواده اش به دنبال مال حلال است، مانند رزمنده در جبهه است.

همچنین ترس از فقر و ناکافی بودن منابع طبیعی و ظرفیت جغرافیایی، دلیل موجهی برای کنترل جمعیت نیست؛ چراکه خداوند و خالق عالم هستی، گنجایش زمین را برای

۱. هود (۱۱): ۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۴۲.

۳. کلینی، اصول الکافی، ج ۵، ص ۸۸، باب ۱، ح ۱.

زندگان و مردگان ضمانت نموده است: «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا أَحْيَاءُ وَ أَمْواتًا؟ إِنَّا ما به زمین گنجایش فراگیری و حمل زندگان و مردگان را نداده‌ایم؟»

بنابراین کثرت نسل از دیدگاه اسلام مطلوب است و ریشه در ابعاد معنوی و فرامادی حیات انسان دارد. براساس آموزه‌های دینی، زیاد شدن جمعیت مسلمانان صرفاً ابزاری برای تأمین اقتدار سیاسی و اقتصادی جامعه اسلامی یا منافع دنیایی والدین نیست؛ بلکه مطلوبیت آن ریشه در ارزش و جایگاهی دارد که مکتب اسلام برای وجود یک فرد مؤمن و موحد و گوینده «لا اله الا الله» در عرصه هستی برشمرده است. همچنین تأثیرات معنوی فراوانی که وجود فرزند و تحمل مشقات تعلیم و تربیت او دارد، در این مطلوبیت مؤثر است. در ادامه، فواید فرزندآوری بر اساس یافته‌های دانش تجربی بررسی می‌شود.

آثار و فواید فرزندآوری

یک. آثار و فواید جسمانی

خانواده‌هایی که صاحب فرزند هستند، بیش از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی لذت می‌برند و احساس خوشبختی بیشتری می‌کنند. نتایج تحقیقات پژوهشگران دانشگاه بریگهام یانگ آمریکا بر ۲۰۰ هزار خانواده از ۸۶ کشور جهان در بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۵ نشان می‌دهد که داشتن فرزند، موجب کاهش فشار خون والدین، افزایش تمایل به یادگیری، استفاده بیشتر از قدرت تعقل، افزایش اعتماد به نفس، امکان بهتر درک زیبایی‌ها، افزایش دقت در کارهای جزئی و افزایش شادی والدین می‌گردد.

فرزندآوری برای زنان اهمیت بیشتری دارد و بدن آنان برای تغذیه و پرورش کودکان آمادگی دارد. داشتن فرزند برای زن، حکم سلامت او را دارد و با تأمین شادابی، او را به زندگی سرگرم و امیدوار می‌کند.

تحقیقات جدید نشان می‌دهد که پدر و مادر شدن، خطر ابتلا به بیماری‌هایی را که سلامت انسان را تهدید می‌کند - مانند سرطان و بیماری‌های قلبی - کاهش می‌دهد. همچنین این پژوهش‌ها که روی ۱/۵ میلیون نفر انجام شده، نشان می‌دهد که داشتن فرزندان پرشمار،

خطر ابتلا به سرطان سینه را در زنان کاهش می‌دهد.^۱

علاوه بر آن، دانشمندان براساس برخی آزمایش‌ها و تحقیقات اعلام کرده‌اند مادرانی که تازه صاحب فرزند شده‌اند، حافظه بصری قوی‌تری دارند و در مقایسه با زنانی که فرزند ندارند، بهتر می‌توانند اطلاعات اطراف خود را دریافت کرده، به خاطر بسپارند.

همچنین این تحقیقات حاکی از آن است که داشتن فرزند، موجب بهبود حافظه مادران می‌شود.^۲ سانتیاگو براساس نتایج تحقیقاتش در همایش انجمن روان‌شناسی آمریکا اعلام کرد: ممکن است این مسئله در میان مادران احساس نشود؛ اما عملکرد حافظه آنها با قبل تفاوت دارد و بارداری موجب می‌شود مغز آنها عملکرد بهتری داشته باشد.

دو. آثار و فواید روحی - روان‌شناختی

۱. احساس دوست داشتن و دوست داشته شدن

با آغاز زندگی مشترک، بخش قابل توجهی از نیازهای عاطفی همسران جوان تأمین می‌شود و در صورت بهره‌مند بودن آنان از الگوهای خانواده متعادل، به‌مرور زمان توانایی پاسخ دادن به نیازهای بیشتر را پیدا می‌کنند. تولد فرزند نیز زمینه پاسخ‌گویی بسیاری از این نیازها از جمله نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن را فراهم می‌کند؛ زیرا یکی از نیازهای نوزاد، مورد توجه دیگران بودن است. در مقابل، والدین نیز نیاز دارند از کسی حمایت کنند و او را دوست داشته باشند. لذا کارکرد نیازهای مذکور به‌گونه‌ای است که والدین و فرزند مکمل یکدیگر هستند و حاصل آن رضایت خاطر است که نصیب آنها می‌شود. این احساس رضایت موجب انس بیشتر با کسی می‌شود که در تأمین خواسته‌های درونی سهمی دارد و نقش ایفا می‌کند و در نتیجه با گسترش خانواده پس از تولد فرزندان، ظرفیت‌های انس و الفت در زندگی افزایش می‌یابد.

۲. عامل نشاط و سلامت روانی والدین

یکی از مهم‌ترین عوامل ازدیاد شور و نشاط در زندگی مشترک، تولد فرزند در خانواده است؛ پیامبر گرامی اسلام ﷺ در تعبیری جالب می‌فرماید: «فرزند صالح، گلی از گل‌های

۱. «داشتن فرزند برای سلامت شما خوب است». www.jahannews.com.

۲. «تأثیر داشتن فرزند بر بهبود حافظه زنان». www.beytoote.com.

بهشت است.»^۱ همان گونه که گل‌های بهشتی باعث وجد و سرور اهل بهشت می‌شوند، فرزند صالح نیز باعث شادمانی و سرور والدین می‌گردد.^۲

ویل دورانت می‌گوید: «ملاحظه کنید که زناشویی بدون فرزند پزمرده است و چگونه پس از آوردن فرزند شکفته می‌شود».^۳

کودکان از زمان تولد و گاه از همان زمان که داخل رحم مادر هستند، موجب شادی و هیجان در خانواده می‌شوند. آنها با افزایش نشاط در روابط همسران، سلامتی و بهداشت روانی آنها را نیز تأمین می‌کنند. همان گونه که تولد کودک موجب شادی پدر و مادر است، نگاه به چهره او و کارهای کودکانه‌اش نیز نشاط و سلامت روانی والدین را به همراه دارد. مایکل آرگیل، کودکان را سرچشمه فایده‌های زیادی برای خانواده می‌داند. او می‌نویسد: «با وجود فرزند، لذت بسیاری در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین تحرک و شادی را به عنوان یک مزیت از کودکانشان دریافت می‌کنند».^۴

پژوهشی که راسل انجام داد، نشاط و شادمانی حاصل از تولد فرزند در خانواده را تأیید می‌کند. گذراندن وقت با کودک و بازی با او یکی از بهترین لحظاتی است که می‌تواند به پدر و مادر انرژی و نشاط ببخشد.^۵

تحقیقات فیلدمن نیز درباره پدر و مادران جوانی که فرزند اولشان به دنیا آمده، حاکی از آن است که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاط حاصل از آن در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی بسیار مؤثر است.^۶

کلام ائمه علیهم‌السلام نیز نشان‌دهنده همین دل‌بستگی سالم به فرزندان است. از امام صادق علیه‌السلام پرسیدند: شیرین‌ترین چیز برای انسان چیست؟ ایشان فرمود: «داشتن فرزند جوان.» سپس پرسیدند: بدترین و تلخ‌ترین حالت برای انسان چیست؟ فرمود: «از دست دادن فرزند».^۷

۱. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳.

۲. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۵۰.

۳. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۸.

4. A. M. Argyle, "The Psychology of Happiness", p. 82.

5. C. Russell, "Transitition to Parenthood", in: *Journal of Marriage and the family*, No. 36, p. 294-302.

6. H. Feldman, *the Effects of children on the family*, p. 104-125.

۷. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۸۸.

روان‌شناسان معتقدند دل‌بستگی متقابل والدین و فرزندان از ضروریات اجتماعی شدن است. این‌گونه دل‌بستگی‌ها برای موفقیت پدر و مادر در اجرای وظایف مربوط به رشد خانواده و بهداشت روانی آنان ضروری است و فرزندان از عناصر بنیادین خوشبختی در خانواده محسوب می‌شوند.^۱

۳. امید به آینده

با ورود اولین فرزند به کانون خانواده و شعاع گرمابخش او، دایره امیدها و آرمان‌های والدین افزایش می‌یابد. همچنان که فرزند در مقابل چشمان والدین می‌بالد و شکوفا می‌شود، بذرها امید نیز در دل پدر و مادر جوانه می‌زند و آرزوهای نوین، منشأ حرکت و تلاش آنها برای تداوم حیات می‌گردد؛ چراکه فرزندان که صحیح تربیت می‌شوند، غیر از اینکه خود آنان مسیر سعادت را در زندگی طی می‌کنند و باعث افتخار پدر و مادر می‌گردند، در زندگی آینده والدین نیز نقش مؤثری دارند و از آنان حمایت می‌کنند. چنین فرزندان در سال‌های پیری و سالمندی پدر و مادر، از آنان دستگیری می‌نمایند و آنها را تنها نمی‌گذارند؛ حال آنکه کسانی که فرزند ندارند، معمولاً در دوران کهولت از احساس تنهایی رنج می‌برند.

امام سجاده^ع در دعای خویش در حق فرزند، از خداوند می‌خواهد آنها را در یاری به ایشان کمک کند:

بار خدایا! بازوی مرا به وسیله ایشان استوار گردان و کمر مرا به آنان راست نما
(در سختی و گرفتاری آنان را کمک من گردان) و عدد و شماره مرا به آنان
افزون کن و مجلس مرا به ایشان بیارا و یاد مرا به آنها زنده بدار و به وسیله اینان
برابر حاجت و خواسته‌ام یاری فرما.^۲

۴. رشد شخصیت

وجود تجربه فرزندپروری، مجموعه کاملی از ارزش‌ها را به ساختار شخصیت والدین اضافه می‌کند. هن،^۳ میلیسپ،^۴ هارتکا^۵ از مطالعات خود درباره شخصیت به این نتیجه رسیدند که

۱. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۵۹.

۲. صحیفه سجاده، دعای ۲۵ (دعا در حق فرزند).

3. Haan.

4. Millsap.

5. Hartka.

سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می‌رسد. آنها می‌گویند:

معمولاً این‌گونه تصور می‌شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول نوجوانی روی می‌دهد؛ اما یافته‌ها نشان می‌دهد که تغییرات بسیار شخصی نه در طول نوجوانی، بلکه در انتهای آن رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که بیشتر مردم در نهایت دچار تغییرات نقش می‌شوند و به اشتغال و ایفای نقش والدینی مشغول می‌شوند.^۱

۵. حس مفید بودن و ارزشمندی

تولد فرزندان در خانواده، احساس مفید و مؤثر بودن را برای پدر و مادر به ارمغان می‌آورد. امام سجاده^{علیه السلام} می‌فرماید: «باید بدانی که او (فرزند) از تو و ثمره وجود توست.»^۲ داشتن ثمره نیکو، عامل دلگرمی والدین است و احساس مفید بودن و ارزشمندی را در آنان تقویت می‌کند.

سه. آثار و فواید خانوادگی

۱. استحکام خانواده

والدین به لحاظ ایجاد شبکه ارتباطی جدید پس از تولد فرزند، جاذبه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و سرگرمی‌های تازه‌ای را تجربه می‌کنند که مرکز ثقل آن فرزند است و مشاهده ناتوانی‌های نوزاد، حس مسئولیت و شفقت را در والدین برمی‌انگیزد تا با کمک یکدیگر، همه توان خویش را برای حمایت از او به کار گیرند.

براساس تحقیقات و مطالعات، یکی از علت‌های طلاق زوجین، نداشتن فرزند است. فرزند - به‌ویژه فرزند خردسال - به‌منزله پیوند بین پدر و مادر است؛ از این رو بی‌فرزندی باعث تزلزل خانواده می‌شود؛ چراکه زندگی کم‌کم عادی می‌گردد و مشکلات نمایان‌تر می‌شود و در نتیجه علاقه همسران به زندگی مشترک کم خواهد شد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خانواده‌های بی‌فرزند در ایران بیش از خانواده‌های دیگر در معرض گسست قرار دارند.^۳

بنابراین فرزند که در آموزه‌های دینی از او به «جگر گوشه والدین»^۴ و «گل خوشبوی

1. R. Mc Care and p. Costa, *Personality in Adulthood*, P. 10.

۲. صحیفه سجادیه، دعای ۲۵.

۳. ساروخانی، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۷۱ - ۶۷.

۴. نوری طبهرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲.

بهشتی»^۱ یاد شده، نقش مثبتی در استحکام و تداوم حیات خانواده دارد و پدر و مادر حاضر نیستند به راحتی این جگرگوشه خود را با اختلاف یا طلاق آزرده خاطر کنند.^۲

۲. پویایی خانواده

یکی از عوامل پایداری زندگی، داشتن تنوع مناسب است و در مقابل آن یکنواختی، موجب ملال، سرخوردگی و تضعیف مناسبات بین اعضای خانواده می‌گردد.

تولد فرزند جدید، فرصتی برای تنوع بخشیدن به زندگی و رهایی از دل‌تنگی است. همان‌گونه که مشاهده رویش گل‌ها و گیاهان، حس حرکت و بالندگی را در آدمی بیدار می‌کند، تماشای صحنه‌های دلپذیر رشد کودکان، والدین را به وجد می‌آورد و موجب پویایی و انگیزش آنان می‌شود.

اضافه شدن فرزند به جمع خانواده، شتاب خاصی به آهنگ زندگی می‌بخشد. ویل دورانت در توصیف حالات پدر و مادر می‌نویسد:

این زن است که توانایی‌های تازه‌ای به دست آورده، مادری چنان شکیبا و مهربان شده که حتی در هنگام هیجان و شدت عشق نیز سابقه نداشته است ... و این مرد مسئولیتی می‌پذیرد که او را پخته کرده، افق دیدش را وسیع می‌سازد و از یک حس پدری عمیق که ناگهان فرا می‌رسد، لذت می‌برد.^۳

۳. گسترش تعاملات و ارتباطات

خانواده ابتدا متشکل از زن و شوهر می‌باشد و روابط آنها نیز در محدوده خاصی است که اصطلاحاً از آن به رابطه خطی زن و شوهر تعبیر می‌شود. با تولد اولین فرزند، باب جدیدی در روابط انسانی خانواده گشوده شده، رابطه‌ای غیرخطی (مثلثی) میان پدر و مادر و فرزند ایجاد می‌شود. این گسترش رابطه، علاوه بر تغییر کمی، سبب تغییر کیفی رابطه آنها نیز می‌شود و ارتباطات جدید آکنده از دل‌بستگی‌ها و تعلقات خاص خواهد بود.

شاید آمدن فرزند به جمع خانواده در ابتدا باعث شود زن و شوهر در رفتن به برخی محافل

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. پناهی، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، ص ۲۶۰.

۳. دورانت، تاریخ فلسفه، ص ۱۷۹ - ۱۷۸.

دچار محدودیت شوند؛ اما همین تازه‌وارد باعث می‌شود دوستان خانوادگی جدیدی پیدا کنند. همچنین وجود کودک، توجه دیگران به خانواده او را نیز در پی خواهد داشت و در نتیجه از حمایت اجتماعی بیشتری بهره‌مند خواهند شد که همین امر در افزایش سلامت خانواده مؤثر است.

هافمن تحقیقی بر خانواده‌های دارای فرزند انجام داد و چنین نتیجه گرفت که فرزند بر فرآیند اجتماعی شدن و جامعه‌پذیری والدین تأثیر می‌گذارد؛ موارد زیر از نتایج پژوهش اوست:

- کودکان به پدر و مادر اعتبار بخشیده، آنان را از تنهایی نجات می‌دهند.

- کودکان با حضور خود، وضعیت بزرگسالان، به‌خصوص زنان را تأیید می‌کنند و به آنان هویت اجتماعی می‌بخشند.

- آنها والدین خود را از طریق فعالیت‌هایشان در مدرسه و مراکز تفریحی سالم و محیط همسایگی با جامعه پیوند می‌دهند.

- کودکان با توجه به اصول اجتماعی شدن، شایستگی و صلاحیت والدین را افزایش می‌دهند و آنان را به مرز خودکفایی می‌رسانند.

- چون والدین بیش از افراد بی‌فرزند دارای تأیید اجتماعی هستند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت، بر اعمال نفوذ والدین نیز می‌افزایند.^۱

بنابراین فرزندآوری یک جنبه کلیدی برای اجتماعی شدن اکثریت مردم در همه فرهنگ‌ها است.

آسیب‌های تک‌فرزندی

یک. آسیب والدین

در خانواده‌های تک‌فرزند، والدین و فرزند هر دو احساس می‌کنند نیازهای شدیدی به یکدیگر دارند و پدر و مادر همواره در اضطراب به سر می‌برند که مبادا تنها فرزندشان را از دست بدهند؛ حال آنکه در خانواده‌های پرجمعیت، توجه والدین به‌ویژه مادر معطوف به کودکان است و بیشتر وقت وی صرف تربیت آنان می‌شود. از این رو فرصتی برای افکار منفی یا رفتار بیهوده باقی نمی‌ماند.

والدین با آرامش بیشتری به رفع مشکل می‌پردازند و در صورت برطرف نشدن مشکل، آن را تحمل می‌کنند. علاوه بر آن، در زندگی مدرن امروز، اوقات فراغت زنان افزایش یافته

است و به دلیل محدودیت فرصت‌های شغلی برای آنان، احساس بطلان و بیهودگی در آنها روان ایشان را فرسوده می‌سازد.

پدر و مادر در تلاش مستمر برای رسیدگی به فرزندان از زندگی پویا و پرتحرک لذت می‌برند و هنگام فعالیت خویش هم‌زمان آثار و برکات تلاش خود را در شور و نشاط حاصل از رشد و بالندگی فرزندان خود مشاهده می‌کنند.

علاوه بر آن، در خانواده‌های تک‌فرزند، مشکلات جزئی وی اشتغال ذهنی زیادی برای پدر و مادر ایجاد می‌کند. برای نمونه، مادر با مشاهده کوچک‌ترین احتمال آسیب یا بیماری فرزندش سراسیمه و آشفته می‌شود یا هر رفتار ظاهراً غیرمعمول و غیرعادی کودک را نشانه‌ای از بروز مشکل رفتاری یا اخلاقی او می‌داند. پدر نیز با بروز کوچک‌ترین مشکل در زندگی، دچار اضطراب می‌گردد. البته توجه به جزئیات رفتاری در این‌گونه خانواده‌ها سبب درگیری‌های کم‌اهمیت در خانواده نیز می‌شود.

دو. آسیب فرزند

در این خانواده‌ها همه محبت‌ها و حمایت‌ها از یک‌طرف و همه سخت‌گیری‌ها و کنترل‌ها از طرف دیگر متوجه همان یک فرزند می‌باشد.

این محبت و حمایت افراطی یا سخت‌گیری زیاد و کنترل بیش از حد پدر و مادر و اطرافیان به سلامت روانی فرزند آسیب می‌رساند؛ از یک‌طرف، چون همه توجهات به‌سوی اوست و دیگران برای او تصمیم می‌گیرند، اراده او خدشه‌دار می‌گردد و قدرت و تحمل وی در رویارویی با مشکلات کاهش می‌یابد. از سوی دیگر، چون معمولاً همه‌چیز برای او فراهم است، توقع وی بالا می‌رود و در درازمدت انسانی نامهربان و خودخواه می‌شود که جهان را متعلق به خود می‌داند و چون عادت ندارد کسی را در کنار خود ببیند، همه‌چیز را فقط برای خود می‌خواهد.

تک‌فرزندانی که در کانون توجه خانواده قرار می‌گیرند، در مواجهه با مشکلات معمولاً دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند؛ درحالی‌که اگر چند فرزند باشند، با تکیه بر یکدیگر و همدلی، مشکلات خود را بهتر حل می‌کنند.

یکی دیگر از مشکلات تک‌فرزندی این است که او نمی‌تواند در خانواده با کسی رقابت یا دعوا کند. بنابراین فرصتی برای کنترل و مدیریت برخی احساسات منفی پیدا نخواهد کرد.

تک‌فرزندها کمتر با مشکلات مواجه می‌شوند و در معرض تجربه کردن شکست، ناکامی، رانده شدن و ... قرار نمی‌گیرند و شرایطی را که لازمه بلوغ روحی و روانی است، تجربه نمی‌کنند. به علاوه اینکه فرزندسالاری، مانع شکل‌گیری شخصیت فعال فرزند می‌شود. شخصیت فعال یعنی آنچه فرد براساس آن، نسبت به نگرش و رفتار خود هوشیار است، به راحتی تصمیم می‌گیرد، کار خود را با اعتماد به نفس به پیش می‌برد و آن را به اتمام نیز می‌رساند و کمتر دچار تردید می‌شود.

گرایش به انزوا، افسردگی، ضعف در برقراری ارتباط با همسالان، توجه بیش از حد به بازی‌های رایانه‌ای و انفرادی و ترس یا تنفر از حضور در گروه‌های اجتماعی از جمله خصوصیات تک‌فرزندها است. زندگی در کنار برادر یا خواهر، روحیه جامعه‌گرایانه کودک را تقویت می‌کند و به وی مدیریت در روابط اجتماعی را می‌آموزد. همدلی و همسویی با افراد خانواده، عشق‌ورزی و سهولت در برقراری ارتباط با افراد هم‌سن در جامعه و مدرسه از اصلی‌ترین ویژگی‌های فرزندان در خانواده‌های دارای بیش از یک فرزند است. در این خانواده‌ها ارتباط با خواهر و برادر نقشی مهم و اساسی در رشد و شکوفایی کودک ایفا می‌کند؛ از جمله در او میل به بازی و سرگرمی را ایجاد می‌کند، این امکان را فراهم می‌سازد تا نقش‌های متفاوتی را بازی کند، او را در افزایش خلاقیت و خودجوشی یاری می‌رساند، به او فرصت می‌دهد تا خشم و پرخاشگری خویش را ابراز کند و به او می‌آموزد که چگونه این حس را هدایت کند؛ همان ویژگی‌هایی که او را برای زندگی در جامعه و رویارویی با افراد آماده می‌کند.

از دیگر پیامدهای تک‌فرزندی آن است که کم شدن ارتباطات کلامی، سبب حاکمیت رسانه‌های تصویری می‌گردد؛ در نتیجه کودک به تلویزیون، جاذبه‌های گرافیکی و هیجان‌های کاذب در بازی‌های رایانه‌ای و دنیای مجازی روی می‌آورد که این امر تعامل اجتماعی را کاهش می‌دهد و تأثیری منفی بر رشد معرفتی او دارد.

در روایات اسلامی نیز توصیه شده که همسران از تولد فرزندان متعدد استقبال نمایند و از خداوند نسلی سالم و صالح تقاضا کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من به زیادی جمعیت شما مسلمانان بر امت‌های دیگر افتخار می‌کنم»^۱.

۱. ائی مکاتر بکم الأمم. (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۵)

اخلاق و آداب بارداری و تربیت فرزند

یکی از ویژگی‌های مسئولیت‌های والدین، شمول و پیوستگی آن در طول دوره زندگی فرزند است که گستره آن، دوره قبل از تولد فرزند (همسرگزینی، مقدمات انعقاد نطفه، بارداری و زایمان) و نیز دوره کودکی، نوجوانی، جوانی و مرحله ازدواج فرزند و پس از آن را دربر می‌گیرد.

یک. آداب دوران بارداری، زایمان و نوزادی

۱. قبل از بارداری

تربیت فرزندان باید از قبل از تولد (هنگام انتخاب همسر) مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا همسر تأثیرگذارترین عامل در تربیت آینده فرزند محسوب می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

با فردی از خانواده و فامیل صالح ازدواج کنید؛ چراکه عرق تأثیرگذار است.^۱

از این روایت استفاده می‌شود که عرق - یا به تعبیری ژن - در انتقال صفات فرزندان بسیار ظریف، دقیق و قوی عمل می‌کند. ژن‌ها صفات والدین را به فرزندان منتقل می‌کنند. بنابراین اگر کسی زن زیبا، ولی بی‌ادب یا شوهر بداخلاق را برگزیند، مطمئناً بی‌ادبی و بداخلاقی همسر در تکوین شخصیت فرزندان اثر خواهد گذاشت.^۲

۲. حین انعقاد نطفه

نظام فکری و حالات روانی و رفتار والدین در حین آمیزش بر فرزند تأثیرگذار خواهد بود. اولین مؤلفه مهم، رعایت حریم الهی و ترک محارم الهی از سوی پدر و مادر است که بارزترین مورد آن پرهیز از غذای حرام در زمان انعقاد نطفه و هنگام شکل‌گیری سلول‌های اولیه است؛ زیرا همان‌طور که غذای مسموم موجب بروز اختلالاتی در دستگاه بدن فرزند می‌گردد، غذای حرام نیز تأثیر مخربی بر روح و روان او خواهد گذاشت.

از این رو بسیار سفارش شده که والدین از غذای حرام پرهیز نمایند و «حلال و پاکیزه را

تناول کنند».^۳

۱. تزوجوا فی الحجر الصالح فان العرق دساس. (طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۹۷)

۲. مظاهری، اخلاق در خانواده، ص ۲۲۹.

۳. بقره (۲): ۱۶۸.

علاوه بر آن، فکر و نیت اعمال صالح در هنگام انعقاد نطفه نیز اثر مثبتی در روحیه و آینده فرزند دارد و افکار آلوده به گناه، آثار منفی از خود به جای می‌گذارد. بنابراین سفارش شده که زن و شوهر هنگام رابطه زناشویی، افکار آلوده را به خود راه ندهند و با احساس صمیمیت و لذت و عشق فراوان، رابطه زناشویی خویش را بانشاط سازند تا سبب زیبایی، هوشمندی و مستعد شدن فرزندشان گردد.^۱

همچنین همسرانی که نسبت خویشاوندی نزدیک دارند، باید قبل از بچه‌دار شدن از مشاوره ژنتیک استفاده کنند.

۳. دوران بارداری

از بین مراحل زندگی فرزند، حضور در رحم مادر حساسیت ویژه‌ای دارد و جنین در رحم مادر تحت تأثیر عوامل زیر قرار می‌گیرد:

- عوامل مادی و طبیعی: تغذیه مادر، داروها، بیماری‌ها، اعتیاد، تشعشعات و عامل RH.

- عوامل روانی: غم‌ها، شادی‌ها، ترس‌ها، اضطراب‌ها، اندیشه‌های مادر و ...

- عوامل اجتماعی: رفتارهای دیگران با مادر به‌ویژه همسرش، ارتباط اجتماعی و ...

- عوامل معنوی: ارتباط با خدا، غذای حلال، نیت خالص، خصوصیات اخلاقی و ...

تأثیر این عوامل بر فرزند در رحم مادر تاحدی است که حتی در سرنوشت او در بزرگسالی اثر می‌گذارد.

بنابراین بعد از اینکه نطفه بسته شد و زن باردار گردید، مرحله جدیدی از مسئولیت‌های او آغاز می‌گردد. مادر باردار برای اینکه نقش خود را به‌خوبی انجام دهد، ابتدا باید از مراحل رشد جنین آگاهی یابد و در جهت رفع نیازهای او تلاش کند.

از بین مراحل رشد جنین (سلول اولیه، رویان و جنین) مرحله دوم (رویان) که از هفته سوم تا پایان هفته هشتم بارداری می‌باشد، بسیار مهم است و عوامل مخرب محیطی در این زمان باعث ایجاد ناهنجاری‌هایی در جنین می‌گردد. در این دوران، سلامتی جسمانی مادر نیز بسیار اهمیت دارد؛ از طرفی، مصرف برخی داروها نیز برای جنین مشکلاتی به بار می‌آورد. بنابراین

۱. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: میخبر، *ریحانه بهستی*، ص ۵۵ - ۳۴.

مصرف هر دارو باید با نظر پزشک باشد. همچنین مصرف الکل و اعتیاد مادر باعث بروز مشکلات جسمی و آسیب‌های روانی در فرزند می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مهمی که از طریق مادر بر جنین اثر می‌گذارد، نوع تغذیه او در دوران بارداری است. غذای مادر باردار باید غنی و کامل باشد تا از یک‌طرفه‌ی احتیاجات بدن خویش را تأمین کند و از طرف دیگر، مواد غذایی موردنیاز رشد کودک را در اختیارش قرار دهد.^۱

تکامل اعضای بدن جنین، رشد اعصاب و ساختمان مغز و میزان ضریب هوشی و استعداد کودک و حتی اخلاق او به وضع تغذیه مادر در دوران بارداری بستگی دارد.

مراجعه مادر به پزشک به‌طور منظم، تشکیل پرونده پزشکی و تحت مراقبت بودن در تمام دوران بارداری امری الزامی است؛ زیرا هنگام زایمان، تدابیر پیش‌بینی‌شده پزشکی می‌تواند از بسیاری از مشکلات و پیچیدگی‌های زایمان، نارسایی‌ها و ضایعات احتمالی زمان تولد پیشگیری کند.^۲

خانم باردار باید از انجام کارهای سنگین پرهیز کند و در فواصل کار روزانه مدتی استراحت نماید. او به هشت ساعت خواب در شبانه‌روز احتیاج دارد.

علاوه بر آن، آرامش روحی مادر در طی دوران بارداری نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا جنین تحت تأثیر محیط اطراف قرار می‌گیرد و بی‌شک نزدیک‌ترین عنصر محیط به او مادر است. بنابراین ناراحتی‌های روانی و مشکلات عصبی مادر بر فرزند از نظر هوش، استعداد، نشاط و سلامت روانی تأثیرگذار می‌باشد. از این‌رو نوزادی که ثمره یک عشق حقیقی و مشروع با خاطری آسوده و رضایت کامل زن و شوهر باشد و بعد از تولد نیز در محیط امن در کنار والدین پرورش یابد، معمولاً ضریب هوشی بالایی خواهد داشت.

هیجانات شدید مادر، افکار منفی، غم و اندوه، تأسف خوردن از بارداری، واکنش منفی شوهر نسبت به بارداری او، نگرانی از واکنش اطرافیان به جنسیت نوزاد، ترس، خشم، بدبینی و ... در جنین تأثیر منفی می‌گذارد. برعکس، تماشای مناظر زیبا، قرار گرفتن در طبیعت، افکار مثبت، آرامش و اطمینان یافتن در اثر حمایت‌های همسر و اطرافیان، پذیرش موقعیت خود و

۱. شش دسته مواد غذایی شامل پروتئین‌ها، چربی‌ها، قندها، آب، ویتامین‌ها و املاح معدنی است.

۲. افروز، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، ص ۲۰۹.

احساس غرور و افتخار برای داشتن چنین نعمتی صرف‌نظر از جنسیت آن، علاوه بر تأثیر مثبت بر جنین، قدرت تحمل مادر را در مقابل سختی‌های دوران حمل زیاد می‌کند. پدران نیز مسئولیت خطیری در دوران بارداری مادران برعهده دارند؛ زیرا ایجاد تسهیلات لازم از جهات مختلف، فراهم نمودن آرامش خاطر، سلامت روانی و عاطفی مادر، تلاش برای تأمین نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی مادر و سیراب ساختن وی از منبع محبت، از وظایف و مسئولیت‌های پدران آگاه و متعهد است.^۱

در پایان به‌اختصار می‌توان موارد مهمی را که در دوران بارداری باید به آن توجه داشت، چنین ذکر کرد:

- انجام آزمایش‌ها در بازه‌های زمانی معین.
- انجام سونوگرافی اولیه با هدف تعیین ناهنجاری‌ها.
- اندازه‌گیری AFP در صورت لزوم برای تشخیص بیماری‌های ژنتیک.
- غربال‌گری دیابت.
- بررسی عفونت باکتریایی واژن.
- بررسی عفونت باکتریایی جنین.
- بررسی «Indirect Coombs» برای مادران Rh منفی.
- اندازه‌گیری وزن، فشار خون در هر ماه از بارداری.
- انجام معاینات عمومی و توجه به آنها.
- توجه به تغذیه در دوران بارداری.
- بهداشت دهان و دندان.
- بهداشت روان.

۴. مرحله زایمان

زایمان فرآیندی است که طی آن نوزاد به‌طور طبیعی و به دست پزشک یا ماما متولد می‌شود. در موارد خاص پزشکی که احتمال خطر برای مادر یا جنین وجود دارد، زایمان به‌صورت سزارین انجام می‌گیرد.

یکی از روش‌های قابل تحمل نمودن درد زایمان، آماده‌سازی مادر از طریق تمرینات ورزشی قبل از زایمان است؛ از جمله: تمرینات تنفسی، ورزش‌هایی برای تقویت و نرم شدن و کشیده شدن عضلاتی که در جریان زایمان نقش دارند و تمریناتی برای آرام‌سازی عضلات و اعصاب که با انجام آن، مرحله زایمان راحت‌تر سپری می‌گردد.

۵. دوران نوزادی

دوران نوزادی، اوقات مهمی برای شکل‌گیری اولیه شخصیت فرزندان است و برای این دوران توصیه‌های زیر ذکر شده است:

- گفتن اذان و اقامه در گوش فرزند؛ بعد از به دنیا آمدن فرزند بهتر است اولین صدایی که نوزاد از جهان خارج می‌شنود، ذکر «الله اکبر» و اذان و اقامه باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وقتی فرزندان متولد شد، در گوش راستش اذان و در گوش چپ او اقامه بگویید».^۱

- انتخاب نام نیکو؛ براساس روایات اسلامی، تعیین نام نیکو برای فرزند از حقوق کودک بر پدر و مادر اوست. امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «حق فرزند بر والدینش آن است که نام نیکو بر او بگذارند، او را نیکو تربیت کنند و قرآن را به او تعلیم دهند».^۲ باید برای فرزندان نامی انتخاب شود که باعث افتخار او باشد؛ نامی که مفهومی ارزشمند داشته باشد و در تمام عمر، آن مفهوم مثبت به او تلقین شود.

- ولیمه و عقیقه؛ سفارش شده که پس از تولد فرزند، پدر و مادر ولیمه بدهند و اطعام کنند و اقوام و خویشان و دوستان دور هم جمع شوند و ورود فرزند را جشن بگیرند.

- ختنه؛ ختنه سنتی واجب برای پسران و در جهت حفظ سلامت، رشد مناسب و مراعات زمینه‌های بهداشتی است.

- تغذیه با شیر مادر؛ مادر باید نوزاد را از شیر خود سیراب کند تا با او ارتباط عاطفی برقرار نماید. نوزاد به لمس کردن، حرارت، تماس پوستی و همچنین در آغوش گرفتن به‌خوبی واکنش نشان می‌دهد.

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۲۳.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹.

دو. اصول تربیت فرزند

همه کودکان با فطرتی پاک و خدایی به دنیا می‌آیند و این تربیت ماست که شخصیت آنها را سامان می‌دهد. تربیت یعنی اینکه از فرزندانمان مراقبت کنیم. آنها را حمایت کنیم، دوستشان بداریم و آنان را راهنمایی کنیم تا مهارت‌های لازم را برای زندگی سالم کسب کنند. تربیت فرزندان وظیفه‌ای دشوار است که نیاز به فراگیری دانش و مهارت، بردباری، تمرین و صرف وقت دارد. در این بخش، چند اصل مهم در امر تربیت فرزند بیان می‌شود.

۱. اصل تدریج و توجه به مراحل تربیت فرزند

یکی از مهم‌ترین اصول تربیت، اصل تدریج است که تکوین هستی و آفرینش انسان، همگی براساس آن صورت می‌گیرد. پیامبران دین را از طریق وحی به تدریج دریافت می‌کردند و در ابلاغ رسالت خویش و تعلیم و تربیت امت خود نیز تدریجی عمل می‌نمودند.

تربیت نیز باید هماهنگ با توان و گنجایش کودک و به صورت تدریجی و آهسته صورت گیرد. منظور از پرورش تدریجی، هماهنگی روند تربیت با رشد تدریجی فرزندان است؛ زیرا شخصیت کودک گام‌به‌گام سامان می‌یابد و گفتار و رفتار به مرور در او اثر می‌گذارد و در عمق جاننش نفوذ می‌کند.

۲. هماهنگی والدین در تربیت فرزند

هماهنگی والدین در شیوه‌های تربیتی، تأثیر بسزایی در تربیت صحیح فرزندان دارد؛ حال آنکه اختلاف والدین در این زمینه، کودک را دچار تعارض می‌کند؛ چراکه او مجبور است فقط یک توصیه رفتاری را بپذیرد و چون هم پدر و هم مادر را دوست دارد، توان انتخاب یکی را نخواهد داشت و دچار التهاب درونی و تعارض خواهد شد.

در صورت اختلاف پدر و مادر در تربیت فرزند، باید آن دو با گفتگو و تبادل اندیشه، به شیوه‌ای واحد برسند و توجه داشته باشند که این گفتگو در حضور کودک انجام نگیرد. در مواردی که والدین نمی‌توانند به نظر واحد برسند، نظر مشاوره آگاه، متدین و دلسوز می‌تواند راهگشا باشد. در برخوردهای موردی و سطحی نیز هماهنگی پدر و مادر و حتی بقیه اعضای خانواده لازم است؛ مانند اینکه پدر تصمیم بگیرد با کودک خردسال قهر کند، اما چون مادر با او

هماهنگ نیست، هم‌زمان با قهر پدر، به فرزند محبت کند که در نتیجه قهر پدر بی‌اثر می‌شود؛ یا هنگام توبیخ فرزند از سوی مادر، پدر در حضور مادر از فرزند خود طرف‌داری می‌کند و طبیعی است که توبیخ سنجیده مادر بی‌اثر خواهد شد.

اگر والدین در تربیت فرزندان با هم هماهنگی داشته باشند، اطرافیان هم به خود اجازه دخالت بی‌موقع و نامناسب را نخواهند داد و فرزندان با یک شیوه تربیتی مناسب و به‌طور متعادل رشد می‌یابند.

۳. اصل محبت

یکی از نیازهای اساسی انسان، بهره‌مندی از محبت دیگران است. محبت والدین به کودک در جهت رشد عاطفی او بسیار ضروری است. آدلر، روان‌شناس معروف می‌گوید:

کودک از نخستین لحظه تولد می‌خواهد خود را به مادر بچسباند و هدف از جنب‌وجوش‌هایش همین است. مادر است که اولین تماس میان کودک و دیگران را برقرار می‌کند و در او میل به ارتباط با اشخاص دیگر را به وجود می‌آورد.^۱

روش رسول خدا ﷺ در خانواده نیز این‌گونه بود که هر روز صبح دست محبت بر سر فرزندان خود می‌کشید و می‌فرمود: «کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید».^۲ اگر کودک از محبت پدر و مادر به‌طور متعادل بهره‌برد، روحیه‌ای شاد و روانی بانشاط خواهد داشت و گرفتار ناکامی و عقده‌های روانی نمی‌گردد. کارن هورنای روان‌شناس می‌گوید:

اگر کودک در نخستین سال‌های زندگی خود از محبت محروم بماند، هسته اصلی و اساسی بیماری‌های روانی در وی تکوین می‌یابد که بعدها در بزرگسالی، منشأ بسیاری از درگیری‌های عاطفی و اضطراب عمیق در او خواهد شد.

البته پدرها و مادرها باید بدانند که همیشه مشکلات روانی کودکان، معلول کمبود محبت نیست؛ بلکه محبت افراطی نیز مشکل‌آفرین است. توقع بیجا، زودرنجی، سلطه‌طلبی، کم‌رویی و عدم رشد صحیح تربیتی و اخلاقی، حاصل افراط در محبت می‌باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

۱. به نقل از: رحیمی‌یگانه، خانواده شاد و بانشاط، ص ۱۹۲.

۲. کلینی، اصول الکافی، ج ۶، ص ۴۹.

بدترین پدران کسانی هستند که در نیکی و محبت به فرزندان از حد تجاوز کنند و به زیاده‌روی و افراط بگرایند.^۱

محبت بجا و به‌اندازه، آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس و آرامش جسمی کودکان را به‌همراه خواهد داشت.

۴. اصل احترام و تکریم

رفتار احترام‌آمیز والدین نقش مؤثری در تربیت و رشد فرزندان دارد؛ روان‌شناسان بسیاری از رفتارهای منفی را ناشی از کمبود شخصیت در انسان می‌دانند و معتقدند این‌گونه رفتارها به‌طور معمول از کسانی سر می‌زند که از همان اوایل کودکی خویش عزت نفس را درک نکرده‌اند.^۲ اگر کودک در محیطی رشد کند که همیشه شاهد بی‌احترامی و حریم‌ناشناسی اطرافیان باشد، برای اثبات شخصیت خود حالت تهاجمی و هتاک‌نسی نسبت به دیگران در پیش می‌گیرد. همچنین کوچک شمردن و احساس حقارت نیز باعث می‌شود کودکان کم‌حرف، گوشه‌گیر و مظلوم شوند و همین سبب می‌شود تا پایان عمر، زیردست و حقیر زندگی کنند.^۳ از این‌رو رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «فرزندان خود را احترام کنید و با آنان خوب معاشرت نمایید».^۴

۵. توجه به تفاوت‌های فردی

خداوند انسان‌ها را به‌گونه‌ای آفریده است که هر یک از آنها یک فرد مستقل هستند^۵ و با یکدیگر تفاوت دارند. این تفاوت‌ها سه گونه‌اند:

- تفاوت‌های جسمانی؛ هر کودکی از جهت سلامتی یا بیماری، زیبایی ظاهری و ساختار حواس پنج‌گانه با هم‌سن‌های خود تفاوت‌هایی دارد.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲۱، ص ۵۳.

۲. شرفی، تا فصل گل شدن، ص ۲۷.

۳. فیاض‌بخش، کرامت نفس در تربیت کودک، ص ۱۰۴.

۴. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۶۸.

۵. آیه: «انظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ؛ بعضی از شما را بر بعضی دیگر درجاتی برتری داد» دربرگیرنده انواع تفاوت‌های فردی چه به‌صورت ارثی و چه به‌صورت اکتسابی است.

- تفاوت‌های شناختی؛ برخی ویژگی‌ها همچون هوش و حافظه از همان ابتدای تولد در فردی با فرد دیگر متفاوت است.

- تفاوت‌های عاطفی و اخلاقی؛ صفات و خصوصیات مثل خوش‌اخلاقی، زودرنجی، خوش‌بینی، گوشه‌گیری، خودبزرگ‌بینی و بخشش نیز که گاهی اکتسابی و گاهی ارثی می‌باشد، در افراد متفاوت است.

والدین با شناخت واقع‌بینانه از خصوصیات جسمانی، شناختی و عاطفی و اخلاقی فرزندان می‌توانند با توجه به ظرفیت‌های مختلفی که در کودکان می‌بینند، برنامه تربیتی مناسبی طراحی نمایند و آنها را یاری دهند تا استعدادهای خود را در همان زمینه شکوفا سازند. نباید کودکان را با هم مقایسه کرد. آنها دارای استعدادهای متفاوتی هستند و مقایسه کردن، موفقیت دیگران را به رخ او کشیدن، انتظارات غیرواقع‌بینانه از او داشتن و تفاوت‌های فردی را نادیده گرفتن از خطاهای بزرگ تربیتی هستند که باعث می‌شوند کودک اعتماد به نفس خود را از دست بدهد، ناامید شود و احساس ناتوانی کند.

- اصل توجه به تفاوت‌های فردی؛ این اصل والدین را از قضاوت‌های عجولانه و ناروا درباره رفتارهای کودک برحذر می‌دارد و به ایشان در پی بردن به علت واقعی رفتارهای ظاهراً نامطلوب آنها نظیر سوالات مکرر، شیطنت، گوشه‌گیری و تنبلی کمک می‌کند.

۶. اصل اعتدال

برخی از والدین با وضع قوانین دشوار و با فشار و سخت‌گیری و امر و نهی کودک، او را به دلیل خطا و نافرمانی به شدت مواخذه می‌کنند. چنین رفتاری، کینه را در کودک می‌پروراند و او را عصیان‌گر و لجباز می‌کند.

از طرف دیگر، برخی والدین در تربیت کودک دچار تفریط و کوتاهی می‌شوند و او را به حال خود رها می‌کنند و کاملاً آزاد می‌گذارند تا راهش را خود انتخاب کند؛ درحالی‌که او فاقد رشد فکری کامل برای تشخیص درست و نادرست اعمال است و این رفتار پدر و مادر را نیز بی‌مهری آنان و تنها گذاشتن او در وقت نیاز تلقی می‌کند. پدر و مادر خردورز همیشه توجه به اصل اعتدال را در تربیت فرزند در نظر می‌گیرند.

۷. اصل مدارا

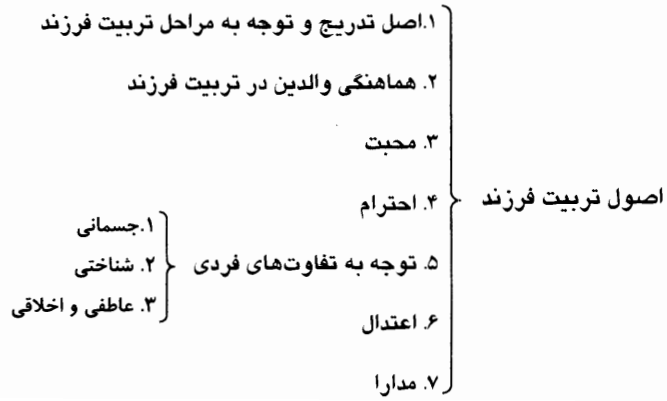
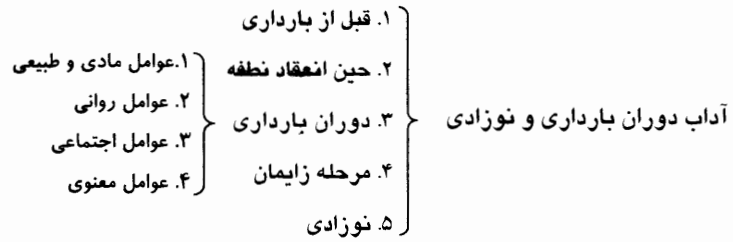
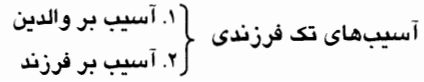
نرمی و مدارا کردن، بهترین شیوه برای آماده کردن دل‌ها و همراه ساختن جان‌ها با امر تربیت است. این مسئله در سال‌های نخستین زندگی و دوران کودکی انسان اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا وجود انسان لطیف‌تر است و به مدارای بیشتری نیاز دارد.

مدارا کردن، زمینه‌های درونی و انگیزشی لازم را برای فرزندان فراهم می‌آورد و آنها را به سوی انجام کارهای شایسته و دلخواه تشویق می‌کند. رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید:

همانا این دین و آئین محکم و متین است. پس با ملایمت در آن درآیید و عبادت خدا را با کراهت تحمیل نکنید، و گرنه مانند سوارِ درمانده‌ای می‌شوید که نه مسافتی بپیماید و نه مرکبی برایش بماند.^۱

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۲، ص ۶۸.

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. به نظر شما وجود فرزندان چه برکاتی برای همسران جوان دارد؟ (در ابعاد جسمانی، روان‌شناختی و خانوادگی).
۲. چرا خداوند در قرآن یکی از آرزوهای برخی پیامبران عظیم‌الشأن را (مانند حضرت ابراهیم علیه السلام) یا حضرت زکریا علیه السلام) داشتن فرزند ذکر کرده است؟
۳. آسیب‌های تک‌فرزندی بر کودک، والدین و جامعه را ذکر کنید.
۴. برخی از مراقبت‌های دوران بارداری را بیان کنید.
۵. رعایت چه اصولی در تربیت فرزند ضروری است؟

منابعی جهت مطالعه بیشتر

۱. احمد بهشتی، *اسلام و حقوق کودک*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۲. محمدعلی حاجی ده‌آبادی، *حقوق تربیتی کودک در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. سید علی حسینی‌زاده، *تربیت فرزند*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. حسین دهنوی، *نسیم مهر*، ۳ ج، قم، انتشارات خادم الرضا.
۵. محمدرضا شرفی، *تا فصل گل شدن: نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان*، مشهد، انتشارات قدس رضوی.
۶. محمدجواد طبسی، *حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت علیهم السلام*، قم، بوستان کتاب.
۷. محمدعلی قاسمی، *دوران طلایی تربیت*، قم، نور الزهراء.
۸. _____، *سرچشمه تربیت*، قم، نور الزهراء.
۹. محمد ری‌شهری محمدی، *حکمت‌نامه کودک*، قم، دار الحدیث.
۱۰. سیما میخیر، *ریحانه بهشتی*، قم، نور الزهراء علیه السلام.
۱۱. مجید وزیری، *حقوق متقابل کودک و ولی در اسلام*، تهران، نشر بین‌الملل.

فصل ششم:

جمعیت

اهداف درس

از دانشجویان انتظار می‌رود پس از فراگیری این فصل:

۱. دیدگاه طرف‌داران افزایش و کاهش جمعیت را ارزیابی کنند.
۲. پیامدهای وضعیت کنونی نرخ رشد باروری در ایران را بشناسند.
۳. با علل ناباروری و راه‌های درمان آن آشنا شوند.

تعریف جمعیت و جمعیت‌شناسی

به مجموعه‌ای از انسان‌ها که در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌طور مستمر و در قالب خانوار و خانواده زندگی می‌کنند و شرایط ملی، قومی و سیاسی واحدی دارند. «جمعیت»^۱ گفته می‌شود.

«جمعیت‌شناسی»^۲ علمی است که به مطالعه چگونگی تحول و حرکات جمعیت‌ها در زمان و مکان می‌پردازد، پدیده‌های جمعیتی مانند باروری، ولادت، مرگ و میر و مهاجرت را به‌طور منظم بررسی می‌کند و امکان آگاهی و تحلیل کمی و کیفی جمعیت‌ها را فراهم می‌سازد. جمعیت‌شناسی معادل «دموگرافی» است که مرکب از دو کلمه یونانی «دموس» به‌معنای مردم یا جمعیت و «گرافوس» به‌معنای شناسایی می‌باشد. این دانش در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربردی وسیع دارد و روزبه‌روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود؛ زیرا شناخت ویژگی‌های جمعیت، همچون تعداد، تراکم، توزیع جغرافیایی، ساختار سنی و جنسی،

1. population.

2. demograghy.

نحوه مهاجرت و جابه‌جایی فیزیکی یا طبیعی آن، از مؤلفه‌های مهم سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

مراحل انتقالی جمعیت در جهان

رشد طبیعی جمعیت در «مرحله اول انتقال جمعیت» چندان زیاد نبود و آمار آن به‌کندی افزایش می‌یافت؛ به‌گونه‌ای که در مدت دو هزار سال (از قبل از میلاد مسیح تا سال ۱۶۵۰ میلادی) جمعیت جهان از ۲۵۰ میلیون به ۵۰۰ میلیون نفر رسید.

از اواسط قرن هفدهم با کشفیات و پیشرفت‌های علوم مرتبط با پزشکی، کنترل بیماری‌ها و کاهش تدریجی مرگ و میر عمومی از یک‌طرف و تغییر نیافتن میزان مولید از طرف دیگر، رشد طبیعی جمعیت سیر صعودی شتابانی یافت. این دوران «مرحله دوم انتقال جمعیت» نامیده می‌شود.

در این بازه زمانی، جمعیت زیاد به‌عنوان منشأ و عامل تعیین‌کننده اقتدار ملی و توان نظامی و اقتصادی برای دولت‌ها مطرح بود. به همین لحاظ، توجه به جمعیت اغلب از دریچه اهدافی نظیر تقویت قدرت نظامی دولت و مشارکت در ثبات سیاسی و کسب درآمدهای مالیاتی صورت می‌گرفت و غالباً جمعیت زیاد بر جمعیت کم ترجیح داده می‌شد. این برداشت از جمعیت تا اواخر قرن هجدهم و اوایل قرن نوزدهم همچنان رایج بود.^۱ در اواخر قرن هجدهم و در شرایط پس از انقلاب صنعتی، توماس رابرت مالتوس^۲ (۱۸۳۴ - ۱۷۶۶ م) اقتصاددان انگلیسی، رویکردی بدبینانه درباره رشد جمعیت ارائه داد. او نظریات خود را برپایه فضای اقتصادی - صنعتی آن روز که در آن سرمایه و منابع طبیعی نقش اصلی را در تولید کالا و خدمات ایفا می‌کرد، بنا نهاد.

به اعتقاد مالتوس، منابع طبیعی جهان محدود و پایان‌پذیر است و لذا افزایش جمعیت به‌معنای کاهش دسترسی هر فرد به منابع غذایی و در نتیجه گسترش فقر و گرسنگی می‌باشد که می‌تواند رشد و پیشرفت اقتصادی را متوقف و جوامع را دچار رکود و عقب‌گرد کند. بعدها

۱. میرزایی و عسگری ندوشن، «برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ص ۸۷.

2. Thomas Robert Malthus.

همفکران و پیروان او، مباحث دیگری را از جمله قانون بازده نزولی و تخریب محیط زیست به نظریات وی افزودند و دیدگاه او را درباره رابطه معکوس جمعیت و منابع توجیه کردند و تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌های نهادهای بین‌المللی و کشورهای در حال توسعه برجای گذاشتند. پس از اشاعه این دیدگاه‌های بدبینانه اقتصادی، مردم و دولت‌ها به کاهش جمعیت ترغیب شدند، برنامه‌های کنترل موالید توسعه یافت و به تدریج میزان زاد و ولد کم شد. به دنبال آن، رشد طبیعی جمعیت سیر کاهنده پیدا کرد و در نتیجه «مرحله سوم انتقال جمعیتی» از اواسط قرن نوزدهم آغاز گردید.

البته صاحب‌نظران بسیاری این رویکرد را نقد و رد کردند و حتی خود مالتوس در نوشتارهای بعدی خود (ویرایش پنجم رساله‌ای در باب اصول جمعیت) نظرهای منفی‌اش را تعدیل کرد؛ اما جالب اینجاست که با وجود این، هنوز بسیاری بر نتایج اولین ویرایش کتاب او تکیه می‌کنند؛ درحالی‌که در تحقیقات باید آخرین آرای یک صاحب‌نظر را معیار قرار داد و آن را تحلیل کرد.^۱

این زمینه اقتصادی برای کاهش و تأخیر در باروری، از اوایل قرن بیستم در کشورهای اروپایی و آمریکا با تغییر در هنجارها، ارزش‌ها و نگرش‌ها به زندگی خانوادگی و فرزندآوری همراه شد. پائین آمدن آمار ازدواج، افزایش سن ازدواج و افزایش طلاق از جمله تغییرات اجتماعی بودند که باید انگاره‌هایی مانند فردگرایی، لذت‌گرایی، تضعیف خانواده و کم‌رنگ شدن تعهدات و تکالیف مربوط به زندگی مشترک را از عوامل اصلی آنها دانست. البته نمی‌توان تأثیر پدیده‌هایی مانند افزایش اشتغال و تحصیلات زنان و در نتیجه بالا رفتن سن ازدواج و سن بارداری آنها، رواج زندگی مدرن و عدم تمایل به فرزندآوری را نیز در این موضوع نادیده گرفت.

این تغییرات نظری به همراه اختراع وسایل پیشگیری از بارداری و استفاده گسترده از آنها و از بین رفتن قبح سقط جنین و سهولت انجام آن در این جوامع، تغییرات جمعیت‌شناختی مهمی را در پی داشت.^۲

۱. دلالی اصفهانی و اسماعیل‌زاده، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، *مجله علوم اجتماعی*، ص ۱۰۳.

۲. سرایی، «گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، ص ۱۲۳.

با کاهش تدریجی موالید و مرگ و میر در کشورهای صنعتی، میزان هر دو به حداقل ممکن رسید و رشد طبیعی جمعیت، بار دیگر به سطح پائینی (در حد مرحله اول انتقال جمعیت) تنزل یافت. بدین ترتیب، «مرحله چهارم انتقال جمعیتی» از اوایل قرن بیستم به بعد در بسیاری از کشورهای صنعتی شروع شد.

هرچند مدل اصلی نظریه گذار جمعیتی تنها شامل چهار مرحله انتقالی بوده است، نهادینه شدن عوامل فرهنگی و اجتماعی پیش گفته، موجب استمرار شیب تند کاهش فرزندآوری گشته است؛ به طوری که در برخی کشورهای اروپایی، میزان مرگ و میر از زاد و ولد پیشی گرفته و با افزایش سال خوردگی افراد، مرحله جدیدی با میزان رشد منفی جمعیت آغاز شده است.

رشد منفی جمعیت، حاصل سقوط میزان باروری کل به زیر سطح جانشینی است. سطح جانشینی، عدد ۲/۱ در نظر گرفته می‌شود؛ یعنی برای ثابت ماندن جمعیت باید به طور متوسط هر زن ۲/۱ فرزند داشته باشد تا پس از مرگ پدر و مادر حداقل دو فرزند جانشین آنها گردد.

اکنون نرخ باروری در برخی کشورها - که بیشتر آنها در قاره اروپا قرار دارند - کمتر از نرخ جانشینی است. انجمن جمعیت‌شناسی اروپا^۱ تعداد کل جمعیت اروپا را در سال ۲۰۰۹ معادل ۴۹۷/۸ میلیون نفر اعلام کرده است که تا سال ۲۰۳۰ به ۴۹۳/۷ میلیون نفر خواهد رسید. این ارقام نشان می‌دهد جمعیت اروپا طی ۲۰ سال حدود ۴ میلیون نفر کاهش خواهد داشت.

رشد منفی جمعیت در کشورهایی مانند روسیه و برخی دیگر از کشورهای اروپایی، زنگ خطر پایان اقتدار را برای آنان به صدا درآورده است و آنان پیامد اختلاف میزان رشد جمعیت در خاورمیانه اسلامی و اروپا را تغییر تناسب جمعیتی به نفع مسلمانان در سال ۲۰۵۰ می‌دانند. این بدان معناست که سهم مسلمانان در تحولات جهانی، با توجه به جمعیت جوان این کشورها، بیش از پیش افزایش می‌یابد.^۲

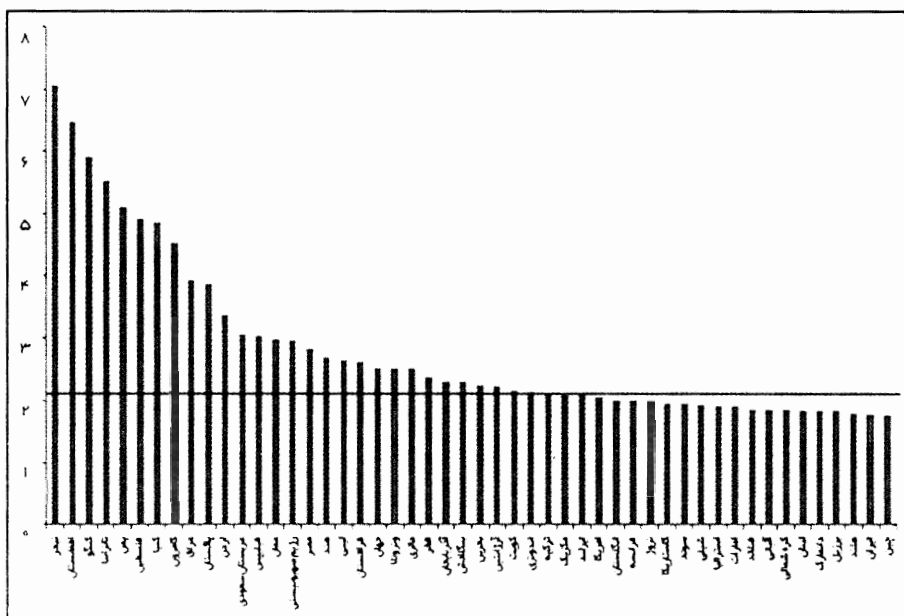
به طور کلی طبق آمار سازمان ملل تا اواسط قرن بیست و یکم، جمعیت بسیاری از مناطق توسعه یافته جهان سالانه یک میلیون نفر کاهش خواهد یافت. در عوض، این مناطق بیشترین میزان رشد جمعیتی خود را در زیرگروه جمعیتی سالمندان تجربه خواهند کرد.

1. www.populationeurope.org.

۲. زیبایی‌نژاد، آسیب‌شناسی خانواده، ص ۳۰.

این کشورها در پی سالمند شدن جمعیت با مسائلی از قبیل پیامدهای اقتصادی (کمبود نیروی کار)، اجتماعی (فشار بر نظام رفاهی، تأمین اجتماعی و سیستم مراقبت‌های بهداشتی) و سیاسی (ضعف در امنیت ملی) روبه‌رو خواهند بود. به همین دلیل، کشورهایی مانند ایالات متحده و استرالیا با وجود کاهش میزان زاد و ولد، رشد جمعیت خود را با فراهم نمودن زمینه پذیرش مهاجر از سایر کشورها متعادل می‌کنند و با اتخاذ سیاست‌های خاص، نیروی کار تحصیل کرده و نخبه سایر کشورها را با هزینه کمی جذب می‌نمایند.

آمار نرخ باروری در کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۰



سیاست‌های جمعیتی با رویکرد ارتقای نرخ باروری

نظریات جدید در حوزه علم اقتصاد، افزایش جمعیت را یک فرصت جدی تلقی می‌کنند که نیروی کار و سرمایه انسانی در برتری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی کشورها تأثیرگذار است. این رویکرد برخلاف فرضیات گذشته است که افزایش جمعیت را تهدیدی برای رشد و پیشرفت اقتصادی تصور می‌کرد. در این دیدگاه، دستیابی به نرخ رشد جمعیتی متناسب با ظرفیت‌های اقتصادی، این امکان را به جامعه می‌دهد تا از ظرفیت‌های خود استفاده بیشینه را ببرد و بتواند رشد اقتصادی پایداری را ایجاد نماید.

بررسی سرانه تولید ناخالص ملی در کشورهای مختلف نیز نشان می‌دهد که با گذشت زمان، هر قدر جمعیت کشورها افزایش یافته است، ثروت بیشتری به‌ازای هر نفر تولید شده است. تجربه هند نشان می‌دهد که آنچه جلوی رشد اقتصاد را می‌گیرد، رشد جمعیت نیست؛ بلکه سیاست‌های نادرست اقتصادی است. بعد از دهه ۹۰ میلادی که هند اصلاحاتی اساسی در نحوه مدیریت اقتصادی خود انجام داد، شاهد رشد عظیمی در اقتصاد خود شد؛ درحالی‌که هم‌زمان دارای رشد بسیار سریع در جمعیت و نرخ تولد بود.^۱ تجربه چین نیز مؤید این مطلب است که جمعیت زیاد اگر به‌صورت شایسته مدیریت شود، عامل مهمی برای رشد اقتصادی کشور خواهد بود.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ضریب هم‌بستگی میان جمعیت و سرانه تولید ناخالص ملی، جمعیت و ضریب جینی^۲ (به‌عنوان شاخص نابرابری در توزیع ثروت) و جمعیت و میزان بیکاری بسیار ناچیز می‌باشد و رابطه معناداری بین آنها وجود ندارد. به عبارت دیگر، مشکل کشورهای در حال توسعه را باید در سیاست‌گذاری و عملکرد ضعیف، توزیع نامتوازن جمعیت و ثروت جستجو کرد، نه در میزان جمعیت آنها.

به‌طور کلی رشد و رفاه اقتصادی در سایه کار و کوشش آحاد افراد یک جامعه معنا و مفهوم می‌یابد. اگر در گذشته تنها بر سرمایه فیزیکی به‌عنوان عامل اصلی رشد اقتصادی تأکید می‌شد، امروزه با به حاشیه رفتن این عامل، سرمایه‌های نوینی همچون سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و نهادهای اقتصادی و مدیریتی در مرکز توجه صاحب‌نظران جهان قرار گرفته است.

با افزایش جمعیت، نیروی کار گسترده‌ای فراهم می‌شود و امکان بهره‌گیری از فرصت‌های بالقوه اقتصادی فراهم می‌گردد و در نتیجه امکان تقسیم کار گسترده در جامعه و کسب مهارت برای نیروی کار به وجود می‌آید. بدین ترتیب تخصص‌گرایی که محصول مستقیم تقسیم کار است، بهره‌وری را افزایش می‌دهد و از صرف بیهوده منابع جلوگیری

۱. دلالی اصفهانی، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی، ص ۱۰۷.

۲. «ضریب جینی» شاخصی اقتصادی برای محاسبه توزیع ثروت در میان مردم است. این ضریب با نسبتی تعریف می‌شود که ارزشی بین صفر و یک دارد: یک ضریب جینی پائین، برابری بیشتر در توزیع درآمد یا ثروت را نشان می‌دهد؛ درحالی‌که ضریب جینی بالاتر، حاکی از توزیع نابرابر است.

می‌کند؛ به‌گونه‌ای که با منابع کمتر، ثروت بیشتری تولید می‌شود. فراوانی نیروی کار موجب می‌شود تا ضمن پاسخ به تقاضاهای جاری در جامعه، با خلاقیت، نوآوری و ابتکار این افراد، فرصت ایجاد خدمات و کالاهای جدید و متنوع در اقتصاد فراهم گردد. بنابراین افزایش جمعیت و شکل‌گیری جوامع بزرگ، هم از جهت تقاضا (بازار مصرف) و هم از جهت عرضه (نیروی کار) زمینه رشد و توسعه اقتصادی را مهیا می‌سازد.

در این زمینه نباید سابقه تاریخی انباشت ثروت و حصول پیشرفت را در کشورهای اروپایی فراموش کرد. در قرون شانزدهم تا هجدهم میلادی، به‌مدد استعمارگری، تأمین مواد خام تسهیل گردید و به‌مدد برده‌داری، نیروی کار فراوان با هزینه اندک در اختیار این کشورها قرار گرفت. این دو عامل، چرخ صنعت را در اروپا و سپس آمریکا به گردش درآورد و فرآیند رشد و توسعه را شتاب بخشید. در ادامه همان سیاست‌ها، امروزه نیز که سرمایه کیفی انسانی، محور اصلی پیشرفت علم و فناوری است، نیروی انسانی کارآمد، فعال و نخبه کشورهای جهان سوم به‌صورت هوشمندانه دست‌چین شده، در قالب مهاجر به خدمت گرفته می‌شوند.

پس افزایش جمعیت در صورتی که با سیاست‌های مناسب در حوزه آموزش و تحصیلات همراه شود و سرمایه انسانی متناسب با بازار کار فراهم گردد، می‌تواند رشد و توسعه اقتصادی را شتاب بخشد. جمعیت بیشتر به‌معنای سرمایه انسانی و اجتماعی، قدرت فرهنگی و پشتوانه سیاسی یک کشور است و می‌تواند فاصله کشورهای در حال توسعه را با کشورهای توسعه‌یافته کاهش دهد. در نتیجه توجه به جمعیت به‌عنوان یک مؤلفه قدرت در جوامع و حتی احساس تهدید از طریق آن از سوی رقبا توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد.

برای مطالعه بیشتر

از آنجا که برخی کشورهای جهان با بررسی میزان رشد جمعیت در کشور خود متوجه آثار زیان‌بار کاهش جمعیت در آینده کشورشان شده‌اند. سیاست‌های مختلفی را جهت افزایش جمعیت در پیش گرفته‌اند که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود:^۱

1. See: Jonathan Bradshaw and Naomi Finch, *A comparison of child benefit packages in 22 countries*.

- سوئد: به هر یک از پدر و مادر ۱۸ ماه مرخصی همراه با حقوق داده می‌شود. از آنجا که مشارکت زنان در سوئد به‌عنوان نیروی کار بالاست، برای مادران شاغل برنامه‌های کاری منعطفی طراحی شده است؛ به‌طوری‌که مادران کودکان قبل از سن مدرسه از این حق برخوردارند که ساعت‌های کاری خود را کاهش دهند.
- نروژ: مادران از ۱۲ ماه مرخصی با ۸۰٪ حقوق یا ۱۰ ماه مرخصی با پرداخت حقوق کامل بهره می‌برند. پدران نیز حق دارند تقریباً تمام این زمان را به‌جای مادر مرخصی بگیرند؛ اما برای پدر، گرفتن حداقل ۴ هفته مرخصی اجباری است، در غیر این صورت، مزیت مرخصی پس از زایمان برای هر دو والد از بین می‌رود. نکته مهم این است که هزینه این مرخصی‌ها از محل مالیات و از سوی دولت پرداخت می‌شود. بنابراین کارفرمایان در این خصوص هیچ‌گونه ضرری متحمل نمی‌شوند. در این کشور به مادری که تا ۳۰ ماه قبل از تولد فرزند قبلی، فرزند جدید خود را دنیا آورد، مرخصی ویژه تعلق می‌گیرد. این قانون برای تشویق زنان به کم کردن فاصله بین بارداری‌ها وضع شده است.
- فرانسه: مانند سایر کشورهای اروپایی، میزان بالای اشتغال زنان مهم‌ترین چالش برای بهبود نرخ باروری است. لذا دولتمردان فرانسه، سیاست‌های گوناگونی را به‌منظور تلاش برای تطبیق زندگی خانوادگی با کار کردن زنان طراحی کرده‌اند. مادران می‌توانند برای فرزند اول خود، مدت ۱۶ هفته مرخصی زایمان همراه با دریافت حقوق بگیرند و این تا ۲۶ هفته برای فرزند سوم افزایش پیدا می‌کند. در این کشور در صورت تولد فرزند سوم، سالانه هزار یورو کمک مالی به والدین تعلق می‌گیرد. علاوه بر آن، به‌ازای تولد فرزندان نیز مالیات کاهش می‌یابد و والدین همراه با فرزندان خود می‌توانند از برخی امکانات دولتی با تخفیف استفاده نمایند. این کشور گسترده‌ترین سیستم مراقبت از کودکان با بودجه دولتی را در اروپا دارا می‌باشد. همچنین فرانسه دارای دومین رتبه نرخ باروری در اروپا است.
- بریتانیا: در حال حاضر پس از تولد فرزند، مادران شش ماه و پدران دو هفته مرخصی دارند. همچنین والدین کودکانی که زیر شش سال سن دارند،

حق دارند از کارفرمایان خود درخواست نمایند که ساعت‌های کاری انعطاف‌پذیرتری را داشته باشند.

- آلمان: مدتی طولانی است که یکی از پائین‌ترین نرخ‌های باروری را در اتحادیه اروپا دارد و تعداد زنان بدون فرزند در این کشور بسیار بالاست و براساس آمار اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۵، ۳۰٪ زنان آلمانی فرزند ندارند. جمعیت‌شناسان درباره ادامه این روند در آینده هشدار داده‌اند. از بزرگ‌ترین مشکلات خانواده‌ها، کمبود اماکن مراقبت از کودکان است که البته با وجود دریافت دستمزد خیلی زیاد، زمان کوتاهی سرویس ارائه می‌دهند و ظهر تعطیل می‌شوند. همچنین زمان مدارس به‌طور سنتی در ساعت یک بعدازظهر به پایان می‌رسد که مشکل بزرگی برای والدین شاغل است.

دولت آلمان در حال حاضر، بهبود نرخ زاد و ولد را در صدر امور سیاسی خود قرار داده است. در سال ۲۰۰۵، لایحه‌ای در راستای ارائه معافیت‌های مالیاتی به خانواده‌ها تصویب شد و حذف تدریجی هزینه‌های مهدکودک نیز در دستور کار قرار گرفت. «کریستینا شرودر» وزیر امور خارجه وقت آلمان نیز طرحی درباره اختصاص مرخصی بدون حقوق به پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها جهت نگهداری از نوه‌های خود ارائه کرد. از دیگر تمهیدات آلمان برای مقابله با بحران کاهش جمعیت، سیاست‌های باز مهاجرت‌پذیری به‌خصوص برای پذیرش کارگران بسیار ماهر می‌باشد.

- چین: دولت چین از سال ۱۹۷۹ تصمیم به اجرای سیاست تک‌فرزندی در کشور گرفت که مطابق آن، عموم خانواده‌های شهری و روستایی چینی می‌توانستند فقط یک فرزند داشته باشند. البته محدودیت در شهرها بیشتر از مناطق روستایی بود و در بیشتر مناطق روستایی، با شرایطی اجازه فرزند دوم نیز داده می‌شد.

این کشور برای پایش مستمر وضعیت جمعیتی، از سال ۱۹۸۷ به بعد سیاست تنظیم خانواده را با دقت و ملاحظات بیشتر و به‌صورت استانی در پیش گرفت. مقررات استان‌ها با یکدیگر برحسب شرایط متفاوت است. برای نمونه، در برخی از استان‌ها به والدینی که هر دوی آنها تک‌فرزند باشند، اجازه داشتن دو فرزند داده می‌شود. همچنین سیاست تک‌فرزندی در

چین همواره بنابه شرایط مختلف استثناهایی هم دارد. برای نمونه، بعد از زلزله سال ۲۰۰۸ شهر «سی چوان»، محدودیت تک‌فرزندی برای خانواده‌های آسیب‌دیده برداشته شد. ضمن آنکه جدیداً در سال ۲۰۱۴ حزب حاکم کمونیست چین رسماً قانون تک‌فرزندی را لغو کرد و بدین ترتیب به زوج‌ها اجازه داد در صورتی که یکی از والدین تک‌فرزند است، فرزند دوم بیاورند.

- ترکیه: هرچند این کشور همسایه ما همانند دیگر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های تنظیم خانواده را در پیش گرفت و در کنترل رشد جمعیت خود نیز در قالب برنامه‌های ۵ ساله موفق بود، اکنون تغییر در این روند را در دستور کار قرار داده و به شدت پیگیری می‌کند. به تازگی نخست‌وزیر ترکیه، خانواده‌های این کشور را به آوردن حداقل ۳ فرزند تشویق نموده است. او داشتن ۳ فرزند را تنها راه جلوگیری از پیرشدن جمعیت ترکیه و افزایش نیروی کار موردنیاز این کشور و یک عامل مهم در افزایش قدرت منطقه‌ای آنها عنوان کرد.

- روسیه: از حدود سال ۱۹۹۵ تا اواسط سال ۲۰۰۷ جمعیت کشور روسیه حدود ۶/۵ میلیون نفر کاهش یافت و به پائین‌تر از ۱۴۲ میلیون نفر رسید که تقریباً کاهشی ۴/۴ درصدی را نشان می‌دهد. این روند کاهش جمعیت معمولاً در حالت جنگ و مهاجرت وسیع رخ می‌دهد؛ اما کاهش جمعیت روسیه در حال صلح و رشد اقتصادی رخ داد. به دلیل پائین بودن میزان تولد و بالا بودن میزان مرگ‌ومیر، روسیه هر سال در حال از دست دادن تعداد زیادی از جمعیت خود است.

مهم‌ترین دلیل کاهش زاد و ولد را می‌توان تغییر در سبک زندگی مردم این کشور دانست. در سال‌های اخیر، تحت تأثیر شیوه زندگی غربی، جوانان روسی تمایل کمتری به ازدواج و فرزندآوری نشان می‌دهند؛ به طوری که طبق برخی گزارش‌های اجتماعی، بسیاری از دختران و پسران در این کشور بدون ازدواج رسمی با یکدیگر زندگی می‌کنند و داشتن فرزند را به عنوان عضوی از خانواده اولویت خود نمی‌دانند. این شکل زندگی و از طرف دیگر، اشتیاق کسب ثروت و رفاه موجب شده تا دختران آرزوی اشتغال را داشته باشند و حتی آن را برای خود مهم‌تر از ازدواج تلقی کنند.

بالا بودن آمار مرگ‌ومیر در این کشور نیز عوامل متعددی دارد. روسیه از نظر میزان وقوع بیماری‌های قلبی و سرطان، جزء بالاترین رتبه‌های جهان است.

بیماری ایدز و اعتیاد به موادمخدر نیز به‌طور چشمگیری در حال افزایش است. بدیهی است که رؤیای قدرت بزرگ روس نمی‌تواند بدون داشتن منابع انسانی فراوان تحقق یابد. لذا پوتین سال ۲۰۰۸ را سال «خانواده» نام نهاد و تمام دستگاه‌های دولتی روسیه موظف شدند برنامه‌های تشویقی خود را برای افزایش جمعیت و جلوگیری از بحران کاهش جمعیت ارائه کنند. نگرانی دولت از بحران کاهش جمعیت تا سال ۲۰۳۰ سبب شد تا برای تشویق والدین به فرزندآوری، مبلغ قابل توجهی به‌عنوان «سرمایه‌گذاری مادر» به والدینی که فرزندشان به دنیا می‌آید، پرداخت شود و تا رسیدن هریک از فرزندان به سن هفت‌سالگی، ماهانه دویست دلار هزینه نگهداری، سلامت و بهداشت نیز به پدر و مادر پرداخت گردد.

- رژیم صهیونیستی: شورای افزایش جمعیت اسرائیل با همکاری کابینه رژیم صهیونیستی که سال ۱۲۴۶ شمسی تأسیس شد، برای تشویق زنان به زایمان‌های بیشتر، به‌ازای تولد هر فرزند کمک مالی چشمگیری می‌کند و زنان تشویق می‌شوند که حداقل ۴ فرزند داشته باشند. در ضمن تعداد زیاد فرزندان سبب کاهش انواع مالیات‌ها می‌شود و کارمندان بازنشسته دارای فرزندان زیاد، حقوق بازنشستگی بیشتری دریافت می‌کنند. در ضمن تبلیغات دینی نیز ازدواج را برای یهودیان واجب دانسته و بچه‌دار نشدن با وجود استطاعت مالی و جسمی گناه شمرده شده است.

- سنگاپور: در این کشور برای افزایش نسل افراد باهوش و مستعد، به زنانی که تحصیلات عالی داشته باشند و فرزند سوم و بعد از آن را به دنیا آورند، تخفیف مالیاتی بیشتری تعلق می‌گیرد. در این کشور به مادرانی که صاحب فرزند سوم یا بیشتر می‌شوند، مرخصی با حقوق و نیز کمک هزینه پرداخت می‌شود. علاوه بر آن، به زوج‌های جوانی که در انتظار خرید آپارتمان هستند، کمک می‌شود تا آپارتمان اجاره کنند و ازدواج خود را

۱. بنگرید به: «مطالعه تطبیقی مشوق‌های مالی و حمایتی ایران و کشورهای جهان در جهت افزایش جمعیت»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۹۱.

به علت تأخیر در خرید آپارتمان به تأخیر نیندازند. همچنین از ساخت مسکن‌های چندنسلی (مسکن‌هایی که زوج‌های جوان و نسل‌های مسن‌تر آنها در مجاورت یکدیگر زندگی می‌کنند) حمایت می‌شود تا هم مراقبت و نگهداری مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها از کودکان فراهم شود و هم فشار دولت برای حمایت و نگهداری از سالمندان کاهش یابد. در این کشور از طریق تلویزیون، رادیو، روزنامه، پوستر و بوردهای تبلیغاتی، شعارهای فراوانی برای تشویق به ازدواج و فرزندآوری تبلیغ می‌شود، شعارهایی همچون: «پلکان ترقی شغلی و تحصیلی را تنها طی نکنید، ازدواج کنید» یا «زندگی لذت‌بخش است اگر مادر یا پدر باشید» یا «بهترین هدیه به فرزندان‌تان یک برادر یا یک خواهر است».

در این کشور به دلیل رقابت شدید در زمینه ثبت‌نام در مدارس با کیفیت، اولویت ثبت‌نام با فرزندان سوم به بعد خانواده است تا والدین تشویق به فرزندآوری شوند. در سنگاپور کمیته‌ای دولتی با عنوان «خانواده مهم است» تشکیل شده که هدف آن تسهیل ازدواج، افزایش فرزندآوری و ساختن محیطی دوستدار خانواده است.

در کشورهای متعدد دیگری نیز سیاست‌های افزایش جمعیت در حال اجرا است. برای نمونه، در کره جنوبی برای درمان ناباروری، یارانه پرداخت می‌شود. در ایرلند براساس تعداد فرزندان - از یک تا هشت نفر - حقوق ماهیانه به والدین اختصاص می‌یابد. برای نمونه، به ازای هشت فرزند مبلغ ۱۴۲۲ یورو در ماه پرداخت می‌گردد. در آمریکا والدینی که تعداد فرزندان آنها زیاد است، مشمول کاهش مالیاتی چشمگیری می‌شوند. در ژاپن خانواده‌های دارای فرزند زیر ۱۵ سال، ماهانه مبلغ قابل توجهی کمک مالی دریافت می‌کنند.^۱

در پی استمرار برنامه‌های کنترل جمعیت و تنظیم خانواده در ایران، نرخ باروری و رشد جمعیت در طی دو دهه اخیر به شدت کاهش یافت تا اینکه در اوایل دهه نود، نتایج نگران‌کننده سرشماری‌ها، چشم‌انداز نامتعادلی را برای تعداد، ساختار و ترکیب جمعیتی کشور ترسیم نمود و زنگ خطری برای حرکت کشور به سوی کاهش نیروی بانشاط و جوان و بحران سالمندی به صدا درآمد.

در این راستا شورای عالی انقلاب فرهنگی در چارچوب تصویب نقشه مهندسی فرهنگی کشور، سیاست‌های جمعیتی را تصویب نمود. عمده راهبردهای ملی در این مصوبه عبارت است از: اصلاح نگرش مسئولان و مردم به پیامدهای منفی کاهش باروری به‌ویژه زیر حد جانشینی. متناسب‌سازی فعالیت‌های اجتماعی آموزشی و اشتغال زنان با مسئولیت‌های مادری و همسری، آمایش مستمر جمعیتی کشور و اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت.

جمعیت ایران

یک. سیر تحولات جمعیت در ایران

ایران در گذشته، کشور پرجمعیتی بوده است. به روایت برخی از مورخان، در حدود ۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، جمعیت ایران باستان حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیون نفر بوده است. هرچند این رقم مربوط به محدوده کنونی ایران نبوده و شامل سرزمین‌های وسیع‌تری می‌شده که احتمالاً وسعتی بیش از سه‌برابر وسعت کنونی ایران داشته است، بسیاری از سیاحان و مورخان به پرجمعیت بودن شهرهای ایران اشاره کرده‌اند که این خود بر کثرت جمعیت ایران در ادوار مختلف تاریخ دلالت دارد.

تا نیمه قرن سیزدهم شمسی، سرشماری جمعیتی در ایران متداول نبود. در نخستین سرشماری نوین در زمان میرزاتقی‌خان امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ جمعیت ایران بین ۸ تا ۱۰ میلیون نفر اعلام گردید. برآورد دیگر از جمعیت ایران مربوط به ژنرال شیندلر^۱ می‌باشد که در جریان مأموریت خود برای گسترش تلگراف در ایران سفرهای متعددی کرد و ضمن گزارش وضعیت ایران، شمار جمعیت کشور را در سال ۱۲۶۳ خورشیدی حدود ۷/۶ میلیون نفر تخمین زد.^۲ به این ترتیب، می‌توان گفت تا قبل از آغاز قرن چهاردهم شمسی، جمعیت ساکن در ایران کمتر از ۱۰ میلیون نفر بوده است. سرشماری عمومی کشور که در سال ۱۳۳۵ انجام شد، جمعیت ایران را بالغ بر ۱۸/۹ میلیون نفر اعلام کرد که از این شمار ۶ میلیون نفر در مناطق شهری و ۱۲/۹ میلیون نفر در نقاط روستایی سکونت داشتند.

۱. General H. Shindler.

۲. حسینی، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، ص ۱۷۳.

تا اوایل دهه ۱۳۳۰ جمعیت ایران با نرخ رشد پائینی افزایش می‌یافت؛ زیرا با وجود اینکه فرهنگ ایرانی به‌طور سنتی با تعدد فرزند موافق بود و تأکید بر زودرسی و عمومیت ازدواج نیز یک ارزش اجتماعی و مذهبی تلقی می‌شد و لذا زاد و ولد زیادی اتفاق می‌افتاد، کثرت مرگ‌ومیر اطفال به‌دلیل کمبود امکانات و بهداشت، اثر باروری بالا را خنثا می‌کرد و در نتیجه جمعیت به‌کندی افزوده می‌شد.^۱

با بهتر شدن اوضاع بهداشت و درمان در طول یک دوره ده‌ساله از سال ۱۳۳۵، جمعیت کشور با نرخ متوسط رشد سالانه ۳/۲ درصد، به ۲۵/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید. تا اواسط دهه ۱۳۴۰ دولت سیاست مشخصی در زمینه تحدید موالید و کاهش سطح باروری نداشت. در سال ۱۳۴۱ برای نخستین‌بار در برنامه سوم عمرانی کشور، موضوع جمعیت مورد توجه قرار گرفت. در سال ۱۳۴۵ دولت به‌طور رسمی سیاست جمعیتی خود را مبنی بر تنظیم خانواده و کنترل زاد و ولد اعلام نمود و به این ترتیب، ایران به امضاکنندگان بیانیه جهانی تنظیم خانواده پیوست. این سیاست با افزایش دسترسی به خدمات جلوگیری از بارداری و به‌موازات آن با فعالیت‌های تبلیغاتی و آموزشی در راستای تحدید موالید همراه بود.^۲ به این ترتیب، در طول دوره ده‌ساله بعدی (از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵) شتاب افزایش جمعیت ایران کاهش یافت. شمار جمعیت با نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصد از ۲۵/۷ میلیون نفر به ۳۳/۷ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ رسید که در مقایسه با نرخ متوسط رشد در دوره قبل، (۳/۲ درصد در سال) تا حدودی کاهش یافته بود. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تغییر بستر فرهنگی و اجتماعی در کشور و همچنین متوقف شدن برنامه‌های تنظیم خانواده، روند افزایش جمعیت دوباره سرعت گرفت و اولین سرشماری رسمی پس از انقلاب، متوسط نرخ رشد سالانه حدود ۳/۴ درصد و آمار ۴۹ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ را گزارش نمود.

این بالاترین نرخ در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران بود. در نتیجه مسئولان و سیاست‌گذاران از سال‌های پایانی دهه ۱۳۶۰ سیاست کنترل موالید و اجرای برنامه تنظیم خانواده را اولویت خود قرار دادند.

۱. شوازی و دیگران، *ارزیابی نتایج فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری*، ص ۱۳.

۲. حسینی، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*، ص ۱۷۵.

در برنامه اول توسعه که طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ به اجرا درآمد، موضوع تعدیل میزان رشد جمعیت مورد توجه قرار گرفت و به موجب مصوبه مجلس شورای اسلامی مقرر شد وزارت بهداشت برای پیشبرد سریع و صحیح فعالیت‌های مربوط به کنترل جمعیت با هماهنگی کلیه دستگاه‌های مرتبط و کارشناسان، شورایی را تحت عنوان «شورای تحدید موالید» تشکیل دهد.^۱

در سال ۱۳۷۱ لایحه کنترل جمعیت و تنظیم خانواده از طرف دولت تهیه و تقدیم مجلس گردید و در تاریخ ۷۲/۲/۲۶ تصویب شد. این قانون، انگیزه‌ها و پاداش‌های متعلق به خانواده‌های پرجمعیت را قطع کرد و مبانی قانونی مشخصی برای اعمال سیاست‌های کنترل موالید و اجرای برنامه‌های تنظیم خانواده فراهم ساخت.

اجرای این قوانین موجب شد در فاصله ده‌ساله بین ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ نرخ رشد جمعیت با سرعتی استثنایی به ۲/۴۶ درصد (۳/۴۷ در شهر و ۱/۲۱ در روستا) تقلیل یابد. روند کاهش متوسط نرخ رشد جمعیت در مناطق روستایی بسیار بیشتر و بارزتر از مناطق شهری بود که از دلایل آن می‌توان به مهاجرت روستائیان به شهرها اشاره کرد.

به این ترتیب، هدفی که آن برنامه برای سال‌های ۸۵ تا ۹۰ در نظر گرفته بود، بیش از یک دهه زودتر محقق شد و ایران در رتبه نخست اجرای برنامه‌های کنترل جمعیت قرار گرفت.

گرچه درپیش‌گرفتن سیاست‌ها و اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده، عامل مؤثری در سرعت کاهش باروری در ایران بود، فرآیند باروری و زاد و ولد تحت‌تأثیر عوامل، شرایط و زمینه‌های مختلفی شکل گرفت که در تحلیل تغییر کمی جمعیت باید به آنها توجه نمود. بالارفتن سن ازدواج، افزایش تجرد، افزایش سطح انتظارات اقتصادی، بالا رفتن سطح اشتغال زنان و در نتیجه تمایل کمتر به فرزندآوری، افزایش هزینه پرورش فرزندان و فشارهای اقتصادی و مهاجرت، تأثیر بسزایی در کاهش باروری داشته است.

همه این عوامل موجب شد کاهش رشد جمعیت در دهه بعد نیز ادامه یابد و میزان متوسط در سال ۱۳۸۵ به ۱/۶ درصد سقوط کند. طی سال‌های اخیر، درصد رشد سالانه جمعیت ایران به دلیل کاهش میزان باروری همچنان رو به کاهش است. آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که نرخ رشد جمعیت کشور در سال ۱۳۹۰ به ۱/۳ درصد کاهش

۱. جهانفر و جهانفر، جمعیت و تنظیم خانواده.

یافته است. پیش‌بینی می‌شود با تداوم این روند در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۴۱۰ رشد سالانه جمعیت ایران به یک درصد برسد.

آمارها حاکی از آن است که میزان باروری کل از حدود ۷/۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۴۵ به ۱/۸ فرزند برای هر مادر در سال ۱۳۸۵ رسیده است. چهار استان کشور، میزان باروری بین ۱/۲ تا ۱/۶ فرزند و ۱۳ استان نیز باروری بین ۱/۷ تا ۲/۱ فرزند باروری کل ۲/۵ و استان سیستان و بلوچستان با باروری کل ۳/۷ فرزند بالاترین باروری در کل کشور را دارا بوده‌اند. آمار سال ۱۳۹۰ نیز نشانگر این است که در بیشتر استان‌های کشور، میزان باروری کل در حد زیر سطح جانشینی بوده است و این به معنای کاهش جدی جمعیت یا عدم جایگزینی فرزندان با پدر و مادر در نسل بعدی است که موجب تغییر ساختار سنی جمعیت کشور در آینده نزدیک می‌شود.

دو. عوارض تحولات جمعیت در ایران

استمرار کاهش میزان زاد و ولد از یک‌طرف و نزول نرخ مرگ‌ومیر به دلیل افزایش امید به زندگی از سوی دیگر، موجب می‌شود جمعیت به تدریج در دوره‌های بالاتر سنی انباشته گردد و میانه سنی افزایش یابد و با کاسته شدن سهم جمعیت جوان از کل جمعیت، سهم سالخوردگی بیشتر شود.

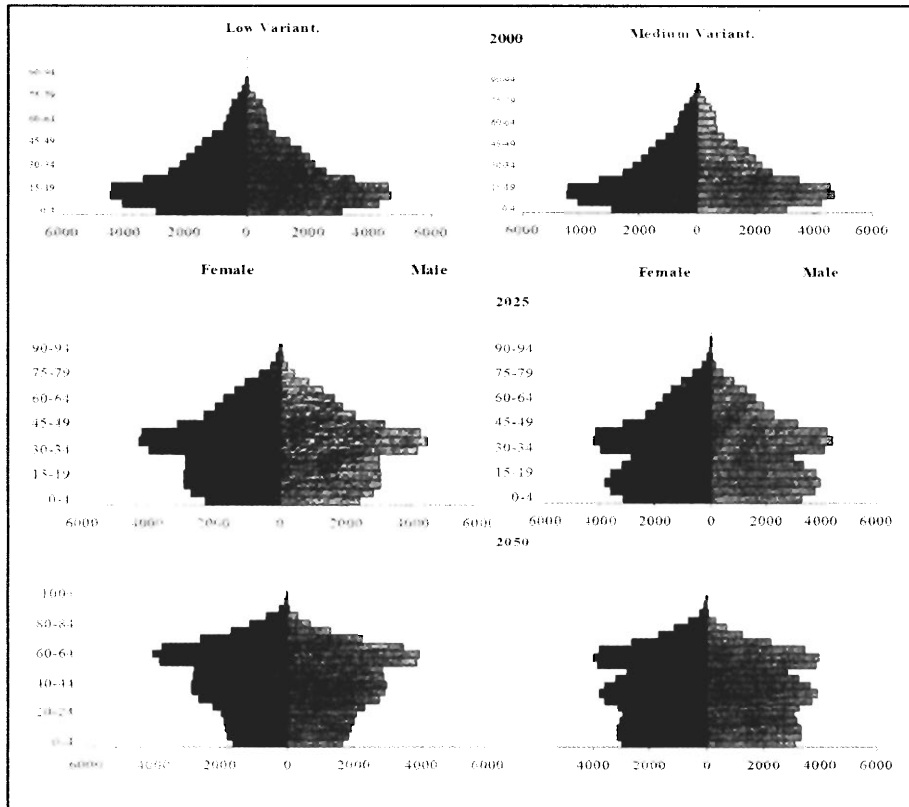
معمولاً به افراد با سن بالاتر از ۶۵ سال که بازنشسته می‌شوند و نیرو و نشاط کاری خود را از دست می‌دهند، سالمند یا سالخورده گفته می‌شود. شاخص سالخوردگی از تقسیم میزان جمعیت ۶۵ ساله و بالاتر به جمعیت زیر ۱۵ سال، ضرب در ۱۰۰ به دست می‌آید که تعداد افراد سالمند به ازای هر صد نفر جمعیت کمتر از پانزده سال را نشان می‌دهد.

افزایش این شاخص حاکی از تغییر در ساختار سنی جمعیت یک کشور به سوی سالمندی است. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر روند فعلی رشد جمعیت و کاهش باروری ادامه پیدا کند، در کمتر از سه دهه، کشور ما به یک کشور سالخورده تبدیل خواهد شد که ابعاد و پیامدهای بسیاری به همراه خواهد داشت. در بعد اقتصادی، با کاهش نیروی کار از میزان ارائه تولید و خدمات کاسته می‌شود، تأثیرات منفی بر پس‌انداز، سرمایه‌گذاری و مصرف ایجاد می‌گردد و در عین حال بار سنگینی از هزینه تکفل سالمندان، اعم از هزینه‌های بازنشستگی، تأمین اجتماعی و درمانی و حمایتی بر جامعه تحمیل می‌شود.

از نظر اجتماعی نیز شاهد ایجاد شکاف نسلی، تغییر در ساختار خانواده‌ها، کاهش

سرمایه‌های انسانی توانمند و نیاز به مراقب‌های روانی و اجتماعی از سالمندان خواهیم بود. از بعد سیاسی و امنیتی نیز یکی از مؤلفه‌های مهم در توان نظامی و قدرت بازدارندگی یک کشور، توانایی حکومت آن برای بسیج کردن مردم جامعه در هنگام بروز جنگ و درگیری‌ها است و جامعه‌ای قادر به بسیج شدن و دفاع از خود در هنگام بروز چنین بحران‌هایی است که درصد بالایی از آن جوان باشند و کشوری با جمعیت سالخورده بسیار آسیب‌پذیر خواهد بود.

هرم‌های سنی جمعیت ایران در سال‌های ۲۰۰۰، ۲۰۲۵، ۲۰۵۰
براساس گزینه‌های رشد کم و رشد متوسط جمعیت^۱



نکته مهم دیگر اینکه، در علم جمعیت‌شناسی به شرایطی که در آن تعداد جوانان و افراد فعال در سنین کار (جمعیت تولیدکننده بین سنین ۱۵ تا ۶۵ سال) به‌طور قابل توجهی بیشتر از سالمندان، کودکان و نوجوانان (جمعیت مصرف‌کننده) باشند، اصطلاحاً «پنجره جمعیتی» گفته می‌شود. این شرایط، نتیجه کاهش باروری و تغییر در توزیع و ترکیب سنی جمعیت

۱. محمودی، تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران.

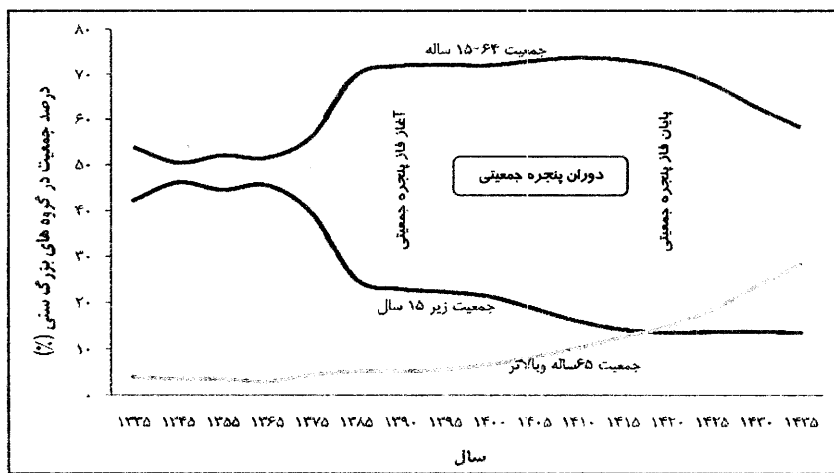
است. به وجود آمدن پنجره جمعیتی، فرصت مغتنمی برای رشد و توسعه اقتصادی یک کشور است که باید از آن خوب بهره‌برداری شود؛ چراکه به‌آسانی قابل تکرار نیست و شاید بتوان گفت در عمر هر ملت ممکن است فقط یک‌بار تجربه شود.^۱

بررسی‌های برخی محققان گویای آن است که جهش اقتصادی برخی کشورهای آسیای شرقی، بیش از هر عاملی، مرهون استفاده از فرصت پنجره جمعیتی بوده است. فارغ از توجه اقتصادی ویژه به پنجره جمعیتی، این شرایط می‌تواند یک فرصت و نعمت خدادادی برای احیای یک ملت در همه ابعاد علمی، فرهنگی، رفاهی و تربیتی باشد که البته مستلزم اتخاذ سیاست‌ها و تدوین و اجرای برنامه‌های مناسب و دقیق است.

کشور ایران با تغییر ساختار سنی از حدود سال ۸۴ وارد پنجره جمعیتی شد که حداکثر سه دهه به طول می‌انجامد. سال‌های اول دهه نود که جمعیت جوان آن (متولدان دهه ۶۰) در بالاترین سطح خود قرار دارند، بهترین وضعیت است.

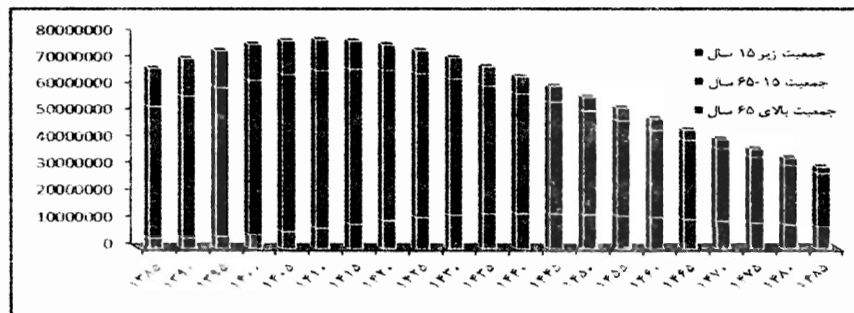
این زمان طلایی در کنار سایر ظرفیت‌ها و منابع موجود در کشور می‌تواند شرایط ویژه‌ای را برای توسعه و پیشرفت ترسیم کند که بهره‌مندی از آن در گرو تعجیل در سیاست‌گذاری و هوشمندی در برنامه‌ریزی‌ها است تا با گام‌های بلند، آینده مقتدری برای نسل‌های بعد ایجاد شود.

نمودار وضعیت تقریبی پنجره جمعیتی در ایران^۲



۱. مشفق، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران؛ میرزایی، «برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران.
۲. مرکز آمار ایران.

نمودار توزیع سنی جمعیت ایران



در ادامه بررسی تحولات جمعیت در ایران باید به موضوع «ظرفیت جمعیتی» کشور نیز توجه شود. منظور از ظرفیت جمعیتی، تعداد جمعیتی است که یک محیط طبیعی با تمام خصوصیاتش، نیازهای آن را به‌طور کامل تأمین کند. ظرفیت و توان جمعیتی هر کشوری را می‌توان با توجه به منابع و امکانات مختلفی همچون زمین‌های قابل کشت، حاصلخیزی خاک، میزان بارندگی، معادن و ذخایر زیرزمینی و میزان توسعه صنعتی و تکنولوژیک مشخص کرد.

ایران دومین دارنده منابع گاز و سومین دارنده منابع نفت جهان است و حدود ۲ درصد از کل منابع معدنی دنیا را در اختیار دارد و زمین‌های کشاورزی وسیع و منابع آبی فراوانی دارد؛ درحالی‌که یک درصد از کل جمعیت جهان را در خود جای داده است.

یکی از شاخص‌های جمعیتی برای نشان دادن ظرفیت جمعیتی یک کشور، محاسبه تراکم حسابی و بیولوژیک است. در حال حاضر، تراکم حسابی جمعیت در ایران حدود ۴۵ نفر در هر کیلومتر مربع و در آسیا حدود ۱۲۰ نفر در کیلومتر مربع می‌باشد.

در ارمنستان و آذربایجان، تراکم جمعیتی نزدیک به ۱۰۰ نفر، در ژاپن نزدیک به ۳۳۶ نفر و در کره شمالی ۱۹۷ نفر در هر کیلومتر مربع می‌باشد. لذا ایران در مقایسه با کشورهای آسیایی جزء کشورهای کم‌تراکم جمعیتی محسوب می‌شود و حتی اگر جمعیت کشور دوبرابر هم شود، تراکم به ۸۶ نفر در هر کیلومتر مربع خواهد رسید.

از سوی دیگر، اگر تراکم بیولوژیک را مبنای محاسبه قرار دهیم، این شاخص نیز در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان کمتر است. متوسط تراکم بیولوژیک در ایران نزدیک به ۴ نفر در هر هکتار می‌باشد؛ اما این نرخ در استان‌های مختلف کشور تفاوت‌های عمده‌ای دارد. برای نمونه، تراکم بیولوژیک استان مازندران ۸/۱، اصفهان ۱۰/۷۵، تهران ۶۰/۷۳ و

آذربایجان شرقی ۲/۷۳ نفر در هر هکتار زمین قابل کشت است. بنابراین با توجه به این تراکم حسابی و بیولوژیک، مشکل کنونی جمعیت ایران توزیع نامتوازن آن و تمرکز حدود ۲۰ درصد جمعیت آن در کلان‌شهر تهران می‌باشد، نه افزایش جمعیت^۱.

از آنجا که امروزه یکی از مشکلات جمعیتی ایران، ناباروری تعداد قابل توجهی از زوج‌های ایرانی است و این امر علاوه بر آثار نامطلوب اجتماعی بر روابط همسران نیز تأثیر منفی می‌گذارد، در انتها به این بحث و راه‌های درمان آن پرداخته می‌شود:

ناباروری

یک. علل ناباروری

ناباروری به معنای عدم توانایی زن یا مرد در بچه‌دار شدن است و علل آن عبارتند از:

- علل مردانه: اشکال در کمیت و کیفیت اسپرم.

- علل زنانه: عدم تخمک‌گذاری، انسداد لوله‌های رحمی، سابقه عفونت‌های دستگاه تناسلی، اشکال آناتومیک در دستگاه تناسلی.

- علل غیرقابل توجهیه: عدم شناسایی علت زنانه یا مردانه برای آن.

این علل با انجام آزمایش‌های ساده قابل تشخیص هستند. امروزه با تکنیک‌های پیشرفته و جدید، راه‌های درمانی بسیاری برای درمان ناباروری وجود دارد. در ادامه عوامل مؤثر بر ناباروری و راه‌های درمان آن را بررسی می‌کنیم:

دو. عوامل مؤثر بر ناباروری

۱. تأثیر تغذیه ناسالم بر ناباروری

یک رژیم غذایی صحیح همراه با فعالیت بدنی متعادل و نیز کنترل وزن، در ایجاد تخمک‌گذاری منظم و افزایش قدرت باروری زنان مؤثر است. همچنین مصرف ویتامین‌های E و C، اسیدفولیک و روی برای تولید تخمک بسیار اثرگذار است. مصرف ویتامین A نیز در بهبود عملکرد غدد تولیدمثل مؤثر است؛ ویتامین‌های گروه B هم برای تنظیم عملکرد غدد جنسی ضروری هستند.

۱. محمودی، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، ص ۱۸.

در مقابل، تغذیه ناکافی و غیرسالم می‌تواند آثار بسیار نامطلوبی بر سیستم باروری بگذارد و حتی عاملی برای ناباروری مردان و زنان گردد. هر ماده غذایی که کالری بیهوده به بدن تحمیل کند، یک ماده غذایی ناسالم محسوب می‌شود که از جمله می‌توان به فست‌فودها، انواع کنسروها، سوسیس، کالباس، چیپس، پفک، نوشابه‌های گازدار، مواد رنگی خوراکی‌ها و بسیاری از شیرینی‌ها و مواد قندی اشاره کرد.

در ضمن، مصرف سوسیس و کالباس و همچنین پیتزا، چیپس و پفک، مزاج سرد و خشک را در بدن ایجاد می‌کند که منجر به کاهش توانایی باروری خواهد شد. یکی از عوارض مشترک این‌گونه مواد، چاقی است و چاقی به دلیل اینکه عامل ایجادکننده تغییرات در هورمون‌های بدن است، می‌تواند در کاهش سن بلوغ در دختران و پسران نقش بسزایی داشته باشد. همچنین می‌تواند بر آزادسازی تخمک و قدرت باروری تأثیر منفی برجای بگذارد.

۲. تأثیر مواد فریزشده بر ناباروری

یکی از راه‌های نگهداری مواد غذایی فریز کردن آنهاست. مدت ماندگاری مواد غذایی در فریزر هرچند با فریز کردن اصولی آنها همراه باشد، به‌ظاهر تأثیری بر عطر و طعم و بوی آنها ندارد؛ اما بر ارزش غذایی آنها تأثیر می‌گذارد؛ به‌ویژه اگر بسته‌بندی نامناسب باشد یا مواد غذایی بیش از زمان استاندارد در فریزر نگهداری شوند. از جمله تأثیرات مواد فریزشده می‌توان به رشد نوعی باکتری به نام «لیستریا» اشاره کرد. لیستریا یکی از میکروارگانیسم‌هایی است که از جفت عبور می‌کند و جنین را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند منجر به سقط گردد. این باکتری در گوشت فریزشده و غذاهای نیمه‌آماده یافت می‌شود.

یکی دیگر از آثار منفی فریز کردن مواد غذایی، از بین رفتن «سلنیوم» است. سلنیوم یکی از مواد معدنی بسیار مفید در پیشگیری از پیری زودرس، روماتیسم، لوپوس و بسیاری از بیماری‌های دیگر است. همچنین در تقویت تولیدمثل، افزایش باروری مرد و رشد جنین مؤثر است. غذاهایی که به‌صورت فرآوری شده درآیند (کنسرو، دودی یا فریزشده) سلنیوم آنها از بین می‌رود.

از نظر طب اسلامی نیز علت عمده ناباروری در زن و مرد، غلبه سردی است که موجب ناتوانی رحم و ضعف اسپرم می‌شود. علت سردی زیاد بدن، استفاده از غذاهای مانده، فریزشده، آماده (فست‌فود) و فرآوری شده (کنسرو شده، سوسیس، کالباس و ...) می‌باشد.

۳. تأثیر شرایط روحی و روانی بر ناباروری

استرس محیطی موجب کاهش تخمک‌گذاری و همچنین افسردگی و اضطراب خواهد شد و بر مغز زنان اثر نامطلوبی خواهد داشت که در نهایت موجب تغییر در میزان هورمون‌های اصلی بدن و در نتیجه ناباروری می‌گردد.

۴. تأثیر نوع لباس بر ناباروری

پوشیدن لباس‌های تنگ و چسبان در مردان، سبب بالا رفتن دمای بیضه و باعث آسیب رسیدن به اسپرم‌ها می‌شود و علاوه بر کاهش قدرت باروری با تحت فشار قرار دادن بیضه‌ها، خون‌رسانی را به آنها مختل می‌کند. همچنین پوشیدن شلوار تنگ در زنان چه بسا علاوه بر عفونت‌های مثانه، با کاهش خون‌رسانی به تخمدان، در درازمدت موجب بروز کیست تخمدانی شود و عفونت‌های قارچی دستگاه تناسلی را به دنبال داشته باشد.

۵. تأثیر فعالیت‌های ورزشی بر باروری

تحرك کافی و ورزش، نقش ویژه‌ای در کلیه مراحل بارداری، تغییرات خاص سن بلوغ و عوارض مربوط به دوران سالمندی دارد. زنانی که تحرك کافی دارند، در دوران بارداری با مشکلات کمتری مواجه می‌شوند. اضافه وزن نه تنها بر قدرت باروری زوج‌ها، که بر سلامت نوزادی که در آینده متولد می‌شود نیز تأثیرگذار است. زنان چاق با ورزش در حد متعادل، چربی اضافی بدن خود را از بین می‌برند و در هورمون‌های جنسی آنها تعادل ایجاد می‌گردد؛ اما ورزش بیش از حد متعادل برای باروری مضر است.

۶. تأثیر تکنولوژی بر ناباروری

توسعه سریع علم و تکنولوژی و پیشرفت در صنعت برق، موجودات زنده از جمله انسان را تحت تابش طیف وسیعی از میدان‌های الکترومغناطیسی حاصل از وسایل برقی، از جمله خطوط انتقال نیروی برق با ولتاژ زیاد، کامپیوتر شخصی، فر برقی، تلویزیون و یخچال قرار داده است.

آنتن‌های BTS تلفن همراه نیز به دلیل آنکه از خود تشعشعات الکترومغناطیسی ساطع می‌کنند، برای انسان خطرناک هستند و قرار گرفتن در معرض امواج این آنتن‌ها برای مدت طولانی و حتی در فواصل کوتاه خطرناک است و عوارض ثابت‌شده‌ای از جمله سردرد، سرگیجه، افزایش فشار خون، مشکلات و تحریکات عصبی در فرد ایجاد می‌کند. این امواج همچنین می‌توانند بر تولید نطفه تأثیرگذار باشند و افرادی که بیشتر در معرض آلودگی‌های صوتی و غیرصوتی قرار می‌گیرند، امکان ناباروری در آنها بیشتر خواهد شد. رایانه‌های کیفی نیز یکی از منابع میدان‌های الکترومغناطیسی شناخته شده‌اند. بسیاری از افراد، این رایانه‌ها را در هنگام استفاده روی پاهای خود قرار می‌دهند که این شیوه به‌ویژه در نوجوانان و جوانان ممکن است موجب بروز برخی اختلالات از جمله در اسپرما توژن شود. به‌علاوه میدان‌های مغناطیسی ناشی از رایانه‌های کیفی می‌توانند از طریق تأثیر بر میزان تحرک اسپرم‌ها، قابلیت‌های تولیدمثلی را دچار اختلال کنند.

۷. تأثیر مواد مخدر و مشروبات الکلی بر ناباروری

از سال‌ها قبل، تأثیر مخرب و منفی مواد مخدر بر سلامت عمومی بدن به‌روشنی ثابت شده است. امروزه نیز اثبات شده که مصرف این مواد، تأثیر مستقیمی بر سلامت جنسی مرد و زن و قدرت باروری آنها دارد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که اعتیاد مادران باعث احتمال کاهش رشد جنین، زایمان زودرس و احتمال سقط جنین و مشکلات تنفسی در او، فشار خون بالا، پائین بودن وزن نوزاد هنگام تولد، تولد نوزاد مرده، جدا شدن زودرس جفت و سندرم مرگ ناگهانی می‌شود. تریاک و هروئین باعث مختل شدن عملکرد تخمدان، بی‌نظمی در چرخه تولید مثل، کاهش رزرو تخمدانی و عملکرد سیستم ایمنی می‌شود. ضمن اینکه مصرف هروئین باعث انتقال سموم آن به جنین می‌شود و نیز از طریق ترشح در شیر مادر به نوزاد انتقال می‌یابد. کوکائین، ماری‌جوآنا، متادون و مورفین نیز سبب اختلالاتی در عملکرد جنسی فرد، کاهش باروری و حتی ناباروری فرد معتاد می‌شود.

مشروبات الکلی نیز می‌تواند از جنبه روانی، جسمانی، رفتاری و ارتباطی بر زندگی جنسی افراد تأثیر بگذارد و آثار نامساعدی را بر نسل باقی بگذارد. کودکانی که از مادران دانه‌الخمیر

متولد می‌شوند، دچار ضعف جسمانی و اختلال روحی هستند. الکل همچنین بر روابط جوانان در اجتماع اثر بسیار نامطلوبی دارد و موجب تحریکات بی‌موقع و نامنظم جنسی و شیوع بیماری‌های مقاربتی در آنان می‌شود.

مصرف الکل در زنان با ایجاد بی‌نظمی در چرخه تولید مثل، موجب تقلیل استعداد باروری و کاهش عملکرد تخمدان می‌شود و با ایجاد اختلال در سیکل قاعدگی، موجب عدم باروری یا سقط جنین و رشد نامناسب جنین می‌گردد.

مصرف الکل در مردان موجب کاهش وزن بیضه‌ها و در نتیجه تجمع هورمون‌های زنانه در آنان می‌شود و با کاهش تعداد و حرکت اسپرم و کاهش سطح تستوسترون، ناتوانی جنسی را به دنبال می‌آورد. علاوه بر این، از آنجا که عنصر رُوی در باروری مردان نقش حیاتی دارد، مصرف الکل موجب می‌شود جذب این عنصر در بدن کاهش یابد و اسپرم‌ها به‌جای حرکت رو به جلو، در اثر کمبود این عنصر به همدیگر چسبیده، موجب کاهش قدرت باروری شوند.

۸. تأثیر مصرف سیگار بر ناباروری

ماده اصلی و اولیه تشکیل‌دهنده سیگار، قلیان و چپق «نیکوتین» است. این ماده، منقبض‌کننده‌ای قوی برای عروق و ایجادکننده تصلب شرایین (کاهش‌دهنده خون‌رسانی به عضو) است. مصرف این ماده سمی در مردان گاهی با ایجاد اختلالات هورمونی در آنها و اشکال در اسپرما توژنز همراه است که موجب تولید اسپرم غیرنرمال و کاهش تعداد و تحرک اسپرم می‌شود.

مصرف سیگار در زنان می‌تواند علاوه بر ایجاد سرطان رحم، به تولید تخمک با مشکلات ژنتیکی، ناباروری یا سقط جنین بینجامد. نیکوتین علاوه بر مادر بر جنین نیز تأثیر می‌گذارد و احتمال افزایش لب شکری و شکاف کام، هیدروسفالی (جمجمه بزرگ) و میکروسفالی (جمجمه کوچک) را چندبرابر افزایش می‌دهد.

قلیان نیز به‌علت داشتن توتون و تنباکو، بر باروری مردان و زنان تأثیرات سوء دارد و ترکیب دود حاصل از قلیان با بخار آب، اثر مخربی بر فرد و به‌ویژه بر جنین خواهد داشت.

۹. تأثیر آفت‌کش‌ها و مواد شیمیایی بر ناباروری

با صنعتی شدن جوامع و تغییر شیوه زندگی، به‌مرور بر انواع گوناگون عوامل خطرناک محیطی افزوده شده که موجب بروز اختلالاتی در فرآیند باروری گشته است. استفاده از هورمون‌ها و

داروهای گوناگون در صنعت پرورش دام و طیور و وجود بقایای آنها در محصولات لبنی و گوشتی، نظیر هورمون‌های استروئیدی دفع‌شده در شیر، افزایش استفاده از مواد سنتتیک و نگه‌دارنده‌ها در صنایع غذایی، در کنار عادات تغذیه‌ای و رژیم‌های غذایی نامناسب و کمبود آنتی‌اکسیدان‌ها و عناصری نظیر روی، سلنیوم و مس در رژیم غذایی روزانه از جمله این عوامل است. فلزات سنگین از جمله سرب نیز می‌توانند از سه راه هوا، آب و غذا وارد بدن انسان شوند و با تأثیر بر سلول‌ها یا هورمون‌های جنسی موجب ناباروری گردند. جذب سرب از هفته دوازدهم تا پایان دوران حاملگی از طریق جفت انجام می‌گیرد. سقط خودبه‌خود، پارگی زودرس مامبران‌ها (پرده‌های جنینی)، زایمان زودرس، مرده‌زایی و کندی در رشد ذهنی طفل با وجود سرب مرتبط است.

فتالات‌ها نیز یکی از استروژن‌های محیطی یا مختل‌کننده آندوکرینی می‌باشند که کاربرد وسیع این ترکیب در ساخت لوازم آرایشی (لاک ناخن، اسپری مو و ...) پوشش داخل قوطی کنسرو، ظروف پلاستیکی نگه‌دارنده مواد غذایی (مواد لبنی و گوشتی) و ظروف نوشابه می‌باشد. تماس حاد و مزمن با فتالات‌ها می‌تواند موجب ایجاد سرطان، کاهش اسپرماتوزن، مهار تولید استروژن^۱، کاهش اندازه فولیکول اولیه، تولد زود هنگام، کاهش پروژسترون^۲ و در نهایت ناباروری گردد.

۱۰. تأثیر روش‌های پیشگیری از حاملگی بر ناباروری

هرچند روش‌های پیشگیری از حاملگی با هدف پیشگیری موقت از بارداری انجام می‌پذیرد، در مواردی ممکن است به ناباروری دائمی بینجامد. برای نمونه، وازکتومی یک عمل جراحی و یک روش دائمی برای جلوگیری از بارداری در مردان می‌باشد. اگر فردی پس از انجام وازکتومی پشیمان گردد و خواهان باز کردن مجدد مجرا شود، از طریق لاپاراسکوپی و جراحی ظریف پلاستیک آن هم با احتمال موفقیت خیلی ضعیف ممکن خواهد بود. مؤلفه مهم در این عمل جراحی زمان است که هرچه فرد سریع‌تر برای جراحی اقدام کند، شانس بیشتری

۱. استروژن یکی از هورمون‌های مهم بدن زنان است که ترشح آن به رشد و تکامل غدد اندومتر

(دیواره داخلی رحم) می‌انجامد و دیواره رحم را برای پذیرش جنین آماده می‌کند.

۲. هورمونی که در تخمدان زنان تولید می‌شود و آنها را برای بارداری آماده می‌کند.

خواهد داشت؛ ولی اگر چندین سال از انجام جراحی وازکتومی گذشته باشد، شانس موفقیت عمل و در نتیجه امکان باروری پائین تر است و حتی گاه به صفر می‌رسد.

۱۱. تأثیر سن بر ناباروری

ازدواج دیرهنگام یا تمایل به دیر بچه‌دار شدن و استفاده از روش‌های پیشگیری از حاملگی به مدت طولانی می‌تواند اصل باروری را به خطر بیندازد. زنان در سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی بالاترین قابلیت باروری را دارند. طی تحقیقات صورت‌گرفته، هرچه بارداری و زایمان زودتر اتفاق بیفتد، احتمال نازایی ثانوی، سرطان‌های تخمدان و پستان، یائسگی زودرس و عوارض مربوط به آن از قبیل پوکی استخوان، بیماری‌های قلبی - عروقی و فشار خون کمتر است.^۱

سه. درمان ناباروری

مراحل بارداری زن را می‌توان چنین برشمرد:

۱. تخمدان‌های زن باید تخمک سالمی آزاد کنند تا بتوانند از لوله‌های رحم (لوله‌های فالوپ) به سوی رحم جابه‌جا شوند.

۲. اسپرم مرد باید بتواند خود را به لوله‌های رحم (لوله‌های فالوپ) برساند.

۳. اسپرم و تخمک باید با هم درآمیزند تا تخمک بارور شده (تخم) به وجود آید.

۴. تخم باید بتواند خود را به دیواره رحم پیوند دهد و از رگ‌های آن غذا دریافت کند تا جنین رشد کند و برای پانزده روز به دیواره رحم پیوندد.

هرگونه نارسایی در هر کدام از این مراحل می‌تواند باعث ناباروری شود.

خوشبختانه در اثر پیشرفت‌های علم پزشکی و خدمات درمانی در ایران، اغلب موارد ناباروری قابل درمان است. ناباروری در ده تا پانزده درصد از زوجها دیده می‌شود که علل آن می‌تواند مربوط به زن یا مرد یا هر دو باشد. حدود ۴۰ درصد از مشکلات ناباروری مربوط به مردان، ۴۰ درصد مربوط به زنان و حدود ۱۰ درصد مربوط به هر دو است. در حدود ۱۰ درصد از زوجها نیز عامل ناباروری هنوز مشخص نیست.

امروزه اگر پس از یکسال رابطه زناشویی منظم و صحیح، بارداری اتفاق نیفتد، ابتدا علت

۱. برای مطالعه تفصیلی درباره عوامل مؤثر بر ناباروری بنگرید به: نامجو، سلامت و باروری از نگاه پزشکی.

ناباروری شناسایی می‌شود. برای این کار در آغاز شرح حال بیمار بررسی می‌شود. از این رو پرسش‌هایی درباره اختلال در عملکرد جنسی زن و شوهر، طول ناباروری و نتایج درمان قبلی، سابقه جراحی‌هایی که فرد انجام داده و نتایج آن، داروهایی که بیمار مصرف می‌کند و آلرژی‌هایی که دارد، شغل بیمار، مصرف موادی که می‌تواند بر ناباروری مؤثر باشد و سابقه فامیلی ناهنجاری‌های مادرزادی پرسیده می‌شود. سپس زن و شوهر معاینه فیزیکی می‌شوند و از آنها تست‌های غربالگری گرفته می‌شود.

پس از روشن شدن علت ناباروری، درمان آن آغاز می‌شود. این درمان‌ها عبارتند از: دارودرمانی، هورمون‌درمانی، عمل جراحی یا ترکیبی از آنها. در مواردی نیز بر تغییر روش زندگی تأکید می‌شود. برای نمونه، از آنجا که چاقی می‌تواند در ناباروری مؤثر باشد، کاهش وزن از طریق اصلاح تغذیه همراه با انجام فعالیت فیزیکی منظم، مانند ورزش روزانه با شدت متوسط همچون پیاده‌روی سریع توصیه می‌شود.

در مواردی از ناباروری، ترکیب اسپرم و تخمک با کمک پزشک انجام می‌گیرد؛ به این صورت که پزشک تعداد زیادی اسپرم شوهر را به داخل رحم زن تزریق می‌کند. در مواردی نیز پزشک، تخمک بالغ زن را در آزمایشگاه با اسپرم شوهر تلقیح می‌کند و سپس با کمک لاپاراسکوپی، رویان را به داخل لوله فالوپ منتقل می‌سازد. در این موارد، زن باید مدتی مراقبت‌های ویژه داشته باشد تا جنین در داخل رحم به اندازه مناسب رشد کند. از آنجا که این نحوه درمان، دوره طولانی مدتی را به خود اختصاص می‌دهد و با دشواری‌هایی روبه‌رو است و نیز از آنجا که گاه رویان منتقل شده به داخل رحم سقط می‌شود، معمولاً چند رویان به داخل رحم زن منتقل می‌شود تا بالأخره یکی از آنها ثمر دهد و زوج متقاضی، صاحب فرزند شوند. این امر در مواردی سبب چندقلوزایی نیز می‌شود.

گاهی تخمک و اسپرم سالم است؛ ولی رحم قابلیت نگهداری جنین را ندارد یا زن مبتلا به نوعی بیماری است که بارداری برای او منع پزشکی دارد. در این گونه موارد پس از ترکیب تخمک و اسپرم، جنین به رحم زن دیگری منتقل می‌شود (رحم اجاره‌ای) و پس از تولد کودک، فرزند به پدر و مادر خود تحویل داده می‌شود.^۱

۱. بنگرید به: اسپروف، اندوکرینولوژی بالینی و ناباروری، ج ۲ - ۱.

نمودار مطالب فصل



پرسش

۱. مراحل انتقالی جمعیت در جهان را توضیح دهید.
۲. سیر تحولات جمعیت در ایران را پس از پیروزی انقلاب اسلامی شرح دهید.
۳. کاهش جمعیت جوان و افزایش سالمندان در ایران چه پیامدهای منفی اجتماعی دارد؟
۴. کدام یک از سیاست‌های کشورهایی که درصدد افزایش نرخ باروری هستند، برای ملت ایران قابل الگو گرفتن است؟

کتابنامه

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۸۴.
۲. نهج البلاغه، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۳. نهج الفصاحه، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۸۲.
۴. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، ۱۳۸۲.
۵. آزاد، پیمان، زندگی بدون احساس گناه، تهران، روشنایی، ۱۳۷۷.
۶. آیت‌اللهی، زهرا، مهارت‌های زندگی خانوادگی در آینه آیات و روایات، قم، دفتر نشر معارف، چ ۲، ۱۳۹۰.
۷. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۷.
۸. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۹. احسان‌بخش، صادق، نقش دین در خانواده، بی‌نا، ۱۳۷۲.
۱۰. احسانی، محمد، «تربیت دینی خانواده»، فصلنامه معرفت، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، شماره ۳۲، مهر ۱۳۸۸.
۱۱. احمدی، محمدرضا، روابط دختر و پسر، قم، معارف، چ ۴، ۱۳۸۶.
۱۲. احمدیه، مریم، موازنه حقوق و اخلاق در خانواده، تهران، شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.
۱۳. اسعدی، سید حسن، خانواده و حقوق آن، مشهد، به‌نشر، ۱۳۸۷.

۱۴. افروز، غلامعلی، روان‌شناسی ازدواج و شکوه همسری، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
۱۵. افشارکهن، جواد و رسول صادقی، «تعامل جمعیت و نظام اجتماعی، رویکردی جامعه‌شناختی به مسأله جمعیت»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۸۵.
۱۶. امینی، ابراهیم، جوان و همسرگزینی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۱۷. ایزدی، سیروس، بحران‌های زندگی زن، تهران، چهر، ۱۳۵۶.
۱۸. ایمانی، محسن، ارتباط با خانواده همسر، تهران، حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.
۱۹. بداغی، فاطمه، اخلاق و حقوق خانواده، تهران، انتشارات حدیث راه عشق، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۸.
۲۰. بستان، حسین و همکاران، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
۲۱. بستان، حسین، جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۲. _____، خانواده در اسلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۰.
۲۳. بلالی، اسماعیل، «رابطه مذهب و خانواده در غرب»، مطالعات راهبردی زنان، تهران، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۴.
۲۴. بنی‌هاشم خمینی، محمد حسن، رساله علمیه مراجع، با همکاری احسان اصولی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۵.
۲۵. به‌پژوه، احمد، ازدواج موفق و خانواده سالم، چگونه؟، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۸.
۲۶. بورنتین، ف، چ، روش‌های درمان مشکلات زناشویی، ترجمه حسن توزنده جانی و نسرین کمال‌پور، مشهد، مرنديز، ۱۳۸۰.
۲۷. بیابانگرد، اسماعیل، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶.
۲۸. پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، سیاست‌ها، راهبردها و راهکارهای کاهش و کنترل طلاق، تهران، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۶.

۲۹. پسندیده، عباس، «سبب‌شناسی آسیب‌های خانواده با تکیه بر منابع اسلامی»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (زن و خانواده)، پیام عدالت، ۱۳۹۰.
۳۰. پناهی، علی احمد، همسرگزینی، چرا و چگونه؟، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۰.
۳۱. پی‌شولتز، دوان و آلن شولتز، سیدنی، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، ۱۳۸۴.
۳۲. تایبر، ادوارد، بچه‌های طلاق، ترجمه توراندخت تمدن، تهران، چکامه، ۱۳۷۲.
۳۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۳۴. تنکابنی، فرید، مرتضی‌الحديث (روایات تربیتی)، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۳.
۳۵. جمعی از نویسندگان، دو ماهنامه علمی - فرهنگی و اجتماعی زنان، حورا، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، شماره ۴۰.
۳۶. جن فیست و گریگوری، نظریه‌های شخصیتی، تهران، روان، ۱۳۹۲.
۳۷. جهانفر، محمد و جهانفر، شایسته، جمعیت و تنظیم خانواده، تهران، اورنج، ۱۳۷۹.
۳۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، مؤسسه اسراء، ۱۳۸۹.
۳۹. حر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة الی التحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌بیت لاحیاء التراث، ۱۳۷۴.
۴۰. حسین‌زاده، علی، «راهکارهای ارتباط مؤثر در میان اعضای خانواده»، نشریه معرفت، سال ۱۸، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۸۸، شماره ۱۴۷.
۴۱. حسینی، حاتم، درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده، همدان، دانشگاه ابوعلی سینا، اداره انتشارات، ۱۳۸۶.
۴۲. حکمت‌نیا، محمود، حقوق زن و خانواده، (نظام حقوق زن)، ج ۳، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۴۳. حوزه علمیه قم، خانواده و مصرف کالاهای فرهنگی جدید، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، هاجر، ۱۳۸۹.
۴۴. دلالی اصفهانی، رحیم و اسماعیل‌زاده، رضا، «نگرشی نو بر ایده‌های جمعیتی»، مجله علوم اجتماعی، مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، شماره ۹، ۱۳۸۶.

۴۵. دهخدا، لغت‌نامه، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۷۷.
۴۶. دهنوی، حسین، گلبرگ زندگی، قم، خادم الرضا، ۱۳۹۰.
۴۷. دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه عباس زریاب، تهران، سازمان آموزش و انتشارات انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
۴۸. دیماتو، ام. رابین، روان‌شناسی سلامت، ترجمه محمد کاویانی و همکاران، تهران، سمت، ۱۳۸۹.
۴۹. رجبی، عباس، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چ ۳، ۱۳۸۶.
۵۰. رجبی، فاطمه، «والدین و چند اصل مهم در تربیت فرزندان»، مجله طوبی، شماره ۲۶.
۵۱. رحیمی‌یگانه، زهرا، خانواده شاد و بانشاط، اصفهان، حدیث راه عشق، ۱۳۸۸.
۵۲. رنجبران، بهاره، تماشای خود در آینه همسر، تهران، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، ۱۳۸۷.
۵۳. روحانی، حسن و همکاران، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.
۵۴. زارعی توپخانه، محمد، «روابط آزاد زن و مرد از دیدگاه آموزه‌های دینی و روان‌شناسی»، معرفت، سال ۲۰، شماره ۴، تیر ۱۳۹۰، شماره ۱۶۳.
۵۵. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، «اختلال در هویت جنسی؛ مهم‌ترین مسئله زنان»، ویژه‌نامه همایش مادری، تهران، مرکز راهبردی جبهه فکری انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.
۵۶. زیبایی‌نژاد، محمدرضا، حسین بستان، و همکاران، آسیب‌شناسی خانواده، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۸.
۵۷. ساروخانی، باقر، طلاق: پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۶.
۵۸. _____، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده، تهران، سروش، ۱۳۷۰.
۵۹. سالاری قاینی، محمد، سحر و جادوگری، تأثیر فال و جادوگری در اختلافات زناشویی، قم، مشهور، ۱۳۸۰.
۶۰. سالاری‌فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی، تهران، سمت، چ ۵، ۱۳۸۸.

۶۱. _____، محمدصادق شجاعی، سید مهدی موسوی اصل و محمد دولتخواه، *بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۹.
۶۲. ستیر، ویرجینا، *آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده*، ترجمه بهروز پیرشک، تهران، رشد، ۱۳۷۰.
۶۳. سرایی، حسن، «گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۳، شماره ۶، ۱۳۸۷.
۶۴. شرفی، محمدرضا، *تا فصل گل شدن: نگاهی به نیازهای روانی و عاطفی فرزندان*، مشهد، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۸۸.
۶۵. شفیعی مازندرانی، سید محمد، *پرورش روح در پرتو چهل حدیث*، ج ۱، قم، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰.
۶۶. شکوهی، غلام‌حسین، *تعلیم و تربیت و مراحل آن*، تهران، به‌نشر، ۱۳۸۷.
۶۷. شهبازی، طاهره و مریم رجبی، *مدیریت خانواده*، تهران، تعاونی کارکنان سازمان آموزش و پرورش، چ ۲، ۱۳۸۵.
۶۸. شهیدی، شهریار، *اصول و مبانی بهداشت روانی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱.
۶۹. عباسی شوازی، محمدجلال، «ارزیابی روش فرزندان خود برای برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵»، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.
۷۰. شیدی، شهریار و مصطفی حمدیه، *اصول و مبانی بهداشت روانی*، تهران، سمت، ۱۳۸۱.
۷۱. صدوق (ابن بابویه)، محمد بن علی، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق.
۷۲. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، *مختصر حقوق خانواده*، تهران، میزان، ۱۳۸۴.
۷۳. _____، *حقوق خانواده*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۶، ۱۳۷۷.
۷۴. طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم، شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.
۷۵. طوسی، اسدالله، *ارتباط با خداوند در خانواده*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۷۶. _____، *همسران شایسته*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۹۱.

۷۷. عاطف وحید، محمد کاظم، فهیمه فتحعلی لواسانی، احمدرضا محمدپور، مهارت‌های ارتباطی همسران، مشهد، آهنگ قلم، ۱۳۸۸.
۷۸. عباسی شوازی، محمدجلال، «ارزیابی نتایج فرزندان خود در برآورد باروری با استفاده از داده‌های سرشماری»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.
۷۹. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، تهران، راهنما، ۱۳۶۹.
۸۰. علاسوند، فریبا، «تعامل خانواده و دولت»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (زن و خانواده)، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰.
۸۱. _____، زن در اسلام، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، مرکز نشر هاجر، ۱۳۹۰.
۸۲. _____، مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، تهران، سروش هدایت، ۱۳۸۶.
۸۳. علوی، سید جعفر، مهارت‌های زندگی با نگاه دینی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چ ۳، ۱۳۹۱.
۸۴. علیزاده، میرزا، مثبت‌اندیشی یا منفی‌نگری، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ ۸، ۱۳۹۰.
۸۵. علی محمدی، کاظم، اشتغال یا خانه‌داری، کدام‌یک؟، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۷.
۸۶. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، شهرزاد، ۱۳۸۹.
۸۷. غلامی، یوسف، راز یک فریب، قم، دفتر نشر معارف، چ ۱۲، ۱۳۹۱.
۸۸. فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی ستیزه‌های خانواده و طلاق، تهران، منصوری، ۱۳۷۲.
۸۹. فریتس، مارک و اسپروف، اندوکرینولوژی بالینی، ترجمه و تدوین دکتر الهام السادات هاشمیان نائینی، تهران، تیمورزاده نوین، ۱۳۹۱.
۹۰. فیاض‌بخش، محمد تقی، کرامت نفس در تربیت کودک، تهران، فردافر، ۱۳۸۹.
۹۱. فیض‌الاسلام، سید علی نقی، ترجمه و شرح صحیفه کامله سجادیه، تهران، فقیه، ۱۳۷۷.
۹۲. قائمی، علی، خانواده و مسائل همسران جوان، تهران، امیری، ۱۳۸۳.
۹۳. قربانی، فرج‌الله، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشور، ۱۳۸۱.
۹۴. کشوادی، طاهره، اقتصاد خانواده، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۸۶.

۹۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *اصول الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۹۶. کاتوزیان، ناصر، *دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده*، تهران، مؤسسه نشر یلدا، ۱۳۷۵.
۹۷. کید، وارن و لیز استیل، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*، تهران، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۷.
۹۸. کی‌نیا، مهدی، *مبانی جرم‌شناسی*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
۹۹. گاردنر، ویلیام، *جنگ علیه خانواده*، ترجمه معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، چ ۲، ۱۳۸۷.
۱۰۰. گرجی، ابوالقاسم، *بررسی تطبیقی حقوق خانواده*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
۱۰۱. _____، *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی گروه پژوهشی قرآن و حدیث، ۱۳۸۷.
۱۰۲. گلزاری، محمود، *ارتباط آگاهانه با جنس مخالف*، تهران، مؤسسه نشر مهر، ۱۳۹۱.
۱۰۳. لمبروزو، جینا، *روان‌شناسی زن*، ترجمه پری حسام شهرنیس، تهران، دانش، چ ۴، ۱۳۸۰.
۱۰۴. لیشی واسطی، علی بن محمد، *عیون الحکم و المواعظ*، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶.
۱۰۵. لیز استیل - ورن کید، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی مهارتی خانواده*، ترجمه فریبا سیدان و افسانه کمالی، تهران، انتشارات دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۸.
۱۰۶. المتقی الهمدی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۱۰۷. مجلسی، محمدباقر، *بحارالانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۱۱۰ ق.
۱۰۸. محبی، فاطمه، *بررسی علل و عوامل مؤثر بر طلاق زنان*، تهران، سازمان ملی جوانان، ۱۳۹۰.
۱۰۹. محقق داماد، سید مصطفی، *بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۰.
۱۱۰. _____، *بررسی فقهی حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، چ ۱۰، ۱۳۸۲.
۱۱۱. محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمة*، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۹.

۱۱۲. محمودی، محمدجواد، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، تهران، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور، ۱۳۸۹.
۱۱۳. _____، «پیر و سالخورده یا جوان و با نشاط»، ویژه‌نامه جمعیت ایران ۱۴۱۰، تهران، مؤسسه فرهنگی، مطبوعاتی ایران، ۱۳۹۰.
۱۱۴. _____، «تحولات جمعیتی، چالش‌های پیش‌رو و لزوم تجدیدنظر در سیاست‌های جمعیتی ایران»، برداشت دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، ۱۳۸۹.
۱۱۵. مشفق، محمود، بررسی چالش‌ها و مسائل انتقال جمعیتی در ایران، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه، گزارش طرح پژوهشی، ۱۳۸۹.
۱۱۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی، «انسان و میل به جاودانگی»، پاسدار اسلام، سال ۱۵، شماره ۱۷۵، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان، ۱۳۸۸.
۱۱۷. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۹.
۱۱۸. _____، حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۷۶.
۱۱۹. _____، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
۱۲۰. مظاهری، حسین، اخلاق در خانواده، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۱.
۱۲۱. معین‌الاسلام، مریم، «چشم‌اندازی بر برخی تربیت‌های دینی از سوی رسول اعظم (ص)»، مجله پیام زن، شماره ۱۷۹ و ۱۸۰، ۱۳۸۵.
۱۲۲. مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی و اجتماعی زنان، ۱۳۸۲.
۱۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
۱۲۴. منطقی، مرتضی، چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران، شماره ۲۸، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، تهران، مرکز اطلاعات مدارک علمی ایران، ۱۳۸۱.
۱۲۵. مهدوی‌کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۶.
۱۲۶. مهرپور، حسین، مباحثی از حقوق زن، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.
۱۲۷. موریش، ایور، درآمدی بر جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳.

۱۲۸. میرزایی، محمد و عباس عسگری ندوشن، «برنامه‌های توسعه، رویدادهای سیاسی بین‌الملل و جهت‌گیری مباحث جمعیت‌شناختی در قرن بیستم»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۱، ۱۳۸۵.
۱۲۹. میشل، اندره، جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.
۱۳۰. ناصحی، عباسعلی، «میزان سازگاری زناشویی در دانشجویان ساکن خوابگاه»، اندیشه و رفتار، شماره ۳۷ و ۳۸، تابستان و پاییز ۱۳۸۳.
۱۳۱. نامجو، بتول، سلامت و باروری از نگاه پزشکی، تهران، انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده، ۱۳۹۲.
۱۳۲. نامعلوم، فریادگر توحید، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی اهل بیت ع، قم، انصاری، چ ۱۳، ۱۳۸۵.
۱۳۳. نمازی، حسین، نظام‌های اقتصادی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ ۱، ۱۳۷۴.
۱۳۴. نوابی‌نژاد، شکوه، «آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده»، مجموعه مقالات سومین نشست اندیشه‌های راهبردی (زن و خانواده)، تهران، پیام عدالت، ۱۳۹۰.
۱۳۵. _____، مشاوره ازدواج و خانواده درمانی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۶.
۱۳۶. نوری طبرسی، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت ع، ۱۴۰۸ ق.
۱۳۷. هادوی تهرانی، مهدی، ضوابط شرعی اشتغال بانوان، قم، پیام حوزه، ۱۳۷۶.
۱۳۸. هاشم‌زاده شورجه، زهرا، «تربیت فرزند در خانواده‌ها؛ بایدها و نبایدها»، مجموعه مقالات همایش ملی راهبردهای تحکیم نهاد خانواده، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۹.
۱۳۹. هاشمی کاوندی، مجتبی، مقدمه‌ای بر روانشناسی زن، قم، شفق، چ ۳، ۱۳۷۸.
۱۴۰. هدایت‌نیا گنجی، فرج‌الله، «ارزیابی قوانین خانواده»، مطالعات راهبردی زنان، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، روابط عمومی، ۱۳۸۳.
۱۴۱. هلر، اگنس، زنان، جامعه مدنی و دولت، ترجمه سحر سجادی، جنس دوم، تهران، توسعه، ۱۳۷۸.

۱۴۲. یعقوبی، احمد بن ابویعقوب، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی بیرجندی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۶.

۱۴۳. _____، *مجموعه قوانین و مقررات خانواده*، تهران، معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، ۱۳۹۰.

144. A. M. Argyle, "The Psychology of Happiness", *Routledge*, 2001.
145. Bleske, A. L. & Buss, D. M. "can men and women be just fri-ends?" *personal relationships*, No. 7, 2000.
146. C. Russell, "Transittion to Parenthood", *Journal of Marriage and the family*, No. 36, 1968.
147. Carry et al, *Sociology for the Twenty - first Century*.
148. H. Feldman, *The Effects of children on the family*.
149. James, W. H., Wst, c., Deters, k. E., & Armihio, E. *Youth da-ting violence. Adolescence*, No. 35, 2000.
150. Jonathan Bradshaw and Naomi Finch, *A comparison of child benefit packages in 22 countries*, Printed by The Charlesworth Group (Huddersfield, UK) 2005.
151. Joyner, k., & udry, J. R. "you don't bring me any thing but down: Adolescent romance and depression" *Journal of health and So-cial Behavior*, No. 41, 2000.
152. L. Hafman, the Value of Children to Parceedings of the American, *Philosophical Society*, Vol 119, No. 6, 1975.
153. R. Mc care and P. Costa, *Personality in Adulthood*, GuliforD, Press, 2003.



Science of family and population

A Group of Authors



نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها
دانشگاه معارف اسلامی
معاونت پژوهشی



نشر معارف

دفتر نشر معارف

تلفکس: ۰۲۵-۳۷۷۴۰۰۰۴

ISBN: 978-964-531-583-0



9 789645 315830

قیمت: ۷۰۰۰ تومان